

ملاش



گردش در نمایشگاه



کوههای البرز از
نمایشگاه آسیائی



منظره عمومی نمایشگاه
آسیائی تهران



غرفه قالی ایران



غرفه آمریکا در نمایشگاه



منظره دیگری از
نمایشگاه آسیائی



گردش در نمایشگاه



کوههای البرز از
نمایشگاه آسیائی



منظره عمومی نمایشگاه
آسیائی تهران



غرفه قالی ایران



غرفه آمریکا در نمایشگاه



منظره دیگری از
نمایشگاه آسیائی



چند اندیشه تلاش

درباره چند مطلب این شماره تلاش از افق های دور و نزدیک ، از کره ماه و از حلقه های دوستی انسان ها و از روی زمین و از گردهای د.د.ت و ترن هایی که بر روی لحاف هوا حرکت می کنند و دیگر چیزها خوشه چین برایتان دانه های اندیشه آورده و هم سعی کرده از هر دانه ثمره ای برگیرد. ثمره ای از فکرها و اندیشه ها و انتقادات ...

تبریز شهر ده دروازه مردمانی زحمتکش قوی وقاطع و راستگودارد بادوستی های عمیق و دور از تظاهر. این مقاله با نظر آقای مصطفوی که خود از اهالی آذربایجان است تهیه شده تصاویر رنگی و سیاه و سفید آنرا که برای تلاش تهیه شده نباید در جای دیگر دیده باشید.

نیروی انسانی در کشور چگونه است و چگونه باید باشد؟ شاپور راسخ در این مطالعه سابقه یازده ساله دارد و کوشش کرده در مقاله ای که در ص ۱۶ آمده باین سؤالات پاسخ گوید. آیا پاسخ های او تو خواننده عزیز تلاش را قانع می کند؟

پژوهشی نو درباره نگاهداری مواد غذایی و محصولات کشاورزی بوسیله پرتو های هسته ای، مطالعه و تحقیقی است نو و تازه که در کشور ما بعمل آمده ، این مقاله را آقای دکتر ناصر روحانی زاده مدیر گروه تحقیقات علوم زیستی مرکز اتمی دانشگاه تهران در ص ۱۹ نوشته است.

آقای دکتر امین رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر طرز کار و راه و روش و برنامه های آینده دانشگاهی را که اداره می کند در ص ۲۵ با خوانندگان تلاش در میان می گذارد و جواب های او سؤالاها در اذهان خواننده بیدار می کند.

چاقی چیست؟ این ، بقول متجددهای زمان ما، همان بلای خانمانسوز و درد آفرین است که هر کس باید از آن فرار کند بعضی هم توصیه می کنند که باید بهتر ترتیب و هر قیمت شده از این بلا خود را بدور نگاهداریم ولی آیا راست می گویند؟

این مساله جالب و آموزنده را آقای دکتر بهرام تدین طرح کرده و پس از یک بحث علمی سعی می کند راه های درست زیستن را هم نشان دهد. (در صفحه سی و سه) صومعه سن تادئو آذربایجان در قرن نهم میلادی ساخته شده و در سال ۱۳۲۹ پس از خرابی بر اثر زلزله از نو بنا گردید. سبک معماری و دکوراسیون آنرا هرمان واهرامیان با آخرین عکس هایی که در دست است شرح می دهد.

نویسنده با ذوق آقای عنایت الله بیکلریگی مقاله نقش زن در امریکا را که حاوی اطلاعات جامعی است از ممالك متحده برای ما فرستاده است. بیکلریگی زن امریکائی



مهین اسکوئی



عنایت الله بیکلریگی



عبدالحسین آموزگار



دکتر حمید نطقی



زاله صبا



دکتر امین



منوچهر یکتائی

را از دید یک مرد ایرانی مورد مطالعه قرار داده است (در صفحه سی و هشت) اهمیت مواد غذایی پروتئین دار توسط دکتر محمدنایی استاد دانشگاه نوشته شده و اطلاعات کافی درباره پروتئین ها بخواننده می دهد و او را راهنمایی می کند. (در ص ۴۴)

آقای آموزگار مدیر روزنامه «آفتاب شرق» مشهد درباره کار روزنامه نگاری و خوانندگان شهرستانی نظرهایی را با شما در میان می گذارد و از خواننده و نویسنده امروزی برایتان حرفها دارد (در ص ۴۶)

مصاحبه کوتاهی داریم با خانم مهین اسکوئی کارگردان نمایشنامه صاعقه. مهین اسکوئی می گوید من به نمایشنامه نویسان

اواخر قرن نوزدهم عشق میورزم و علاقه عجیبی بآنها دارم چخوف و گورکی و برنارد شاو را دوست دارد اما باتماشگر ایرانی و مردم علاقمند به تئاتر هم سخنانی دارد. (ص ۴۸)

آقای علی غفاری یک دانشجوی ایرانی در لندن عقاید و نظریاتی درباره برخورد اولیه یک جوان ایرانی را با فرهنگ غربی شرح میدهد که در صفحه ۵۰ درج شده است.

راستی بالاخره ماشین حسابگر برقی آدم را اداره خواهد کرد یا آدم ماشین حسابگر را؟ در صفحات ۵۲ و ۵۳ چند کاریکاتور از درم بخش داریم که مشکلات بشر امروز در برخورد بامشین و کمپیوتر را نشان می دهد. بازاله صبا که تحصیلاتش درباله می باشد و یک سلسله برنامه های تلویزیونی بنام شناسایی باله ترتیب داده گفتگو کردیم و هدفش را جویا گشتیم که در صفحه ۵۴ برایتان آورده ایم.

مهندس کامران دیبا می گوید باید صبر کنیم ، در همه چیز ... و آرشیکت باید همه کاره باشد و حرفهای دیگر درباره شهر و شهرسازی و نقش معمار و بنا دارد که در صفحه پنجاه و هفت آمده است.

دوئینه غذای زمستانی اکثر روستائیان کرمانشاه و کردستان است (در صفحه ۶۶) منوچهر یکتائی که شاید در امریکا و اروپا شهرتی بیش از ایران دارد و شاعر و نقاش زمان ما است می گوید که خودش را شاعر و نقاش نمی داند راستی چرا؟ در صفحه ۶۸ این بحث را خواهید خواند.

جزیره قویون داغی کجاست؟ دکتر اسمعیل اعتمادی باین سؤال جواب می دهد. و مطالب جالب و شیرین و نوی برای خوانندگان تلاش دارد درباره این جزیره که نام پناهگاه خزندگان و پرندگان بخود گرفته است. در ص ۷۴

مجید رهنما درباره رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر مطالبی در صفحه هشتاد و یک دارد.

داستان لطیف و زیبایی هم دکتر حمید نطقی برای خوانندگان تلاش از اروپا ارمغان آورده است. در ص ۸۴ رویدادها انعکاسی است محدود از فعالیت های نامحدود کشورمان در ص ۸۹ و هفت ضمیمه داریم درباره علوم، کتابها، کدبانو، ورزش ، قوانین، هنر و بریده چاپ شده ها.

تعداد عکس های این شماره تلاش : عکس های رنگی : بیست و هفت عدد عکس های سیاه و سفید : بیش از سیصد عدد.

تعداد صفحات این شماره تلاش با ضمیمه ها : ۲۷۸ صفحه.

گناه کردن پنهان به از عبادت قاش

گناه کردن پنهان به از عبادت قاش
 چشم عجب و تکبر نگه بخلق مکن
 در این زمین که تو هستی ملوک طبعانند
 چشم کوتاه اغیار در نمی گنجد
 کرم کنند و ندارند بر کسی منت
 زدیکان لیسمان چو دود بگریزند
 دل از محبت دنیا و آخرت خالی
 بسیکردی در حضرت خدای قبول
 قدم زنند بزرگان دین و دم زنند
 کمال بخت خسر دهند نیکم و آنست
 مقام صلاح و فاجر هنوز پیدا نیست
 اگر ز مغر حقیقت پوست خرسندی
 مراد اهل طریقت لباس ظاهرنیت
 از آنچه فیض خداوند بر تومی باشد
 چو دور دور تو باشد مراد خلق بده
 نه صورتیست مزخرف عبارت سعدی
 که بر قصیت مرصع بلبل مرواید

اگر خدای پرستی هوا پرست مباش
 که دوستان خدا ممکنند در او باش^(۱) بوی برسی
 که ملک روی زمین پیشان نیز دلاش
 مثال چشمه خورشید و دیده خفاش
 قفا خورند و بخوبیند با کسی برخاش
 نه دست کفچه کنند از برای کاسه شش
 که ذکر دوست توان کرد یا حساب شش
 میان خلق برندی و لا ابا لی قاش
 که از میان تنی بانگ میزند خشاش
 که سرگران نمکند بر قلندر او باش
 نظر بحسن معا دست فی بحسن معاش
 تو نیز جامه آرزو پوش و سر نیز اش^(۲) نیک بانی تده
 کمر خدمت سلطان ببند و صوفی باش
 تو نیند در قدم بندگان حق میباش
 چو دست دست تو باشد درون کس مخراش
 چنانکه بر در گریه میکند نقاش
 فرو گذاشته بر روی شاد جاش^(۳) شاد و دلش
^(۴) از سعدی (مشرف الدین)
^(۵) تولد: سال ۵۶۳ شمسی فوت: ۶۶۹

نویندگان و گویندگان مسئول نوشته یا گفتاری خود هستند.
 محل اداره: خیابان شاه - کوچه جم - شماره ۲۷ - با ۲۵ ریال

شماره نوزدهم
 آبان - آذر ۱۳۴۸

تلاش



روی جلد از: قباد شیوا

عکس‌های رنگی از: ر. نگاه. ملك عراقی
عکس‌های سیاه و سفید: تبریز قدیم چندعکس از
کلکسیون آقای منوچهر فرمانفرمائیان و چندعکس
از کتاب‌های قدیمی
عکس مقالات از: ملك عراقی. ژورس.
طرح‌ها از: قباد شیوا
کاریکاتورها از: درم‌بخش
خطاطی: حسن فروغی
ترتیب صفحات: با همکاری فرشید مثقالی و قبادشیوا

چاپ سکه

صفحه	مطالب
۴	در دنیای کنونی ... بیانات شاهنشاه آریامهر
۶	از هر خرمین دانه‌ای خوشه چین
۹	تبریز شهر ده دروازه محمد حسین مصطفوی - محمد بلوری
۱۶	بررسی نیروی انسانی دکتر شاپور راسخ
۱۹	نگاهداری مواد غذایی دکتر ناصر روحانی زاده
۲۵	اگر يك نفر مدير بخوهد ... دکتر امین
۳۰	نسل پیر. نسل جوان محمد آسیم
۳۳	چاقی دکتر بهرام تدین
۳۷	همچون درختان جواد فقیهی
۳۸	صومعه سن تادئو آذربایجان هرمان و اهرامیان
۴۱	باز رنگ‌ها صدا در می‌آید محمد بلوری
۴۲	نقش زن عنایت‌الله بیگلریگی
۴۴	اهمیت مواد غذایی پروتئینی دکتر محمد نایی
۴۶	تیراز واقعی يك نشریه عبدالحمین آموزگار
۴۸	من به نمایشنامه‌نویسان عشق می‌ورزم مهین اسکویی
۵۰	برخورد اولیه يك جوان ایرانی با فرهنگ غربی علی غفاری
۵۴	درباره هنرباله ژاله صبا
۵۷	درباره ایران و ایرانیان
۵۸	ما باید صبر کنیم در همه چیز مهندس کامران دیا
۶۶	دوئینه ابوالفضل بخشیان سمنانی
۶۷	کاش جای او بودم جواد رحیمی
۶۸	حرفه‌های درباره‌هنر منوچهر یکتائی
۷۴	کوه گوسفند دکتر اسماعیل اعتمادی
۸۱	رشیدالدین فضل‌الله مجید رهنما
۸۴	شوشه شراب دکتر حمید نطقی
۸۹	فهرست رویدادها

این شماره ۷ ضمیمه: علمی، کتاب، ورزش،
کدبانو، قوانین، بریده چاپ شده و هنری همراه
دارد.

سخنان شاهنشاه آریامهر در ضیافتی که بافتخار صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری مجارستان برپا شده بود .

در دنیای کنونی اختلاف سیستم‌های حکومتی و تفاوت اصول اداره اقتصادی نمیتواند و نباید مانع همکاری مثبت و مولد کشورها گردد

حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری مردم مجارستان .
برای من مایه کمال خوشوقتی است که مقدم آن حضرت و بانو را بکشور خودشادباش بگویم . من از مسافرت خود در سال ۱۹۶۶ بکشور شما و پذیرائی گرم و صمیمانه دولت و ملت مجارستان خاطره‌ای بسیار مطبوع دارم و اطمینان دارم که آن حضرت نیز در سفر کنونی خود به ایران همه‌جا با همین احساسات مودت آمیز و پر از صمیمیت مواجه خواهند شد .
هرچند مسافرت آن حضرت به کشور من نخستین سفر رسمی یک رئیس کشور مجارستان به ایران است ولی رابطه کنونی دو کشور مایک رابطه تازه نیست ، بلکه رابطه‌ای است که امروز نزدیک به پنج قرن از آغاز آن میگذرد . زیرا از سال ۱۵۲۳ که نخستین نماینده سیاسی دربار ایران به مجارستان اعزام گردید تاکنون دولت ما پیوسته بایکدیگر ارتباط داشته‌اند و این رابطه بخصوص در زمینه‌های فرهنگی و علمی و هنری رابطه‌ای بسیار نزدیک بوده است .
در این مدت بسیاری از آثار ادبیات فارسی به زبان مجار ترجمه شده و در عوض آثار متعددی از ادبیات مجارستان بفارسی انتشار یافته است .
محافل ادبی ما به کرات از شاعر بزرگ قرن هیجدهم مجارستان «میخالی ویتز» نام میبرند که نه فقط اشعار حافظ را بزبان مجار ترجمه کرد بلکه خودش اشعار فراوانی به سبک شعر فارسی سرود .

عده‌ای دیگر از شعرا و ادبای مجارستان ترجمه‌های متعددی از فردوسی ، خیام ، مولوی سعدی و غیره انتشار دادند . در اوائل قرن گذشته حتی یک دستور زبان فارسی در بوداپست

بچاپ رسید و یکی از بهترین سفرنامه های اروپائی مربوط به ایران سفرنامه ای است که «وامبری» دانشمند مجارستانی درست یکصدسال پیش ازین در شرح سفر خود بایران در بوداپست چاپ کرد . این سفرنامه که منبع اطلاع گرانبھائی برای تاریخ قرن نوزدهم ایران است اخیرا بفرسی نیز ترجمه و چاپ شده است .

از طرف دیگر رشته مطالعات ایران شناسی در مجارستان همواره دارای اهمیت خاص بوده است . هم اکنون در دانشگاه بوداپست کرسی ویژه ای برای تدریس زبانهای باستانی ایران و زبان ادبیات فارسی وجود دارد که از بهترین مراکز نوع خود در اروپا است و من خود در گفتگو با استادان این رشته، که چندی پیش برای شرکت در کنگره جهانی ایران شناسان بایران آمده بودند ، با خرسندی دریافتم که هریک از ایشان در این زمینه کتابهای تحقیقی متعددی نیز تالیف و منتشر کرده اند . در مقابل تذکر این نکته مایه خوشوقتی است که تاکنون بسیاری از آثار مهم نظم و نثر مجار بزبان فارسی ترجمه شده و عموما با استقبال بسیار مواجه گردیده است . خوشبختانه در سالهای اخیر این رابطه دیرین فرهنگی بارابطه نزدیک اقتصادی و فنی استوارتر شده است و دو کشور ما دوران همکاری ثمربخشی را در این زمینه آغاز کرده اند که یقینا بازهم توسعه بیشتری خواهد یافت . من درسفر خودم به کشور شما شاهد پیشرفتهای وسیع درهمه رشته های صنعتی و کشاورزی و علمی و فرهنگی بودم و میدانم که از آن هنگام تاکنون بازهم موفقیت های کامل تری درهمه این رشته ها نصیب شما شده است . کشور ما نیز بطوریکه آن حضرت اطلاع دارند، اکنون دوران توسعه همه جانبه ای را در این زمینه آغاز کرده است و بنابراین مسلم است که تقویت همکاریهای اقتصادی و بازرگانی و فنی و فرهنگی دو کشور ما عامل موثری در پیشرفت برنامه های وسیعی خواهد بود که اکنون در هر دو مملکت در دست اجرا است .

خوشبختانه ما و شما هر دو بدین واقعیت اعتقاد داریم که در دنیای کنونی اختلاف سیستم های حکومتی و تفاوت اصول اداره اقتصادی نمیتواند و نباید مانع همکاری مثبت و مولد کشورها گردد و بهترین دلیل این که چنین همکاری میتواند صورتی کاملا ثمربخش داشته باشد، توسعه روزافزون روابط اقتصادی و فرهنگی دو کشور ما در سالهای اخیر است . چنین همکاری نه فقط عامل موثری در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ملت های ما است ، بلکه مسلما عامل قابل اعتمادی در تقویت صلح جهانی است که ما صمیمانه هوادار آن هستیم . برای تضمین صلح اتخاذ راه حل های عاقلانه و واقع بینانه ضرورت حیاتی دارد و مسلما مهمترین این راهها همکاری مثبت ملت ها است .

حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری مردم مجارستان ،
اجازه دهید تقویت هرچه بیشتر صلح در جهان ، توسعه روزافزون روابط دو کشور ما ،
سعادت و سلامت شما و بانو و ترقی و رفاه روزافزون ملت دوست و نجیب مجارستان را
آرزو کنم .

انهرمن دانه‌ای



وقتی دارو به زهر تبدیل می‌شود

از همان آغاز هم اصل بر تعادل بود.

همان تعادلی که آدم‌ها و انسان‌های واقعی آنرا بازمی‌شناسند و هر آینه بهم بخورد همه چیز را در هم می‌ریزد.

از تریاک، قدام بعنوان دارو استفاده می‌کردند و امروز هم در بسیاری از داروهای غرب تریاک و مشتقات آن مورد استفاده است اما اگر تعادل در مصرف آن در نظر گرفته نشود زهر است.

یادم هست وقتی د. د. ت. را فرنگی‌ها کشف کردند و مورد استفاده قرار دادند فریاد احسنت و بارک‌الله از همه‌دهانها شنیده شد. د. د. ت. موجب شد که گروهی از حشرات مضر برای کشاورزی از بین برود و بهره‌های بیشتر و فراوان‌تر و بهتر از زمین بدست آید.

تا آنجا که مصرف آن در دنیا بگفته روزنامه‌های معتبر فرنگی به يك میلیارد و پانصد تن در سال گذشته رسید.

و اینك بعنوان يك خطر برای بشریت از این دارو گفتگو می‌شود. و این گفتگو را همان دانشمندانی می‌کنند که در آزمایشگاهها د. د. ت. را یافتند. چندی پیش چندین کشور استفاده از د. د. ت. را ممنوع اعلام کردند.

در چندین کشور هم قوانینی در شرف تصویب است که استفاده از آنرا قدغن کنند. در کشورهای دیگر هم استفاده از آنرا سخت محدود و مشروط کرده‌اند.

چون زنبورهای عسل، ماهی‌ها، پرندگان و گوسفندها که در نزدیکی باطلاق‌ها یا مزارع و یا باغهاستانها و خانه‌هایی که بوسیله د. د. ت. سم‌پاشی می‌شود زندگی می‌کردند گروه گروه از بین می‌روند و در باره مسموم شدن گوشت آنها هم که زنده می‌مانند بحث‌ها در گرفته است.

حیف که این هزارها سال تجربه انسانها و این هزارها سال گفته بزرگان را باز انسانها فراموش می‌کنند که تعادل و میانه روی را از دست نگذارند.

تعادل و میانه روی اگر بکار بسته شود، در همه شئون و همه چیز و همه کار، کلید اصلی راه و روش‌های درست است با این «نسخه تعادل» از زهر می‌توان دارو ساخت و بدون آن، بدون شك داروها هم زهر می‌شود.

کی این‌انسان‌چه شرقی چه غربی چه پیشرفته و چه در حال پیشرفت، آن کلید تعادل را برای گشایش همه درهای بسته بکار خواهد بست؟

صنعت و انتقاد

امروز هر صنعت و هر بهره برداری برای آنکه باقی بماند باید در راه پیشرفت باشد چون امروز ثابت شده که هیچ صنعتی و هیچ تشکیلات وابسته بدان نمی‌تواند متوقف گردد و در هر توقفی خطر رکود هست و در هر رکودی خطر نابودی.

و نیز هیچ محصولی نمی‌تواند بدون نظر مصرف کننده، در دنیای رقابت صنعتی و در دنیایی که هر تولیدکننده‌ای در مقابل مصرف کننده مسئولیت دارد مورد قبول قرار گیرد مگر آنکه مصرف کننده درباره آن محصول نظر دهد و خوب و بد آنرا بگوید.

این اظهار نظر در باره چگونگی محصول: انتقاد نام دارد و همین ارزیابی خوبی‌ها و کمبودهای يك جنس و متاع است که مصرف کننده را در استفاده یا عدم استفاده از آن مصمم می‌سازد.

نتیجه تصمیم مصرف کننده، موجب ترقی و پیشرفت شرکت تولید کننده، یا ور شکستگی آن می‌شود. امروز موسسات بزرگ تولیدی دنیا از مصرف کنندگان

خود خواهش می‌کنند که نظر خودشان را در باره محصول آنها کتبا یا شفاهی بدهند و آنرا ارزیابی کنند. و درقبال این اظهار نظر بآنها پاداش‌ها و جایزه‌ها می‌دهند. این اظهار نظر و ابراز سلیقه مصرف کنندگان سوای تشکیلات ارزیابی فنی وابسته به هر موسسه تولیدی است که کنترل نام دارد، و در سطح اجرائی در داخل هر موسسه و شرکت و تشکیلات باید باشد تا نقاط ضعف محصول یا کار موسسه را به موقع به مجریان یاد آور شود.

هرچه تشکیلات يك موسسه یا يك شرکت بزرگ شود لزوم کسب نظر موافق یا مخالف از مصرف کننده در باره اجناس تولیدی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند.

حالا اگر رئیس يك موسسه، یا مدیر عامل آن موسسه، تحمل شنیدن یا خواندن نظرهای انتقادی را در باره محصول موسسه خود یا توزیع آن و یا نحوه اداره موسسه خود نداشت یا اجازه نداد که اظهار نظر در باره محصول یا کارش بشود آنها که خیر آن موسسه را می‌خواهند و به بقای آن علاقمندند باید بکوشند تاسیستم امروزی کار را بوی بقبولانند. چون در هر دستگاهی بخصوص آنچه که مربوط به صنایع می‌شود ذکر معایب و محاسن کار از جمله القای کار است

مهم‌تر از سفر آپولو به ماه

اگر شما به طاق بستان رفته و آن کنده کاری‌ها را که یادگار شاپور سوم و اردشیر دوم است در سنگها دیده باشید قطعا آن حلقه‌ای را که در دست میترا واهورمزدا است و انسان را به خدای خورشید و آب وصل می‌کند دیده‌اید. درموزه لوور پاریس هم مجسمه‌ای از یونان ۵۰۰ سال پیش است از برنز و بدن لخت مردی بسیار زیبا و خوش اندام را نشان می‌دهد که موهایش را بافته و دست راستش را بعلامت سؤال باز کرده و عضلات پاها و سینه‌اش حکایت از قدرت می‌کند و برپایه‌ای از سنک ایستاده که گوئی از آنجا با گروهی سخن می‌گوید. آنها که هنرشناسند عقیده دارند که این مجسمه اگر زیباتر از مجسمه ونوس دیو میلو نباشد در ردیف آن است و گروهی از فرانسویان هنر دوست

يك موسسه امريكائى بنام ان. تی.وی که کارهای هوایی و فضائی انجام می‌دهد و مرکز کارش در شهر دالاس است اخیراً «مامور بی-غرض عبور و مرور» را اختراع کرده و آنرا به بازار امریکافرستاده است.

این خبر را مجله سایانس - دایجست در شماره اکتبر خود نشر داده و علاوه کرده است که این «مامور» رانندگانی را که در جاده ها از سرعت مجاز تندتر حرکت می‌کنند پیدا می‌کند، عکس و نمره اتوموبیل آنها را می‌گیرد با اطلاعات لازم دیگر مانند محل، زمان و تاریخ و سرعت مجاز آن جاده بخصوص و سرعت راننده - و همه را در روی يك عکس منعکس می‌سازد.

و آنچه که جالبتر بنظر می‌رسد اینکه این مامور «بی-غرض عبور و مرور» اصلاً کاری بکار آنها که با سرعت مجاز حرکت می‌کنند ندارد.

این خبر ممکن است برای مامورین عبور و مرور ما جالب باشد از این جهت که شاید روزی بخواهند شبیه آنرا در ایران هم مورد استفاده قرار دهند. ولی برای رانندگان ما و هم پیاده‌روها خبر جالبتر است زیرا که نشان می‌دهد اگر تصادفی روی داد و اگر پیش آمدی شد جای بحث و گفتگو و باصطلاح «جرزدن» دیگر برای هیچکس باقی نمی‌ماند.

سندی است که ماشین بی‌غرض ثبت کرده و ماشین هم نه تحت-تأثیر قرار می‌گیرد و نه دروغ می‌گوید مثل بعضی آدم‌ها!

فلسفه وجود سارتر یا فلسفه وجود شرق کدام يك؟

باچند نفر از جوانان روشن ایرانی که از سرزمین گل‌ها (فرانسه) وینگه دنیا (ممالک متحده آمریکا) آمده بودند بحثی داشتیم در باره زندگی و فلسفه آن.

می‌توانم بگویم که ایسن جوانان ما که در وجود هر يك از آنها شعله‌ای می‌دیدم برنگ‌های جذاب رنگین کمان هواهای بارانی آفتابی پائیز، اکثر تمایلی مستقیم یا غیر مستقیم به رویه اگزیستانسیالیزم غرب از خود نشان می‌دادند.

اینها می‌گفتند سارتر حق دارد که می‌گوید «افراد آگاه و

اینهمه کارها در سال ۱۹۶۹ می‌کنیم معلوم می‌کند که ما چگونه کشوری در اواخر سال ۱۹۷۰ خواهیم داشت. دولت (انگلستان) امروز مصمم است که تکنولوژی را در راه نیازمندیهای انسانی مورد استفاده قرار دهد. به صنعت کمک می‌کنیم تا از رویه‌ها و متدهای تازه استفاده کند و بدین سان کار برای مردم تهیه و تامین کند و سطح زندگی را بالا ببرد.

هم‌اکنون مسائل بزرگ اجتماعی مانند سرو صدا و آلودگی هوا را برای مطالعه و یافتن راه حل، به گروه‌های فعال و قوی دانشمندان و مهندسين سپرده‌ایم. و در پایان این بحث وی چنین نتیجه می‌گیرد. «ما امروز سعی می‌کنیم تعادل و ترازى ایجاد کنیم میان امکانات واقعی برنامه‌ها، در مقابل برنامه و کوشش ما اینست که نیازمندیهای واقعی و روزمره ما را ابرو مه مطالعات علمی صرف در برنگیرد. بنظر من عصر ناخوشی تکنولوژی تمام شده و امروزه مردم دیگر همان طور که سابقاً به میدان رومی‌ها برای تفریح و تفرج نگاه می‌کردند به تکنولوژی نگاه نمی‌کنند، بلکه در دانش و علم و تکنولوژی بهبود زندگی و راحتی روزمره خود را می‌بینند و آنرا می‌خواهند...»

این حرف‌ها و اندیشه‌ها مرا بفکر فرو برد. یادم آمد از سخنان بعضی دانشمندان طرفدار تکنولوژی کشورمان که با شدت و حدت از بذل هزینه‌ها بخاطر جستجوهای علمی و فنی و توسعه افق‌های علم بخاطر علم و صرف نظر از ثمرات و نتایج آن دفاع می‌کنند که چرا ما سهمی در خور شان و مقام کشورمان در جستجوهای جهان علمی نداشته باشیم؟ آن وزیر تکنولوژی انگلستان می‌گوید پول‌ها را بهتر است در راه حل مسائل و مشکلات کنونی خرج کرد و باصرف این پول‌ها به بالا بردن زندگی روزمره مردم کمک کرد.

شما خوانندگان عزیز تلاش و شما ای کسانی که برای دانش و علم ارج و منزلتی قائل هستید آیا نظر کدام گروه را می‌پسندید؟ عقیده دارید که باید فقط بخاطر توسعه و ترویج علم بدنیا جستجوها و تحقیق‌های علمی رفت یا فکر می‌کنید که هرگونه تحقیق علمی باید در راه میوه‌های علمی آن بکار بسته شود؟

نمونه که از جو زمین خارج شدند و پس از یک هفته به سوی ما آمدند. طرح روی جلد این شماره تلاش را شیوا بهمین مناسبت تهیه کرده است. با این فرق که اونیم دیگر انسان را که زن باشد نیز در این کار بزرگ و ایجاد این الفت بین انسانها که سهمی مهم (و گر نه اصلی را داشت) و پیوسته در اندیشه و دل مردان بوده و هست دخالت داد.

علم مطلق یا میوه‌های علم؟

انگلستان يك وزیر تکنولوژی دارد بنام «آنتونی وود» که تحصیلاتش را در نیوکولج اکسفورد بپایان رسانده و سه سال است که در همین سمت کار می‌کند وی اخیراً در «روزنامه علم» این نظریه را ابراز داشته که نشستن بر کره ماه ثابت کرد که انسان هر هدفی را که برای خود معین کند می‌تواند بدان برسد.

«تکنولوژی امروز بقدری پیشرفته که محدودیت‌های مکانیکی در مقابل انسان دارد از بین می‌رود و از امروز دیگر سؤال اصلی اینست که هدف‌های ما چه باید باشد؟ و با این نیروی عظیمی که در اختیار داریم چه می‌خواهیم بکنیم؟ این سؤالی است که درباره آن باید بحث کنیم و تصمیم بگیریم.

حقیقت اینست که آن بحث قدیم درباره انتخاب میان شمشیر و گاو آهن یعنی استفاده از تکنولوژی و فن، برای صلح یا برای جنگ، امروز دیگر بدان صورت که بود نیست و باید بگویم بسیار غامض‌تر و مشکل‌تر است زیرا اگر گاو آهن یعنی صلح را هم انتخاب کنیم حرکت بسوی این صلح هم خود امروز هزارها راه دارد. کشوری با اساس و بنیان اقتصادی شبیه انگلستان می‌تواند سعی کند در چند زمینه محدود علمی که در آن بهترین کار را می‌تواند انجام دهد فعالیت کند. می‌تواند میلیونها لیره خرج کند و هزاران نفر را بکار گمارد و افق علوم خود و جهانی را توسعه دهد و هم می‌تواند تمام کوشش خود را تمرکز دهد تا دانش موجود خود را در راه حل مسائل موجود و مبتلا به کنونی بکار برد.

و وقتی وزیر تکنولوژی انگلیس باینجا می‌رسد باز می‌نویسد: «من فقط قسمتی از این همه کارها را می‌توانم انجام دهم ولی نه همه آنها را. انتخاب هائی که در میان

به موزه لوور می‌آیند فقط بخاطر آنکه ساعت‌ها باین مجسمه نگاه کنند. نام این مجسمه آپولویومبینو است. از آپولو که زیبا ترین خدایان و خدای روز و خورشید و شفا دهنده و آگاه به رموز موسیقی و شعر و حامی گله‌ها خوانده می‌شد، مجسمه‌های دیگر هم هست: در موزه های آتن و در معبد المپی و در قصر واتیکان و درورسای که در این آخری زیراردان آبتنی های او را مجسم کرده است. بر سقف گالری لوور آپولو را می‌بینید که ماری عظیم را از پای در آورده است.

اما آپولو ۱۲ کار دیگری کرد بنظر من جالبتر از همه این صفات که هنرمندان در سرزمین یونان و فرانسه و واتیکان باو نسبت داده‌اند و آن این بود که او خود مانند حلقه‌ای شد برای آنکه مردان روی زمین را از هر نژاد و هر رنگ و از هر دین برای مدتی کوتاه بهم مرتبط کند وقتی سر نشینان آپولو دوازده به آسمان رفتند توجه آنهائی که با تلویزیون او را می‌دیدند و یا با وسائل ارتباط دیگر مانند رادیو فیلم و چاپ شده‌ها را سر نشینان آپولو را دنبال می‌کردند همه به يك جهت متوجه بود و آن آپولو حامل انسانها بود. تالظه‌ای که مجدداً در آبهای اقیانوس آرام فرود آمد. اهمیت کبار این آپولو مخلوق بشر و اندیشه او ایجاد این هیجان و هم بستگی در میان همه مردم روی زمین بود و همه از دل و جان آرزوی موفقیت سه انسان نمونه سر نشین آپولو را می‌کردند.

این حلقه دوستی و مودت که در همه آثار پیشینیان ما بود و يك نمونه آنرا در طاق بستان بیاد آوردیم بنظر من بزرگترین موفقیت انسان بشمار می‌رفت.

انسان که با انسان دیگر و انسانها که با انسانهای دیگر همه نوع اختلاف دارند در این مورد با هم همصدا بودند. این لحظات هم بستگی انسانها بدون تردید خیلی بیش از هفتصد میلیون دلار بقولی و هزار و اندی میلیون دلار بقولی دیگر یعنی بر آورد هزینه این پروژه ارزش دارد.

و ایجاد این - لاقه در مردم بیدار و صاحب دل روی زمین بیش از نشستن و برخاستن انسان بر روی کره ماه ارزش دارد. علاقه‌ای فارغ از هر نوع کینه و دشمنی و عناد و سرشار از مهر نسبت به سه انسان

مطلع و بیدار می‌توانند از مرز مکان و مرز زمان حاضر بگذرند و برای خودشان زندگی کنند و آزاد باشند آزاد، آزاد.

دوستم به آنها گفت: این حرف تا اینجا اگر درست هم باشد از خود خواهی و خود پرستی حکایت‌ها می‌کند چون افراد بشر را بدو قسمت تقسیم می‌کند گروهی را با علامت «آگاه و مطلع» از گروه دیگری بنام «غافل و ناآگاه» جدا می‌کند که این خود يك نوع جدائی و سواکردن است و ایجاد يك جور طبقه بالا و عالی و ممتاز و حداقل ایجاد يك طبقه مجزا از دیگران است. و طرفداری از نوعی آریستوکراسی است که این بار دیگر عامل تولد وارث و میراث در آن وجود ندارد و کیفیت «آگاه و ناآگاه» و «مطلع و غافل» در آن موثر است که برای آن اولی که آریستوکراسی خون نام داشت لااقل ملاک و اعتباری از لحاظ تولد وجود داشت اما برای این دومی دیگر ملاک و اعتباری هم که بوسیله آن بتوان «آگاه» را از «ناآگاه» و «بیدار» را از «غافل» تمیز داد وجود ندارد... و این يك نوع سوا کردن و جدا کردن مردمان از همدیگر است که با آزادی (اگر آنرا موهبتی بدانیم که باید در دسترس همگان باشد) مغایرت پیدا می‌کند...

جوانان عزیز ما جواب دادند که کلمات آریستوکراسی یونان کهن مثل دموکراسی دیگر نمی‌تواند این حقیقت‌های متغیر روز را انکار کند و اینهم همانند هزاران اصطلاح دیگر است که فقط از آن اصطلاحی بجای مانده و بس...

— سارتر را من بعنوان يك نویسنده تئاتر دوست دارم و «گرفتار» های آلتونا»ی او را با وجود آنکه بیش از سه ساعت طول می‌کشد يك شاهکار تئاتر می‌دانم. اما همه جانی توانم با او هم عقیده باشم مخصوصا در آنجا که بصراحت می‌گوید «جهنم همانا دیگر مردمانند».

راستی چرا دیگر مردمان، سوای «من» و «من‌ها» «جهنم» باشند؟ و ما چه امتیازی نسبت به آنها و چه فرقی با آنها داریم؟ و اگر این «دیگر مردمان» نباشند آقای سارتر و «من‌های» او چه محلی از اعراب می‌توانند باشند؟

و از آن بالاتر آنجا که دیگر سارتر را نمی‌توانم تحمل کنم اینست که در کتاب فلسفی خودش بنام «هستی و نیستی» درمقابل «آزادی انسان»، واقعیت‌های مادی را گذاشته و عقیده دارد که در دنیای آشنائی با دیگران و ارزیابی ارزش‌ها و تشخیص و تمیز، انسان بالاخره با شکست روبرو می‌گردد.

وباز می‌گوید چون آدمی قدرت اخذ تصمیم را در خود ملاحظه می‌کند از اینرو احساس نگرانی و اضطراب پیوسته با وی همراه می‌شود و نتیجه فلسفه وجود او آنست که ما انسانها همه، آخرچه بخوایم و چه نخواستیم با شکست روبرو می‌شویم. اینست عقیده نهائی او نسبت به انسانها بطور البته بسیار خلاصه و آنقدر خلاصه که بتوان در این جای محدود گنجاند. اما در این سرزمین کهن ما ایران يك نوع اگزیستانسیالیزم دیگر هم بعنوان فلسفه وجود بوده است.

اعتقاد فلاسفه مانسبت به رشد و مقام و مأموریت انسان خیلی بالاتر و وسیع‌تر و جهانی‌تر از فلسفه یابهر بگویم رویه و تمایل فلسفی و اخلاقی ژان پل سارتر است.

همین سعدی که اینروزها مورد حمله بعضی قرار گرفته می‌گوید:

رسد آدمی بجائی که بجز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت و منصور حلاج می‌گفت انسان می‌تواند در راه کمال و ترقی آنقدر پیش برود که مثلا بگوید «ان‌الحق» و فلسفه وجود از دید عرفا و علمای ایران، هیچ حد و حصری برای پیشرفت و ترقی انسان قائل نیست و اعتقاد دارد و این اعتقاد را بزبان می‌گوید که بشر با «اراده» خود می‌تواند بهر جا برود و بهر مقامی برسد و در مقابل اراده بشری، فلسفه علمای ما و عرفای ما مرزی در مقابل نمی‌بیند و سدی نمی‌شناسد.

و همانند بعضی فلاسفه غرب، اندیشمندان ما هیچگاه «اراده» انسانی را مانعی و سدی و یا بتی نکردند که در مقابل «منطق و استدلال» بگذارند. چنانچه کرک گارد در قبال فلسفه هگل آلمانی این کار را کرد. از این که بگذریم از لحاظ زیبایی هم کلی فرق هست میان يك موجود انسانی که پس از برخوردار شدن از نعمت حیات وزندگی و حتی

گاه قبل از آن بسوی شکست و سقوط می‌رود؛ بایک انسان دیگر که پله‌های حیات را يك بيك می‌پیماید و باكمك زندگی می‌تواند تا استانه الوهیت هم پیش رود... در اینجا بود که دوستان عزیزم و جوانان هموطن که برایشان ارج فراوان قائل‌ر هستم گفتند با فلسفه سارتر کم و بیش آشنایم اما این مطالب اخیر را در کجا می‌توانیم بخوانیم و از کجا می‌توانیم اندیشه‌ها را چاپ شده پیدا کنیم و با خودمان همراه ببریم و در مقام بحث با دوستان دانشگاه‌های خودمان در کشورهای خارج با آنها در میان بگذاریم؟

من در زبان فارسی شیرین خودمان کتابی که مطالب قدیم فلسفه ایران را که اینگونه مسائل فلسفی روز در حقیقت ادامه آنست در بر داشته باشد و مقایسه‌ها را طرح کرده باشد، بنظرم نرسید که با آنها ارائه طبقه کنم.

کتاب کوربن را که بنام «تاریخ اندیشه اسلامی» تدوین کرده یادآورشان شدم ولی متأسفانه ترجمه آن از فرانسه به فارسی هنوز گویا چاپ و توزیع نگشته است.

اگر تو خواننده عزیز کتابی در این زمینه تاریخ فلسفه ایران می‌شناسی مراهم آگاه کن که به آنها خبر دهم.

«آرئوترن»

ترن همیشه بر روی خط‌آهن حرکت نمی‌کند.

اخیرا فرانسویها استفاده از يك ترن تجارتي را شروع کرده‌اند بنام ترن هوایی.

این ترن که اورلئان نام دارد بر بالای يك ریل و بر روی يك قشر (باصطلاح خودشان يك لحاف) هوا باندازه (۱۶) اینچ بالای زمین حرکت می‌کند.

سرعت آن فعلا ۲۵۰ کیلو متر در ساعت است ولی می‌تواند از ساعتی ۳۳۰ کیلومتر هم سریع‌تر حرکت کند.

نیروئی که آنرا بحرکت می‌آورد يك موتور توربو بوجت بقدرت ۱۲۰۰ قواسب است و چهار سیستم ترمز کننده مستقل دارد و تهاشتاد مسافر را می‌تواند حمل کند.

آقای لئون کاپلان رئیس شرکت آرئوترن می‌گوید که ترن هوایی آرئوترن او ۲ تا ۳ سال از امریکا و انگلستان جلوتر است. هدف وی اینست که با این

ترن پاریس را بامراکز مهم ایالات فرانسه متصل کند.

این مطلب را که در جایی دیدم بیاد حرف یکی از دوستان افتادم که می‌گفت راه‌آهن دیگر دارد کهنه می‌شود و طبیعی است که راه‌آهن باید ضرر کند چون وقتی هواپیما هست و در ظرف یکی دوساعت شخص را به مقصد می‌رساند دیگر کسی سوار ترن نمی‌شود.

با این سرعت ۳۰۰ واندی کیلومتر فاصله‌ای نظیر مسافت میان تهران و اصفهان را می‌توان در ظرف یکساعت واندی پیمود.

گروهی از مردم هواپیما را دوست ندارند و بانوعی اجبار و اکراه از آن استفاده می‌کنند. و چون بیاد آوریم که برای رفتن به فرودگاه‌های بزرگ با فاصله‌هایی که از مراکز شهرها دارند و توقف در سالن‌های فرودگاهها و بازگشت از فرودگاهها و مراجعت به محل مورد نظر بین دو تا چهار ساعت و گاه بیشتر وقت لازم است می‌بینیم که طبیعی است اگر مردم در مقابل این انتخاب بدو طبقه تقسیم شوند گروهی این‌گونه ترن‌ها را انتخاب کنند و گروهی دیگر هواپیما را.

بدون تردید اگر این ترن هوایی امتیازات و مزایای خود را نداشت با بودن شرکت مجهزی مانند افرانس خود فرانسویها اجازه تاسیس این شرکت جدید آرئوترن را نمی‌دادند.

نمی‌دانم آقای شالچیان وزیر راه در مورد این نوع ترن چه نظری دارند و درباره نو کردن و تازه کردن سیستم خط‌آهن کشورمان که در زمان تاسیس تمام فشار حمل و نقل مملکت را به دوش داشت و امروز بامشکلات بسیار ورقابت‌های گوناگون روبرو است چگونه فکر می‌کنند؟

خوشه چین



زن ایرانی باقلیان یکصد سال قبل



ساقی حدود یک قرن پیش

درک

تبریز قدیم

تبریز



درک تبریز

تبریز (قدیم)



میدان کورپاسی تبریز

Pont du Meidan
(Tabriz)





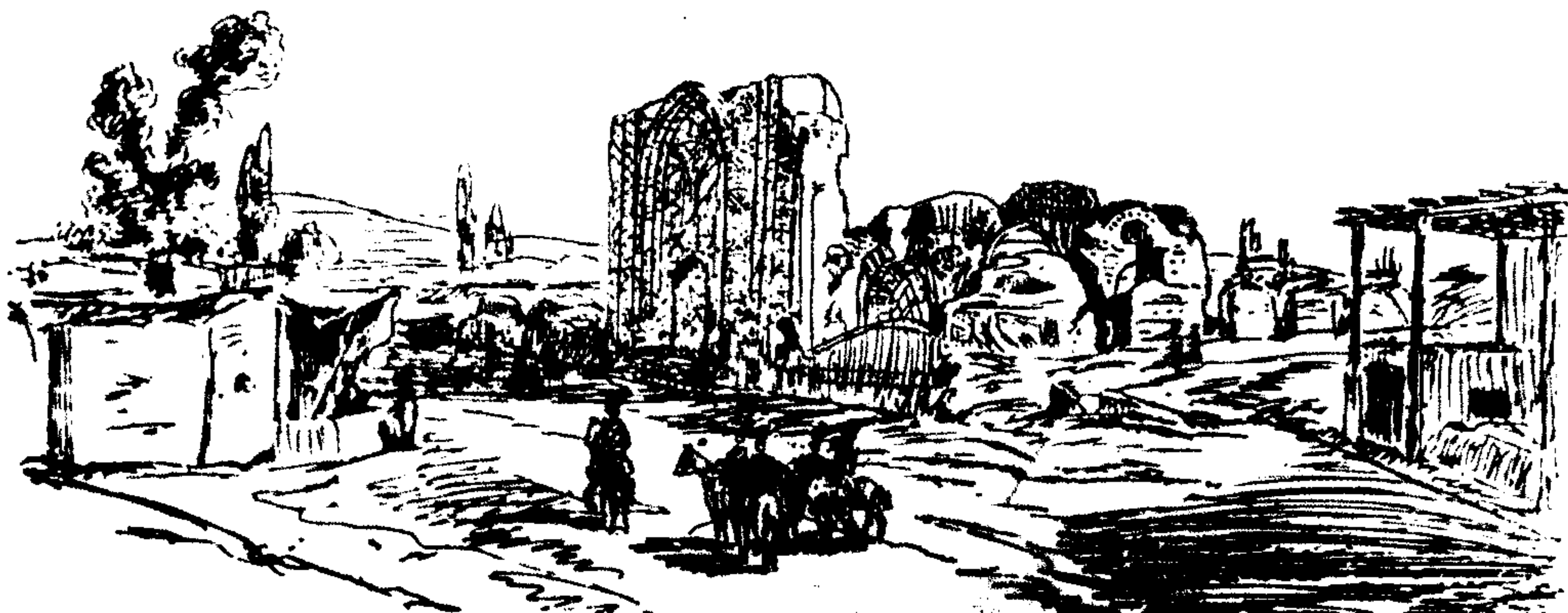
میانه

Mianeh



کری سبزه

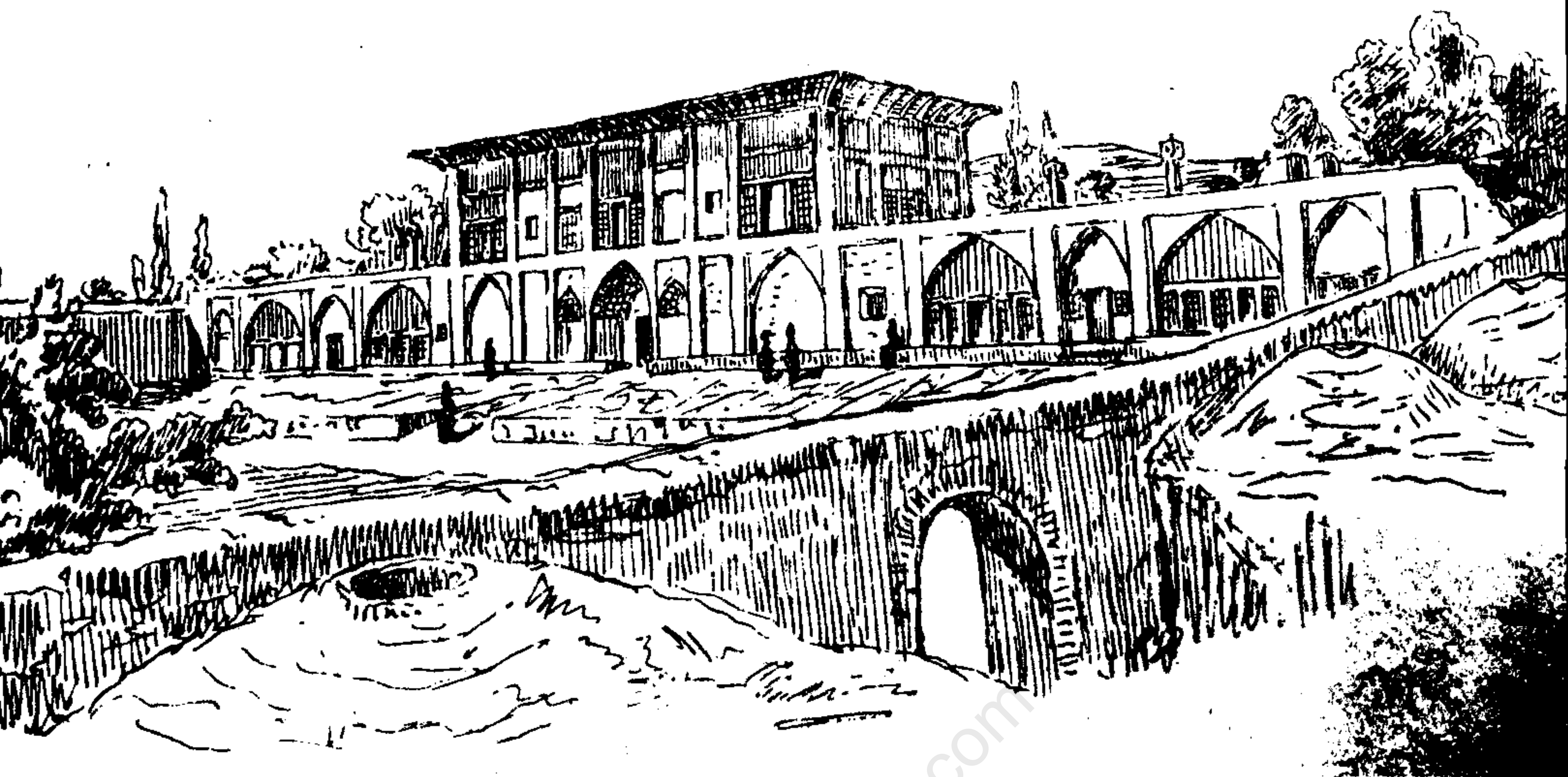
Mosque Akbar en ruine
Kabiz



ماح شهر

تبریز قدیم

Chateau d'Abbas - mirza
ou était logé le Missionnaire
Français à son passage à Tabriz.



قاجار کوه

Kafarian





کشاورزان آذربایجان هنگام عبور از یک رود



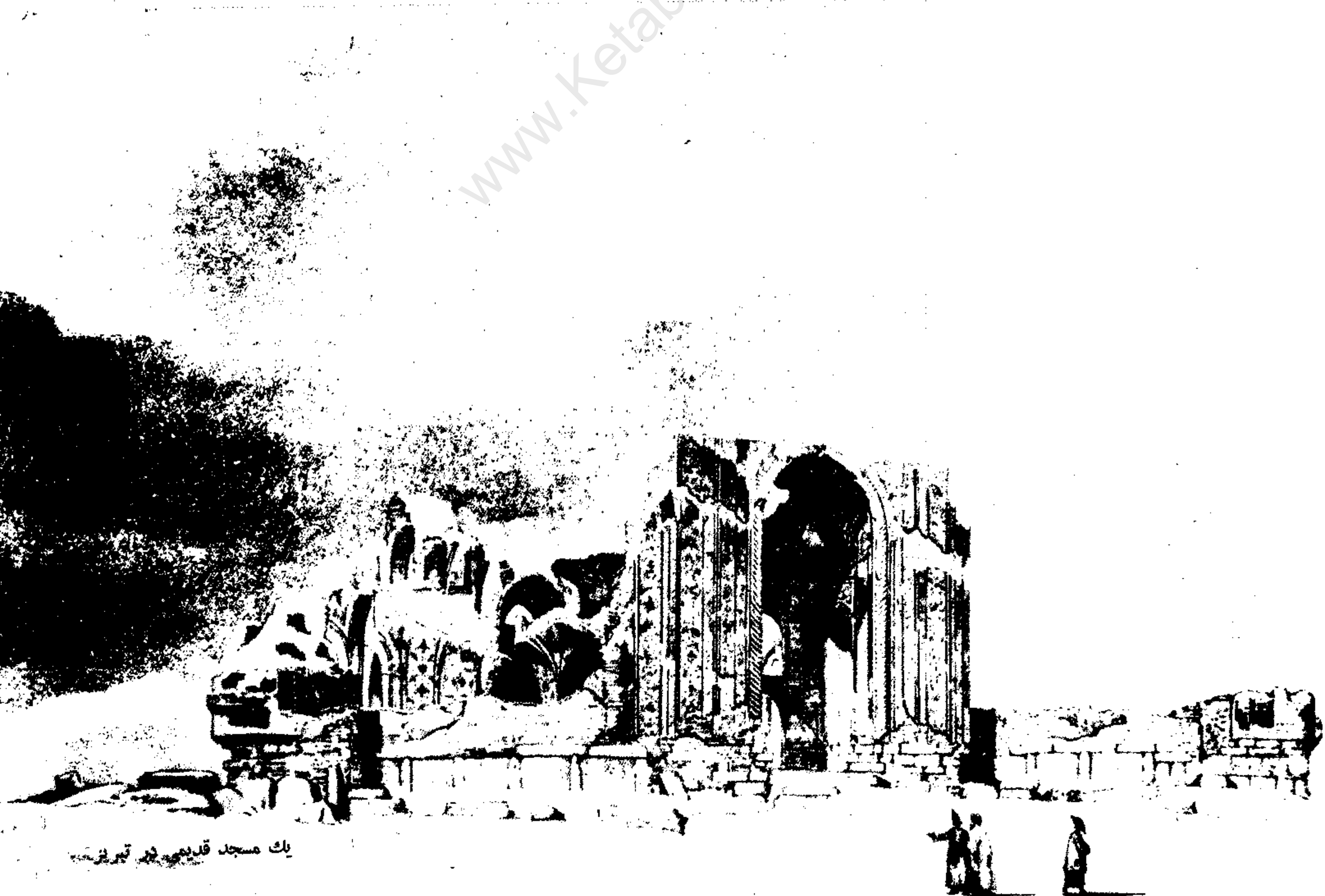
دروازه شهر تبریز



قصر زیبای در تبریز



داخل شهر تبریز



یک مسجد قدیمی در تبریز

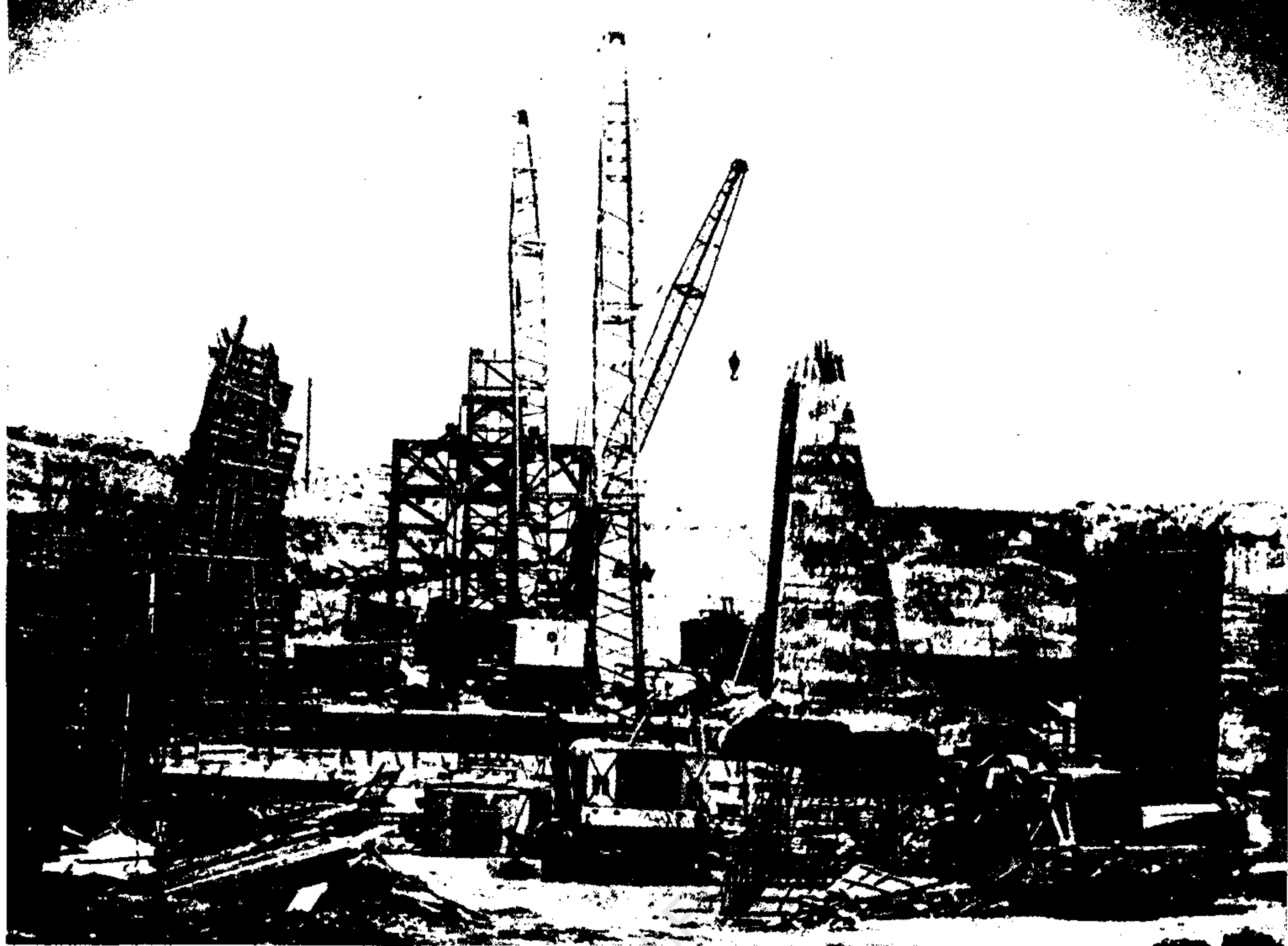


دختران آذربایجانی با لباسهای محلی کنونی

خانه جوانان تبریز کنونی

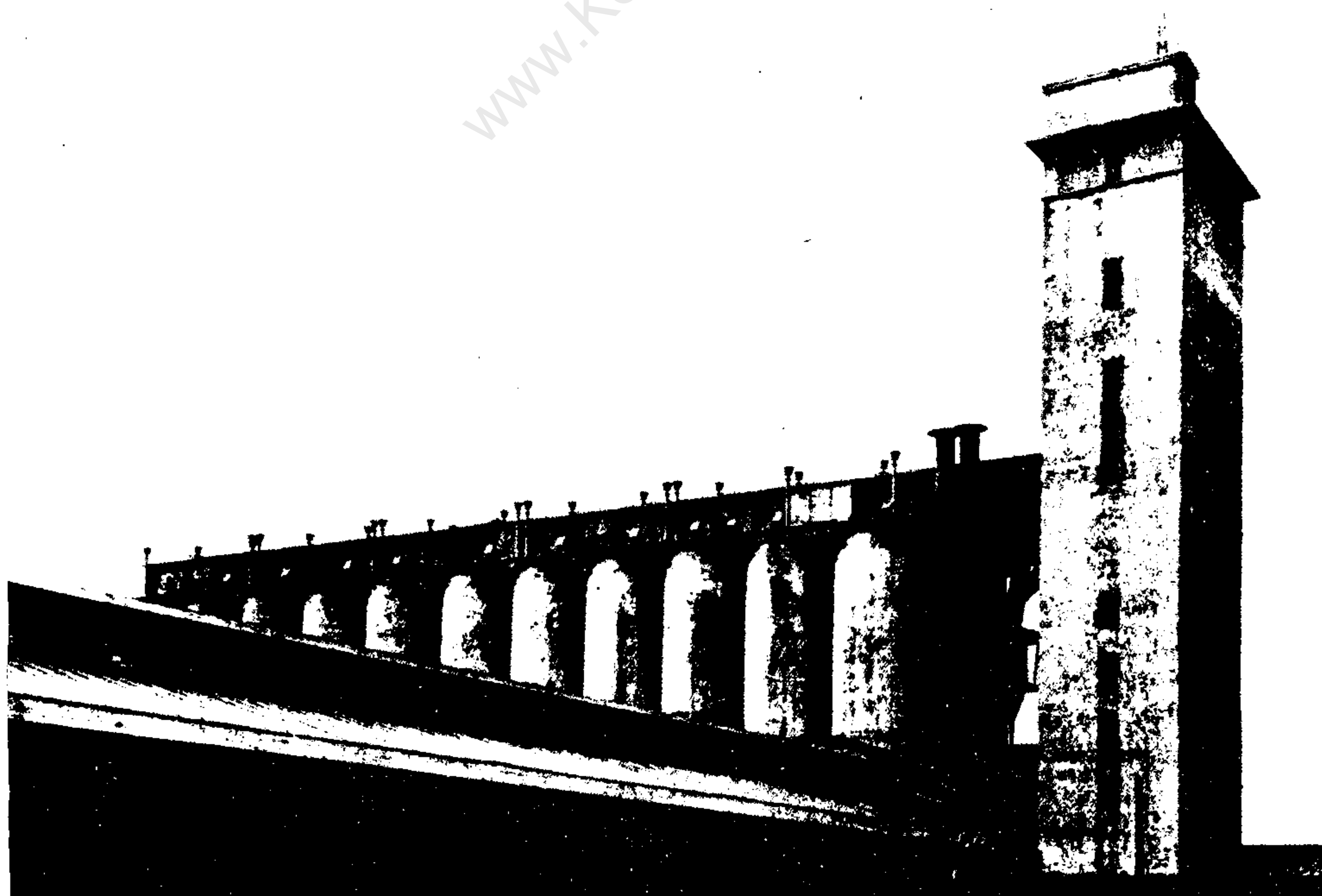






سد ارس در حین ساختمان

سیلوی تبریز کنونی



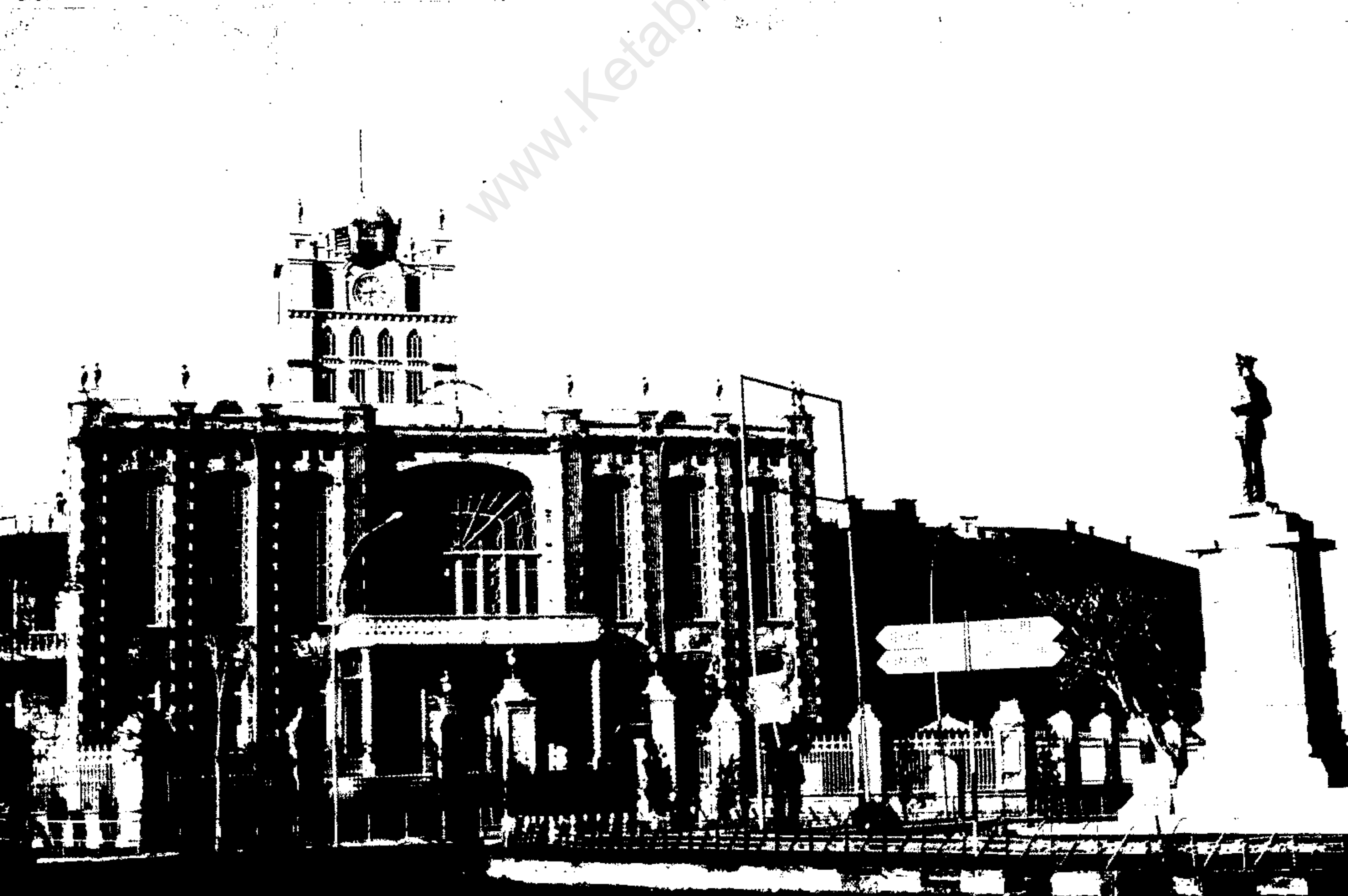


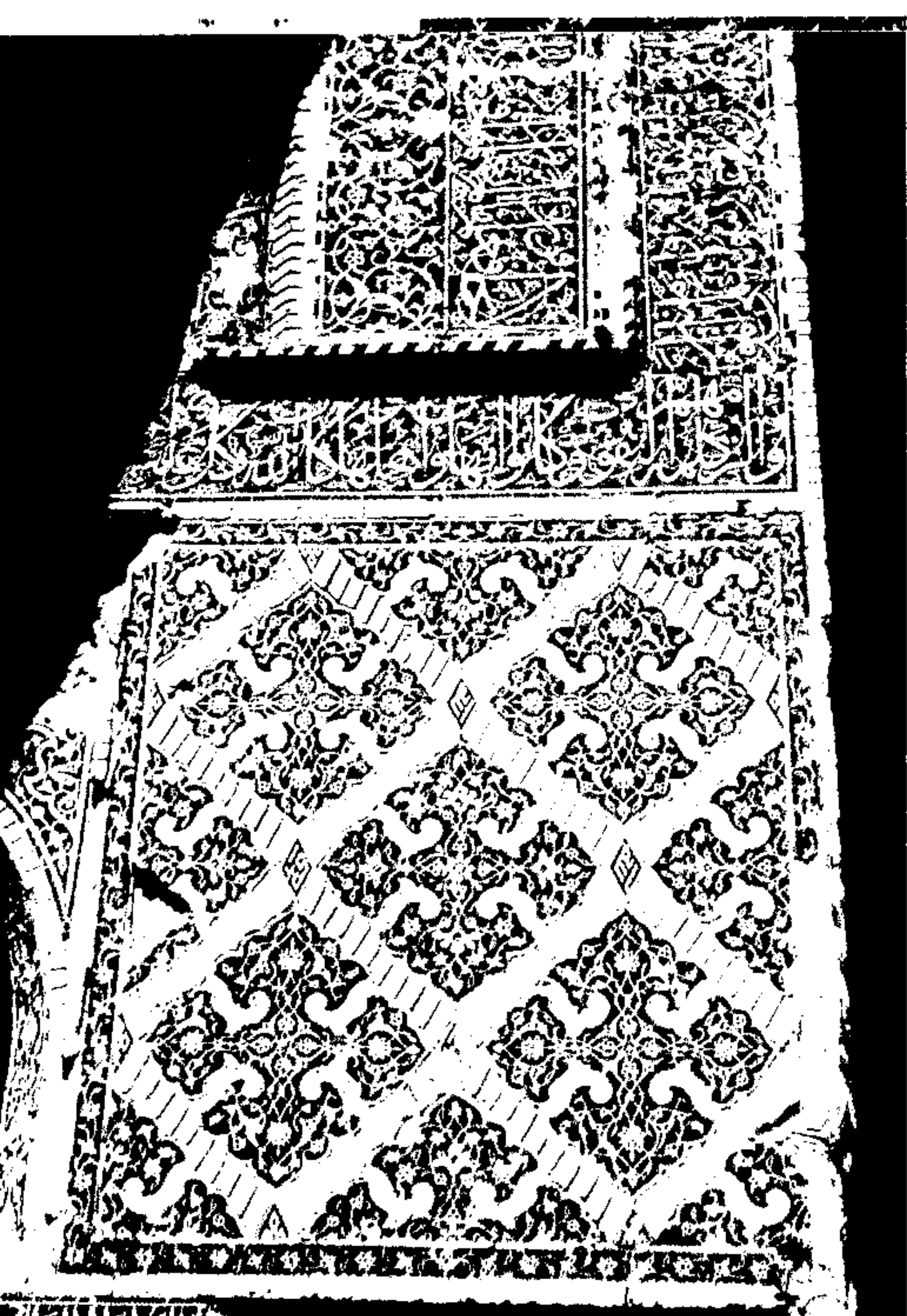
یکی از خیابانهای تبریز



ره شهر تبریز بهنگام غروب آفتاب

ساعت شهرداری (میدان تبریز)





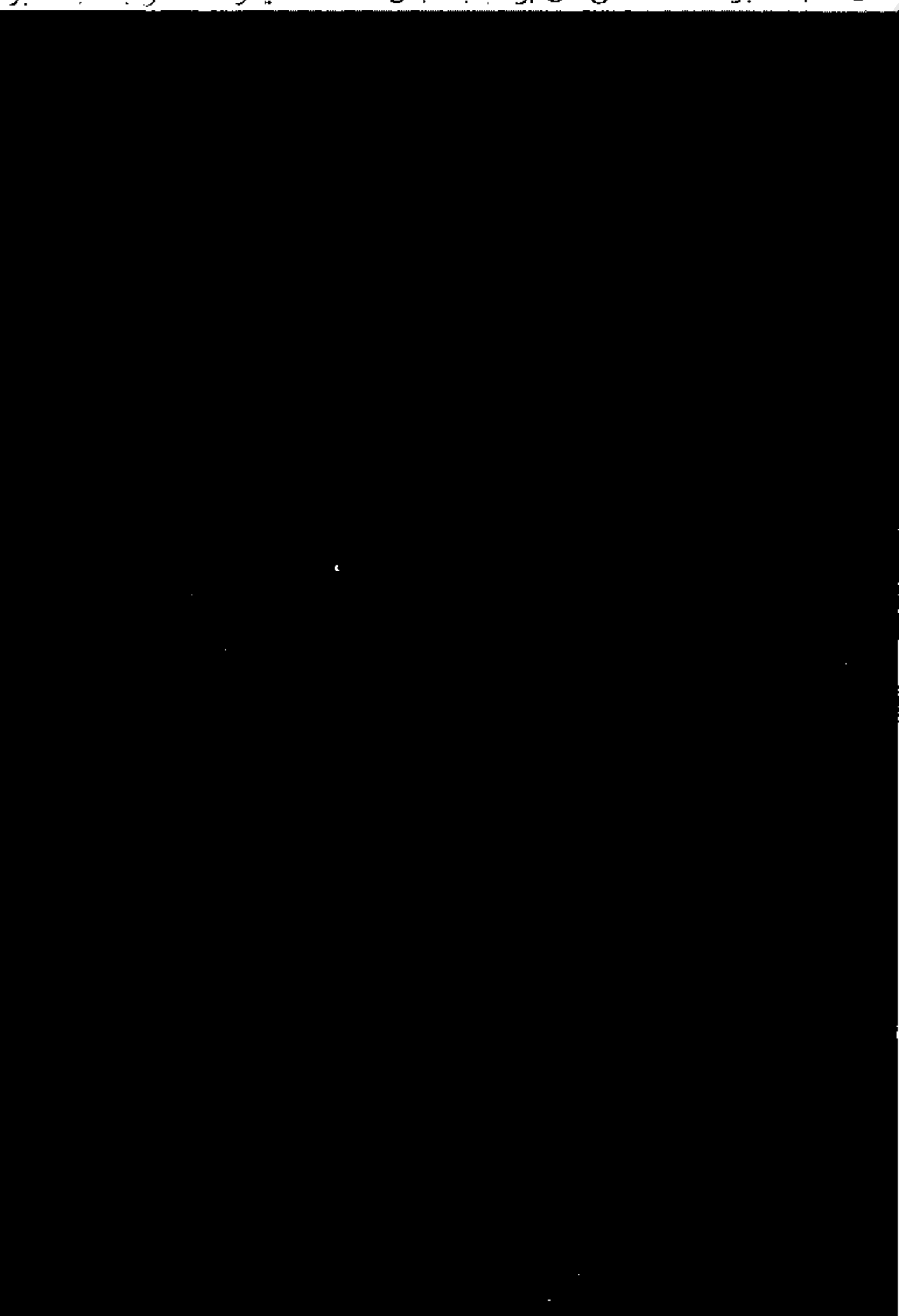
کاشی‌های برنک بادمجان که گفته میشود منحصر به مسجد کبود



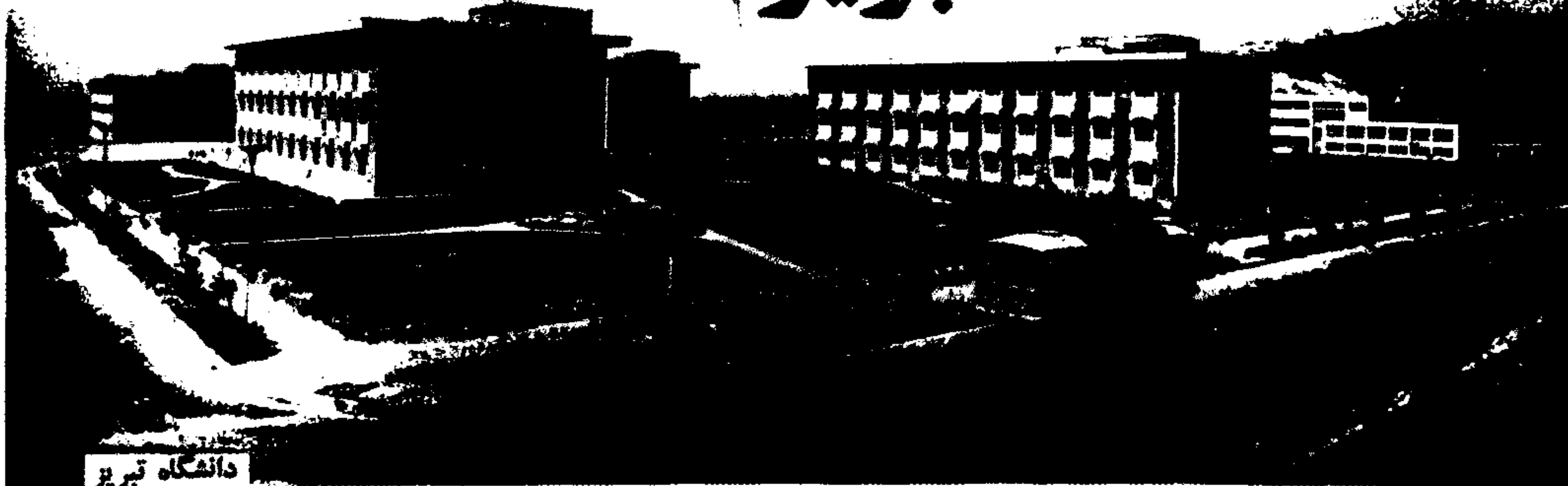
کاشی‌کاری رواق داخل مسجد کبود

قسمتی از زاویه مسجد کبود

طاق ورودی مسجد کبود



تبریز شهر ده دروازه



دانشگاه تبریز

● دختران دم بخت در تبریز روز چهارشنبه سوری سرکوچه می‌نشینند و کلیدی زیر پای خود می‌گذارند.

تیمچه‌های امیر و مظفریه به امر تجارت قالی اختصاص دارد ارزش تولید قالی شهر باف در سال از یک میلیارد ریال تجاوز می‌کند.

فعالیت قالی‌بافی در ۲۰ سال اخیر ده برابر شده است.

کفش دست‌دوز تبریز هنوز هم به‌علت مرغوبیت و ظرافتی که دارد مورد توجه شیک‌پوشان است. تعداد بیست‌هزار تراکتور در تبریز ساخته می‌شود و برای تهیه آنها بیش از چهار هزار و هفتصد نفر کار خواهند کرد و نخستین محصول در سال آینده وارد بازار خواهد شد.

کارخانه‌مرسدس‌بنز در دست ساختمان و کارخانه‌های لیاند و دلمن آماده بهره‌برداری می‌باشند.

اطلسی‌های سرخ و سفید و گل سرخ‌های درشت و سروها و گلایل‌های با طراوت چنان جلوه و شادابی به این فضا بخشیده که پای هر استاد و دانشجو در ترك کردن این محیط سست می‌شود.

با تأسیس کارخانه‌های ماشین‌سازی، تراکتور سازی، دیزل سازی تبریز در ردیف بزرگترین شهرهای صنعتی ایران قرار گرفته است.

ساختمان کارخانه ماشین سازی بقدری وسیع است که می‌توان آنرا يك شهر صنعتی به حساب آورد.

«حیدر بابا» بقلم استاد شهریار که آداب و رسوم توده مردم آذربایجان را احیا می‌کند به هیجده زبان زنده ترجمه شده است.

مقدسی مورخ در کوهها و جلگه‌های مرتفع آن بیش از هفتاد زبان و لهجه مختلف تکلم می‌شد، در حالی که هیچکدام از شهرهای آن ناحیه وسعت قابل توجهی نداشت. اما به مرور زمان شهرهای مختلف یکی پس از دیگری روبرو ترقی رفت و مرکز آن ایالت گردید.

در آغاز امر یعنی در اوایل خلافت عباسیان شهر اردبیل و در اواخر دوره خلفا تبریز در میان شهرهای آذربایجان مقام اول را پیدا کرد.

بعد از حمله مغول، این مقام را چندی مراغه به‌دست آورد و هرچند تبریز به زودی عظمت سابق خود را در دوره ایلخانان مغول بازیافت ولی در اوایل عهد صفویه بار دیگر تنزل یافت و تحت‌الشعاع اردبیل واقع شد.

بعد از حمله مغول که به سال ۶۱۸ صورت گرفت مردم تبریز با دادن فدیهای خود را از کشت و کشتار و شهر را از ویرانی‌نجات دادند زیرا زلزله‌های پی‌درپی که اتفاق افتاده بود محلی برای ترک‌تازی مغولان باقی نگذاشته بود.

تبریز شهری زلزله خیز حالا که سخن از زلزله به‌میان آمد بی‌مناسبت نیست بگوییم که تبریز شهری زلزله خیز است.

حمدا لله مستوفی می‌نویسد: «در سال ۲۴۴ به عهد متوکل خلیفه عباسی شهر تبریز به زلزله خراب شد. چنانکه کمابیش چهل هزار مرد در آن واقعه هلاک شدند. دور باروی تبریز شش هزار گام بوده و

مردمی زحمتکش، با دوستی‌های عمیق و دور از تظاهر و همواره قاطع و راستگو سکنه آذربایجان را تشکیل می‌دهد. خطه‌ای که شاید بیشتر از تمام نواحی ایران گرفتار زلزله شده و مردمش همواره مانند سدی استوار در مقابل بیگانگان پایداری کرده است.

شاردن جهانگرد معروف فرانسوی که در نیمه دوم قرن هفدهم دوباره ایران سفر کرده و هربار قریب ۶ سال در آن اقامت گزیده، می‌گوید: «ایرانیان می‌گویند و چه تسمیه این ایالت به آذربایجان آنست که بزرگترین آشکنده «زردشتی» در این سر زمین بنا شده بود و در این معبد آتشی‌محافظت می‌شد».

لسترنج خاورشناس انگلیسی در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی می‌نویسد:

ایالت کوهستانی آذربایجان در دوره خلافت خیلی کمتر از اواخر قرون وسطی و بعد از هجوم مغول اهمیت داشت.

در زمان قدیم این ایالت از شاه‌راه بزرگ خراسان که از ایالت جبال (ماد) می‌گذشت برکنار افتاده بود و این برکناری از این جهت تشدید شده بود که بنابه قول

بعد از حمله مغول، این مقام را چندی مراغه به‌دست آورد و هرچند تبریز به زودی عظمت سابق خود را در دوره ایلخانان مغول بازیافت ولی در اوایل عهد صفویه بار دیگر تنزل یافت و تحت‌الشعاع اردبیل واقع شد.

بعد از حمله مغول که به سال ۶۱۸ صورت گرفت مردم تبریز با دادن فدیهای خود را از کشت و کشتار و شهر را از ویرانی‌نجات دادند زیرا زلزله‌های پی‌درپی که اتفاق افتاده بود محلی برای ترک‌تازی مغولان باقی نگذاشته بود.

تبریز شهری زلزله خیز حالا که سخن از زلزله به‌میان آمد بی‌مناسبت نیست بگوییم که تبریز شهری زلزله خیز است.

حمدا لله مستوفی می‌نویسد: «در سال ۲۴۴ به عهد متوکل خلیفه عباسی شهر تبریز به زلزله خراب شد. چنانکه کمابیش چهل هزار مرد در آن واقعه هلاک شدند. دور باروی تبریز شش هزار گام بوده و

تبریز شهری زلزله خیز حالا که سخن از زلزله به‌میان آمد بی‌مناسبت نیست بگوییم که تبریز شهری زلزله خیز است.

حمدا لله مستوفی می‌نویسد: «در سال ۲۴۴ به عهد متوکل خلیفه عباسی شهر تبریز به زلزله خراب شد. چنانکه کمابیش چهل هزار مرد در آن واقعه هلاک شدند. دور باروی تبریز شش هزار گام بوده و

ده دروازه دارد و چون در عهد مغول آن شهر دارالملک گشت، کثرت خلایق در آنجا جمع شدند و بر بیرون شهر عمارات و باغات و دهات و ویان و سنجارات داخل آن بارو بود جهت وفات غازان خان تمام نشد.

شاردن در سیاحت نامه خود به این زلزله اشاره می کند و می نویسد در شصت و نهمین سال بنای تبریز، شهر در نتیجه حدوث زلزله تقریباً با خاک یکسان شد. متوکل خلیفه عباسی از نو به تجدید تبریز پرداخت و آن را توسعه بخشید.

یکصد و نود سال بعد در چهاردهم صفر زمین لرزه دیگری که بارها شدیدتر از اولی بود در یکشب شهر را به کلی ویران ساخت. شاردن اضافه می کند که «در جغرافیای ایرانی آمده است که در آن ایام یک اختر شناس دانشمند شیرازی به نام ابوطاهر پیشگویی کرده بود که این زلزله اتفاق خواهد افتاد و چون مردم اعتنایی به این پیشگویی نکرده بودند، ناچار او به حاکم شهر متوسل شده و تقاضا کرده بود که اهالی را به جبر و زور وادار به ترک شهر نماید، حکمران نیز که از جانب خلیفه گماشته شده بود از مردم خواست تا به بیرون شهر پناه ببرند، ولی عده زیادی به علت عدم اعتماد و بدبینی که نسبت به حکمران عرب داشتند از این کار سرباز زدند و اتفاقاً در روز و ساعت موعود این زمین لرزه واقع شد و چهل هزار نفر به هلاکت رسید.»

امروز کسی که از شاهراه تهران به تبریز وارد این شهر می شود، یک خیابان

مشجر و گلکاری شده به او خوش آمد می گوید، این بلوار که جدیداً احداث شده به قدری خوش آب و هوا و برای تفریح مناسب است که تعداد زیادی از مسافران استخر شاه (شاه گلی) را به خود جذب می کند و به ویژه در روزهای تابستان خانواده های متعددی برای هوا خوری و احیاناً صرف شام به (بلوار) می روند.

این خیابان در امتداد خیابان پهلوی است که انتهای آن بعد از عبور از مرکز شهر به ایستگاه راه آهن می پیوندد و در حقیقت خیابان اصلی و طویل ترین خیابان تبریز است.

دانشگاه تبریز

ساختمان دانشگاه تبریز در کنار این بلوار بنا شده و بنا به اظهار مهندسان و معماران این ساختمان زیباترین دانشگاه و جلوه گاه آرشیکتور قرن اخیر ایران است. ساختمان دانشکده ها به هم پیوسته نیستند، دانشکده علوم، ادبیات و علوم انسانی، پزشکی، فنی و ... هر کدام ساختمانی مستقل و تجهیزات ویژه خود دارد.

آنچه ساختمان دانشگاه تبریز را زیبا کرده همگامی ساختمان دانشکده ها از نظر فرم و نقشه و پلان کلی و مصالح به کار گرفته شده در هر یک از آنهاست. ساختمان دانشکده ها با آجر قرمز کار شده و پنجره هایی در قطع های نسبتاً کوچک دارند که در قسمت فوقانی انحنای پیدا می کند و روی آن کلاهکی از سنگ سفید یک پارچه قرار می گیرد.

حیاط دانشگاه که جاده های اصلی و فرعی آسفالتی دارد پوشیده از گل و چمن است، اطلسی های سرخ و سفید و رزهای درشت رنگارنگ و سروها و گلایل های باطراوت چنان جلوه و شادابی به این فضا بخشیده که پای هر استاد و دانشجو در ترك کردن این محیط سست می شود. و ترجیح می دهد که لحظه ای بیشتر در آن بماند و دور از غوغای شهر به تحقیق و مطالعه پردازد.

بازار تبریز

اغلب جهانگردانی که به ایران می آیند عقیده بر این دارند که تبریز زیباترین بازار های ایران را دارد. اینک به شاردن گوش فرا می دهیم تا از زبان او وصف بازارهای تبریز را بشنویم:

«این شهر دارای پانزده هزار باب خانه و باغچه و پانزده هزار دکان و حجره است در ایران دکانین از منازل مجزی می باشند و غالباً در کوچه های طویل و عریض مسقف مقرنسی به ارتفاع پنجاه پا واقع شده اند. این گونه کوچه ها را بازار می نامند. بازارها قلب شهر را تشکیل می دهند. منازل و خانه ها در خارج بازار بنا شده اند. این شهر (تبریز) دارای عالی ترین بازارهای آسیا می باشد و وسعت و عظمت این بازارها و گنبدها طاقهای زیبایی که آنها را پوشانیده است و توده عظیم وانبوه جماعتی که در طی روز در اسواق مشاهده می شوند و همچنین کثرت مقدار کالاهایی که در آنجا انباشته شده است، بطور حیرت آوری ابهت و جلال بازارهای تبریز را نمودار می سازد.

WWW



زیباترین بازار این شهر که مرکز معاملات کالاهای گرانبها و جواهرات می باشد قیصریه نام دارد ، این بازار بسیار وسیع و بزرگ است و آن را در حدود سال ۸۰۵ هجری به فرمان «اوزون حسن» که مقرر سلطنتش تبریز بود بنا کرده اند.

ساختمانهای تاریخی

مسجد کبود (گوی مجیت) را به امر جهان شاه پسر قره یوسف قره قویونلو در سال ۸۷۰ هجری بنا کرده اند که بعدها در اثر زلزله و عوامل مخرب دیگر روبه خرابی گذاشته است.

کاشی کاری مسجد کبود به رنگ فیروزه ای روشن است که بعد از پذیرفتن گرد زمان به رنگ آبی درآمده است ، نقوش کاشی ها عموماً گل و بوته است که به صورت «سمبل» هایی از گیاهان و گل های مختلف بر سطح فیروزه ای نقش بسته است. قسمت های ویران شده این مسجد را اخیراً ترمیم کرده اند که این قسمت ها در پشت موزه شهر خودنمایی می کند. محل موزه تبریز در خیابان پهلوی است.

ارگ علی شاه

خیابان فردوسی خیابانی است شمالی و جنوبی که بازار را به خیابان پهلوی متصل می کند کسی که در این خیابان روبه جنوب قدم می زند ، در مقابل خود دیواری بلند و سر به فلک کشیده ای را می بیند که در داخل باغی مصفا قرار گرفته است اینجا ارگ علی شاه است که مسجد آن هنوز هم باقی است و در میانه سالهای ۷۱۶ - ۷۳۶ به امر تاج الدین علی شاه وزیر اول جایتو ساخته شده است. ارگ تبریز در حدود ۲۶ متر ارتفاع و ۳۰ متر عرض دارد . ضخامت دیوارها بیش از ده متر است . این ارگ در طول تاریخ صدمات فراوان دیده و امروز به صورت يك بنای تاریخی بانظارت وزارت فرهنگ و هنر نگاه داری می شود.

بقعه سید حمزه

هر کسی را که شوق دیدار شاعرانی چون خاقانی بزرگ و ظهیر واسدی و فلکی سردانی بر سر افتد نزدیک ترین راه برای رسیدن به دلدار راه بقعه سید حمزه است که در محله سرخاب تبریز واقع است. در خیابان ثقة الاسلام و در محل تقاطع آن با بازارچه سید حمزه تن گرامی این شاعران در دل خاک خفته است و در کنارشان بزرگان و رجال چون ثقة الاسلام وقائم مقام فراهانی آرمیده اند.

این بقعه را «سید ابوالحسن حمزه» در سال ۷۱۴ بنا کرده است و مقبره خود اودر قسمت غربی صحن قرار دارد .

عین علی

این بقعه روی بلندترین قله کوه سرخاب واقع شده و کوه را نیز بدین نام می خوانند

در اینجا دو فرزند حضرت علی (ع) عون وزید مدفون هستند که در سال بیست و دوم هجرت با سپاه اعزامی خلیفه دوم به آذربایجان آمده و به شهادت رسیده اند.

بقعه صاحب الامر

این بقعه در شرق میدان خشکبار تبریز واقع شده و دو مناره بلند و يك گنبد دارد این بنا مسجد سلطنتی شاه طهماسب صفوی بوده است ، در زلزله سال ۱۱۹۳ فرو ریخت و در سال ۱۲۰۸ به دست «جعفر قلی خان دنبلی» تجدید بنا گردید.

شاه گلی

این گردشگاه معروف ترین تفرجگاه تبریز است و در هفت کیلومتری شمال شرق آن واقع شده است . بانی نخستین آن معلوم نیست و می گویند شاهزاده قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه وقتی در تبریز حکومت می کرد استخر آن را تعمیر کرده است و ساختمانی زیبا با معماری بسیار شکوهمند در میان آن بنا کرده است که از سمت جنوب غربی به وسیله يك خیابان گلکاری شده به ساحل استخر متصل می شد.

نمای این ساختمان به رنگ سفید و دو طبقه به شکل کلاه فرنگی بود. طبقه فوقانی آن منهدم شده و طبقه زیرینش تا سال ۱۳۴۶ رستورانی بود که در ایام تابستان مورد استفاده مراجعان قرار می گرفت . این طبقه نیز دو سال پیش از طرف شهرداری تخریب شد و فعلاً به جای آن يك ساختمان آجری موقت به چشم می خورد.

ساختمان شهرداری

صدای زنگ ساعتی در دل شب هر پانزده دقیقه يك بار گوش شب زنده داران تبریز را می نوازد . تا چند سال پیش که ساعت وسیله عمومی و لازم در منازل نبود آنهایی که مریض داشتند و یا منتظر کسی بودند ضربات این ساعت را می شمردند زیرا صدای آن مخصوصاً بعد از نیمه شب که غوغای شهر بطور کامل فروکش کرده تقریباً در همه نقاط شهر شنیده می شود . این صدای ساعت شهرداری است که در زمان شهرداری «حاج ارفع الملك جلیلی» بنا شده است.

ساختمان شهرداری در پلان جلو دو طبقه است که با ده پله به طبقه نخست می پیوندد. زیر زمین وسیعی دارد که فعلاً محل يك شرکت تعاونی است . در و پنجره های این ساختمان شکل معماری اصیل دارد و از شیشه های کوچک رنگی ساخته شده است ساعتی که بحثش گذشت بر بالای این عمارت زیبا در چهار جهت کار گذاشته شده و مانند برجی از دور به نظر می رسد.

گذشته از این بناها اخیراً ساختمانهایی به سبک جدید در خیابانهای مختلف تبریز ساخته شده که از آن جمله می توان ساختمان

استانداری ، دارایی و بانک ملی را نام برد که در خیابان توپخانه قرار دارند . یکی از بناهای باشکوه نو بنیاد تبریز ساختمان ایستگاه راه آهن است که در ضلع غربی آن واقع شده و این ایستگاه در طول خط آهن تهران جلفا بی نظیر است و طوری ساخته شده که اگر از زاویه شمالی دیده شود، دارای بالهایی در طرفین است که بدون هیچ ستونی روی امتداد سقف بنای اصلی با يك شیب ملایم به سمت خارج تعبیه شده است. علاوه بر ساختمان اصلی کوی کارمندان راه آهن نیز با اسلوب معماری جدید جلب نظر می کند.

فعالیت های صنعتی

با تاسیس کارخانه های ماشین سازی تراکتور سازی، دیزل سازی، بنر سازی و... تبریز در ردیف بزرگترین شهرهای صنعتی ایران قرار گرفته و این کارخانه ها همان اهمیت را از جهت صنعتی به تبریز بخشیده که کارخانه ذوب آهن به اصفهان .

کارخانه ماشین سازی تبریز تقریباً در ضلع جنوبی شهر و حدود دو کیلومتری ایستگاه راه آهن قرار دارد . ساختمان این کارخانه بقدری وسیع است که می توان آن را يك شهر صنعتی به حساب آورد. معماری بنای آن هندسی شدید است و اثری از معماری شرقی در آن دیده نمی شود . شاید علتش این است که مهندسان آن «چك» بوده اند.

ساختمان ها اغلب از آجر سرخ است که نوعی هماهنگی به وضع کلی کارخانه داده است در سطح کلی این کارخانه ده ها ساختمان عظیم برپا شده و تعداد زیادی نیز در دست ساختمان است .

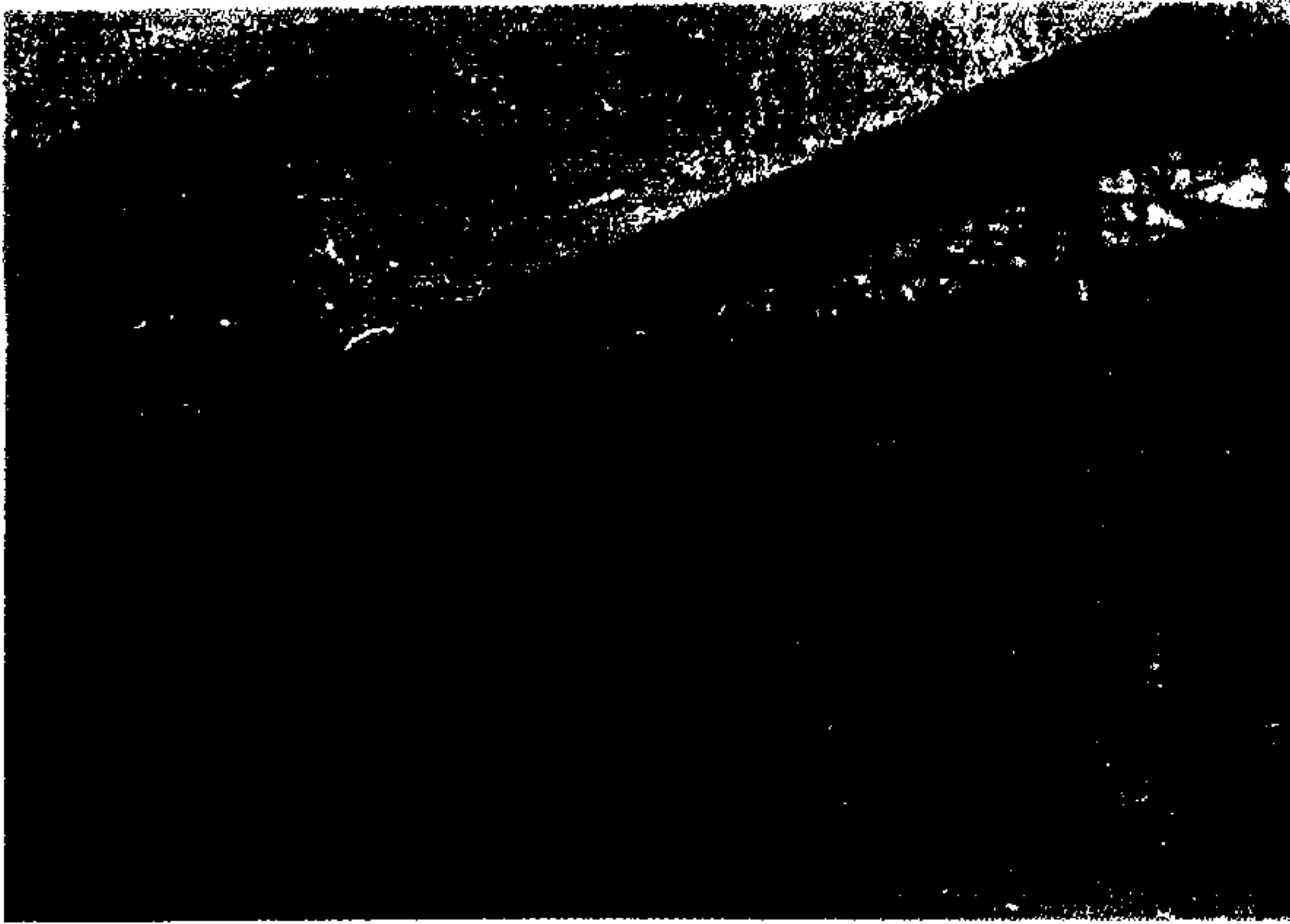
طرح ساختمان این کارخانه از مهندسان چك به سرپرستی «اشکودیا اکسپورت» و پیاده کردن آن به عهده معماران و مهندسان ایرانی است .

در حال حاضر مساحت کارخانه در حدود ۴۶ هکتار است و در آینده نزدیک همین مقدار نیز بر مساحت آن افزوده خواهد شد .

هزینه بناسازی آن تاکنون نزدیک به یکصد و هشتاد میلیون تومان شده است و پانصد و پنجاه میلیون تومان سرمایه گذاری کلی آنست که در برنامه چهارم پیش بینی شده است .

بطوری که مسؤولان آن اظهار نظر می کنند ساختمان این کارخانه در اوایل سال آینده تمام خواهد شد و کارخانه برای بهره برداری آماده خواهد گردید .

در کارخانه ماشین سازی تبریز رشته های مختلف فنی تدریس می شود از آن جمله است : ریخته گری ، مدل سازی ، آهنگری ، تراشکاری ، فلز کاری ، سنک زنی و مونتاژ. کارآموزانی که در این مؤسسه مشغول



دورنمای بخش ریخته‌گری کارخانه ماشین‌سازی تبریز



نمونه‌ای از نحوه فعالیت هنرجویان هنرستان معماری و ساختمان در کارگاه جوشکاری

جنبه تولیدی کارخانه سه مرحله دارد: مرحله اول موتاژ ۵۰۰۰ عدد تراکتور مرحله دوم ساخت ۵۰۰۰ عدد تراکتور مرحله سوم ساخت ۱۰۰۰۰ عدد تراکتور این کارخانه برای تامین کادر فنی دوره موتاژ و ساخت تراکتور ۵۰ نفر را در اواسط سال ۴۷ به رومانی فرستاد که گروه بیست نفری اول در اردیبهشت ماه و گروه سی نفری دوم در آبان ماه سال جاری بازگشتند کادر اداری و فنی به اضافه کارگران پس از آماده شدن کارخانه برای عمل و بهره‌برداری به ۷۰۰ نفر خواهد رسید، به کارآموزان در حین تحصیل کمک هزینه داده خواهد شد و بعد از اتمام دوره کارآموزی حقوق کافی خواهند گرفت.

داشت از اواخر سال جاری شروع خواهد شد. این کارخانه از همکاری دولت رومانی برای تامین و تاسیس کارخانه استفاده می‌کند. ماشین آلات و مدارک فنی و نقشه‌های کلی کارخانه از طرف کشور رومانی آماده می‌گردد و هزینه‌های خرج شده دولت رومانی به اقساط ده ساله با بهره ۲۵ درصد در مقابل فروش نفت به آن کشور پرداخت خواهد شد. سرمایه از طرف سازمان برنامه و از محل بودجه عمرانی کشور تامین و پرداخت می‌شود. تراکتور سازی با ماشین سازی ارتباط فنی خواهد داشت و گاهی از ماشین آلات ماشین سازی برای موتاژ بعضی قسمت‌های تراکتور ها استفاده خواهد کرد.

تحصیل هستند با گواهی‌نامه ششم ابتدایی و سوم متوسط و دیپلم متوسطه پذیرفته می‌شوند.

و هر گروه مطابق اطلاعات علمی خود به کارهای مناسب فنی گمارده می‌شود. دوره کارآموزی در این کارخانه ۲ تا ۳ سال است و فارغ‌التحصیلان در حد تکنیسین، کارگران ماهر و نیمه‌ماهر تربیت می‌شوند، هم‌اکنون ۶۰۰ نفر از داوطلبان به کارآموزی در دوره سه ساله مشغولند این افراد گروه به گروه دوره کارآموزی را اتمام کرده آماده کار می‌شوند و اولین گروه در شهریور ماه سال جاری فارغ‌التحصیل شده و آماده کار هستند. پیش‌بینی می‌شود که این کارخانه حداکثر تا دو سال دیگر به کار مشغول خواهد شد و در آن موقع ۳۵۰۰ مهندس و تکنیسین در آن انجام وظیفه خواهند کرد.

از طرح‌های قابل توجه این کارخانه دایر کردن کلاس‌های آموزشی در ضمن کار است که با این ترتیب کمک مهندسان و کارگران کارخانه با آخرین اسلوب‌های کار در هر زمانی آشنا می‌شوند.

این کارخانه برای کارآموزان کمک تحصیلی می‌پردازد و انواع وسایل آسایش از قبیل وسیله رفت و آمد و بهداشت رایگان در اختیارشان می‌نهد. از آن گذشته دانش آموزان ممتاز را تشویق می‌کند و از میان فارغ‌التحصیلان گروهی را که استعداد و پشت کار بیشتر دارند برای تحصیل به کشور های پیشرفته صنعتی اعزام می‌دارد.

هر کدام از رشته‌های ماشین‌سازی، یک طراحی ویژه خود دارد و ابزار و ماشین‌های مختلف از قبیل: ماشین تراش، مته‌های برقی، صفحه‌تراش، فرزها و الکتروموتورهای یک فاز و سه فاز با قدرت‌های مختلف، کمپرسور و پرس، موتور دیزل با ظرفیت کم و ماشین آلات دیگر می‌سازد.

● تراکتور سازی

تراکتور سازی یکی دیگر از تاسیسات جدید صنعتی کشور است که در مجاورت کارخانه ماشین‌سازی تبریز قرار گرفته و با آن بیش از چند کیلومتر فاصله ندارد.

در اینجا: مهندسان رومانی با مهندسان ایرانی همکاری دارند و طرح کلی از نظر پلان و نقشه معماری از آنهاست و مهندسان ایرانی این طرح را در مساحتی قریب ۱۳۰ هکتار پیاده کرده‌اند. اجرای برنامه ساختمانی تراکتور سازی با مقاطعه‌کاران ایرانیست.

ساختمانها از مرداد ماه سال ۴۷ شروع گردیده و نخستین قسمت در خرداد ماه سال ۴۸ تمام شده است روی کارخانه مزبور ۶۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری شده که تاکنون ۱۰۰ میلیون تومان آن صرف ساختمان و دیگر تشکیلات گردیده است. کادر آموزشی که ۲۰۰ کارآموز خواهد

شرکت کنندگان در کارآموزی باید تحصیلاتشان حداقل سوم متوسطه باشد. نخستین محصولات تراکتور سازی در اول سال ۴۹ آماده خواهد شد که برای تامین احتیاجات داخلی خواهد بود. قیمت تراکتور ها در حد قیمت تراکتور های خارجی خواهد بود با این تفاوت که هزینه های اضافی که ایران باید برای خرید اولیه تامین کند به آن اضافه و مخارج گمرکی که برای تراکتور های ساخت خارج داده می شود از آن کم خواهد شد.

این کارخانه، هم در صنعتی کردن و هم در مکانیزه کردن کشاورزی مؤثر است. برنامه ای در دست طرح است که موتور تراکتور ها نیز در داخل کشور ساخته شود.

کارخانه های بنز و لیلاند موتور و دلمن دیزل با بانک توسعه صنعتی اشتراک دارند. این کارخانه ها همه در راس کارخانه های ماشین سازی و تراکتور سازی واقع شده اند. کارخانه بنز سازی «مرسدس بنز» در دست ساختمان است.

کارخانه های «لیلاندو دلمن» از نظر ساختمانی تمام شده و آماده بهره برداری می باشند.

● فولکلور تبریز «آذربایجان شرقی» اطراف تبریز در قرون متمادی در گذشته

بصورت روستا ها و قصبه هایی بوده است که رفته رفته با گسترش هسته مرکزی به شهر پیوسته و جزو آن شده است. به علت نفوذ و ترددی که شهریان و ده نشینان متقابلاً با یکدیگر داشتند زبان و گویشهای آنان بهم آمیخته و واژه هایی اصیل بر زبانها افتاده که امروزه فولکلور این دیار را تشکیل می دهد. شاعرانی پیدا شدند که اشعار فولکلوریک و محلی ساختند که مبین زندگی انفرادی و اجتماعی تبریز و بطور کلی آذربایجان می باشد. بزرگترین ساخته و پدیده ادبی «فولکلوریک» این خطه که به هجده زبان زنده ترجمه شده «حیدربابا» ی استاد شهریار است. شهریار در این مجموعه آداب و رسوم توده مردم روستا های آذربایجان به ویژه روستای محل تولد خود را احیا کرده و با بیانی بسیار دلنشین و زیبا به یادآوری خاطرات دوران کودکیش پرداخته است.

نفوذ زندگی و تمدن غربی و خارجی بزرگترین عامل فراموشی اصالت زبان و بیان محلی است. گویش محلی آذربایجان حائز اهمیت خاصی است.

تغزیه خوانی و شبیه گردانی از خصوصیات بارز موقعیت مذهبی این شهر می باشد. شاید همین امر سبب شده است که بیشتر آثار هنری ملی و قدیم تبریز به ویژه در چهار دیوار مساجد خلاصه شود از جنبه مذهبی

تبریز که چشم پوشیم جلوه جشنها و مراسم باستانی و ملی خودی نشان می دهد. جشن چهارشنبه سوری در تبریز بقدری با شکوه و چشمگیر است که بوصف نمی آید. همین علاقه به جشن های باستانی سبب شده است که سرود های ملی محلی بوجود آید. مثلاً وقتی در جشن چهارشنبه سوری دختر های جوان و دم بخت از روی آتش می پرند می خوانند.

«آتیل ماتیل چهارشنبه

بختیم آچیل چهارشنبه»

«یعنی در روز چهارشنبه سوری از روی آتش پیر وای بخت من در یک چنین روزی باز و بیدار شو.» در این روز دختران دم بخت سرکوبه می ایستند و کلیدی زیر پای خود می گذارند و گفته اولین رهگذر را که از کنارشان رد شود و چیزی می گوید بفال نیک می گیرند و آنرا تعبیر و تفسیر می کنند و اگر نیکو بود که خود را خوشبخت و اگر بد بود خویش را تیره بخت می دانند گاهی همین عمل را با ایستادن پشت در خانه ها انجام می دهند و بر هر حرفی که از پشت در می شنوند فال می زنند. جشن نوروز نیز با تشریفات خاصی در این شهر برگزار می شود.

کاخ جوانان که در ضلع شمالی دانشسرا



خانه ماشین سازی

طاهره آشتیانی وایرج خادم مقدم در نمایشنامه غروب در دریای غریب (در تالار کاخ جوانان تبریز)



و در اول خیابان فرح واقع گردیده ، ساختمانی شیک و مدرن با محوطه‌ای نسبتاً کوچک است و طرحی در دست است که این کاخ شعبه‌های فرعی نیز از خود در نقاط دیگر شهر داشته باشد . اکثر شبها برنامه‌های هنری و علمی در محوطه کاخ انجام می‌گیرد که مورد استفاده عموم است . در خانه کاخ اتاقهایی وسیع تعبیه شده که هنرمندان هر رشته‌ای در آن‌ها تمرین کنند و در ضمن همه نوع آلات موسیقی ایرانی و غربی در این سازمان موجود است که برایگان در اختیار هنرمندان جوان گذاشته می‌شود .

در آتیه نزدیک آموزشگاه شبانه‌ای برپا خواهد شد که در آن گذشته از جنبه آموزش ، دانشجویان شهرهای دیگر و شهرستانها بتوانند با کمترین قیمت که می‌پردازند حد اکثر استفاده از استراحت و غذا و مطالعه را بنمایند . خانه جوانان تبریز که برای محصلین دبیرستانهاست از نظر ساختمانی مفصل‌تر از کاخ و از لحاظ برنامه مشابه آن است

قالی بافی

شهر تبریز از نظر بافندگی فرش ، میزان تولید و طرح نقشه‌ها از جالبترین شهرهای ایرانست . بازار تبریز انبار بزرگ مواد

اولیه فرش (نخ و پشم) در آذربایجان است و ضمناً بزرگترین معاملات فرش آذربایجان در این شهر انجام می‌گیرد . تیمچه‌های امیر و مظفریه با وسعت خیره‌کننده‌شان به امر تجارت قالی اختصاص دارد و علاوه بر آنها تیمچه‌های محمدیه ، توتونچی‌لر ، حسینیه ، بازار قند فروشان و ... جملگی در اختیار بازرگانان فرش است .

در این بازارها بیشتر فرش‌های «شهر باف» به فروش میرسد و فرش‌هایی که در اطراف و روستاهای تبریز بافته می‌شود غالباً در بازارچه تکیه‌حیدر و بازارچه خیابان خرید و فروش می‌شود .

در تیمچه مظفریه مغازه‌های طبقه پایین مخصوص قالی فروشان و اتاقهای طبقه دوم بیشتر در اختیار طراحان است . طبق آماری که در سال ۱۳۴۴ منتشر شده در شهر تبریز دوازده هزار دستگاه بافندگی قالی مشغول کار بوده است که جمعا متجاوز از چهل هزار کارگر در اختیار داشته است .

تولید شهر باف که اکثر ۲۰ تا ۲۵ رج در گره (یا پونزه تقریباً ۷ سانتیمتری) است ، قریب پانصد هزار متر مربع در سال است و ارزش آن از یک میلیارد ریال در سال تجاوز می‌کند . قالی‌های ریز باف و مرغوب‌تر نیز در تبریز بافته می‌شود که خود حایز اهمیت شایان است .

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

این قالی‌شناس در سال ۱۳۲۷ مجموع دارهای قالی کارخانه‌ها و دارهای اختصاصی که در منازل برپا شده بود از یک هزار تجاوز نمی‌کرد .

با این حساب میزان فعالیت قالی بافی در ۲۰ سال اخیر ده برابر شده است امروزه بیشتر دارهای قالی بافی در کارخانه‌های بزرگ دایر است و تنها در روستاها و بعضی از خانه‌های شهرنشین می‌توان دارهای اختصاصی پیدا کرد .

نحوه خرید و فروش فرش در آذربایجان بسته به جا‌های مختلف فرق می‌کند مثلاً بازرگانان فرش را از تولیدکننده خرده پا به احتساب قالیچه می‌خرند که هر قالیچه معادل ۳۵ پونزه است . اندازه دیگری میان فرش فروشان مرسوم است که به ترکی (آرشین) می‌گویند و همان ذرع است که در تبریز میان ۱۰۸ و ۱۱۴ سانتی‌متر متغیر است و لابد طول آن بستگی به مقام خریدار یا فروشنده دارد . البته شرکت‌های بزرگ تولید فرش سعی دارند که معاملات خود را با واحد متر انجام دهند .

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

اگر ارقامی را که «ادواردز» قالی‌شناس مشهور انگلیسی داده بپذیریم ، باید قبول کنیم که قالی بافی آذربایجان در بیست سال اخیر تحول شگرفی یافته است . بنابه ادعای

سیلوی تبریز

میزان برآورد محصولات کشاورزی تبریز و حومه اش

مخصوص تهیه و فروش کفش در تبریز وجود دارد.

البته خوانندگان عزیز توجه دارند که نگارنده از استعمال کلمه «کفش» احتراز دارد. علت اینست که این کلمه بدون توجه به فارسی بودن کلمه «کفش» به سیاق صیغه شغل عربی ساخته شده است. میدانید که اسمهایی را که به شغل دلالت دارند در زبان عربی بر وزن «فعال» با تشدید ع می سازند مانند قصاب و عطار و امثال آن و باز توجه دارید که این کلمات اصل عربی دارند در حالی که کلمه کفش فارسی است و نباید به سیاق عربی با آن رفتار کرد.

حالا به اصل مطلب برمی گردیم کارگاه های کفش دوزی تبریز به دودسته مشخص تقسیم می شود: اول آنهایی که رویه کفش (پستها) تهیه می کنند و در اصطلاح «پستها دوز» خوانده می شوند و دوم کارگاههایی که رویه ها را به تخت می دوزند کفش را آماده می کنند.

طبق آماری که در مرداد ماه سال ۴۷ گرفته شده، تعداد یکصد و یازده کارگاه پستها دوزی و ۲۶۹ کارگاه دوخت در تبریز وجود داشته. به این تعداد باید ۱۰ کارگاه دوخت و پستها دوزی، که هم تهیه رویه و هم دوخت کفش را به عهده دارند، و یکصد کارگاه دوخت و فروش را اضافه کرد. کفش های درجه یک تبریز را بیشتر در کارگاههای واقع در خیابانها و یکی دو کارگاه بازار تهیه می کنند و کفش زنانه دوزان تبریز علاوه بر بازار بیشتر در خیابان «تربیت» مغازه دارند.

با اینکه کارخانه های کفش سازی مدرن و مجهز اخیرا در ایران به تهیه کفش پرداخته اند، کفش دست دوز تبریز هنوز هم به علت مرغوبیت و ظرافتی که دارد، مورد توجه شیک پوشان است.

آذربایجان شرقی عموما و تبریز بویژه که مورد بحث ماست دارای موقعیت کشاورزی مهمی است که میتواند رفع حوائج داخلی را نموده و گاه نوعی از محصولات آن صورت صادراتی را داشته باشد. در تبریز و توابع آن و شهرستان های کوچک نزدیک آن: بر حسب وضع جغرافیایی و طبیعی انواع مختلف محصولات کشاورزی کشت و برداشت میشود: جدول زیر یک بررسی تخمینی را در این مورد نشان میدهد:

تخمین میزان سطح زیر کشت و مقدار محصول زراعت های سالانه:

واحد: هکتار: تن

گلایی

تبریز	۶۲۷۰۰	۶۳۰۰۰
پسته		
تبریز	۷۰۰	۸

انگور

تبریز	۱۰۴۷۰۶۶	۷۹۶۰
-------	---------	------

بادام

تبریز	۱۵۴۴۵۰۰	۱۹۷۶۰
-------	---------	-------

کفش تبریز

کفش تبریز در مرغوبیت جنس معروف است و صنعت کفش دوزی بقدری در تبریز رایج است که علاوه بر مغازه هایی که در خیابان های مختلف تبریز به فروش کفش مشغولند، بازار خاصی به نام بازار کفشان

آبی گندم

نام شهرستان	سطح کشت	مقدار محصول	سطح کشت	مقدار محصول
تبریز	۲۳۳۰۹	۲۴۷۲۰	۶۶۱۳۵	۶۲۸۱۰
سراب	۲۵۰۰۰	۲۲۱۵۰	۴۲۰۰۰	۴۱۵۴۰
مرند	۲۶۵۰۰	۲۸۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۲۰۰۰
مشکین شهر	۳۹۲۰۰	۵۴۸۸۰	۷۵۰۰۰	۹۰۰۰۰
حشرد	۲۰۰۰۰	۱۹۶۰۰	۷۵۰۰۰	۵۶۰۰۰

آبی جو

نام شهرستان	سطح کشت	مقدار محصول	سطح کشت	مقدار محصول
تبریز	۴۷۲۱	۵۱۰۰	۲۱۲۳۱	۱۸۶۹۶
سراب	۱۱۵۰۰	۱۰۵۰۰	۲۳۵۰۰	۱۲۰۰۰
مرند	۸۰۰۰	۷۲۰۰	۶۰۰۰	۵۴۰۰
مشکین شهر	۱۴۰۰۰	۱۵۴۰۰	۳۰۰۰۰	۲۴۶۵۰
حشرد	۵۰۰۰	۴۸۰۰	۲۴۰۰۰	۱۸۴۰۰

واحد: هکتار: تن
(«آبی»)

توتون و تنباکو

نام شهرستان	سطح کشت	مقدار محصول	سطح کشت	مقدار محصول
تبریز	۸۰	۷۰	۹۷۲	۱۸۶۱۷
سراب	۳۰۶	۵۲۰	۱۰۰۰	۱۵۳۴۰
مشکین شهر	—	—	۲۵۰	۱۶۵۰

آبی پیاز و سبزیجات

نام شهرستان	سطح کشت	مقدار محصول	سطح کشت	مقدار محصول
تبریز	۳۱۳	۱۵۴۶۳	۶۱۰۳	۱۵۳۰۸
سراب	۱۸	۷۵	۵۰	۴۱۰
مرند	۶۰	۳۰۰	۱۱۰	۸۰۰۰
مشکین شهر	۷۰	۳۶۴	—	—
حشرد	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰

آبی نباتات علوفه ای

نام شهرستان	سطح کشت	مقدار محصول	سطح کشت	مقدار محصول
تبریز	۲۴۵۶	۱۶۶۳۴	—	—
سراب	۴۰۰۰	۱۲۵۰۰	—	—
مرند	۱۵۰۰۰	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰	۱۳۰۰۰

تعداد اصله سیب

نام شهرستان	بارور	مقدار محصول
تبریز	۴۵۴۴۰۰	۴۶۹۵



ضرورت برنامه ریزی درازمدت نیروی انسانی در ایران

از شاپور راسخ

به ۲۴۰ گروه شغلی طبقه بندی شده بود تهیه شد و بعد همین مطالعه در مورد افراد واقع در سطوح عالی تخصصی صورت گرفت - آن گاه پژوهشی در باب موسسات آموزشی مملکت اعم از مدارس رسمی و مراکز دیگر انجام شد و ظرفیت آنها از جهت پرورش کارکنان ماهر مورد نیاز جامعه مشخص گردید . مرحله سوم تحقیق عبارت از ارسال پرسشنامه‌ای به کارفرمایان بود که تقاضای حال و آینده آنان را از جهت افراد واجد مهارت در مشاغل مختلف معلوم می‌داشت . مقایسه تقاضای کارفرمایان با ضافه کمبودهای موجود با آن چه موسسات آموزشی قادر بتأمین هستند، با همه نقصانهای آشکاری که در چنین روش مشهود است، سیمای کلی احتیاجات و منابع نیروی انسانی را در يك دوره کوتاه پنجساله (۱۳۳۷ - ۱۳۴۲) نمودار ساخت . برنامه سوم عمرانی کشور فصلی را به نیروی انسانی و تعلیم و تربیت اختصاص داد

در باره اهمیت عامل انسانی در توسعه و رشد اقتصادی آن قدر سخن گفته شده است که تکرار آن بهیچ روی مورد ندارد . آن چه در این جا مطمح نظر ما است بحثی است اجمالی در باب این که برنامه ریزی نیروی انسانی در ایران ضرور است و این ضرورت خصوصا در مورد پیش بینی دراز مدت عرضه و تقاضای نیروی کار و نحوه برقراری تعادل میان آن دو مطرح است.

برنامه ریزی نیروی انسانی در ایران سابقه‌ای یازده ساله دارد. پس از انتشار تدریجی نتایج اولین سرشماری عمومی نفوس (که در سال ۱۳۳۵ انجام پذیرفت) ، سازمان برنامه با همکاری چند کارشناس خارجی و مساعدت وزارت کار در سال ۱۳۳۷ به نخستین بررسی منابع و احتیاجات کوتاه مدت نیروی انسانی در ایران دست برد. نخست تصویریری از نیروی فعال در خارج بخش کشاورزی که برپایه فهرست مشاغل سازمان بین‌المللی کار



که تکیه گاه آن همان بررسی مورد اشاره ما بود. اما طراحان برنامه سوم خود به نارسائی های این بررسی وقوف داشتند و از همین نظر بود که در طول برنامه سوم، مطالعه دقیقتری از بازار کار ایران را به اهتمام وزارت کار و امور اجتماعی تشویق و پشتیبانی کردند. نتیجه این مطالعه که در اداره کل مطالعات نیروی انسانی و آمار وزارت کار بانجام رسید در سه مجموعه بزرگ تحت عنوان بررسی های مسائل نیروی انسانی در سال ۱۳۴۳ انتشار یافت. مبنای این مطالعه بخلاف بررسی پیشین که «برکارگاه» متکی بود واحد خانوار است و باروش نمونه گیری بشناخت مسائل نیروی انسانی در عده ای از شهرهای ایران و در مجموع روستاهای مملکت کوشش کرده است اما میان نتایج این مطالعه و سرشماری عمومی دوم که در سال ۱۳۴۵ انجام پذیرفت تفاوت های فاحش دیده می شود و از این رو عملاً این پژوهش وسیع اینک از حیز انتفاع افتاده است.

بهنگام تهیه برنامه چهارم عمرانی کشور در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ هرچند نتایج سرشماری اخیرالذکر بتمامه شناخته نبود اما براساس ارقام سرشماری اول و آمارگیری نمونه ای سال ۱۳۴۲ (معروف با آمارگیری اجتماعی و نفوس) و آمارهای آموزشی، پیش بینی عرضه نیروی انسانی در ۵ سال ۱۳۴۷-۱۳۵۱ بعمل آمد. بعد تقاضای نیروی انسانی از طریق فرض درجات مختلف رشد اقتصادی و ازدیاد قدرت تولید محاسبه شد و باتوجه به نتایج مطالعه ای که نزد صاحبان صنایع صورت گرفته بود رابط میان سطوح مختلف مهارت و تخصص بدست آمد و بر همان اساس، توزیع جمعیت شاغل جدید بین این سطوح معلوم گردید. ضمناً با عنایت باین امر که برنامه آموزش و پرورش در وهله اولی به خرسند کردن نیازهای نیروی انسانی، معطوف است از برنامه ریزی کیفی نیروی انسانی، جهات اصلی برنامه آموزش و پرورش استنتاج شد.

ناگفته نماند که وزارت کار و امور اجتماعی و یک کارشناس خارجی نیز با احتساب رابطه میان سرمایه گذاری و اشتغال، پیش بینی هایی درمورد مشاغلی که در طول برنامه چهارم پدید خواهد آمد نموده بودند که نتایج آن با آن چه از برنامه چهارم نیروی انسانی بعداً بدست آمد کاملاً تطبیق نمی کند (۱) اما بهر حال توجهی که به امر برنامه ریزی نیروی انسانی از همه سو ابراز شد در خور یادآوری و تقدیر است.

از آن چه اجمالاً بیان شد ناهماهنگی ها و نارسائی های برنامه ریزی نیروی انسانی در ایران تا حدی معلوم می شود. اما تذکر این مطلب نیز واجب است که بر آورد های نیروی انسانی براساس تجربه ای که در این

یازده سال حاصل آمده پیشرفت محسوسی کرده و دقت بیشتر یافته و راه برپیش بینی دراز مدت که لزوم آن هرروز نمایان تر می شود هموار شده است.

در دو سال اخیر چندتن از محققان بمطالعات دراز مدت در جهت عرضه نیروی انسانی اهتمام نموده اند. نتیجه کار بعضی از آنان در سمینار نیروی انسانی که اخیراً بمشارکت سازمان برنامه و سازمان همکاری برای توسعه اقتصادی اروپا دائر شده بود مطرح و مورد رسیدگی واقع شد. چون میزان دقیق رشد جمعیت در ایران هنوز بقاطعیت روشن نگردیده است تفاوت های مختصری میان این پیش بینی ها باز یافته می شود اما کاری که در پیش بینی مربوط به تقاضا شده است محدودتر و نامطمئن تر است و همین نقصان است که باید هرچه زودتر به تدبیری خاص چاره جوئی و جبران شود.

ضرورت برنامه ریزی دراز مدت در عرصه نیروی انسانی از چند جهت کاملاً بارز است: نخست آنکه پرورش نیروی انسانی، فرصت طولانی می خواهد و این مطلب خصوصاً در مورد کادرهای عالی تخصصی صادق است. دو دیگر آنکه جمعیت در ممالکی چون ایران بسرعت تقریباً سه درصد در سال رشد می کند و ناچار مسائل خطیری از قبیل تامین غذای مسکن - کار و مانند آن مطرح می کند که نه فقط در قالب برنامه های سالانه و میان مدت بلکه در زمانی طولانی باید به آنها اندیشید و از سال ها پیش چاره سازی نمود.

جهت سوم این است که محاسبه تقاضا در زمان کوتاه چهار تا پنج ساله باتوجه بنوسانات بالنسبه شدید اقتصادی که ممالک در حال رشد گرفتار آن هستند از خطر اشتباهات بزرگ بدور نیست در حالی که اگر روندهای طولانی برپایه تجربه گذشته بدست آمده باشد می توان پیش بینی قابل اطمینانی درباره روالها و گرایش های آینده عنوان کرد.

ناگفته نماند که امروزه تمایل به آینده نگری عمومیت بسیار یافته و ممالک متعددی چون امریکا - فرانسه - آلمان و اخیراً ژاپن به بررسی تحولات آتی تا سال ۱۹۸۵ و احیاناً سال ۲۰۰۰ و بعد از آن روی آورده اند و حتی در مواردی چون فرانسه، آینده نگری اساس برنامه ریزی میان مدت را تشکیل داده است. این تمایل عمومی تنها ناشی از کنجکاوی ذاتی بشر نسبت به حوادث آینده نیست بلکه موجبات دیگری نیز دارد و از جمله آنکه در بعضی از بخش های اقتصادی، برنامه ریزی جز در قالب زمان طولانی موجه نیست چنانکه مثلاً در ایران ایجاد زیربنای صوری وسیع اقتصاد بصورت راه - راه آهن - شبکه تلفن - برق و مانند آن نمی تواند تنها بارضاء حوائج

آنی یا نزدیک جامعه معطوف باشد بلکه ناچار جزئاً متوجه برآوردن نیازهای آتی مملکت است. ضمناً فراموش نباید کرد که وظیفه رهبران جامعه و طراحان برنامه است که تصویری از اجتماع مطلوب و بزبان قدما «مدینه فاضله ای» که در نظر دارند بیاری مردم بسازند بخود مردم عرضه کنند و منجمله معلوم دارند که آیا غرض نهائی تنها آسایش یا فراخی مادی است یا هدف های عالیهتری در پس «جامعه مصرف» یا بقول راستو Rostow High mass Consumption «جامعه مصرف بسیار برای انبوه خلق» نیز مطمح نظر است و چنانکه ریکاردو Ricardo و استوارت میل Stuart Mill و پاره ای از اقتصاد شناسان کلاسیک نوید داده اند روزی خواهد رسید که موهبت رفاه شامل همگان خواهد شد و مردمان بجای تلاش معاش و کوشش در تولید و رشد و توسعه اقتصادی که دیگر موردی نخواهد داشت بامور فکری و فرهنگی و هنری روی خواهند آورد و باصطلاح جامعه شناسان معاصر چون دومازدیه Dumazdier از ثمرات تمدن فراغت مغتنم خواهند شد. (۲)

تنها «انفجار جمعیت» در بسیاری از کشورهای عالم (۳) لزوم دوراندیشی در برنامه های ملی را پیش نیاورده است انقلاب فنی یا تکنولوژیک نیز همین ضرورت را بشدت مطرح کرده است. حقیقت این است که رشد و توسعه علم و فن چنان سرعتی گرفته است که بقول متفنان، در هر دو سال سرمایه دانش بشر دو برابر می شود و مشکل انطباق سازمان های اجتماعی و نحوه تفکر و احساس و رفتار آدمیان را بادنیای فنی جدید بمیان می آورد. در دنیای سال ۱۹۸۵ که برنامه های تلویزیونی بیاری اقمار مصنوعی از هر نقطه جهان بنقاط دیگر پخش خواهد شد و تمدنها و فرهنگ های بشری را قویاً بهم آمیخته خواهد کرد، نظامات تعلیم و تربیت دیگر قادر نخواهد بود که روش های کهنه و اندیشه های سنتی و بالاخره جهان بینی دیر مانده خود را حفظ کند. در دنیائی که تولید ناخالص سرانه در جامعه ای چون ژاپن به سه هزار دلار خواهد رسید رقابت در تصرف مغزهای پرورده و منور از راه اعطای حقوق گزاف و شرائط زندگی و کار فکری بی نقصان بحسداعلی فزونی خواهد یافت و محظوری را که هم اکنون ممالک در حال رشد دست بگریبان آن هستند و بنام «پدیده گریز مغزها» نامیده می شود شدت بی سابقه خواهد داد. ثلث آخر قرن بیستم بجای آنکه عصر «ایدئولوژی» باشد بگمان ما بیشتر عصر «تکنولوژی» خواهد بود و ناچار پرورش افراد مناسب حیات و بقا در چنین عصری، بعنوان یکی از هدفهای

اساسی هر برنامه رشد اقتصادی و اجتماعی پذیرفته خواهد شد و به زبان دیگر برنامه ریزی نیروی انسانی اهمیتی افزون خواهد گرفت از جمله اثرات و نتایج رشد سریع تکنولوژی، دگرگونی ترکیب نیروی کار است بدین معنی که ضمن کاهش جمعیت فعال در بخش کشاورزی، نسبت افراد شاغل در صنایع و خدمات و خصوصاً بخش اخیر را افزایش قابل ملاحظه خواهد داد. فی المثل در کشور ژاپن که پیش از این بآن اشارت رفت طی بیست سال آینده شاغلان بخش اول یکمتر از یک یازدهم کاسته خواهد شد در حالی که فقط در مشاغل یقه سپید حدود یک ثلث جمعیت فعال بکار خواهد پرداخت و روشن است که در نظام آموزشی نیز باید بموازات آن تغییری اساسی روی دهد و نه فقط رشته های موافق احتیاجات جدید عصر فنی توسعه یابد بلکه تا حد امکان در روش تعلیم و تربیت نیز از تکنیک های نو چون آموزش از طریق رادیو-تلویزیون-سینما-اسلاید و آن چه «آموزش برنامه ای» خوانده شده است استفاده شود و محتوی تعلیم با پیشرفت های تازه علم و فن تطبیق یابد.

برنامه ریزی نیروی انسانی از ارکان مسلم برنامه ریزی ملی است. از سوئی تحقق برنامه های اقتصادی و افزایش تولید در بخش های مختلف بآن بستگی دارد و از سوی دیگر کمترین هدف برنامه های آموزش و پرورش و تا حدودی بهداشت و بهداری و رفاه اجتماعی، تامین نیروی انسانی مورد نیاز جامعه در مراحل پایایی رشد است، با چنین پیوندی که میان این نوع برنامه ها هست و با گرایش روز افزونی که برنامه های ملی یا حداقل برنامه بعضی از بخش های اقتصادی به گسترش زمانی طولانی تر حاصل می کنند

برنامه نیروی انسانی، نمی تواند در قالب چهار و پنج سال محدود و محبوس بماند. بعنوان نمونه از برنامه های شهر سازی باید یاد کرد که با تمایل متزاید نفوس در سراسر عالم به شهر نشینی ناچار باید با نظری آینده نگر توأم باشد. در ۱۹۵۰ در حدود خمس جمعیت عالم و در حال حاضر حدود ربع جمعیت مزبور ساکن شهرهای بیست هزار نفر سکنه بیابا بوده و هست و میزان شهر نشینی در سال دو هزار احتمالاً از ثلث جمعیت جهان خواهد گذشت. از نتایج تراکم رویافزایش مردم، پدید آمدن شهرهای کلان و جذب محله ها و شهرک های اقماری در آنها و در نتیجه ظهور مناطق پهناور و انبوه متروپولی است و بدیهی است که تهیه خانه معبر-پارک و وسائل رفاه و تاسیسات شهری برای جمعیت های چند میلیون نفری که در مناطق بسیار وسیع متراکم شده اند مسائل دشوار و بفرنجی بمیان می آورد که حل آنها به زمان دراز نیازمند است و همین که برنامه های شهر سازی به صورت طویل المدت مطرح گردید ناچار به تبع آن باید از مدت ها پیش بمسائل مربوط به عرضه و تقاضای نیروی انسانی که از برنامه های مذکور ناشی است چون عرضه روز افزون نیروی کار در شهر و تقاضای مهارت ها و تخصص های جدید اندیشید.

از مطالعه ای مربوط به «رشد جمعیت و مسائل نیروی انسانی در ایران» طی بیست سال آینده که بهمت یکی از کارشناسان (۴) انجام گرفت و به سمینار سازمان برنامه و سازمان همکاری در توسعه اقتصادی اروپا (شهریور ماه ۱۳۴۸) تسلیم شد بروشنی بر می آید که جمعیت ایران طی بیست سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نزدیک بدو برابر می شود (حداقل ۴۷ و حداکثر ۵۱ میلیون نفر). نسبت شاغلان کشاورزی بنفع بخش های دیگر کاهش می

پذیرد (از ۴۴ درصد جمعیت فعال بحدود ۳۰ درصد) و قسمت بیشتری از جمعیت زنان وارد عرصه فعالیت می شود (حدود ۱۱ بجای ۹ درصد فعلی) و ضمن کاهش میزان فعالیت عمومی (از ۳۰ به ۲۹ درصد)، بهره وری کار افزایش محسوس می یابد (۵-۶ تا ۷ درصد در سال). با توجه به جوانی بیش از اندازه جمعیت ایران که در حال حاضر حدود ۵۵ درصد آن واقع در سنین کمتر از بیست سالگی است (۵) باید اذعان کرد که مملکت بسال های دراز بار سنگینی از هزینه های اجتماعی بدوش دارد و با تغییرات عمده دیگری که در پیش است- چون بسط صنایع که در سال ۱۳۶۵ حدود ۳۷ درصد جمعیت فعال را در خود می گیرد باید تصدیق نمود که لازم است بنیاد تعلیم و تربیت ایران که اینک حدود ۹۷ درصد آن بر آموزش نظری و غیر فنی متکی است دگرگون شود و این جمله مستلزم آن است که از هم اکنون یک برنامه ریزی دراز مدت در زمینه آموزش و پرورش و نیروی انسانی پی ریخته شود.

در مورد آموزش و پرورش، یک برنامه بیست ساله تعمیم تحصیلات ابتدائی و بسط عمومی سواد از سالها پیش با همکاری چند کارشناس یونسکو در ایران تهیه شده است. مدل آسیائی که چند سال قبل در بانکوک عنوان شد و ممالک این قاره جهان را بچند دسته تقسیم کرد و برای هر دسته هدف های تعلیماتی بیست ساله در کلیه سطوح مقرر داشت نیز کار ما را در این برنامه ریزی دراز مدت آسان می کند. اما در زمینه خاص نیروی انسانی و تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار در طول سنوات آینده هنوز کار جدی و رسمی نشده است و در این جاست که اقدام فوری- بعقیده ما- ضرورت حیاتی دارد.

(۱) فی المثل مقایسه شود ارقامی که آقای نیلس استروم در مقاله «مسائل نیروی انسانی در ایران در طول برنامه های سوم و چهارم» داده است با ارقام کتاب برنامه چهارم عمرانی کشور. از جمله آقای استروم نیروی کار در ایران در پایان برنامه چهارم را ۹۳۵۲ هزار نفر برآورد کرده بود و برنامه چهارم در مقابل رقم ۷۹۵۹ را داده است. جدول زیر تفاوت های دیگری از برآورد

نیازمندی های نیروی انسانی در طول برنامه چهارم

آقای استروم	سازمان برنامه
۲۴۷۵۰۰	۲۲۶۰۰۰
۳۲۶۰۰۰	۴۱۷۰۰۰
۴۷۴۰۰۰	۳۲۳۰۰۰
۱۰۴۷۵۰۰	۹۶۶۰۰۰

کشاورزی و جنگلبانی
صنایع و معادن
خدمات

راسخ - چاپ سوم - بخش جامعه شناسی فراغت
(۳) اهمیت این انقلاب جمعیتی را از جا می توان بخوبی دریافت که در فاصله سال های ۱۷۰۰ و ۱۸۵۰ یعنی طی یک صد و پنجاه سال جمعیت دنیا فقط حدود ۷۵-۸۰ درصد افزایش یافت. در فاصله سالهای ۱۸۵۰ و ۱۹۵۰ یعنی طی یکصد سال جمعیت دنیا دو برابر شد و اینک در مدت ۳۵ تا ۴۰ سال نفوس عالم باز به دو برابر بالغ میگردد!
(۴) دکتر فرخ امین زاده - کارشناس دفتر نیروی انسانی سازمان برنامه
(۵) نظر شود به مقاله اخیر نویسنده در باره مسائل نیروی انسانی در ایران در روزنامه آیندگان بمناسبت سمینار سنتو (آذر ۱۳۴۸).



پژوهشی نو

برای اولین بار در کشور

نگاهداری مواد غذایی و محصولات کشاورزی بوسیله

پرتوهای هسته‌ای (یونساز)

از : دکتر ناصر روحانی‌زاده

مدیر گروه تحقیقات علوم زیستی مرکز اتمی دانشگاه

مقدمه: در دنیائی که دوسوم افرادش از بی‌غذائی و یا کمبود مواد غذائی در رنج و سختی هستند سالیانه طبق گزارش F.A.O دویست میلیون تن محصولات غذائی و کشاورزی در نتیجه عدم توانائی در نگهداری و توزیع بد، فاسد و از بین میرود.

متأسفانه این مساله در میان مردم کشورهای منطقه استوایی که اکثریت جمعیت جهان در آن پراکنده‌اند وجود داشته و بنابراین نگهداری و توزیع صحیح و بموقع محصولات کشاورزی و مواد غذائی یکی از مهمترین و مشکلترین مسائل این کشورها محسوب میشود.

راههای فراوانی تاکنون بوسیله سازمان ملل متحد و دولتها و موسسات مختلف برای جلوگیری از فساد و از بین رفتن میلیونها تن مواد غذائی مورد عمل قرار گرفته و اجرا گردیده است ولی باز این مساله باوجود افزایش روز افزون جمعیت حل نگشته و روز بروز پیچیده‌تر و مشکلتر میگردد. اهم راههای علمی و صحیحی که تاکنون در تمام کشورها مورد عمل قرار گرفته عبارتند از ایجاد سیلوهایی صحیح برای محصولات کشاورزی، سردخانه‌ها برای نگهداری گوشت و سبزی‌ها و میوه‌ها، ساختن انبارهای مختلف جهت نگهداری بیش از پیش محصولات کشاورزی مانند سیب زمینی و پیاز و غیره ...

ولی در سالهای اخیر در بعضی از کشورهای متمدن جهان مانند آمریکا، فرانسه، انگلستان، کانادا و اسرائیل طریقه‌یی بسیار جدید جهت محافظت و نگهداری مواد غذائی محصولات کشاورزی و دفع آفات نباتی بکار میرود که نتایج بس جالب و صددرصد مطمئن در برداشته است. این طریقه عبارتست از استفاده از اثر یونساز پرتوئی و تشعشعات هسته‌یی یا اتمی بر مواد غذائی و محصولات کشاورزی و آفات نباتی.

همانطور که میدانیم مواد غذائی و محصولات کشاورزی بیکى از طرق زیر فاسد گشته و از بین میروند.

۱- جوانه زدن و سبز شدن محصولات کشاورزی مانند سیب زمینی و پیاز در طول زمان انبار کردن آنها، عوامل اصلی برای فساد این محصولات بشمار می‌رود.

۲- امراض گیاهی و انتقال آنها بوسیله حشرات و آفات نباتی از عوامل مهم فساد مواد و محصولات کشاورزی است.

۳- میکربها و باکتریها و موجودات ناقل، در آب و هوای مختلف از عوامل مهم فساد و نابودی محصولات کشاورزی هستند. ما برای جلوگیری از فساد محصولات کشاورزی و مواد غذائی برای هر يك از عوامل فوق بایستی وسائل مختلف و شرایط سختی را متحمل گردیم؛ در صورتیکه فقط و فقط با تشعشعات و پرتوهای اتمی میتوانیم

تمام این عوامل فساد و نابودی را از بین ببریم. مایخوبی می‌توانیم با اشعه دادن به سبب زمینی و پیاز از جوانه زدن و سبز کردن آنها برای همیشه جلوگیری نمائیم.

همچنین قادر هستیم، با مقادیر زیاد پرتوهای یونساز اتمی امراض گیاهی و عوامل آنها را از بین ببریم و باکتریها و میکربهای فاسد کننده مواد غذائی مانند گوشت و ماهی را ریشه کن کنیم. همچنین بخوبی میتوان مواد غذائی و محصولات کشاورزی را در مقابل عوامل مختلف فساد استریل و پاستوریزه نمود.

این روش یعنی استفاده از تشعشعات اتمی برای نگهداری مواد غذائی و محصولات کشاورزی در سالهای اخیر در اغلب کشورهای بزرگ معمول گشته و بنهایت مورد توجه دولتها و موسسات علمی و تحقیقاتی دنیا میباشد. این متد از چندی قبل در آزمایشگاه رادیو بیولوژی توسط اینجانب برای نگهداری مواد غذائی و محصولات کشاورزی مانند سیب زمینی پیاز، گوجه فرنگی و همچنین از بین بردن آفات نباتی بطریقه عقیم نمودن حشرات با تشعشعات اتمی مورد استفاده قرار گرفته و نتایج بسیار مهم و جالبی بدست آمده است و این نتایج همزمان با مجله تلاش در مجله Food Irradition در فرانسه منتشر میگردد.

در این مقاله سعی گردیده طرق و چگونگی استفاده از تشعشعات اتمی که برای نگهداری مواد غذائی و محصولات کشاورزی در دنیا بکار برده میشود و جنبه‌های بهداشتی بی‌خطر بودن و اهمیت اقتصادی آنها را مورد مطالعه قرار دهیم.

چگونگی استفاده از تشعشعات هسته‌ای برای نگهداری مواد غذائی:

اتم یا کوچکترین جزء يك ملکول می‌تواند مستقلاً در فعل و انفعالات شیمیائی وارد شود و همیشه دارای وضع ثابت و پایداریست. و این حالت پایداری و ثبوت در موقعی میباشد که اجزاء اتم یعنی پروتون، نوترون و الکترون در وضع ثابت و متعادل قرار گرفته باشند. ولی همیشه اجزاء اتم بصورت متعادل نمی‌باشند و در اثر عوامل و تحریکات مختلف ممکن است تغییری در تعداد نوترونها، پروتونها و یا الکترونهای آن بوجود آید که در این موقع اتم بصورت تحریک شده درمی‌آید و تا خود را بصورت متعادل و ثابت از نظر تعداد اجزاء داخلی و انرژی در نیالورد مرتباً در هیجان بوده و بصورت ناپایدار شناخته میشود. اتم تحریک شده و در حال هیجان برای اینکه بتواند خود را بصورت ثابت و پایداری در آورد مقداری از انرژی و ذرات زیادی داخل هسته خود را بخارج پرتاب مینماید و آنچه که ما بنام پرتوها یا تشعشعات هسته‌ای میشناسیم انرژی یا ذرات زیادی هسته اتمهایی هستند

که بصورت ناپایدار میباشد. این پرتوها یا تابش‌های هسته‌یی بدو دسته پرتوهای ذره‌دار و پرتوهای الکترو مغناطیسی تقسیم میگردند. پرتوهای ذره‌دار مانند آلفا، بتا، نوترون، پروتون ... ذراتی هستند که در اثر تجزیه هسته و اجزاء اتم بوجود می‌آیند و دارای بار الکتریکی، جرم و وزن می‌باشند. در صورتیکه پرتوهای الکترو مغناطیسی مانند γ -X (گاما) منحصر بصورت دسته‌های انرژی (فوتون) بوده و دارای فرکانس و طول موج میباشد و از خواص امواج تبعیت مینمایند. نوع پرتوهاییکه جهت نگهداری مواد غذائی و محصولات کشاورزی بکار میرود از انواع پرتوهای الکترو مغناطیسی میباشد. مثلاً Co^{60} يك اتم پایداری میباشد که در اثر ورود يك نوترون (یکی از اجزاء اتم) به هسته اتم آن تبدیل به Co^{60} میگردد و از صورت پایداری درآمده و نا پایداری میگردد و برای اینکه خود را بصورت اولیه درآورد مرتباً انرژی اضافی خود را بصورت پرتو γ بیرون میدهد و این پرتو γ است که ما میتوانیم مواد غذائی و محصولات کشاورزی را با آن مورد تابش قرار دهیم و عوامل فساد و خرابی آنها را از بین ببریم. چون این پرتوها بصورت دسته‌های انرژی (فوتون) میباشد باعث آلودگی بعدی و یا ایجاد مواد رادیو اکتیو در مواد غذائی که بغلط در بین مردم رایج است نمیگردد. همانطور که شخصی که تحت تابش اشعه X برای رادیو گرافی قرار میگیرد بعد از عکس برداری آلوده یا رادیو اکتیو نمیشود.

چگونگی تحت تابش قرار دادن مواد غذائی و محصولات کشاورزی بوسیله پرتو لا بدین طریق است که در محلیکه دارای حفاظ لازم مثلاً دیوارهای بتن آرمه میباشد میتواند از خروج پرتو گاما γ بخارج از اطاق جلوگیری نماید چشمه کبالت ۶۰ یا دیگر چشمه‌های دهنده پرتو γ (گاما) را قرار میدهند بصورت خود کار دستگاه را روشن و خاموش مینمایند و مواد غذائی و محصولات کشاورزی را در معرض تابش مقدار لازم پرتو لا قرار میدهند.

مقادیر لازم پرتو جهت محافظت و نگهداری مواد غذائی و محصولات کشاورزی را در مقابل عوامل مختلف فساد بصورت زیر میتوان خلاصه نمود:

بامقدار ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ راد (Rad) (واحد مقدار پرتو جذب شده) میتوان از سبز کردن و جوانه زدن محصولات کشاورزی مانند سیب زمینی و پیاز جلوگیری نمود (این تجربه در آزمایشگاه نویسنده عملی شده است).

با ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ راد پرتو γ (گاما) می‌توان حشرات و آفات نباتی را از بین برد و این مقدار در بعضی انواع حشرات و کرم (لارو)

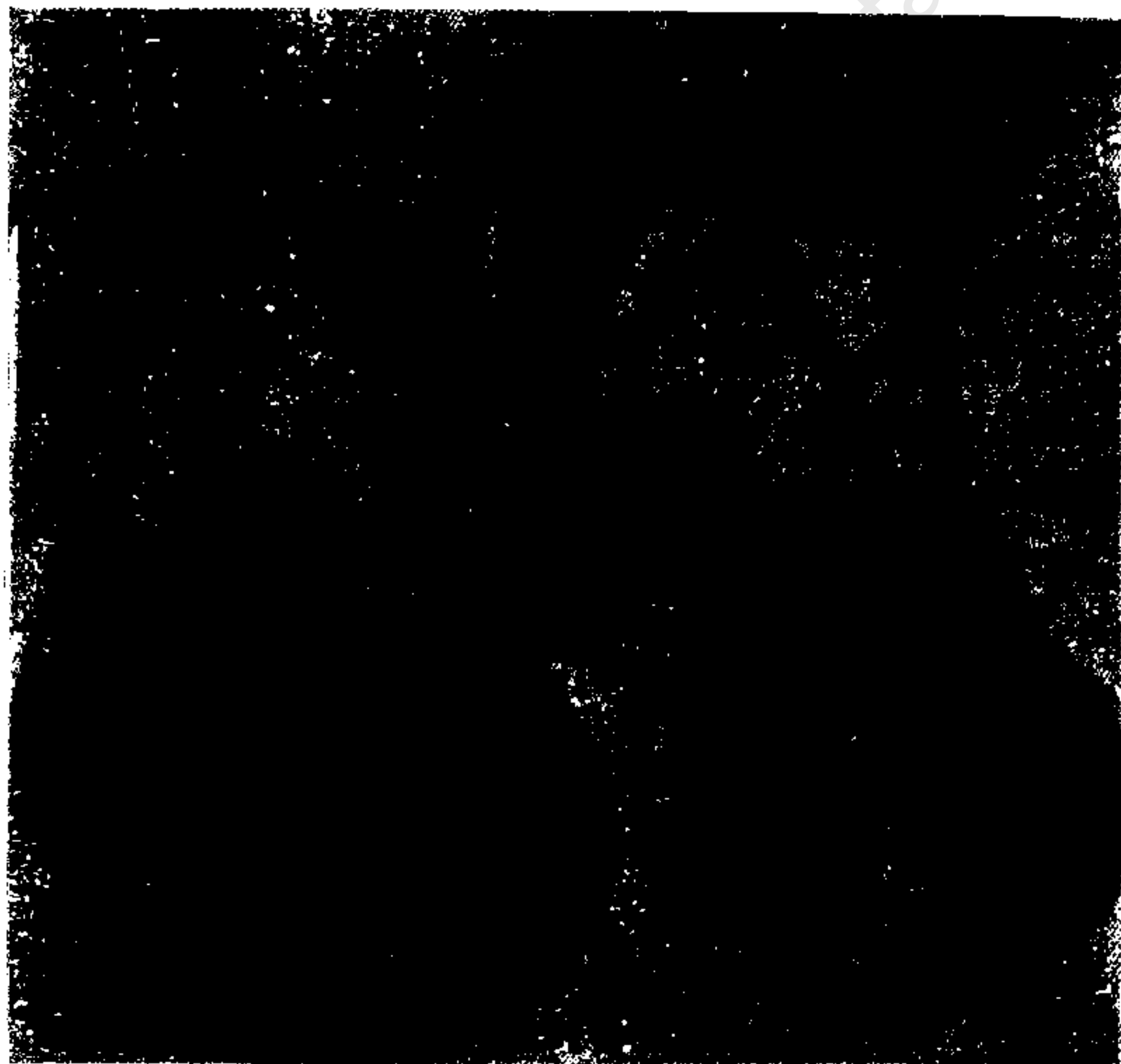
آنها تا ۳۰۰ هزار هم تغییر مینماید .
 برای جلوگیری از خراب شدن گوشت
 گاو ، خوک و دیگر گوشتها از پرتو ۶ به
 مقدار ۲۰ تا ۵۰ هزار راد استفاده مینماییم .
 از مقدار ۱۰۰ هزار راد به بالا یعنی حتی تا
 ۱۰ میلیون راد را برای اعمال استریلیزاسیون
 و یا از بین بردن فعالیت آنزیمهای موجود
 در مواد غذایی مورد استفاده قرار میدهیم .
 در حال حاضر در اغلب کشورهای دنیا تحقیقات
 مهمی در صنایع غذایی با بکار بردن تشعشعات
 هسته‌ای برای نگهداری محصولات کشاورزی
 در جریان است . در این مورد بخش تهیه
 مواد غذایی ارتش آمریکا پیشرفته ترین
 دستگاه علمی در دنیا میباشد . در ارتش آمریکا
 سبب زمینی پیاز ، توت فرنگی ، موز ، انگور
 و سایر میوه‌جات و همچنین انواع گوشت
 مانند گوشت خوک ، گوسفند ، گاو و مرغ
 را با استفاده از پرتوهای هسته‌ای نگهداری
 و بعد بمصرف میرسانند .

برای تهیه مواد غذای ارتشی در
 کشور دور افتاده‌یی مانند ویتنام که در حال
 جنگ است تهیه و نگهداری مواد غذایی در
 مقابل هزاران عوامل فساد مانند باکتریها ،
 میکربیها ، قارچها ، حشرات ، تغییرات درجه
 حرارت ، رطوبت و ... و همچنین دور بودن
 محل مصرف کاری بس مشکل و مهم میباشد .
 تهیه غذای روزانه نیم میلیون نفر و نگهداری
 آنها بهیچوجه از عهده انبارها و یخچالهای
 الکتریکی ساخته نیست . بدینجهت است که
 ارتش آمریکا در این مورد تجربیات و آزمایش
 های جالبی دارد . مواد غذایی مانند گوشت
 خوک و گاو و ... را بخوبی تحت تابش قرار
 داده و با اطمینان کامل از اینکه مدت‌ها خراب
 نميگردد بمصرف میرسانند . میگو که در
 حرارتهای مختلف سرعت خراب میشود با
 تابشهای هسته‌یی علاوه بر اینکه مدت‌ها میتوان
 آنرا نگاهداشت هیچگونه تغییری نیز در
 مزه و طعم آن بوجود نمیآید . از بین بردن
 کرم تریشین در گوشت خوک بینهایت
 سخت و نامطمئن میباشد . با تحت تابش قرار
 دادن گوشت ، این کرم را بخوبی میتوان از
 بین برد و علاوه گوشت را بدون یخچال مدت‌ها
 نگهداری نمود . فعلا در بیشتر کشورهای
 دنیا بعضی از مواد غذایی مانند گوشت خوک ،
 مرغ و میگو و محصولات کشاورزی مانند
 سبب زمینی و پیاز و میوه‌جاتی مانند موز ،
 آناناس پرتقال را بخوبی تحت تابش پرتو
 های یونساز هسته‌ای قرار داده و با نصب
 برچسبی بفروش میرسانند . برای اینکه فوائد
 این روش نگهداری مواد غذایی و محصولات
 کشاورزی بهتر روشن گردد بدنیست در مورد
 بی‌خطر بودن ، بهداشت و ایمنی بیولوژیکی این
 روش و همچنین جنبه‌های اقتصادی آن بحث
 کوتاهی بعمل آید .

انگور عادی

انگور مورد تابش واقع شده

مقایسه انگور مورد تابش واقع شده و سالم بودن آن با انگور عادی



پیازی که با ۴۰۰۰ پرتو کاما مدت ۸ ماه کاملاً سالم مانده در صورتیکه
 پیاز عادی در انبار در همین مدت در حدود ۲۵ سانتی متر سبز کرده بود

مطالعات بهداشتی در مورد بی ضرر و غیر سمی بودن مواد غذایی که مورد تابش واقع شده اند .

امکان خطرات بیولوژیکی مربوط به مواد غذایی مصرفی که بوسیله تشعشعات یونیزان نگهداری می شود بطرز جامعی از آغاز برنامه تشعشعی مواد غذایی ارتش ایالت متحده آمریکا در سال ۱۹۵۳ مطالعه گردیده است .

بحثی که در این مقاله شده محدود به زمینه هایی است که بیشتر مربوط به بی خطر بودن و ایمنی بیولوژیکی مواد غذایی است که با میزان (دز) کم تشعشع یافته و مورد قبول کمیسیون انرژی اتمی ممالک متحده آمریکا ، آژانس انرژی اتمی در مورد برنامه تشعشعی مواد غذایی قرار گرفته است .

بخش بیولوژی و طب Usace ایالت متحده از سال ۱۹۶۱ رسیدگی مربوط به حدود بی خطری و میکروبیولوژی آسبی و برخی جنبه های بیولوژیکی فرآورده های دریایی و میوه ها و سبزیجات که در برنامه تشعشعی مواد غذایی در مؤسسه Usaec گنجانده شد ، بعهده گرفته است .

این مطالعات با کوشش زیاد برای بدست آوردن اطلاعات قطعی مربوط به بهداشت و سلامت این مواد دنبال شده است .

ارتباط نزدیکی بین مؤسسه مواد غذایی آمریکا و اداره دارویی و مؤسسه Usaec در طرح ریزی این فعالیت های تحقیقاتی و تفحصاتی برقرار شد .

همچنین هم بستگی دائمی هم با مؤسسه بخش ایزوتوپهای Usaec که مطالعات محوله بدان درباره توسعه و تکنولوژی مواد غذایی ضد عفونی شده تحت تشعشع در برنامه کمیسیون بود برقرار گردید .

نتایج مطالعات توجه شده بیولوژیکی با مطالعات گسترشی و تکنولوژی با تقاضاهای مختلف بمنظور مصرف نامحدود بشری از مواد غذایی مخصوص یا غذاهایی که با دز کم تشعشع دیده بودند به مؤسسه Usaec ارائه داده شده است .

برای توضیح ، مشاهدات و نتایج این تحقیقات را در دو بخش مربوط به ایمنی و بی خطری تشعشع مواد غذایی و ایمنی میکروبیولوژی مورد بحث قرار میدهم . سودمندی و بی خطری مواد غذایی تشعشع یافته

برای ارزیابی سودمندی یا ایمنی مواد مصرفی بطور انتقادی مطالعات متعدد تغذیه حیوانی برای مدت طولانی که بصورت پیست ویک نوع مواد غذایی که بوسیله ستاد ارتش ممالک متحده آمریکا بعهده گرفته شده بعمل آمده است .

نتایج این مطالعات که امروزه کامل شده است نشان میدهد که مواد غذایی که

تحت تشعشع بوده اند سالم و سودمند است . در بعضی حالات با تصویب و موافقت Usaec توانسته اند اطلاعاتی از ارتش آمریکا درباره تحقیق سم شناسی حیوانی مزمن و یا اطلاعاتی مربوط به نوع غذاهایی که تا بحال با مقادیر مختلف تشعشعات یونیزان استرلیزه شده اند بدست بیاورند .

مقداری از غذاهائی که مورد نظر برنامه Usaec بوده و این نسبت را دارا میباشد ، بمدت نود روز تحت مطالعه تغذیه حیوانی نیمه حاد قرار داده اند .

این غذاها در فهرست جدول ۱ نشان داده شده است .

تابلوی ۱

جیره محتوی مواد غذایی مورد آزمایش (یعنی ۳۵ درصد از کل مواد جامد) به سگها و موشها با یک میزان معینی (استاندارد) که بوسیله مؤسسه Usaec تأیید گردیده است داده شد .

تفحصات آزمایشگاهی روی میزان رشد حیوانات و هماتولوژی و آنالیزهای آنزیم و آسیب شناسی و هیستوپاتولوژی سرطان زائی (Carcinogenicity) بعمل آمد .

این تفحصات که اکنون کامل شده اند هیچگونه اختلافات بیولوژیکی مهمی بین حیواناتی که بوسیله غذاهایی که آزمایش شد و زیاد تشعشع دیده و یا اصلاً تشعشع ندیده اند نشان نداده است .

مطالعات نیمه حاد کوتاه مدت مواد غذایی تشعشع یافته

مواد غذایی	دز بر حسب Krad	حیوانات مورد آزمایش	حالت
توت فرنگی	۰٫۳۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
سیب	۰٫۲۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
گلابی	۰٫۴۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
گیلاس شیرین	۰٫۵۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
هلو	۰٫۴۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
آلو	۰٫۴۰۰	سگ و موش	تکمیل یافته
پیاز	۰٫۲۵	سگ و موش	تکمیل یافته

این مطالعات مطابق استاندارد Protocol انجام شده که بوسیله Usfda تأیید گردیده است . غذاهایی که باین وسیله تحقیق شده است در تابلوی ۲ نوشته شده .

مطالعات سمی حاد طویل المدت

مواد غذایی	دز بر حسب Krad	حیوان مورد آزمایش	تاریخ کامل شده تقریبی
نرم تنان	۰٫۴۰۰-۰٫۸۰۰	موش	اگوست ۱۹۶۶
نرم تنان	۰٫۴۰۰-۰٫۸۰۰	سگ و جوجه	دسامبر ۱۹۶۷
بانا ناس	۰٫۲۰-۰٫۴۰	موش و سگ	دسامبر ۱۹۶۸

جیره حیوان شامل ۳۵٪ مواد غذایی جامد از غذاهای مورد آزمایش بود .



تابش دیده ۱۲۰۰۰ مقدار تابش ۱۰۰۰۰ مقدار تابش ۸۰۰۰ تابش دیده

جوانه زدن سیب زمینی در مدت ۶ ماه زمان بارش خوبی دیده میشود در صورتیکه در همان مدت

سیب زمینی هائیکه ۱۲۰۰۰ تابش دیده بودند سالم مانده اند

جیره حیوانات شامل ۳۵ درصد (وزن خشک) از غذاهای آزمایش شده تحت تشعشع و یا تشعشع داده نشده میباشد.

پارامترهای تحقیقاتی شامل میزان رشد، هماتولژی و ارزش آنزیم، تولید مثل و پاتولژی و هیستوپاتولژی سرطان زائی (Carcinogeny c) میباشد.

تشعشع عقیم کننده ابتدایی بر حلزون (Mya arenaria) در پارامترهای بیولژی حیواناتی که از جیره غذایی نرم تنان تشعشع دیده یا تشعشع ندیده استفاده می کنند اختلافات قابل ملاحظه‌ای نشان نداده است.

علاوه بر اینکه مطالعات سمی حیوانی حالا کامل شده یا اینکه در جریان پیشرفت است، مطالعات، نیمه حاد کوتاه مدت برای غذاهای دیگر مثل مانگو (عنبد) و پامپولوموس (پتاوی) طرح ریزی شده است.

تحقیقات سمی دو ساله در روی موزهای تشعشع داده شده با دز کم بطور مداوم بعمل آمده است.

اثرات دزهای تشعشعی عقیم کننده بر ترکیبات مواد غذایی همچنین کشف شده اند. ارزیابی بیولژیکی از لحاظ کیفیت پروتئینی بر روی یکمده از محصولات دریایی تشعشع داده شده بعمل آمده است آزمایش های بیولژیکی شبیه همین آزمایش ها بر روی گوشت جوجه تشعشع داده شده در حال پیشرفت است.

خلاصه و نتایج مطالعات بهداشتی
طبق مطالعاتیکه بر روی تغذیه حیوانات تا به امروز انجام شده است رویهمرفته بنظر میرسد که غذاهای تشعشع یافته و مطالعاتی که در این باره بدست آمده مطلوب بوده است.

شواهدی از اثرات بیولژیکی بر حیوانات یا کیفیت تغذیه‌ای آنها موجود نیست. گزارش های علمی که اثرات سیتوتوکس و موتاتژنیک را روشن میسازد وابسته به برخی ترکیبات تشعشعی است که این موضوع با کمال علاقه تحت مطالعه قرار گرفته است. برنامه هایی برای بررسی چنین اثرات ممکنه همراه با آزمایشات In Vivo بر حیواناتیکه از غذاهای تشعشع یافته تغذیه میشوند طرح ریزی شده است.

بهر حال بیشتر مطالعات بر روی بسته های تلقیح یافته یا فراورده های متفاوت دریایی مورد علاقه بیشتر برنامه Usaec و سایر برنامه های علمی مؤسسات تحقیقاتی دنیا می باشد که بدقت مورد آزمایش و عمل قرار گرفته و میگیرد.

مطالعه جنبه های اقتصادی مواد غذایی

تشعشع یافته

مطالعات اخیر در باره جنبه اقتصادی تشعشع مواد غذایی بطور خلاصه ارزیابی و

بررسی شد و اکتشافات و نتایج نسبت به امکانات اقتصادی خلاصه گردید.

واکنش های صنعتی درباره دستگاههای تشعشع دهنده گوشت که تحت نظر ارتش ایالات متحده و بخش تجارتی AEC انجام یافته، مورد بحث قرار گرفته است.

پیشرفت در تمام این موضوعها برای بحث دارای اساسی میباشد و اگر این امر انجام نگیرد باعث تحدید عوامل خواهد بود. با وجود این بازاریابی سودمند و موفقیت آمیز غذاهای تشعشع یافته بایستی بطور نمایشی مربوط به مورد قبول واقع شدن خریداران و قیمت مناسب آن باشد.

منافع، شامل قیمت تمام شده و منافع حاصله از طریق کاست ضایعات و بسط زندگی دریایی و فواصل کشتیرانی و بازاریابی زیاد و اصلاح کیفیت جنس خواهد بود.

بالاخره موفقیت اقتصادی این تکنولوژی جدید باید بستگی به این برهان واضح داشته باشد که این سودها به قیمتهای تصاعدی به وسیله يك پول سپرده کافی جهت ترغیب سرمایه گذاری خصوصی لازم و تمایل به خطرات حاصله در این زمینه جدید، اضافه خواهد شد.

تولید، عمل آوردن، محافظت و بسته بندی و انبار کردن و حمل و نقل و فروش محصولات غذایی یکی از بزرگترین و مهمترین کارهای است که بایستی انجام گیرد. مصرف کنندگان امریکا به تنهایی بیش از نودبیلیون دلار برای محصولات غذایی خرج می کنند که این مقدار تقریباً یک پنجم درآمد کل آنهاست. در ایالت متحده تقریباً بیش از چهار میلیون موسسه و بیش از ۱۲ میلیون از مردم در کار های مربوط به محصولات و عمل آوردن و پخش مواد غذایی استخدام شده اند.

با بودن صنعتی بدین عظمت، منابع مواد غذایی تحت تشعشع باید بی حد و حصر باشد. در هر حال مسلم شده است که تقاضای جهانی از این نوع تکنیک ها برای تمام غذا ها میسر نخواهد بود. و کاربرد منابع مواد غذایی و اعمال تشعشع برای غذاهای گوناگون خیلی متفاوت است.

برای آندسته از محصولات غذایی که تشعشع روی آنها بطرز فنی انجام می شود، تجارتی کردن این غذا ها مربوط به نفع مصرف کننده و تولید کننده و سود هائی که از قسمت های افزایش یافته بیشتر باشد خواهد بود.

این مقاله مسئله تجارتی کردن غذای تشعشع یافته را با جواب دادن به سه سؤال زیر آزمایش می کند:

۱- استفاده مواد غذایی تشعشع یافته برای تولید کنندگان غذا و مصرف کنندگان چیست؟

۲- میزان بهره برداری اقتصادی از غذا های تشعشع یافته منتخبه در ایالت متحده یا در دنیا چیست؟

۳- موانع تجارتی کردن، مواد غذایی تشعشع یافته کدام هستند؟

این مقاله همچنین عواملی را که از تجارب اخیر مشتق شده اند و ارتباط با دستگاه تشعشع دهنده گوشت دارند و به این سؤالات مربوط می شوند شرح میدهد.

سود وفایده

آنهائی که در شغل مربوط به مواد غذایی کار میکنند ممکن است متوقع باشند که:

۱- صرفه جوئی (پس انداز) در اثر کاهش فساد و لزوم خنک کننده ها.

۲- کاهش در شیوع امراض و انگل هایی که در غذا وجود دارد.

۳- بازاریابی بوسیله وسعت دادن زندگی در دریا و طول خط کشتیرانی و اضافه کردن محصولات جدید و گوناگون و منتخب.

۴- پیدا کردن بازار هایی برای صادر کردن و غیره.

۵- ثابت نگهداشتن بازار از طریق انبار کردن مواد غذایی جهت جلوگیری از کمبود.

استفاده های مصرف کننده از اینقرار خواهد بود:

۱- بالا بودن کیفیت جنس.

۲- کاهش زیانهای مواد غذایی که مضر برای بهداشت است.

۳- توسعه غذا های نوع جدیدتر و مناسب تر.

۴- گسترش انواع گوناگون غذاهای قابل دسترس.

۵- در دسترس قرار دادن مواد غذایی بیشتر در بسیاری از کشور های جهان.

یکی از جنبه های مهم تشعشع مواد غذایی برای توسعه تجارت جهانی یا بین المللی نگاهداری آنست.

شاید بهترین جنبه آن قدرت یاتوانائی جهت از بین بردن عدم تکافوی مواد غذایی جهانی است (یعنی ذخیره غذایی که بعلت فشار جمعیتی بیشتر باید مورد نظر قرار گیرد).

میزان بهره برداری از محصولات

Product Potentials

امروزه مقداری از غذا ها که از نظر تجاری و تکنولوژی عالی هستند در ایالت متحده و سایر نقاط دنیا تاسیس شده است که بعضی از آن مواد غذایی عبارتند از: ماهیان، گوشت و محصولات دریائی، توت فرنگی و سبزیجات خشک و موز که پتانسیل آنها از نظر اقتصادی اجمالا خلاصه می شود.

صنعت مرغداری در ایالت متحده يك صنعت كامل و تخصصی است كه بايك طرح ریزی پیشرفته‌ای خودكار و مكانیزه شده است .

جوجه های سرد شده تازه كه بطور تقریب در حدود ۶۵ - ۸۰ درصد تخمین زده شده یعنی هرساله ۲۵۰ بلیون از پرندگان در امریکا بفروش میرسد كه در یخ بسته‌بندی می‌شوند و همچنین در سینی هایی بسته‌بندی گردیده و در یخچالها خنك می‌شوند .

البته كار های بیشتر و مهمتری انجام می‌شود كه از لحاظ تجارتي جالب است . این اعمال ممكن است شامل پختن قبلی مواد غذائی (جوجه) و یا داخل نان گذاردن مواد غذائی (ساندویچ) و از استخوان در آوردن آن و روله كردن و بسته‌بندی كردن و سرد نمودن و كنسرو نمودن باشد .

علاقمندی در بسته‌بندی سهل و آسان مربوط به سود كم حاصله از صنعت مرغداری است .

رادیو استرلیزه كردن مرغان خیلی پیچیده است .

برای استرلیزه كردن با ۵۵ درجه الی ۶۵ درجه مگا راد ، باید در درجه حرارت داخلی ۸۰ سانتی‌گراد آنزیم جوجه غیر فعال بشود و در خلاء بسته بندی گردیده و هنگامی كه جوجه در درجه حرارت منهای ۵ درجه سانتی‌گراد تا منهای ۴۰ درجه سانتی‌گراد نگهداری شده تشعشع یابد .

عاملین منجمد كردن یا كسانی كه مرغداری می‌كنند قادر خواهند بود كه گوشت مرغ را با يك دستگاه ، تشعشع دهنده اضافی با تغییرات كمی تشعشع دهند جوجه های رادیو استرلیزه خیلی تازه‌تر از جوجه هایی كه حرارت داده شده‌اند میباشند و میتوانند در جعبه های قابل انحناء بسته‌بندی شوند .

سودهای Shelf-Stable گوشت، مرغ شامل مواد زیر میباشد :

۱- صرفه جوئی در اثر حذف خنك سازی در انبار كردن و حمل و نقل و خرده فروشی .

۲- فضای انبار كردن در خنك كننده های خانگی .

۳- برطرف سازی سالمونلا يك نوع بیماری .

۴- بازاریابی جدید برای مرغهایی كه فاسد نمی‌شوند بخصوص در جائی كه خنك سازی محدود است .

در اینمورد موادی مانند گوشت ، محصولات غذایی دریائی، میوه‌ها مثل توت فرنگی، موز، پرتقال و سبزیجات خشك شده را نیز میتوان با تشعشعات نگهداری و بمصرف رساند ولی بعلت اینکه این مقاله اجازه نمیدهد

درباره هريك از آنها بحث نماییم از اینمطالب صرفنظر کرده و به بحث دیگری یعنی موانع تجارتي میپردازیم . البته در برنامه ریزی برای تكنولوژی و نگهداری مواد غذائی با تشعشعات بایستی مطالعه عمیقی در مورد هريك از مواد و امكانات آن به عمل آید .

موانع و اشكالات تجارتي

پس از مطالعه در باره محصولاتيكه در بالا ذكر شد فاكتر های دیگری هست كه مطنه و نرخ تجارتي كردن را نیز روشن می‌نماید .

در میان فاكتر های مهمتر فاكترهای زیر را میتوان نام برد :

۱- غذاهایی كه تشعشع داده شده است بوسیله نمایندگان دولتها مورد تصویب قرار گیرد .

۲- عكس‌العمل مصرف كننده .

۳- هزینه‌ها (قیمت‌ها) .

۱- تصویب بوسیله دولت ها :

تشعشع گوشت خوك و گندم و محصولات گندمی و سیب زمینی و بسیاری از بسته بندی ها اکنون در ایالت متحده تصویب شده است .

درخواستهایی در مورد تصویب این امر درباره پرتقال و توت فرنگی و ماهی و سبزیجات خشك و اجناس بسته بندی شده اضافی داده شده است .

درخواستهای تاییدی در حدود ۳۴ نوع محصول اضافی در لیست گذارده شده است كه در طول ۵ سال آینده ارائه داده خواهد شد .

واضح است كه مؤسسات تجارتي سرمایه برای غذا هایی كه برای فروش بتصویب نرسیده باشد نخواهند گذاشت .

نتیجتا عدم تایید یکی از موانع تجارتي است . زمان و تحقیقات این مانع را از بین خواهند برد .

عكس‌العمل مصرف كننده

عكس‌العمل مصرف كنندگان درباره غذا های تشعشع یافته مسئله لاینحلی است كه تاثیر مستقیم بر روی تجارت دارد .

با وجود این عكس‌العمل قابل توجهی از طرف مصرف كننده هنوز انجام نگرفته است و تا وقتی كه غذا های تشعشع یافته در بازار بوسیله مصرف كنندگان آزمایش نشود غیرممكن خواهد بود كه اثر ترس مصرف كننده را اندازه‌گیری كرد زیرا ممكن است مصرف كنندگان غذاهای تشعشع یافته را قبول نکنند .

آیا مقاومت اساسی از طرف مصرف كننده خواهد بود و آیا لازم خواهد بود كه برنامه پیشرفت و تحصیلی را بستگی به معرفی محصولات جدید داد .

ارزش فروش غذا های تشعشع داده شده زیاد خواهد شد و این ممكن است در موفقیت اقتصادی يك فاكتر نهائی گردد . از طرف دیگر مصرف كنندگان امریکائی همیشه برای محصولات غذایی جدید و بهتری آماده هستند . نتیجتا با بیمه نمودن سلامتی بوسیله مؤسسه Uspa و Fad (در مورد گوشت و ماکیان) بنظر میرسد اگر قیمت ها زیاد بشود قبولی مصرف كنندگان را بتوان در نظر گرفت .

هزینه ها

ارزشهای غذاي تشعشع یافته را نمیتوان تعیین نمود تا اینکه وسائل تجارتي كامل بكار انداخته شود . در هر حال تعیین ارزشها و شناسایی فاكتر های مهم را كه بر ارزشها تاثیر خواهند كرد میتوان از روی اساس و پایه تجربه و تحقیقات و وسائل تحقیقاتی حساب نمود و حدس زد .

بنظر میرسد بهمین ترتیب گوشت گاو را میتوان با ۵ مگا راد اشعه گاما در منهای ۸۰ درجه سانتی‌گراد استرلیزه كرد كه خرج آن در حدود ۹۷ سنت (دلار) برای هر نیم كيلو گوشت باشد .

یعنی برای هر كيلو گوشت گاو در حدود ۱۶ ریال خرج استرلیزه كردن آن میگردد . كه می‌توان در هر ساعت يك تن گوشت را با استفاده كبالت ۶۰ استرلیزه نمود كه پس از آن دیگر احتیاج به سردخانه و نگاه‌داشتن در یخچال نمی‌باشد و گوشت مدت دو سال سالم باقی می‌ماند .

امید بسیار است كه این تكنولوژی جهت محافظت مواد غذایی و محصولات كشاورزی نیز روزی در ایران از جنبه آزمایشگاهی و تحقیقاتی خارج و بصورت صنعتی و اقتصادی درآید .

سخنی چند بار رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر

- نمی‌شود يك دانشگاهی مثل دانشگاه صنعتی آریامهر را از صنعت جدا دانست .
- تجربه من كمك خواهد كرد تا رابطه دانشگاه و صنعت خیلی نزدیکتر شود .
- در يك دستگاه دانشگاهی مسائل مختلف در رشته‌های مختلف بقدری زیاد است كه يك فرد نمی‌تواند در تمام رشته‌ها تبحر داشته باشد . در اداره يك دانشگاه رئیس دانشگاه بنظر من باید بتواند از قدرت فكري كادر آموزش خیلی قوی كه با او همکاری می‌کنند استفاده بکند .
- در هر دستگاه انسان باید متوجه باشد كه بازده دستگاهش بازده مفیدی باشد و نیرو و انرژی بیهوده صرف كارهایی كه بازده ندارد نشود .
- در دانشگاه دانشجو ، استاد ، سرپرست و رئیس همه عضو يك خانواده هستند .
- برای اتخاذ يك تصمیم خوب اطلاعات خوب لازم است .
- سیاستی كه در اینجا با كمك همكاران اتخاذ كردیم اینست كه در دانشجو قدرت ابتكار ، قدرت ابداع و اعتماد به نفس را به وجود بیاوریم . و دیگر اینکه روحیه تحقیق و پژوهش را متداول بکنیم .

اگر يك نفر مدیر بخواهد خوب قضاوت بکند باید همه جوانب يك مسئله را خوب بداند

- دانشگاه صنعتی آریامهر دانشگاه جوانی است و هنوز هم در سائهای سازندگی است .
- بنابراین با مشکلاتی كه در هر سازندگی هست روبروست .
- عده‌ای از استادان دانشگاه صنعتی آریامهر تحقیقاتی كرده‌اند كه نتیجه آن در مجلات تخصصی خوب بین‌المللی منتشر شده است .
- تعداد دانشجویان دانشگاه آریامهر در سه مرحله باید به شش هزار نفر برسد .
- در این دانشگاه نسبت دانشجو به استاد ده بر يك است .
- مهم اینست كه اشخاصی داشته باشیم كه بتوانند تكنولوژی جدید متناسب با احتیاج مملكت را بوجود آورند .

تلاش - آقای دکتر امین خیلی متشکرم از این که قبول کردید بنشینیم و گفتگوی کنیم در زمینه مسائل دانشگاهی که به گمان از اهم مسائل جامعه ما است . می خواهم در آغاز این مسأله را مطرح کنم : شما که از يك بخش صدرصد دیگر (منظورم بانك توسعه صنعتی معدنی است) که بازدهی سریع اقتصادی داشته وارد يك میدان عمل تربیتی که ممکن است بازدهی کند اقتصادی داشته باشد، شدید چه احساسی کردید؟

امین - خیلی متشکرم. اول اجازه بدهید توضیح بدهم : فعالیت بانك توسعه صنعتی يك فعالیت بانکی تجارتي نبود بلکه يك فعالیت بانکی صنعتی بود به این معنا که در آنجا طرح های صنعتی تهیه می شد و همانطور که اطلاع دارید در طرح های صنعتی بازده اقتصادی زیاد سریع نیست یعنی مثل سرمایه گذاری در اسناد خزانه یا قرض دادن پول بصورت کوتاه مدت نبود بلکه بیشتر فعالیت ما در آنجا در جهت صنایع جدید در کشور بود و خود آنها هم به نسبت زمان می خواست مدت آن طولانی تر از آن بود که يك بانك تجارتي معمولی عمل می کرد . ما همیشه در بانك توسعه صنعتی حس می کردیم که یکی از مشکلاتی که در کشور داریم (با توجه به لزوم رشد سریع اقتصادی کشور مخصوصا در صنایع مملکت) تهیه نیروی انسانی برای اداره این صنایع است . اینست که وقتی شغل جدید به من محول شد با اینکه صد درصد با کاری که من داشتم متفاوت بود ولی از يك نظر هم تا حدی هم آهنگی داشت و آن از این نظر بود که بنده سهم کوچکی در تربیت افراد و اشخاصی که وارد به صنعت کشور و مملکت خواهند شد و به مملکت خدمت خواهند کرد می توانستم برعهده داشته باشم، انشاء الله .

تلاش - درباره همین احساسات که مطرح کردید وقتی وارد این میدان تربیتی و تشکیلات فرهنگی شدید بیشتر توضیح بدهید .

امین - من همیشه در قلبم يك کمی فرهنگی بودم و اولین شغلم هم در ایران بعد از اینکه تحصیلاتم در خارج تمام شد و به ایران برگشتم در دانشگاه تهران بود. موقعی که در اصفهان کار می کردم علاقمند بودم به دانشگاه در دانشگاه اصفهان هم تدریس می کردم با اینکه تجربه من در رشته صنعتی و اقتصادی مملکت بیشتر بود مع هذا از محیط دانشگاهی و فرهنگی زیاد در زندگی ام دور نبودم و زیاد هم احساس غربت نکردم .

تلاش - مسئله دیگری که مطرح می شود اینست که با توجه به فضای فعالیت شما و این نکته که اکثر سالیهای عمر شما در بخش اقتصادی صرف شده چطور شد که قبول کردید

وارد بخشی بشوید که لااقل اسماً نمی توان آنرا مترادف با بخش بازدهی اقتصادی فوری تلقی نمود، منظور همین دانشگاه آریامهر است. امین - ساختن يك صنعت یا اقتصاد یا دارا بودن رشد اقتصادی در مملکت مستلزم داشتن مجریان خوب و اشخاص ورزیده و متبحر است اینست که قبول این کار برای من افتخاری بود که در قسمت دیگر رشد کشور بطور کلی سهمی داشته باشم و در واقع مفتخرم که چنین کاری بمن ارجاع شد و امیدوارم که نتیجه هم بگیرم .

تلاش - اطلاعات شما در زمینه تحقیقات و پژوهش ها ، در بخش فعالیت در بانك توسعه صنعتی و معدنی و یا در کار فرهنگی دانشگاه آریامهر کدام يك بیشتر به کارتان خورد ؟

امین - همانطور که اطلاع دارید سابقه بنده دو جانبه است يك مقداری سوابق تحصیلات و تحقیقی در رشته علمی (رشته تحصیلی من فیزیک است) داشتم، البته سوابق کاریم در صنعت بیشتر بود ، اینست که از نظر دارا بودن سوابق علمی انسان باید آن قدرت را داشته باشد که مطالعه بکند . حتی در رشته هایی که با آنها آشنا نیست . و اگر واقعا دانشگاه بتواند به يك دانشجو آن فهم و آن قدرت را بدهد که خود بتواند همه گونه مطالعه بکند کمال مطلوب است . تصور می کنم که حل مسائل در زمینه های مختلف با داشتن يك رشته سوابق تحصیلاتی چندان مشکل نباشد ، واقعا نمی شود يك دانشگاهی مثل دانشگاه صنعتی آریامهر را صدرصد از صنعت جدا دانست و برای آنچه ما در اینجا می کنیم یا آنچه در صنعت می شود بنظر من يك هماهنگی لازم است و تجربه من در هر دو قسمت كمك خواهد کرد به اینکه رابطه دانشگاه و صنعت خیلی نزدیکتر شود و امیدوارم که طرفین بتوانند از این حسن رابطه استفاده بکنند .

تلاش - اداره تشکیلاتی مانند بانك توسعه صنعتی و معدنی که تصدیق اش بعهده شما بود مشکل تر است با تشکیلات فرهنگی که هم اکنون سرپرستی آنرا به عهده دارید ؟ امین - از نظر اداره تشکیلات این دو دستگاهی که مثال زدید کاملاً متفاوت اند ، در يك تشکیلات اداری اعم از اینکه بانکی باشد یا وزارتخانه ای ، یا اینکه صنعتی ، مقرراتی که تا حدی خشک است می تواند اجرا بشود . مقصودم اینست که تصمیمات در بالا گرفته می شود و بعد تمام دستگاههایی که تحت نظر رئیس دستگاه کار می کنند بالاجبار مجبورند که آن دستورات و تصمیمات را اجرا بکنند و از نظر اداره دستگاه هم مشکلی بوجود نخواهد آمد ولی در يك دستگاه فرهنگی ، يك دستگاه آموزشی چنین سیستم

اداری بنظر من صحیح نیست . در يك دستگاه دانشگاهی مسائل مختلف در رشته های مختلف بقدری زیاد است که يك فرد نمی تواند در تمام رشته ها تبحر داشته باشد بلکه در اداره يك دانشگاه رئیس دانشگاه بنظر من باید بتواند از قدرت فکری کادر آموزش خیلی قوی که با او همکاری می کنند استفاده بکند و یکی از دلایلی که اشخاص در این کادرها دانشگاهی هستند اینست که استقلال فکری به آنها داده می شود و می توانند باز فکر بکنند و پژوهش بکنند و تحقیق بکنند و دانشگاهی بدین دلیل به دانشگاه می آید بنابراین واقعا سیستم اداره يك دانشگاه یا يك اداره یا صنعت دو سیستم متفاوت است به نظر من به هیچ وجه نمی شود عیناً همان سیستم را به کاربرد ولی از طرف دیگر در اداره هر دستگاه انسان باید متوجه باشد که بازده دستگاهش بازده مفید باشد و نیرو و انرژی بیهوده صرف کارهایی که بازده ندارد نشود .

تلاش - نحوه اصطكاك و برخورد شما و مشتریان در بانك و در دانشگاه چطور بوده و اصولاً چه فرقی با هم دارند ؟

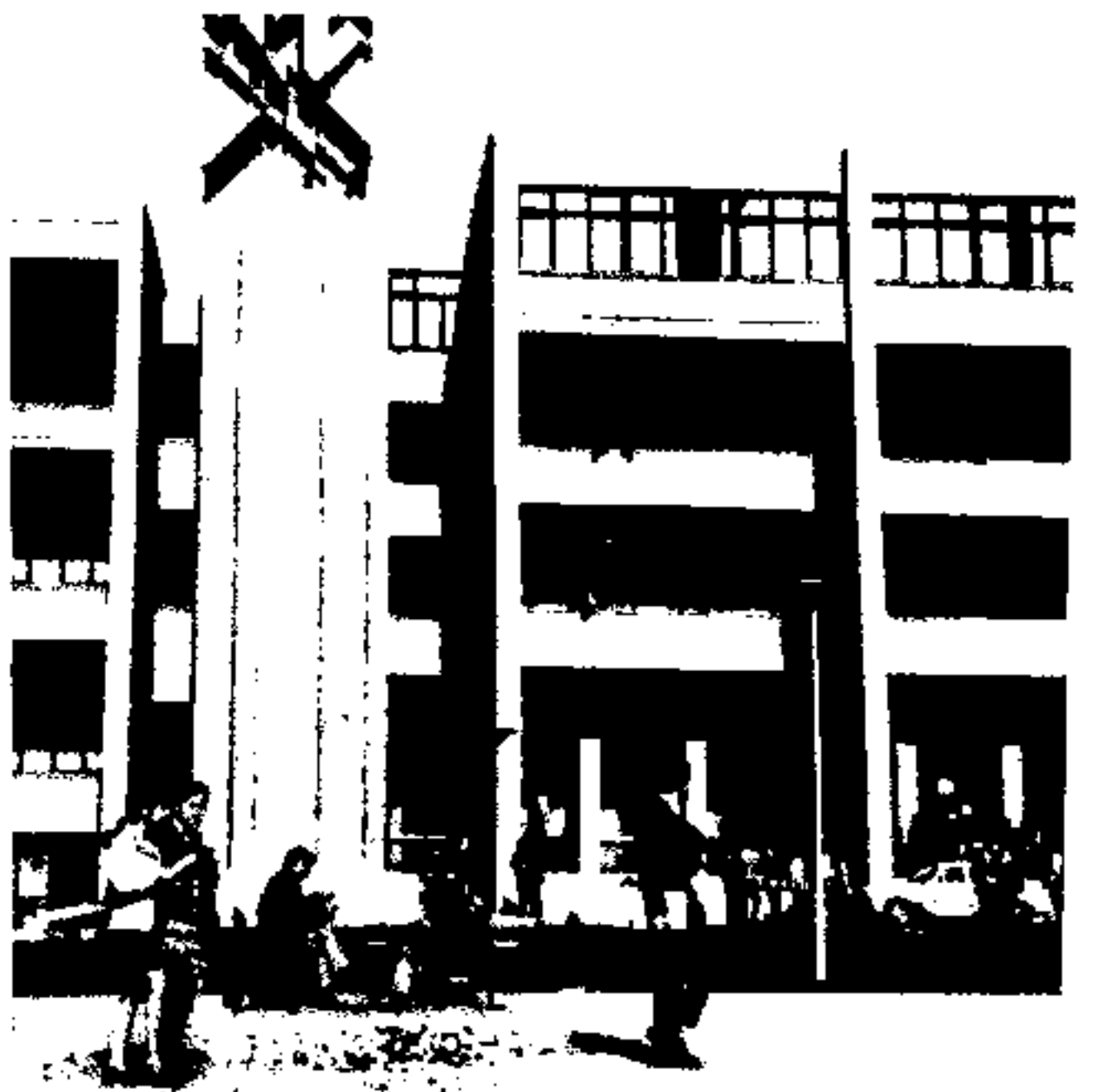
امین - در بانك توسعه صنعتی مشتریان ما مشتریان خیلی محدودی بودند و سرمایه گذرانی بودند که علاقمند بودند در سرمایه گذاری مملکت سهم باشند بنابراین مشتری بصورت مشتری يك بانك تجارتي ما هیچوقت نداشته ایم و مشتریان ما در آنجا بسیار محدود بودند و چون بانك توسعه صنعتی و مشتریان آن بانك هر دو يك منظور داشتند واقعا روابط بسیار حسنه ای همیشه برقرار بود . از طرف دیگر در دانشگاه ما واقعا مشتری بدان معنی نداریم و در يك دانشگاه بنظر من دانشجو ، استاد سرپرست و رئیس همه عضو يك خانواده هستند و بنده هیچوقت بین اینها وجه تمایزی قائل نمی شوم که يك نفر را مشتری خطاب بکنم و دیگری را فروشنده بلکه در اینجا همه عضو يك فامیل و يك گروه هستیم و برای يك منظور کار می کنیم با این ترتیب من تصور می کنم که بهیچ وجه ، وجه مقایسه ای بین دو دستگاه از این نظر نباشد .

تلاش - منظور از کلمه مشتری ارباب رجوع بود و چون مشتری يك کلمه اقتصادی است آنرا در این سؤال گذاشتیم .

امین - در هر صورت از نظر ارباب رجوع باز هم همانطوری که قبلاً عرض کردم واقعا نمی شود این دو را با هم مقایسه کرد درست در آنجا ارباب رجوع بانك توسعه صنعتی اشخاص بودند که یا صنعتی می خواستند تأسیس بکنند یا وامی بگیرند ولی در دانشگاه ارباب رجوع ما بیشتر استادان و دانشجویان هستند که در بیشتر موارد واقعا علاقه مالی ندارند ، علاقه اقتصادی شخصی ندارند بلکه دنبال این هستند که يك محیط بهتری بسازند و يك دانش بیشتری بدست آورند

اینست که من بین دو گروه وجه مشترکی نمی‌توانم ببینم که باهم دیگر مقایسه‌شان بکنم. تلاش - می‌خواهم پیرسم نحوه عرضه مسائل از لحاظ مدیریت در بانک توسعه صنعتی و در دانشگاه با هم چه فرقی دارند؟ اگر نحوه حل این مسائل را در این دو محل برای ما بازگو بکنید ممنون می‌شویم.

امین - از نظر مدیریت باز در یک دستگاه بانکی همانطور که در قسمت اول سؤال هم بطور اختصار جواب دادم تصمیمات در بالا گرفته می‌شود و بعد اجرا می‌شود. در مدیریت بطور کلی در هر جا بدست آوردن اطلاعات صحیح است. برای اینکه اگر یک نفر مدیر بخواهد خوب قضاوت بکند باید همه جوانب یک مسئله را خوب بداند. در امور اقتصادی بیشتر اطلاعاتی که به دست می‌آید جنبه اقتصادی و مالی بیشتر و قوی‌تری دارد و اطلاعاتی که مربوط به امور اجتماعی و انسانی است کمتر برای قضاوت مورد نیاز است. در صورتی که در امور فرهنگی و دانشگاهی، آگاهی داشتن به مشکلات روحی و اجتماعی و روانی افرادی که در این کار شرکت دارند و افعال لازم است، برای اینکه آدم بتواند خوب قضاوت بکند. پس در هر اصل مدیریتی مسئله اتخاذ تصمیم مهم است و برای اتخاذ یک تصمیم خوب اطلاعات خوب لازم است. منتهی در دو قسمتی که ذکر کردید منبع اطلاعات بطور کلی باهم دیگر متفاوت است. البته نمی‌شود گفت که یکی از آنها مطلقاً اطلاعات اجتماعی لازم ندارد. یکی یکی اطلاعات اقتصادی لازم ندارد. بدین شکل هر دو را لازم دارند اما همانطور که در یک قسمت منبع اطلاعاتی که برای تصمیم لازم است از یک نوع است باید قوی‌تر باشد تا در نوع دیگر. تلاش - مبنای سیاست کنونی دانشگاه همانست که در بانک تعریف شده یا فرقی کرده است؟



منظره کتابخانه از داخل محوطه

دانشگاه صنعتی آریامهر

امین - سیاستی که در دانشگاه اتخاذ می‌شود مسلماً با سیاستی که در یک امر صنعتی و اقتصادی اخذ می‌شود متفاوت است، سیاستی را که در اینجا با کمک همکاران اتخاذ کردیم مبنی بر اینست که در دانشجو قدرت ابتکار، قدرت ابداع و اعتماد به نفس را به وجود بیاوریم دیگر اینکه روحیه تحقیق و پژوهش را در دانشگاه متداول بکنیم و عقیده داریم که بدون داشتن تحقیقات و قدرت ابداع (که می‌خواهیم در دانشجو بوجود بیاورد) خیلی مشکل خواهد بود که خوب فکر کردن در جایی بوجود بیاورد و اشخاص به دنبال چیزهای تازه و جدید باشند. البته اگر بخواهیم مقایسه بکنیم در بانک صنعتی سیاست کلی این بود که صنایع خوبی در کشور بوجود بیاورد و بانک توسعه صنعتی هم باید بگویم در این راه موفق شده است و موفق هم خواهد شد. ولی باز اینها دو مسئله متفاوت‌اند که در یک جهت شما کارخانه‌ای می‌سازید و در جهت دیگر می‌خواهید انسانهای خوبی تحویل اجتماع بدهید.

تلاش - وقتی که شما دانشگاه آریامهر را در اختیار گرفتید چه مشکلاتی در پیش‌پایان بود و چه امیدهایی برای آینده داشتید؟ و حالا چه امیدهایی دارید؟

امین - دانشگاه صنعتی آریامهر همانطور که می‌دانید یک دانشگاه جوانیست و هنوز هم در سالهای سازندگی است بنابراین به مشکلاتی که بطور اعم در هر سازندگی هست طبعاً با آن روبروست. سال پیش وقتی که من به دانشگاه آمدم کارهای خیلی خوب و خیلی زیادی شده بود و دنباله آن کارها بایستی ادامه داده می‌شد تا این که دانشگاه بهتر شود. کارها و کار را واقعاً نباید اسمش را مشکل داشت. فقط چون بعضی اوقات زیاد می‌شود فکر می‌کنیم مشکلات است این کارها نبود از ساختمان‌های دانشگاه که می‌با افزایش تعداد دانشجو توسعه پیدا کنند، اضافه کردن کادر آموزشی دانشگاه و خرید تجهیزات دانشگاه و بعد هم یک سری مقرراتی که در آن زمان لازم بود دانشگاه داشته باشد تا اینکه در چهارچوب این مقررات بتواند کار خودش را انجام بدهد. خوشبختانه در سال گذشته مقداری از اینها انجام شده و امروز در دانشگاه صنعتی آریامهر اکثر آئین‌نامه‌هایی که لازم بود تهیه شده و به تصویب رسیده است، تجهیزات سفارش داده شده و مقداری هم رسیده است قسمتی از ساختمان‌ها هم حاضر شده البته برای دوسه سال آینده هم باید بگویم از حیث ساختمان و تجهیزات دانشگاه فعالیت بیشتری باید بشود. اما در باره این سؤالی که امید من برای آینده چیست؟ امید من برای آینده اینست که دستگاهی در اینجا درست شود که بوسیله آن این دانشگاه واقعاً یکی از دانشگاههای خوب دنیا بشود. و برای

رسیدن باین هدف چند قدم اصلی لازم است که یکی از آنها داشتن کادر خوب و مجهز و علاقمند است و خوشبختانه در این جهت خیلی پیشرفت کرده‌ایم. تلاش - آیا منظورتان کادر آموزشی است؟

امین - بله کادر آموزشی است. کادر آموزشی و تحقیقاتی خوشبختانه در این جهت پیشرفتی کرده‌ایم دانشگاه صنعتی آریامهر در حال حاضر دارای ۱۴۴ نفر کادر آموزشی تمام وقت به معنی واقعی هست. افراد کادر آموزشی دانشگاه هیچ جای دیگری کار نمی‌کنند و تمام وقتشان را در دانشگاه صرف می‌کنند و این بنظر من یک عامل خیلی مهم است برای اینکه انسان بتواند به هدفی که الان عرض کردم نزدیک بشود عامل دیگر روحیه باز است؛ نه تنها روحیه بلکه عمل تحقیق و پژوهش. در این زمینه هم در سال گذشته موفقیت‌هایی به دست آمده و عده‌ای از استادان دانشگاه صنعتی آریامهر تحقیقاتی کرده‌اند که نتیجه تحقیقات خوشبختانه در مجلات تخصصی خوب بین‌المللی منتشر شده و همانطوری که اطلاع دارید برای اینکه یک مجله خوب در یک رشته تخصصی یک مقاله‌ای را قبول بکند این مقاله اولاً باید روی یک موضوع جدیدی باشد و ثانیاً اینکه باید ارزش مقاله انچنان باشد که در سطح بین‌المللی مورد قبول متخصصین آن رشته بخصوص باشد که در این زمینه هم خوشبختانه همکاران ما در این دانشگاه موفقیت‌های بسیاری بدست آورده‌اند. باز یکی دیگر از این عوامل آنست که باندیای خارج تماس‌هایی برقرار باشد و این تماسها فقط بصورت گیرندگی نباشد بلکه بصورت اینکه ما هم بتوانیم در اجتماع علمی دنیا شرکت بکنیم و سهمی داشته باشیم در همین سال گذشته چند نفر از استادان ما توانستند در چهار کنفرانس بین‌المللی شرکت بکنند و چهار مقاله خوب که خودشان تهیه کرده بودند عرضه بکنند و من فکر می‌کنم این یک قدم بزرگی است بسوی هدفی که می‌خواهیم این دانشگاه داشته باشد.

تلاش - هدف شما در زندگی، در بانک توسعه صنعتی چه بود و در دانشگاه آریامهر چه هست، در واقع شما می‌خواستید بانک را به کجا ببرید و حالا در نظر دارید دانشگاه را به کجا ببرید؟

امین - اگر من قسمت اول سؤال را تعبیر بکنم که هدف شخصی من در زندگی چیست؟ شاید بهتر باشد. فکر می‌کنم هدف من شخصاً همیشه در کارهای مختلفی که تا کنون انجام داده‌ام این بوده است که کار مثبتی انجام بشود واقعاً انجام یک کار مثبت حالا این کار می‌خواهد احداث یک کارخانه باشد یا یک مزرعه یا بهتر کردن یک سیستم. بنظر من اگر انسان کار مثبت در طول عمر

خودش انجام بدهد يك نوع رضایتي اقلا از خودش می تواند داشته باشد. می توانم بگویم که این هدف شخصی من بوده و چه در بانک و چه در کارخانه ای که قبلا بودم و چه در دانشگاهی که حالا هستم این هدف شخصی من بود و در مورد این سؤال که بانک به چه جهتی می رفت و دانشگاه به چه جهتی بنده تصور می کنم که جهت بانک خیلی روشن است واقعا پیشرفت مشعشع و درخشانش در گزارشهای سالیانه اش منعکس است و از نظر دانشگاه هم مثل اینکه در سؤال قبلی جوابتان را عرض کردم.

تلاش - اگر ممکن است برنامه های يك ساله، پنج ساله ده ساله و ۲۵ ساله خودتان را برای ما بگوئید و بفرمائید از وقتی که اداره دانشگاه را به عهده گرفتید تا چه حد در کار خود توفیق حاصل کردید و چه قدر شکست خوردید؟
امین - در مورد برنامه یکساله ما قبلا خدمتتان عرض شد يك برنامه کوتاه مدتی است که می خواهیم هر چه زودتر باقیمانده کارهایی که داریم از نظر ساختمانی و تجهیزاتی به انجام برسانیم، اما درباره برنامه ۵ ساله، ۱۰ ساله و ۲۵ ساله، در دانشگاه دو برنامه هست یکی برنامه ایجاد دانشگاه صنعتی آریامهر در اصفهان که این جزو برنامه ۵ ساله دانشگاه است و امیدواریم که پنج ساله آینده این دانشگاه در اصفهان ساخته شود، با کمکی که البته دولت خواهد کرد، و من فکر می کنم که مشکلی حقیقی در این راه نباشد و انشاءالله دانشگاه در ظرف این مدت ساخته خواهد شد. برنامه ریزی يك دانشگاه را واقعا می توان روی برنامه سالانه از نظر قبول تعداد دانشجو، برنامه ریزی کرد. آنچه مسلم است (در اصفهان که برنامه طویل المدت در برنامه واقعی این دانشگاه قرار دارد) در مرحله اول ۲۰۰۰ نفر دانشجو قرار است گرفته بشود که این پنج سال اول است و بعد در مرحله دوم که ممکن است ۴ سال باشد ۲۰۰۰ نفر دیگر قرار است اضافه بشود و در مرحله سوم که این برنامه طولانی تر است باز ۲۰۰۰ نفر دیگر اضافه بشود بطوریکه مجموع دانشجویانی که در آن دانشگاه خواهند بود پس از مرحله سوم باید در حدود شش هزار نفر بشود. البته يك دانشگاه تکنولوژی که تخصص پیدا می کند در علوم فیزیکی و رشته های مهندسی يك دانشگاه بسیار گرانی است و سرعت بسط و توسعه اش نمی تواند زیاد باشد برای اینکه ساختن يك دانشگاه، یعنی ساختن يك دستگاهی که بتواند انسانهایی را پرورش بدهد در رشته هایی که رشته های تخصصی است هزینه های خیلی سنگینی لازم دارد اینست که بطور کلی این برنامه اساسی انشاءاله در اصفهان خواهد بود. برای ۲۵ سال آینده خیلی مشکل است پیش بینی کردن ولی من تصور می کنم که با پیشرفتی که کشور می کند طی ۲۵ سال

آینده دانشگاههای نظیر این دانشگاه در کشور انشاءاله باز بوجود خواهد آمد برای اینکه با پیشرفت تکنولوژی در اواخر این قرن احتیاج ما به متخصصین و دانشمندان خیلی زیاد خواهد بود. بنابراین نه تنها این دانشگاه توسعه خواهد یافت بلکه دانشگاههایی نظیر این هم بوجود خواهد آمد. اما درباره اینکه تا چه حد در کار خودم توفیق حاصل کردم و تا چه حد شکست خوردم، در مورد موفقیت باید بگویم که هیچوقت موفقیت فردی نیست و من نمی توانم بگویم که شخصا موفق بودم ولی می توانم بگویم که دانشگاه صنعتی آریامهر موفق بود و این نتیجه همکاری خیلی خیلی شدید استادان و کادر اداری دانشگاه بوده که فکر می کنم در این یکساله ما پیشرفتی کرده باشیم در این پیشرفت همیشه يك کمی هم در بعضی موارد عقب نشینی هایی هست ولی واقعا می توانم بگویم که شکستی در این کار نبوده و بلکه در بعضی جاها سرعت کافی داشته ایم.

تلاش - بنظر شما از لحاظ اقتصادی کار دانشگاه آریامهر در جهت سود است یا زیان؟
امین - مسلما در جهت سود است و در جهت يك سود بسیار برای اینکه حتی از نظر صرفا جنبه مادی و اقتصادی اگر به آن نگاه بکنیم اگر بازده این دانشگاه بصورت اشخاص تولید کننده در مملکت باشد و این اشخاص بتوانند به رشد اقتصادی مملکت کمک بکنند من تصور می کنم سرمایه گذاری در این کار از نظر اقتصاد کلی کشور از هر کار دیگری واقعا سود دهنده تر باشد و فقط به يك مثال قناعت می کنم و آن مثال ژاپن است که واقعا منابع طبیعی خیلی ضعیف است ولی بالاترین قدرتش و دارائیش دارا بودن نیروی انسانی مولد است و اگر يك دانشگاهی بتواند در این راه راه کمک بکند و نیروی انسانی مولد برای کشور تربیت بکند این سرمایه گذاری کاملا سود ده و اقتصادی است.

تلاش - از لحاظ نیروی انسانی وضع موجود دانشگاه آریامهر در مقام مقایسه با آخرین دانشگاهی که شما در آن تحصیل می کردید چیست؟

امین - آخرین دانشگاهی که من در آن تحصیل می کردم دانشگاه کالیفرنیا برکلی بود و در آن زمان تعداد دانشجویان در آنجا ۲۸۰۰۰ نفر بود ولی از نظر نسبت استاد و دانشجو من تصور می کنم که ما نسبت خوبی داریم نسبتی که داریم يك به ده است (از نظر کادر آموزشی به تعداد دانشجویان) البته در بعضی از دانشگاههای خارجی این نسبت بهتر از این هم هست ولی این نسبت يك به ده يك نسبت بسیار معقول و خوبی است و قابل مقایسه با بسیاری از دانشگاههای خوب خارج از کشور است.

تلاش - آیا شاگردانی که از دانشگاه آریامهر فارغ التحصیل می شوند و به اخذ درجاتی

نائل می شوند هم ردیف با درجات دانشگاههایی که شمار آن تحصیل کرده اند هستند. حال اگر قرار بود شما خودتان کارفرما باشید آیا واقعا فارغ التحصیلان هر دو دانشگاه یعنی دانشگاه آریامهر و دانشگاه خارج را برای کار شخصی خودتان با يك حقوق استخدام می کردید؟
امین - جواب این سؤال البته مثبت است و دلیلش هم اینست که من در حال حاضر رئیس این دانشگاه هستم قضاوت واقعی را مردم این کشور وقتی که محصول این دانشگاه بیازار آمد خواهند کرد ولی تا آنجائی که من می توانم قضاوت بکنم (این قضاوت براساس برنامه های درسی و آزمایشگاههایی است که در اختیار دانشجویان است و توجهی که به آنها می شود) می توانم بگویم که برنامه های درسی این دانشگاه با برنامه درسی بهترین دانشگاههای دنیا قابل مقایسه است و دانشجویانی که به این دانشگاه وارد می شوند اکثر دانشجویان با استعداد و پرکاری هستند بنابراین واقعا من هیچ دلیلی نمی بینم که این دانشجویان پس از آنکه فارغ التحصیل شدند به همان قیمتی که يك دانشجویی از خارج از کشور فارغ می شود استخدام نشوند بلکه عقیده ام اینست که بعضی از اینها بلکه تعداد زیادی از اینها خیلی بهتر از دانشجویانی که در خارج تحصیل کرده اند شده اند چه این دانشجویانی که در این دانشگاه هستند و انشاءالله فارغ التحصیل خواهند شد به مسائل کشور آشنا ترند تا کسی که در خارج بوده.

تلاش - آیا دانشگاه آریامهر به اصفهان منتقل خواهد شد یا نه؟

امین - من جواب این سؤال را ضمن برنامه ها عرض کردم و مسلما منتقل خواهد شد زمینهای دانشگاه آریامهر در اصفهان تعیین شده و هم اکنون ساختمان دفتر دانشگاه در زمینهایش شروع شده و امیدواریم که طی برنامه ای که قبلا عرض شد دانشگاه به اصفهان منتقل بشود.

تلاش - آقای امین هدف شما از لحاظ توسعه این دانشگاه چیست؟

امین - حداقل تا دو سه سال آینده ما در برنامه فعلی این دانشگاه برنامه توسعه از نظر اضافه کردن رشته در دانشگاه نداریم بلکه عقیده داریم که آنچه داریم از نظر کیفی باید کاملا رضایت بخش باشد قبل از اینکه توسعه ای داده بشود. البته پس از آنکه دانشکده های این دانشگاه واقعا کار خودشان را کامل کردند و توانستند از نظر کیفی به سطحی که مراد است برسند آنوقت باید دید که چه رشته هایی را می توان اضافه کرد.

تلاش - می خواهیم وضع صنعتی و موقعیت صنعتی کشورهای جهان سوم و کشور های در حال توسعه را با کشور های صرفا صنعتی و پیشرفته مانند ژاپن و غیره ارزیابی و تطبیق کنید و ببینیم کشورهای جهان سوم

در این قیاس و تطبیق در چه مرتبت و به اصطلاح موقعیتی قرار می گیرند؟

امین - همانطور که اطلاع دارید با پیشرفت تکنولوژی، پیشرفت سریع تکنولوژی صنایع در کشورهای پیشرفته با سرعت خیلی زیاد جلو می روند و آهنگ اینها واقعا آهنگی است در رقم های بالا. مسئله ای که همیشه هست و فکر می کنم این مسئله برای تمام اشخاصی که در کشورهایی در حال توسعه هستند وجود دارد اینست که آیا ما می توانیم با توجه به سرعتی که آنها به جلو می روند و تکنولوژی جلو می رود به آنها برسیم؟ و اگر نمی توانیم به آنها برسیم پس بهتر است که ما خودمان دیگر بدنبال ایجاد چیزهای نو برویم و آنچه لازم داریم حتی بصورت اطلاعات فنی هم هست بخریم. بنظر من طرح مسئله خوبست ولی جواب مسئله و راه حلی که نشان داده می شود غلط است. موضوع این نیست که ما حتما به آنها برسیم و دلیلی ندارد که در یک زمان خیلی کوتاهی خودمان را بتوانیم به آنها برسانیم. چیزی که بنظر من می آید و امکان دارد این است که اگر ما واقعا بتوانیم در این نوع کشورها تکنولوژی را بصورت تکنولوژی جدید وارد بکنیم هیچ دلیلی ندارد که از تکنولوژی قدیم شروع بکنیم و فاصله هایی که کشورهای پیشرفته پیموده اند آنها را ما مجددا طی کنیم. آنچه مهم است اینست که ما اشخاصی داشته باشیم (که باز با کار فعلی من هم ارتباط پیدا می کند) اشخاصی که بتوانند تنها تکنولوژی خارج را درک بکنند و انتقال بدهند بلکه تکنولوژی جدید متناسب با احتیاج مملکت ما بوجود بیاورند. بسیاری از مسائل صنعتی هست که بصورت یک مسئله در کشوری که مثال زدید مثل ژاپن وجود ندارد و اینها مسائلی است که مربوط می شود به آن کشور خاص - از نظر جغرافیائی و از نظر اجتماعی اینها مسائل خاصی است و حل اینگونه مسائل که ارتباط پیدا می کند با تکنولوژی، باید در خود آن ممالک تولید بشود بعلاوه اگر ما افرادی نداشته باشیم که خودشان تولید کننده فکر جدید باشند همیشه مجبور خواهیم بود اینها را بخریم. همیشه مجبور خواهیم بود که به ممالک پیشرفته احتیاج داشته باشیم بنظر من خطر اصلی اینست که (هیچوقت اگر این فکر ربه آن صورت تعقیب بدنیم) هیچوقت یک استدلال واقعی صنعتی نخواهیم داشت و بنابراین نتیجه گیری که می توانم بکنم اینست که آنچه ما سرمایه گذاری بکنیم در این راه که استقلال صنعتی پیدا بکنیم و خودمان قدرت ابتکار و ابداع پیدا بکنیم برای ما ارزش خواهد داشت در چه ممکن است اطلاعات فنی را خیلی ارزانتر خرید.

تلاش - اما راجع به ژاپن که اشاره فرمودید مثلا فرض بفرمایید که چرا این این کشور متری - شرفی که صد سال بیشتر

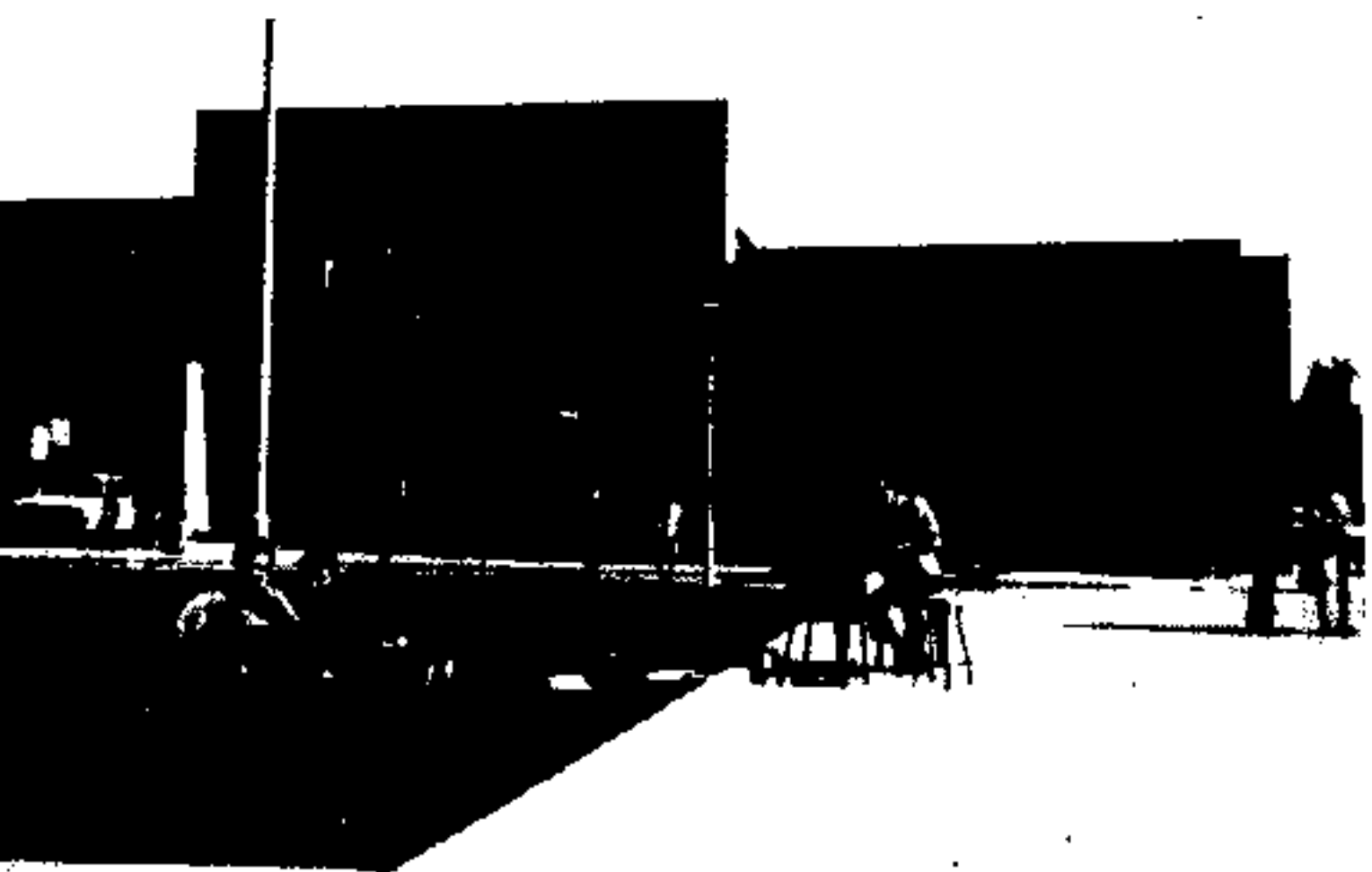
از عمر واقعی تحولش نمی گذرد در ردیف کشورهای اول شده و حتی از آمریکا هم پیش افتاده و بطوریکه پیش بینی کرده اند از سال ۲۰۰۰ درآمد سرانه ملی اش بیشتر از آمریکا خواهد شد این پیشرفت چه دلیلی می تواند به نظر شما داشته باشد؟

امین - بنظر من کشور ژاپن کشوریست که تمام هم خودش و سرمایه گذاری خودش را واقعا به معنی واقعی صرف تامین نیروی انسانی کرده و (نیروی انسانی را هم وقتی صحبتش را می کنیم در تمام سطوح صحبت می کنیم نه تنها فقط در سطح دانشگاه بلکه از کارگر فنی ماهر گرفته تا مخترع تا آن کسی که می تواند یک دستگاهی را خوب کپی بکند و بنظر من سراسر موفقیت ژاپن مدیون داشتن یک نیروی انسانی خیلی قویست و از آن جهت توانسته است بدون داشتن واقعا منابع طبیعی قابل ملاحظه خودش را در زمره کشور های پیشرفته قرار بدهد.

تلاش - آخرین سؤال اینست که دورنما و آینده اقتصادی ایران را چطور می بینید؟

دکتر امین - من بسیار به آینده کشورمان امیدوارم برای اینکه واقعا موفقیت هایی که در چند سال گذشته بدست آمده؛ یعنی پیشرفت اقتصادی در حدود ۱۰ درصد که این هم خود معجزه ایست در دنیا برای یک مدت طولانی. این نشان دهنده اینست که ما داریم در جهتی

پیش می رویم که آینده خیلی درخشانی در پیش داریم. من فکر می کنم برای نسل ما که در این دوره از تاریخ ایران داریم زندگی می کنیم واقعا این یک شانس و اقبالی است. ما خیلی مردم خوشبختی هستیم که در این تحول عجیب و این تحول سریع شرکت داریم برای اینکه وقتی آدم در تحول است خودش ممکن است که حس نکند چگونه این تحول پیش می رود و واقعا از موقعیت قدردانی نکند ولی من خودم همیشه این فکر را می کنم که آدم خیلی خوشبختی هستم که در این تاریخ از تاریخ ایران فعالیت دارم و در این دوره دارم فعالیت می کنم و مسلما آیندگان به وضع ما غبطه خواهند خورد.



قسمتی از محوطه داخل دانشگاه صنعتی آریامهر



نسل پیر نسل جوان

از : م . آ

گیسوانش دراز - نزدیک است به آرنجش برسد. در عوض دامنش کوتاه است. مسخره نیست دامن کوتاه گیسو بلند؟ آه که من از گیس بلند بدم میاد و دخترم با این گیس جلویم راه میره، وقتی این موضوع را بهش میگم. میگه پدر تو عقده داری چون سرت مو نداره از موهای ماها بدت میاد. موئی که من اونوقت ها داشتم هیچکس نداشت. شونه میشکست - حالا چه کنم که ریخته دست خودم که نیس ...

این خانم کوچولو هم مدام آواز میخونه از اون صفحه ها و موسیقی های تند خوشش میاد و صدایش رو تو تموم خونه پخش میکنه و میمیره واسه این ریشوها وصله پینه دارها که «هیپی» بهشون میگن.

اگر قدم به اطاقشون بزارین حالتون عوض میشه به درو دیوارها عکس ریشوها س - یا عکس آرتیست ها، چندتا خرمهره، چند لنگه گیوه، گیتار، بشقابهای حلبی، مسی، به پوست گوسفند، کف اتاقشون نمداختن روی توشک روی زمین می نشینن که راحت تره ... مطابق روزه ...

چند روز پیش می بینم سوسن داره شعر میخونه یعنی بحساب خودش شعر... شعر نو میخونه، میپرسم این چیه میگه «پدر» شعر نو گفتم، دخترت شاعر شده ...

اونوقت یه چیزی بی سروته شنیدم :

رفت

رفت

رفت

به

ماه

موشک رفت

باقیش یادمن نیس یه همچنین چیزهائی بود. حیف نیس اون شعرای سابقای سعدی، حافظ، فردوسی، مولوی س از قبر درآرین و شعر نورو ببینن ... چقدر کارها آسون شده. رفت رفت رفت بماء موشک -

نه من این نسل جدید رو نمی فهمم - نمی تونم هضم کنم - یا بقول خودشون نمیتونم درک کنم - قیافشون موسیقشون - لباسشون رقصشون - آداهشون - برای من قابل هضم نیستن ...

تو جزو نسل گذشته هستی. اولد جنریشن هستی Old Generation و مانسل جوان نیوجنریشن هستیم، ما رنگ های شاد دوست داریم، مانسل جوان از آهنگ های شاد خوشمان میاد.

آی دلم بالا میاد وقتی می بینم رفته انگلیسی یاد گرفته که باون زبون بمن بگه «نسل پیر». یه روز بهش گفتم تو هی میگی نسل پیر، چهل سال فاصله، این تقصیر من نیس، من پس از اتمام تحصیلاتم آهی در بساط نداشتم جز اون ورق پاره ... وبهم زن نمیدادن. مجبور بودم برم مدتی کار کنم. پول وپله بهم بزنم خونه درست کنم به مقامی برسم تا مادر تورو بمن بدن ... من چه تقصیری دارم ...

در جوابم میگه جامعه اونروز تو اونو میخاس، ولی امروز من هر دختربرو بخام بهم میدن، ولی من نمیخام، تو سعی کن مارو بفهمی.

آقازاده دستور بهم میده ... پدر سرتو از گور درآور ببین نوهات با پسر ت چه جور رفتار میکنه؟ من يك بار بتو - تو ... نگفتم ... حتی یکبار ...

راستی یادم افتاد هروقت که آقازاده خونه است صدای گوش خراش موسیقی تند در فضا پیچیده است. صفحه این نوازندگان جدید «سنگ غلطان» «بوزینه ها» «بدرکب ها» و از این جور اسم ها که آدم شاخ درمیاره. تا میگم این چه آهنگیه «پدر» این آهنگ و موسیقی نسل جدید «نیو جنریشن» است و شما «اولد جنریشن» یعنی نسل پیر نمیتوانید آنرا درک کنید ...

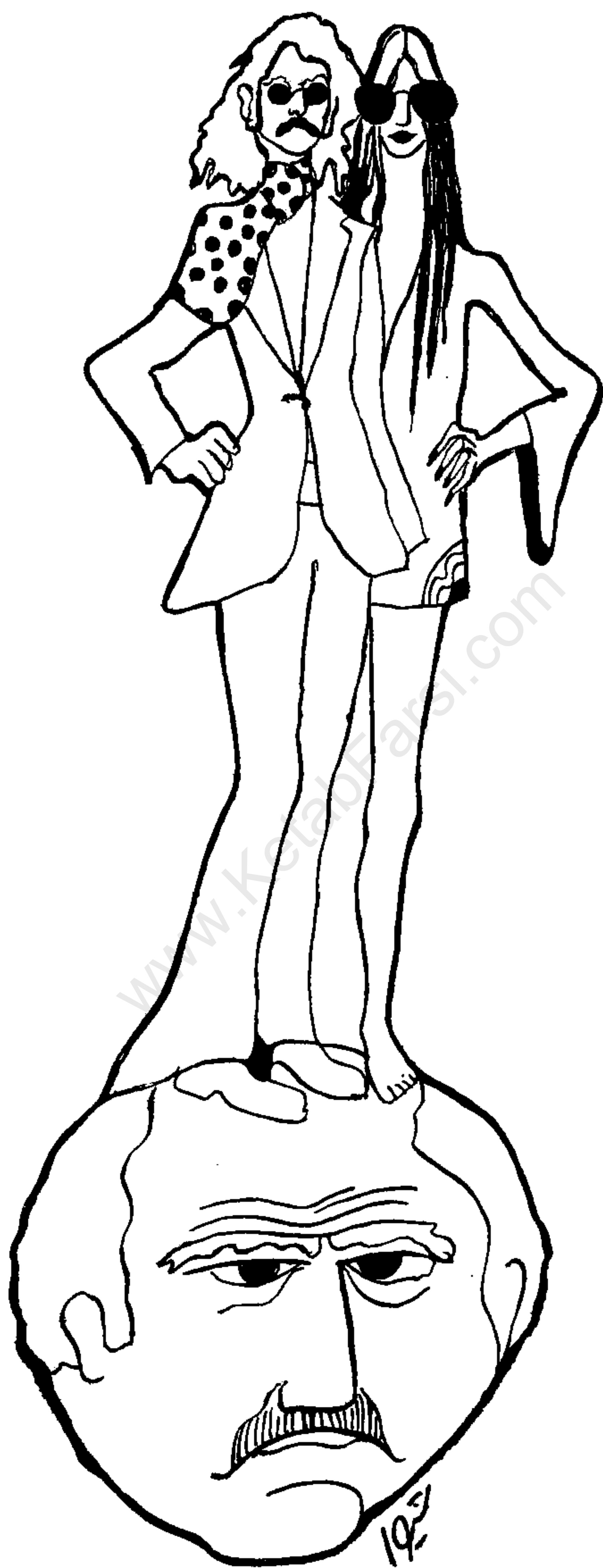
واز همه بامزه تر اینکه مادرش هم با او موافقه - در صورتیکه اونم سنش زیاد از من کم نیست - ولی مامانشون یا «مادر» به اصطلاح بچه هاش، نسل پیر نیست - فرهاد می گوید : مادر انعطاف دارد و توانسته است خود را با زمان وفق بدهد و «پدر» نتوانسته. او، یعنی مادر ما را درک می کند ولی «پدر» آنها را درک نمی کند بمن توصیه می شود بروم کتاب پدران و پسران را بخوانم ... خواننده ام با وجود این من اینها را نمی فهمم از او هم بامزه تر دخترمان سوسن است او دو سال از برادرش کوچک تر است

من از دست این پسره کلافه شده ام، آدم پسر داشته باشه و اینقدر از دستش ناراحت بشه، خلیه - فکر نکنین که من آدم عصبانی یا سخت گیری هستم، نه، بزارین براتون تعریف کنم اونوقت خودتون قضاوت کنین... پسر فرهاد الان در دبیرستان درس میخونه کلاس یازدهومه، تابحال درساش خوب بوده شاگرد اول نبوده، چیزی که من خیلی دلم میخاس، ولی خوب کاریش نمیشه کرد. همینکه که هس.

وقتی بهش میگم چرا تو شاگرد اول نمیشی؟ میخنده میگه «پدر تو تو عمرت شاگرد اول بودی؟» میگم «خوب نبودم. من مهندس نبودم. ولی دلم میخاد تو بشی. حالا دلم میخاد تو شاگرد اول میشی». میگه «میدونی کیا شاگرد اول میشی؟» میگم «بگو دلم میخاد بدونم». اونوقت باز میزنه زیر خنده و میگه «ازین مقوله بگذریم...»

حالا دلم میخاس شما ریخت این آقازاده رو ببینین. زلفای پشت گردنش درازه تا زیر پیرهنش میره، دو طرف صورتش موها اومده تادم آروارش قیافه مرد سی ساله رد داره، یه شلوار پاشه از مخمل کبریتی کرم رنگ و خیلی تنگ. چسبیده به تنش. بهش میگن لوله تفنگی، کمرش از زیر نافشه، بلوز زرد لیموئی تن کرده. یقه اش هم بازه، زیر یقه یه دستمال گردن سبز که خالهای زرد داره بسته - روی اینها یه کت دراز و تنگ برننگ بنفش پوشیده.

ترا بخدا اینهم شد لباس؟ اینم شد رنگ آمیزی؟ مثل بوقلمون هفت رنگ یا طاوس میمونه. بهش ایراد می گیرم که این چیه تو میپوشی؟ این چه قیافه ای؟ میگه «پدر» تو کار ما چند عیب وجود داره که نمیزاره ما همدیگرو درک کنیم و بهم نزدیک بشیم. یکی اینکه فاصله سنمون زیاده. تو از من چهل سال بزرگتری این تقریباً نیم قرنه، آیا میدونی که در نیم قرن گذشته چه اتفاقاتی در دنیا پیش آمد کرده؟ چه اختراعاتی شده؟ دنیا چقدر جلورفته؟ اونوقت که تو بسن من بودی نمیتونستی فکر کنی که بشر به ماه میره و باونجا هم میرسه، تو نمیتونستی فکر کنی که از مشتقات نفت میشه پارچه درست کرد و پوشید. ظرف درست کرد و توش غذا خورد. اصلاً خود غذا رو از نفت ساخت.





اگر بچند دستور ساده که در این مقاله شرح داده شده است گوش کنید و طبق آن رفتار نمایید، موفقیت و تندرستی و طول عمر نصیب شما خواهد بود. گرچه دانش تنها برای معالجه کافی نیست ولی قدم لازمی در راه آن و گام مؤثری برای جلوگیری از دچار شدن بمرض چاقی است.

شخص چاقی بمرء لاغری برخورد و باو گفت «نگاهی به هیکل تو انسان را به یاد قحطی می اندازد» لاغره جوابش داد «و نگاهی بقد و بالای تو نشان می دهد که تو باعث قحطی شده ای».

باوجود اینکه بعضی از ایرانی ها زنهای گوشتالو و فربه دوست دارند ولی چاقی زیاد باخود بیماریهای گوناگون می آورد و موجب کوتاهی عمر می شود. استعداد در کار پایین می آید. راه رفتن و حتی نفس کشیدن بسختی انجام می گیرد.

مکانیزه شدن زندگی، استفاده ازوسائل نقلیه و آسانسور، بالا رفتن قدرت خرید مردم و اجتناب از ورزش موجب شده است که روز بروز بر تعداد اشخاص چاق افزوده شود.

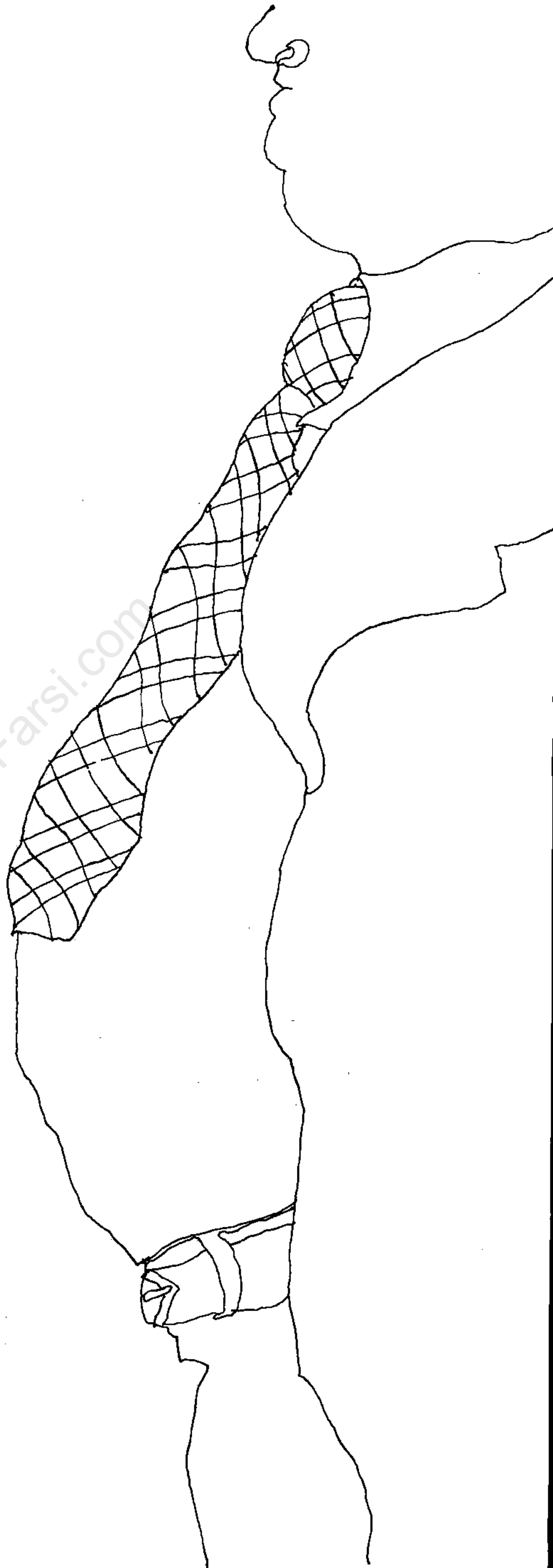
در امریکا که این مظاهر تمدن از تمام نقاط دنیا بیشتر می باشد، نصف جمعیت بزرگسالان یعنی ۷۹ میلیون نفر وزنشان از حد مطلوب زیادتر است.



چاقی چیست ؟

شخص چاق کسی است که وزن بدنش ۱۰ درصد از وزن مطلوب برای سن و قدش بیشتر باشد. وزن مطلوب وزنی است که کمتر ایجاد بیماری و مرء می کند. برای اشخاصی که سنشان از ۲۵ سال بیالا باشد جدول هایی وجود دارد که برحسب قد و هیکل و استخوان بندی تنظیم شده است.

مثلا زنی که قدش ۱۶۲ سانت است و دارای اندام متوسط می باشد برحسب جدول بایستی وزنش ۵۶٫۵ کیلو تا ۶۳ کیلو باشد و مردیکه قدش ۱۷۰ سانت است وزن



مطلوبش ۶۹ تا ۷۶ کیلو است. وزن انسان تاسن ۵۵ سالگی بتدریج بالا می‌رود و پس از آن تغییر نمی‌کند در سنین جوانی وزن زن‌ها کمتر از مرد‌های هم‌سن و هم قد است ولی بامرور زمان وزن زن‌ها سریعتر از مرد‌ها بالا می‌رود تا آنجایی که در سن ۵۰ سالگی هم‌وزن خواهند شد.

معمولا برای سنجش چاقی قد و وزن انسان را اندازه می‌گیرند ولی - تنها وزن زیاد دلیل بر چاقی نیست زیرا ممکن است که سنگینی در نتیجه بزرگ شدن ماهیچه‌های بدن ورزشکار بوجود آمده باشد. از طرف دیگر اشخاص کم حرکت و خانه‌نشین ممکن است چاق باشند ولی وزنشان زیاد از حد بالا نرفته باشد. بعضی اوقات زیادی وزن بدن بدلیل حاملگی، استخوان بندی درشت، بزرگ شدن استخوان بوسیله بعضی امراض و جمع شدن مایع در بدن، و در نتیجه بیماری‌های قلب و کلیه و غده باشد. برای این که شخص چاق محسوب شود زیادی وزن بدنش بایستی بصورت چربی باشد. بنابراین می‌توان گفت که چاقی عبارتست از جمع شدن چربی در بدن. پنجاه درصد این چربی اضافی در زیر پوست ذخیره می‌شود لذا اندازه‌گیری مقدار چربی زیر پوست مقیاس خوبی برای چاقی می‌باشد. آزمایشهای متعددی برای سنجش دقیق مقدار چربی بدن وجود دارد ولی چون برای انجام دادن آنها بلوازم علمی و آزمایشگاه و متخصص احتیاج هست در اینجا در باره آنها بحث نمی‌کنیم. از طرف دیگر آزمایشهای دیگری وجود دارد که شخص می‌تواند با سانی بر روی خود انجام دهد و بداند که آیا چاق است یا نه:

۱ - به هیکل عریان خود در آئینه بنگر. اگر چاق هستی چربی اضافی را بر روی شکم و دنده و بازو و صورت و گردن و نقاط دیگر بدن خواهی دید.

۲ - پوست و چربی زیر بازو و یا شکم را بین دو انگشت شست و سبابه بگیر و آنها را بافت‌های دیگر و استخوان جدا کن، اگر این لایه از ۲.۵ سانت بیشتر بود چاق هستی و اگر از ۱.۲ میلیمتر کمتر بود لاغری.

۳ - روی کمر دراز بکش، خط کشی را در وسط شکم قرار بده اگر از دو طرف دنده و جلو لگن خاصره را لمس کرد نتیجه می‌گیری که چاق نیستی. احتیاج به تذکر نیست که زن‌های حامله نمی‌توانند از این آزمایش استفاده کنند.

۴ - اندازه محیط سینه مرد‌ها در ناحیه پستان بایستی از اندازه محیط شکم در ناحیه ناف بیشتر باشد. برعکس این امر دلیل بر چاقی شما است.

علل چاقی

یگانه راه ذخیره شدن چربی در بدن آن است که مقدار کالری (واحد سنجش گرما) که از خوردن غذا بدست می‌آید بیش از حرارت مصرف شده در روز باشد اگر مقدار کالری که روزانه صرف نگهداشتن حرارت بدن و کارهای مختلف، ضربان قلب، حرکت ماهیچه‌ها، کار اعصاب و امعاء و احشاء و غیره می‌شود پاندازه کالری که از خوردن غذا بدست می‌آید، باشد؛ وزن انسان تغییر نمی‌کند و ثابت می‌ماند.

در شخص تندرست حرارت مصرف شده مساوی حرارت بدست آمده می‌باشد. ولی اگر حرارت حاصله بیش از حرارت مصرف باشد چاقی بوجود می‌آید. از طرف دیگر اگر حرارت مصرف شده بیشتر باشد لاغری ایجاد می‌شود.

اگر حرارت حاصله مساوی باشد با حرارت مصرفی وزن ثابت می‌ماند.

برای ذخیره کردن چربی لازم نیست که انسان چربی و روغن بخورد. غذا‌های پروتئین دار مانند گوشت و ماهی و تخم مرغ و لبنیات و یا غذا‌های نشاسته‌ای مانند برنج و نان و سیب زمینی و شکر در بدن بچربی تبدیل می‌شوند. هر گرم پروتئین و یا نشاسته ایجاد ۴ کالری می‌کند درحالی که از سوخت هر گرم چربی ۹ کالری بدست می‌آید. بنابراین خوردن چربی بیش از دو برابر پروتئین و یا نشاسته ایجاد حرارت می‌کند و خطرش زیادتر است ولی افراط در خوردن تمام انواع غذا‌ها (چربی، پروتئین، نشاسته) هم، ایجاد چاقی می‌کند.

عوامل زیادی در ایجاد چاقی مؤثرند. چون طریقه معالجه چاقی بر حسب عاملی که باعث آن شده است فرق می‌کند، لازم است که این عوامل را دانست.

۱ - عدم فعالیت

کشاورزان و دام پروران می‌دانند که برای چاق کردن گوسفند، گاو و یا مرغ بایستی آنها را در جای ثابتی نگهداشت تا باین سو و آن سو حرکت نکنند. وقتی که از حرکت آنها جلوگیری شد مقدار کالری که برای فعالیت جسمانی مصرف می‌شد به صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و آنها را چاق می‌کند. در مورد انسان نیز این تئوری صادق است.

چاقی مرض تمدن جدید است.

مکانیزه شدن زندگی و وفور وسائل نقلیه در تشکیل این مرض دست بدست هم داده‌اند. شاید ما از اجدادمان کمتر غذا می‌خوریم. نگاهی به سفره آنها در موقع عید یا عروسی این

امر را بخوبی ثابت می‌کند. ولی آنها برای این که به يك عروسی بروند چندین فرسخ راه را پیاده می‌پیمودند و یاسوار الاغ می‌شدند در رقصهای محلی شرکت می‌کردند و برای مدتی خود را تکان می‌دادند. هنگام مراجعت به منزل هرچه کالری از خوردن غذا بدست آورده بودند در پیاده روی و رقص از دست می‌دادند. برعکس نگاهی بزندگی امروزی کنیم: حتی برای رفتن چند قدم راه تاکسی می‌گیریم و رقصهای متداول امروزی نیز بدون حرکت و چسبیده بهم است.

در قدیم زن وشوهر باهمدیگر در مزارع شخم می‌زدند و درو می‌کردند. تراکتورشان گاو نر و افزارشان دستشان بود. امروزه حتی برای دوشیدن شیر ماشین بکار برده می‌شود.

اغلب زن‌های ما بیشتر از مرد‌ها کالری مصرف می‌کنند. مادر بیچاره از صبح زود که سر از رختخواب برمی‌دارد تاشب که بر رختخواب برمی‌گردد غذا می‌پزد، ظرف می‌شوید، جارو می‌کند لباس می‌شوید و اتو می‌کند. مرد وقتی که از خواب برخاستد صورتش را با ماشین برقی می‌تراشد، دندان‌ش را با برق مسواک می‌زند، سر میز می‌نشیند و صبحانه می‌خورد. توی ماشین می‌نشیند و سپس توی اداره می‌نشیند یا می‌ایستد. بخانه برمی‌گردد و غذای آماده می‌خورد، یکی دو ساعت چرت می‌زند. همین کار را بعد از ظهر و در موقع شام تکرار می‌کند. بعد از شام به سینما می‌رود و یا تلویزیون تماشا می‌کند وقتی که به حمام می‌رود مانند لاشی می‌دراز می‌کشد و کارگر را صدا می‌کند که بیاید و بدنش را کیسه کند.

۲ - موروثی

اگر یکی از والدین چاق باشد احتمال دارد که فرزند چاق شود. اگر پدر و مادر هردو چاق باشند خطر چاق شدن طفل زیادتر می‌شود.

$$\text{لاغر} \times \text{لاغر} = \text{لاغر}$$

$$\text{چاق} \times \text{لاغر} = \text{چاق}$$

$$\text{چاق} \times \text{چاق} = \text{چاق}$$

بنابراین صفت چاق بر لاغری غالب است، اطفال اشخاص چاق استعداد چاق شدن را از والدین وارث می‌برند. ولی برای این که چاق بشوند بایستی کالری حاصل بیش از کالری مصرف شده باشد. دانستن این مطلب پیدر و مادران چاق اخطار می‌کند که از کوچکی اطفال خود را بکم خوری عادت دهند و مراقب وزن آنها باشند.

تنها ارث در امر چاقی دخالت ندارد. محیط خانوادگی خیلی مؤثر است. معمولا کودک روش غلط خوراک خوردن و عدم

فعالیت جسمانی را از پدر یا مادر چاق یاد می‌گیرد. و از آنها تبعیت کرده و اغلاطشان را تکرار می‌کند و در نتیجه چاق می‌شود. بدین دلیل است که چاقی در بین اعضاء خانواده منتشر می‌شود.

اگر دو طفل دوقلو را از همدیگر جدا کنید و هر کدام از آنها را در محیط جداگانه‌ای نزد دو خانواده مختلف پرورش دهید، چه‌بسا ممکن است که طفلی که در محیط خانواده چاق پرورش داده شده است چاق شود و طفل دیگر که در محیط خانواده‌ای که اعضای آن چاق نیستند بزرگ شده است وزن مطلوب بدست آورد. اگر تنها اثر دلیل بر چاقی بود وزن هر دو طفل می‌بایستی یکسان می‌شد.

۳ - عصبی

مرکز کنترل اشتها در مغز قرار دارد. اختلالات عصبی ممکن است باین مرکز آسیب رسانده و در نتیجه انسان بیش از حد معمول غذا بخورد.

۴ - غده‌ای

دگرگونی در چندین غده مانند تیروئید و آدرینال ممکن است ایجاد اختلالاتی در سوخت و ساخت مواد قندی و چربی در بدن کرده و باعث چاقی شود.

۵ - روانی

برای گروهی از مردم خوردن راه فراری است از ناراحتی‌ها و اضطراب عصبی. برای آزاد کردن خود از این ناراحتی‌ها و هیجان‌ها و دل‌تنگی و افسردگی‌ها چه‌بسا ممکن است که انسان دست‌توسل بسوی غذا دراز کند. لذتی که این اشخاص از خوردن غذا بدست می‌آورند جبران ناراحتی‌های درونی و مشقات زندگی را می‌کند و در نتیجه پرخوری عادت می‌کنند. همین که چاقی ایجاد شد شخص خود را از بقیه مردم جدا کرده و گوشه‌نشین می‌شود. در نتیجه ناراحتی‌های روانی دیگر بوجود می‌آید و شخص بسوی غذا‌های بیشتر روی می‌آورد و بدین منوال همین حرکت از نو شروع می‌شود. ناراحتی روانی در تمام احوال ایجاد پرخوری نمی‌کند. در بعضی اشخاص اثرش کاملاً برعکس است، اشتها را از بین برده و شخص را لاغر می‌کند. در یکی از بازدیدها از ۱۰۸ نفر چاق سؤال شد که فکر می‌کنند علت چاقیشان چیست؟

۶۵ درصد اعتراف کردند که خیلی غذا می‌خورند ۱۸ درصد گفتند که علی‌مانند حاملگی، ارثی و اختلالات عصبی، غده‌ای یا روانی دارند ۱۷ درصد دیگر علتش را ندانستند پس می‌بینید که علت اغلب چاقی‌ها پرخوری است.

امراض چاقی

جهاز تنفسی

وقتی که وزن روی سینه زیاد شود نفس کشیدن دشوار می‌گردد و تنگ نفس ایجاد می‌شود، زیادی بافت چربی موجب می‌شود که اکسیژن باندازه کافی بتمام نقاط بدن نرسد. بدین جهت قدرت استقامت چاق‌ها در برابر ورزش خیلی کم است. در نتیجه کم شدن تهویه، اکسید دوکربن در خون جمع شده و ممکن است ایجاد بی‌حالی و بیهوشی کند. کم شدن اکسیژن در خون ایجاد ازدیاد گلبول‌های قرمز کرده و باعث خون‌بستگی غیر معمولی و خونریزی جلدی می‌شود.

قلب

در نتیجه اشکالات تنفسی قلب شخص چاق بزرگ می‌شود و احتمال سکته قلبی زیاد می‌گردد مقدار کلسترل و چربی خون بالا رفته و ایجاد مرض تصلب شرائین کرده و خطر سکته قلب بوجود می‌آید. از بین بردن چاقی برای معالجه بی‌حالی لازم است و در رفع خطر سکته قلبی کمک شایانی می‌کند.

فشار خون

فشار خون در اشخاص چاق بیشتر رواج دارد. سکته قلب در بین چاق‌هاییکه فشار خون دارند بیش از چاق‌هایی است که فشار خون ندارند و یا اشخاصی که فشار خون دارند ولی چاق نیستند. کم کردن وزن فشارخون را پایین می‌آورد. استفاده دیگری که از رژیم بدست می‌آید این است که با کم کردن غذا مقدار استعمال نمک نیز پایین می‌آید و چون نمک در بالا بردن فشار خون تأثیر دارد کم‌خوری باعث پایین آوردن فشار خون می‌شود.

مرض قند

این مرض در بین چاق‌ها بیشتر رواج دارد. در بسیاری از احوال کم کردن وزن کافی است که مرض قند را از بین ببرد و در نتیجه احتیاج بانسولین خاتمه پیدا می‌کند.

تناسل

برای زنهای حامله چاقی مصیبت‌برتری است: مسمومیت خون، اشکالات در موقع وضع حمل و خطرات برای جنین در زنهای چاق بیشتر است. بایستی مواظب بود که در موقع حاملگی وزن بدن زیاد بالا نرود. از طرف دیگر ازدیاد وزن مخصوصاً در زنهای لاغر نبایستی کم باشد. برای گرفتن بهترین نتیجه ماهی یک تا یک کیلو و نیم و برای تمام مدت حاملگی ۹ تا ۱۲ کیلو بر وزن بدن مادر بایستی اضافه شود. قاعدگی نامنظم در بین زنهای چاق بیشتر

متداول است. می‌توان این نامنظمی را با کم کردن وزن از بین برد.

اگر بیضه مرد از لایه کلفت چربی پوشیده باشد ممکن است مرد چاق عقیم شود زیرا لایه چربی حرارت منی را بدرجه‌ای می‌رساند که ممکن است باعث از بین بردن عامل زنده منوی شود.

پوست

لایه کلفت چربی زیر پوست مانع پخش حرارت از بدن می‌گردد و در نتیجه چاق‌ها زیاد عرق می‌کنند تماس یا اصطکاک بین لایه‌های مرطوب مجاور ایجاد التهاب و جوش و دانه می‌کند.

استخوان و مفاصل

چربی زیاد بر روی استخوان و مفاصل آسیب دیده فشار آورده و در این نقاط باعث درد می‌شود. کم کردن وزن، فشار را از روی ساختمان آسیب دیده برداشته و به حرکت دادن آنها کمک می‌کند.

جراحی

باوجود ترقی و پیشرفت در علوم جراحی و بیهوشی، بیماران چاق خطرات زیادتری در موقع عمل جراحی دارند و بایستی تا آنجاییکه امکان دارد قبل از جراحی از ورزشان کاست.

امراض روانی

تأثیر چاقی بر روان انسان بستگی به محیط پرورش شخص دارد. در بعضی از اجتماعات، چاق‌ها بشاش و خندانند و زندگی را آسان می‌گیرند. از چاقی پرسیدند شما چاق‌ها چرا این قدر خوش اخلاق هستید. جواب داد برای این که نه جرئت دعوا کردن داریم و نه قدرت فرار.

در اجتماعات دیگر چاق‌ها را تحقیر کرده و دست می‌اندازند و آنها را تنبل و ضعیف‌الاراده می‌دانند. در امریکا چاق‌ها کمتر مجال کار پیدا کردن و حتی قبول شدن در دانشگاه دارند. این روش دشمنانه تأثیر عمیقی بر روی روان چاق‌ها گذاشته، به شخصیت آنها صدمه زده و نسبت با اجتماع بدبین بارشان می‌آورد. همانطور که قبلاً شرح داده شد چاق‌ها برای رفع نگرانی بسوی غذا دست‌توسل دراز می‌کنند و چاقتر می‌شوند. در مورد خانم‌ها از بین رفتن زیبایی اندام و ترس از پیدا نکردن شوهر و یا از دست دادن او تأثیرات ناگوار و عواقب وخیمی بر روان آنها برجا می‌گذارد.

معالجه چاقی

چون چاقی وقتی بوجود می‌آید که کالری بدست آمده بیش از مصرف شده‌است، برای معالجه چاقی بایستی عکس این عمل را انجام داد یعنی کاری کرد که کالری مصرف شده بیش از کالری بدست آمده شود. برای

انجام دادن این کار دو راه وجود دارد :
یا از کالری بدست آمده کاست و یا بکالری
مصرف شده اضافه نمود . اولی با کم کردن
مقدار غذا و دومی با اضافه کردن فعالیت
جسمانی و ورزش انجام میگیرد .

۱- رژیم غذایی

غذای شخص چاق مانند غذای اشخاص
دیگر بایستی دارای تمام مواد لازم (پروتئین،
ویتامین ها و فلزات) باندازه کافی برای تندرستی
بدن باشد . غذایی که دارای ۱۴ درصد پروتئین،
۳۰ درصد چربی و بقیه غذاهای نشاسته‌یی
باشد غذای موزونی است . بعلاوه غذا
بایستی خوشمزه باشد و بتوان آنرا با آسانی بدست
آورد و با درست کرد ، غذا باید گران نباشد
و دارای کالری زیاد هم نباشد . غذاهائی را
بایستی انتخاب کرد که پس از بدست آوردن
وزن مطلوب بتوان همین غذا را با اضافه
کردن به مقدارش در آینده مصرف کرد .
برای گرفتن رژیم غذایی ، یک نوع غذای
معین وجود ندارد . برای هر نوع ذائقه و
سلیقه غذای گوناگون که بتواند چاقی را
علاج کند وجود دارد .

غذاهایی را که شخص چاق از خوردن
آنها بایستی پرهیز کند عبارتند از :
غذاهای نشاسته‌یی مانند برنج و نان و
سیب زمینی .

شکر ، شیرینی ، کلوچه ، بیسکویت،
شکولات .

کره ، سرشیر پنیر ، خامه .

چربی ، گوشت ، پوست مرغ ، غذاهای
در روغن سرخ شده .

مشروبات الکلی .

در عوض شخص چاق می‌تواند این غذا
ها را بخورد: ماهی ، گوشت مرغ، میوه‌جات،
سبزیها ، سوپ ، ماست و شیر بدون سرشیر .
غذاهایی مانند سوپ و سالاد و هویج و
سیب هم شکم پر می‌کنند و هم کالری کم
دارند .

از خوردن شکر پرهیز کنید و اگر
چایتان را شیرین دوست دارید ساکارین
(قند مصنوعی) که هیچ کالری ندارد
استعمال کنید . کمتر نمک مصرف کنید تا
مایع در بدن جمع نشود و فشار خون پایین
بیاید .

نیم کیلو چربی بدن معادل ۳۵۰۰ کالری
است . بنابراین اگر روزی ۵۰۰ کالری کمتر
از حد لازم غذا بخورید هفته‌یی یک پاوند از
وزن بدن کم می‌شود ، و اگر روزی ۱۰۰۰
کالری کم کنید هفته‌یی یک کیلو بسوی
مقصود پیش می‌روید . و لیکن آنکس که
تحت نظر پزشک نیست نباید سرعت بیشتری
از وزن خود بکاهد .

وقتی که بوزن مطلوب رسیدید بایستی
آنها بهمان اندازه نگه دارید و اجازه ندهید

که دوباره وزن بالا رود . کمی از مقدار
غذاها را میتوانید بالا ببرید و غذاهایی را
که قبلاً نمی‌خوردید مانند برنج و نان و کره
و دسر به مقدار کم میل کنید هر هفته خودتان
را وزن کنید و اگر دیدید که وزن دارد هنوز
پایین می‌رود بمقدار غذا باید بیفزایید . اگر
متوجه شدید که وزن دارد بالا می‌رود از
مقدار غذا کم کنید . با این روش بزودی
یاد خواهید گرفت که چه مقدار بایستی
بخورید تا وزن ثابت بماند .

اگر با گرفتن رژیم غذایی برای مدت
طولانی دیدید که از وزن کاسته نشده بدانید
که به دستورهای فوق عمل نکرده‌اید زیرا
محال است که شخص چاق با جیره غذایی
۱۵۰۰ کالری در روز از ورزش کم نشود .
چه این بدان می‌ماند که ادعا کنید ماشین می
تواند بدون بنزین راه رود !

۲- دارو

آمفتامین بروی مرکز اشتها در مغز
اثر کرده و موجب کم شدن اشتها می‌شود.
در ماه اول که انسان هنوز بر رژیم غذایی
عادت نکرده استفاده از این قرص بکم خوردن
انسان کمک می‌کند . بعد از ۲ تا ۳ هفته
بایستی از مقدار قرص کاست و پس از یکماه
از بکار بردنش بکلی اجتناب ورزید .

در آن موقع شخص بر رژیم غذایی
عادت کرده است . متأسفانه استعمال این قرص
ایجاد عکس‌العمل‌هایی مانند خشکی دهان ،
ناراحتی اعصاب ، بی‌خوابی و بی‌هوشی می
کند .

ترشحات غده تیروئید موجب سوزاندن
چربی و در نتیجه کاستن وزن بدن می
شود .

ولی این قرص را بایستی فقط به بیمارانی
تجویز کرد که چاقیشان در اثر کمبود
ترشحات این غده می‌باشد عوارضی که از
استعمال این قرص بوجود می‌آید عبارتند از
زیاد شدن تپش قلب و ناراحتی اعصاب .

مسهلهایی مانند کلورید آمونیوم و
مرکوریال موجب دفع مایع اضافی در بدن
می‌شود . کمبود وزن ناشی از این وسیله
فقط موقتی است و بزودی مایع دوباره در
بدن جمع می‌گردد . آنچه بایستی از بدن کم
شود چربی است و نه مایع . هرگاه چربی
کم شد مایعی که با چربی ذخیره شده است
نیز همراه با چربی از بدن می‌رود .

قرصهایی بی‌آزار آمده است که مخلوطی
از آمفتامین ، تیروئید ، مسهل و مسکن می
باشد ولی هیچ مزیتی بر قرصهای دیگر
ندارد .

برای پر کردن شکم ماده‌یی از جنس سلولز
که هیچ کالری ندارد بوسیله بعضی از پزشکان
تجویز می‌شود . باید دانست که مرکز
کنترل اشتها در مغز قرار دارد و نه در شکم .

اگر اعصاب شکم را ببرند و یا حتی تمام
شکم را قطع کنند ، باز هم شخص احساس
گرسنگی خواهد کرد . از طرف دیگر ،
برای پر کردن شکم می‌توان از سبزی و میوه
هایی که دارای مقدار زیادی سلولز هستند
مانند هویج و سیب که کالری خیلی کمی
دارند استفاده کرد . پس احتیاج به دارو
نیست .

بدونستان و خویشانی که از روی دلسوزی
وجهل و نا فهمی دستور این غذا و آن قرص
را می‌دهند هرگز گوش ندهید و اگر احتیاج
بکمک داشتید پزشکان متخصص رجوع
نمایید .

۳- ورزش

ورزش همراه با رژیم غذایی برای مبارزه
با چاقی لازم است زیرا امروزه کم حرکتی
و عدم فعالیت جسمانی مهمترین علت چاقی
می‌باشد . مقدار کالری مصرف شده بستگی
بنوع و مدت و شدت ورزش و وزن ورزشکار
دارد . برای انجام دادن هر کار شخص چاق
بیش از شخص لاغر کالری مصرف می‌کند.
مقدار حرارتی که انسان برای راه رفتن
مصرف می‌کند ۱۱۶ کالری ، برای دویدن
۱۰۵۰ کالری و برای شنا کردن ۶۵۰ کالری
در ساعت است در حال نشستن
فقط ۱۵ کالری و برای فکر کردن فقط ۶
کالری در ساعت مصرف می‌شود. ورزش سخت
و نامرتب مخصوصاً برای چاقهاییکه تمرین
ندارند خوب نیست . برای شروع برنامه
ورزش، روزانه یک ساعت راه بروید و بتدریج
به مدت و شدت ورزش بیفزایید .

۶۰ کیلومتر راه رفتن برای کم کردن نیم
کیلو از وزن بدن عملی نیست ولی اگر
انسان هر روز یک کیلومتر ونیم راه برود در
عرض یکسال ۵ کیلو از وزن بدن را از دست می
دهد . همین منوال اشتغال به ورزشهای دیگر
بطور مرتب و برای مدت طولانی ثمربخش
است و نتیجه قطعی، بدون زحمت زیاد، خواهد
داد . تا می‌توانید از راندن ماشین و سوار
شدن آسانسور خودداری کنید و از هر فرصتی
برای راه رفتن و از پله بالا رفتن استفاده
نمایید .

عواملی که در مبارزه با چاقی موثرند

- ۱- از لحاظ عاطفی شخص ثابتی باشد.
- ۲- شخص تصمیم قطعی گرفته باشد
که ورزش را کم کند .
- ۳- آرزوی واقعی مریض این باشد که
از ورزش کاسته شود .
- ۴- در اوایل بروز چاقی تصمیم باین
مبارزه بگیرد .
- ۵- چاقی در سنین بالا بوجود آمده
باشد و نه از کوچکی .
- ۶- برای اولین بار تصمیم گرفته باشد
که از وزن خود بکاهد .

«بیهوده»

در وادی بی‌اتهای زندگی
سالها از پی سراب دویدم
اما به چشمه آب زلال زندگی
هرگز نرسیدم

سالها از پی هرکه دویدم
اما او، آن کس نبود
آن کس که من میخواستمش
هرگز نیافتمش

بیهوده بود هرچه که سالها دویدم
دراین زمان پرازریا
از پی يك جو محبت
هرجا شتافتم
اما نیافتم.

همچون درختان

فصلها
بعض فصلها
بس غم آلودند
زنده بودن در فصل پائیز
سخت و بیهوده است
باید همچون درختان بود
فصلی می‌مردیم و
فصلی زنده می‌گشتیم
و زنده بودن
زندگی کردن
در بهار
بس زیبا و شیرین است.

از آبادان جواد فقیهی «پیش»

۷- محیط مساعد باشد.
۸- پزشك ماهر و دلسوزی داشته باشد.
نتایج مبارزه با چاقی

۱- قشك شدن اندام و نگرستن به
زندگی با دیده پراز امید.

۲- احساس تندرستی و پیروزی بر
مشكلی بزرگ.

۳- براحتی نفس كشیدن و ازدیاد
استقامت در برابر ورزش.

۴- پایین آمدن فشار خون و كم كردن
كار قلب.

۵- كمتر شدن مقدار چربی و كلسترل
خون و در نتیجه پایین آوردن خطر مرض
تصلب شرائین و سكته قلب.

۶- معالجه مرض قند و عدم احتیاج
بانسولین.

۷- در مورد خانم ها از بین بردن
خطرات حاملگی و اختلالات قاعدگی.

۸- بحال عادی بازگشتن مردان عقیم

۹- تخفیف یافتن درد استخوان
مفاصل.

۱۰- خوب شدن امراض جلدی مانند
التهاب و جوش و دانه ها.

۱۱- كم كردن خطر جراحی.

۱۲- طولانی شدن عمر.

از این بیشتر چه می‌خواهید؟
باین دلیل است كه من از شما استمداد
می‌كنم تا با من همکاری كنید تا اجتماع
تندرستی داشته باشیم.

ما بایستی افراد تندرستی داشته باشیم
تا اجتماع تندرست و مترقی بوجود آورند و
شرط داشتن مردم تندرست از بین بردن
چربی زائد بدن می‌باشد.

جلوگیری از چاقی

امیدواریم كه خوانندگان عزیز با
خواندن این مقاله متوجه خطرات و عواقب
وخیم چاقی و احتیاج مبارزه با آن شده
باشند. اگر شخص چاقی هستيد فوراً
تصمیم بگیرید كه از وزنتان بكاهید و شروع
برژیم غذایی و ورزش بكنید. از چاقی
بچه‌هايتان جلوگیری كنید و از كوچکی
آنها را بكم‌خوری و ورزش عادت دهید
آنهايی كه هنوز چاق نیستند بدانند كه
جلوگیری از چاقی خیلی آسانتر از مبارزه
با آن است. از پرخوری پرهیز كنید و به
فعالیت جسمانی خود بپردازید.

دکتر بهرام تدین

صومعه سن تادئو آذر بایجان

از : هرمان واهرامیان

این کلیسا یکی از اصیل ترین آثار معماری آذربایجان است و اگر جاده‌ای که به آن متصل می‌شود اسفالت شود می‌تواند نقش مهمی را در توسعه «توریسم» منطقه آذربایجان دارا باشد.



نمای شمال غربی صومعه

۳۰۱ میلادی (تاریخی که آرامنه بدین عیسی گرویدند) ساخته شده اثری در دست نیست و صومعه فعلی در قرن نهم میلادی بنا گردیدم است.

در سال ۱۳۱۹ صومعه در اثر زلزله‌یی به کلی از میان رفت و در سال ۱۳۲۹ دوباره این صومعه از نو ساخته شد. در سال ۱۸۹۱ میلادی بعضی از سنگ‌های نمای صومعه تعمیر و تعویض گردید.

کلیسا هم‌چنان که در عکس‌ها دیده می‌شود به طور مجزا قرار گرفته و در اطراف آن اطاق‌هایی واقع شده‌اند که به مصارف و موارد معینی اختصاص یافته‌اند. کلیسای موجود متعلق بدو دوره است قسمت عقبی آن که کوچکتر است قدیمی تر می‌باشد و قسمت جلوئی با گنبد مربوط به آن بعدا ساخته و به ساختمان قسمت عقب متصل شده است.

قسمت قدیمی تر دارای دو محراب جانبی و یک فضای پوشیده با قوس‌هایی که در روی پلان صلیب شکل قرار دارند و یک گنبد می‌باشد.

درازای کلیسا از خارج ۴۲ متر و

صومعه سن تادئو یکی از باارزش ترین آثار معماری آذربایجان غربی می‌باشد این صومعه در ۲۰ کیلو متری شهر ماکو قرار دارد و از جاده قدیمی خوی - ماکو، می‌توان به آن رسید.

صومعه با کلیسای سن تادئو که در داخل آن قرار دارد، در میان کوه‌های مرتفع، روی یک بلندی واقع شده و تمامی صومعه در داخل دیوار حفاظتی و برج‌هایی که جهت دفاع ساخته شده‌اند، قرار دارد و این دیوارها آن را به صورت دژ مستحکمی در آورده است.

سالیان درازی این صومعه و کلیسای آن بدون حفاظت باقی‌ماند و مورد هیچ گونه توجهی قرار نگرفت ولی خوشبختانه در این چند سال اخیر جاده خاکی ماشین‌روئی ساخته شد و خود صومعه از طرف خلیفه‌گری آرامنه تیریز مرمت و تعمیر شده است.

کلیسا طبق روایات مذهبی در محلی بنا شده است که سن تادئویکی از حواریون مسیح که در محل دست به کار تبلیغ دین عیسی شده بود به قتل می‌رسد.

البته از کلیسای اولیه که بعد از سال

پهنای آن ۲۴۴۰ متر می باشد و گنبد بزرگ آن تا آخرین نقطه دارای ارتفاع ۱۸۲۰ متر است .

نور داخل کلیسا از گنبدی که در مرکز آن قرار دارد تامین می شود .

قسمت طبل گنبد **Drum** تماما از نوار های سنگی سفید و سیاه ساخته شده و « کنتراست » بسیار زیبایی را با گنبد دیگر که تماما از سنگ سفید مایل به خاکستری است ایجاد می کند .

جز این دو قسمت که در قرن نهم و چهاردهم ساخته شده قسمت دیگری در جلو در ورودی قرار دارد که در آغاز قرن بیستم ساخته شده ولی نیمه تمام مانده است و باید ناقوس کلیسا در آن نصب شود .

برج و باروی کلیسا بسیار جالب است . دیوار های آن تمامی اطاق ها و ساختمان های کوچک مربوطه را در بر می گیرد . محوطه صومعه دو قسمت است که در قسمت جلو دریاچه مصنوعی تعبیه گشته و اصطبل هایی جهت نگهداری حیوانات مختلف در نظر گرفته شده است .

در قسمت دوم اطاق های بسیار زیادی را مشاهده می کنیم که مختص به زندگی روحانیانی بوده که در این صومعه می زیسته اند . در این محل اطاق های مخصوصی جهت نگهداری مواد خوراکی و انبار های مختلف و هم چنین کارگاه های متنوعی وجود داشته است .

این کلیسا یکی از اصیل ترین آثار معماری آذربایجان است و اگر جاده ای که به آن متصل می شود اسفالت شود می تواند نقش مهمی را در توسعه «توریسم» منطقه آذربایجان دارا باشد .

کلیسای جدید یا قسمت جلوی کلیسای این صومعه تماما از سنگ تراشیده ساخته شده است و آثار تعمیر فراوانی در آن به چشم می خورد .

تمامی نماها به طور «دکوراتیو» بخش شده است . قسمت وسطی آن دارای قوس های کور می باشد که در نقطه برخورد دو قوس فرشته ای حجاری شده است و قسمت



دکوراسیون فوقانی در ورودی اصلی که به شکل «استلاکیت» بوده و در آن نفوذ معماری ایرانی به چشم می خورد .

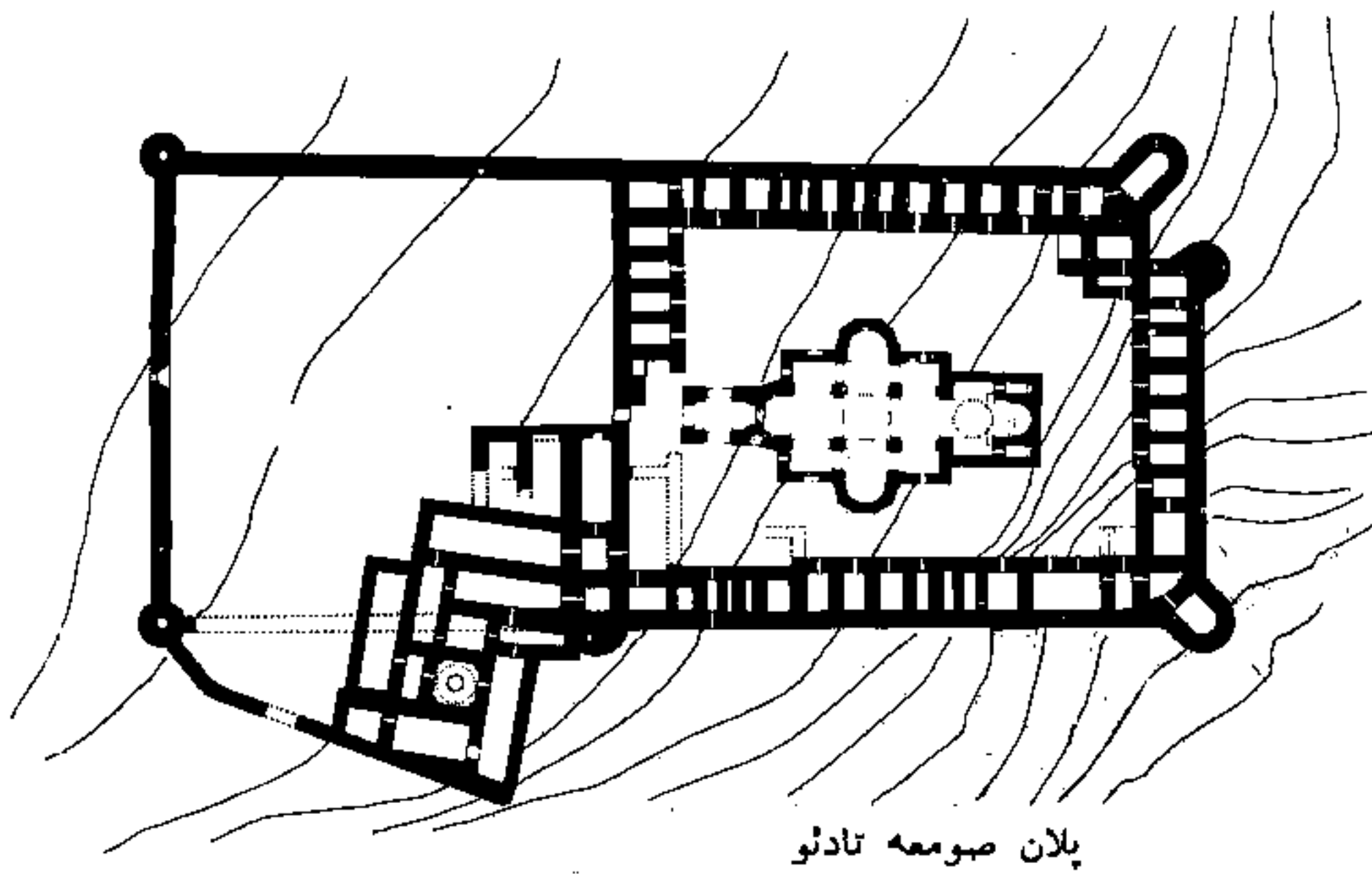


نمای شمال شرقی صومعه بابرجهای مربوطه که جهت دفاع از حمله مهاجمان تعبیه گشته اند .

گوشه ای از کلیسای جدید با قوس های کورو «دکوراسیون» های بسیار جالب آن . در گوشه سمت راست در بالای عکس با سنگ های سیاه به فرم صلیبی تشکیل شده است .

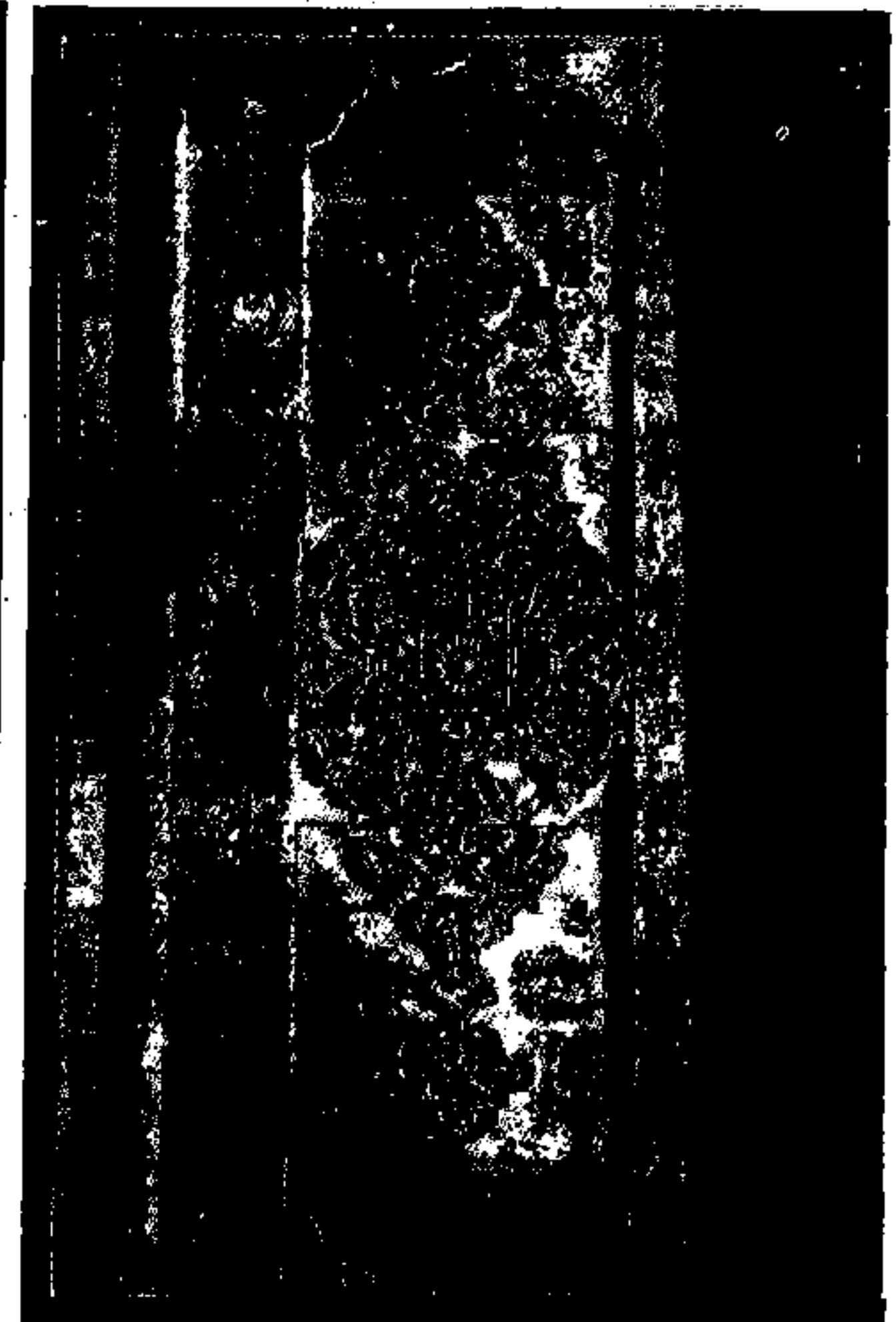


نمای شرقی دیواره کلیسا با پنجره و «دکوراسیون» های صلیب شکل .

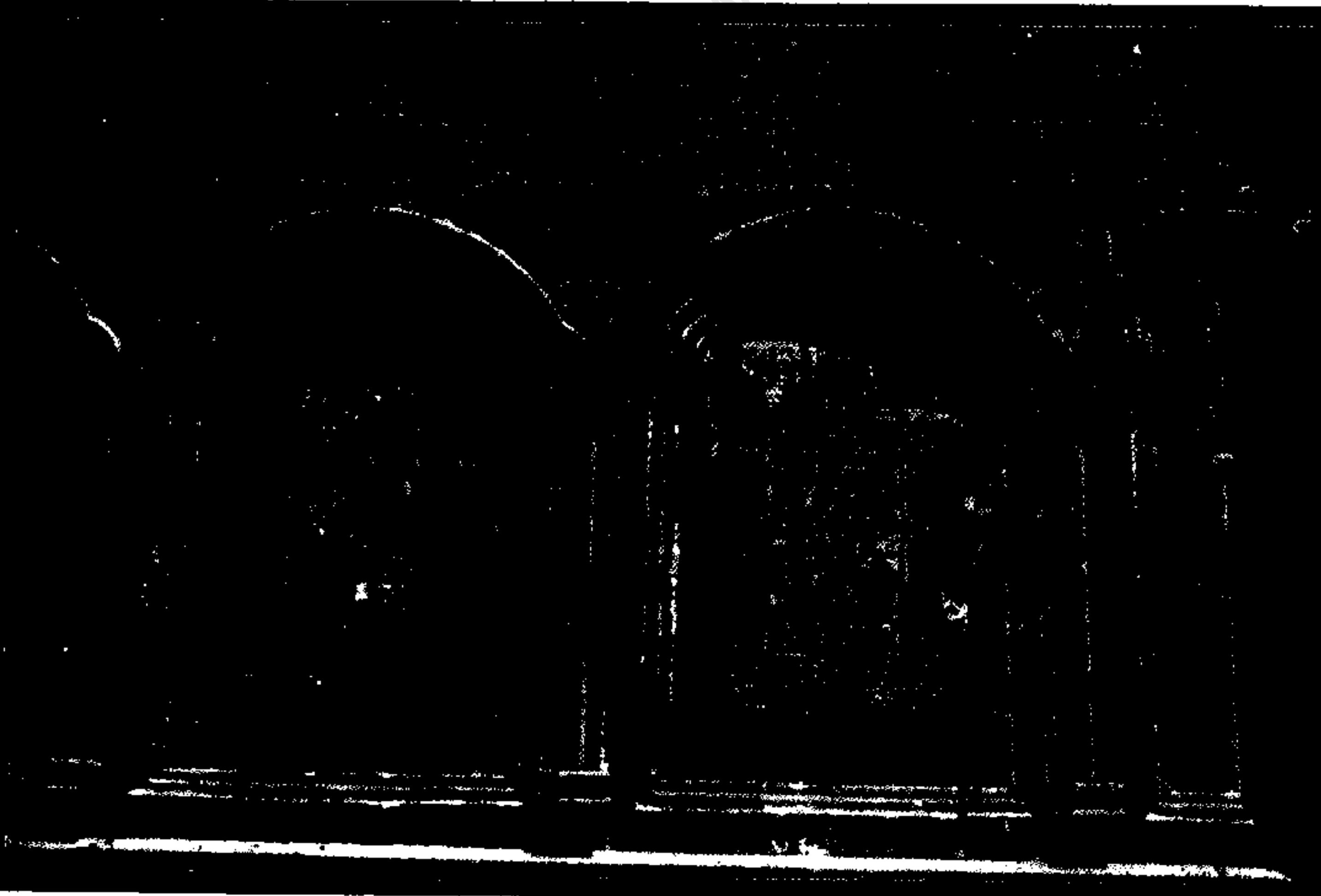


بالایی تماماً از حجاری های مختلفی ترین گشته که هر يك نمودار و شکلی از مقدسین می باشد . در ورودی این کلیسا چوبی است و در قسمت بالایی آن حجازهایی دیده می شود که حکایت از « دکوراسیون » اسلامی می کند. این حجاری تماماً به شکل « استلاگیت » و بسیار زیبا می باشد .

در زیر آن سنك نبشتهایی به زبان فارسی تعبیه گشته است . حجاری های مختلفی که به صورت کمر بند تمامی کلیسا را احاطه می کند به زیبایی نما های آن می افزاید . این اثر معماری یکی از مهم ترین آثار آذربایجان است و بجاست که برای حفظ و حراست آن اقدامات بیشتری به عمل آید .



قسمت تحتانی برج زنك کلیسا دارای « دکوراسیون » هایی است که مخلوطی از طرح های دکوراتیو معماری ایرانی و ارمنی می باشد .



نمایی از دیواره کلیسای جدید تر که «المان» های « دکوراتیو » صلیب شکل دارد و کمر بند « دکوراتیو »ی ، در بالای آن دیده می شود .

باز رنگها بصدا در می آید و سکوت را می شکند و سرمه خوابها و خماریها را از چشمها پاک می کند و شور تازه ای در سرها و التهاب تازه ای در دلها بنیاد می کند.

باز رنگها بصدا در می آیند تا باز چرخها بکار افتند و مغزها در اندیشه فرو روند. و قلبها بطنند و گامها راههای مقصود را بپیمایند. و باز رنگها بصدا در می آیند و باز و باز هم ...!

از امروز صدها هزار مغز برای آتیه ها نقشه می کشند. امروز روز مقدسی است.

سال تحصیلی اخیر را از چند نظر بقال نیک می گیریم زیرا لباسها اشتراك رنگ

و فرم پیدا کرده و این هم از لحاظ نظام آموزشی و هم از نقطه نظر تساوی حقوق شخصی و معینی قابل ملاحظه است. رنگ لباسهای دختران سنکین و دلنشین انتخاب شده و نه تنها می تواند تمناهای دل و روح آنان را بر آورده کند بلکه برایشان جالب و خوش آیند نیز هست. از خیابانها که مدارس ابتدایی - تا عالی در آنها واقع شده می گذرم. کودکان کم سن و سال در لباس های خوشرنگ دست در دست هم و دوش بدوش کیف های قرمز و زرد و آبی ... را در زیر بغل گرفته و بکودکستان ها می روند. آنها هنوز نمی توانند آتیه اندیش باشند.

و باز رنگها

بصدا در می آید

و باز و باز هم....

از کودکستان

تا دانشگاه

همه می خوانند

آنها امروز را می خواهند؛ امروزی را که تمام خوشی های خود را همچنان آینه در آن ببینند.

کمی بالاتر. دبستان ها را می بینم که بچه های بزرگ تری بسوی می روند. پسر ها در کت و شلوارهای نو و اطو کرده و دخترها با گیسوان بافته روانه مدرسه هستند. آنها هنوز نه چندان کوچکند که آتیه را درک کنند و نه چندان بزرگ که به پوشیدن و منش و عشو و کرشمه هوس کنند و برای آینده نامعلوم خود بیندیشند.

دبیرستانی ها جدی ترند. آنها کم کم زندگی را درک کرده اند و کم کم شیرینی و تلخی آنرا می چشند و بالاخره کلاس ششمیها که باید با سرنوشت دست به گریبان باشند. آیا همه به دانشگاه وارد می شوند پس در غیر این صورت اینهمه فعالیت برای چیست؟ در کلاس ششم دبیرستان پسر و دختری را نمی بینم که در خیال اتلاف اوقات و گردش و سرگرمی وهوی و هوس باشد. همه جدی هستند. همه کوشا هستند. حالاسری به دانشگاه می زنیم. دانشگاه یا بهتر بگویم «خانه امیدها و آرزوها» و آتیه ساز جوانها و محدوده سرنوشتها و خوشبختیها.

اینجا دیگر همه چیز عوض شده. دیو یا فرشته زندگی با جوانان دست بگریبان است. اینجا است که کم کم دست روزگار و انگشت تجربه و دانش خط پختگی بر پیشانی جوانان می کشد و سرنوشت هر کدام را بقول معروف بر جریده آنان می نویسد. اینجا جوانان در حقیقت آتیه ساز مملکت ما هستند. کسانی می باشند که در آینده باید چرخهای علمی، صنعتی و اجتماعی کشوری را بکار اندازند.



يك پرفسور امريكائى با خانواده اش در اروپا زندگى مى كرد . روزى ماشين رختشوى ايشان شكست . همسر پرفسور صلاح در آن ديد كه هر هفته لباسهاى كثيف را رويهم جمع كند و روز اول هر هفته آنها را بشوهرش بدهد تا به رختشوى خانه عمومى برساند . چون اتومبيل خانواده بسيار كوچك و لباس ها زياد بود ، پرفسور مجبور بود كه از دوچرخه خود استفاده كند و لباسها رابه مقصد نقل نمايد .

از نظر يك زن امريكائى اين كار كاملا صحيح ومنطقى است كه شوهر صبح روزاول هفته قبل از اينكه بسر كار روزمره خود برود لباسهاى كثيف خانواده را روى دوچرخه گذاشته و به رختشوى خانه ببرد . اما در اروپا چنين كارى پسنديده نيست . بهمين دليل رفتار اين زن وشوهر امريكائى بين همسايگان اروپايى آنان جنجالى پيا كرد تا اين كه بالاخره روزى يكي از آنان كه تا حدى به اين خانواده نزديك بود موضوع را با ايشان در ميان گذاشت و يادآور گرديد كه در اروپا اينكه شوهر انجام دادن قسمتى از كار خانه را برعهده بگيرد پسنديده نيست و برخلاف رسوم و آداب اروپايى است . زيرا در اين قاره تنها زن مسؤول امور خانه است و كمك به او نقش زن را در اجتماع پايين مى آورد .

داستان فوق بخوبى نشان مى دهد كه نقش زن در آمريكا و اروپا عميقا متفاوت است .

يك زن امريكائى نه تنها بايد زن مدبر و خانه دار باشد ، بلكه مى بايد در اجتماع بزرگتر خود شركت كند و قسمت بزرگى از مسؤوليت هاى سخت اجتماعى را دوش بدوش مردان متحمل گردد .

اين حقيقت ، زنان امريكا را بمقابله و رقابت بمردان وادار نموده است . زنان امريكا امروز يك سوم از كارهاى روزمره را در امريكا بعهده دارند .

۸۵ درصد از آموزگاران و دبيران در مدارس ابتدائى و سالهاى اول تا سوم دبirstانها و ۷۵ درصد از دبيران دوره دوم متوسطه را زنان تشكيل مى دهند . هرچند در دانشگاه هاى امريكا ، بيشتر استادان از مردها مى باشند هنوز تعداد بسيارى از استادان ادبيات ، موزيك ، هنرهاى زيبا ، فرهنگ و امور تربيتى و پرستارى را زنان تشكيل مى دهند . رويهمرفته تعداد استادان زن در امريكا بيشتر از هر كشور ديگر در دنيا مى باشد . ۷۵ تا ۸۰ درصد از ثروت ملي و كارخانجات ، املاك و اموال ملي امريكا متعلق به زنان است علت اينست كه مدت طبعى عمر زنان در امريكا از مردان بيشتر مى باشد . و بنا بر اين زنان وارث اموال شوهران خود گرديده و اين ثروت هنگفت را مالك شده اند . در ميدان سياست امريكا ، زنان رل بسيار مهمى را بعهده دارند . هرچند تا كنون هيچكدام از پريزيدنت هاى امريكا زن نبوده اند وبالاترين مقام دولتي زنان استانداری

ايلات امريكا است . باوجود اين زنان رل بسيار مهمى را در انتخابات رئيس جمهور و استانداران بازي مينمايند . بعد از سال ۱۹۲۰ ميلادى كه زنان امريكا حق راى دادن بدست آوردند ، اهميت و نفوذ ايشان در سياست امريكا و بالنتيجه در سياست بين المللى به سرعت روزافزون گرديد و قدرت برجسته اى را به وجود آورد ، براى مثال « هيئت زنان انتخاب كننده » يكي از بانفوذ ترين جمعيت هاى سياسى امريكا است . اين گروه مقتدر در سياست داخلى و خارجى امريكا نقش بسيار مهمى داشته و دارد .

زنان امريكا مهره اصلى بسيارى از ترقيات اجتماعى ، سياسى و اقتصادى ملت امريكا بوده اند . نقش مهم زنان در آزاد كردن بردگان امريكا را مى توان از كتاب مشهور « كلبه عموتام » اثر نويسنده مشهور زن امريكا « بيجراستو » ملاحظه نمود . اين زنان بودند كه براى اولين بار آواى آزادى و مساوات را سردادند و نيز آنها بودند كه باعث ترقيات و تغييرات بسيارى در امور مختلف اجتماعى و مخصوصا در طرز فكر و عقيده ملت و دولت امريكا نسبت به حقوق زنان شدند و بالاخره حقوق خويش را با استقامت و پشتكارى سخت بدست آوردند .

نقش زن

در آمريكا

در اين قاره تنها زن مسؤول امور خانه است و كمك به او نقش زن را در اجتماع پايين مى آورد .

هرچند نقش زنان امریکا در کارها و مشاغل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است با این حال زنان در امریکا نقش اصلی خود را در فراهم کردن آسایش خانوادگی می‌دانند. بیشتر اوقات دلیل اصلی کار کردن زن امریکا در خارج از خانه، همانا بوجود آوردن شرائط مساعدتر مالی برای خانواده می‌باشد.

تحصیلات زنان در موسسه‌های مختلف فرهنگی نیز از عواملی است که ایشان را بکارهای اجتماعی متمایل می‌سازد. نباید فراموش کرد که زن امریکایی برخلاف علاقه وافرش بکارهای اجتماعی وظیفه خود را بیش از هرچیز در بهبودوضع خانه و خانواده خود می‌داند و وظایف خانواده را محترم می‌شمارد.

زن در امریکا يك همدم موافق و دوست شفیق برای شوهرش می‌باشد. تحصیلاتش معمولاً موافق تحصیلات شوهر است که در ایجاد تفاهم بین آنان موثر است. کلیه تصمیمات خانوادگی در باره امور مذهبی، سیاسی، تربیت کودکان، بهداشت، تفریح و تفرج و هرکار دیگر نتیجه بحث و موافقت دو طرفه بین زن و شوهر است. زن هرچند مجبور به دخالت در کارهای شوهرش نیست، اما بعضی از شوهران چنین عمل را از جانب زنان خود پسندیده دانسته و زن را در کارها و تصمیمات خویش شرکت می‌دهند.

۸۰ تا ۸۵ درصد خرید بوسیله زنان انجام می‌پذیرد. بدین علت آگهی‌های تجارتي غالباً بنحوی منتشر می‌شود که توجه زنان را جلب نماید.

علاوه بر خرید روزانه، مراجعه به میکانیک، رادیوساز، لوله‌کش و... برای تعمیر اثاثیه منزل به عهده زنان است. زن در خانواده امریکائی راننده خانواده است شوهر را صبح‌ها بسرکار و بچه‌ها را به مدرسه می‌رساند و از مدرسه برمی‌گرداند و نیز به سینما و جاهای دیگر بردن خانواده و افراد آن بوسیله اتومبیل را زن به عهده دارد.

پارتنری‌ها و جشن‌های مختلف خانوادگی را نیز او ترتیب می‌دهد. زن معمولاً بنامه‌های رسیده جواب می‌دهد.

در امریکا، بیشتر مسؤولیت تربیت بچه‌ها به عهده مادر است. پدر ممکن است بدرس‌های کودکانش کمک نماید، ولی این مادر است که آنها را مجبور می‌سازد که مشق‌ها و تمرینات خود را در درس و موسیقی ویا سرود و کارهای دیگر تحصیلی انجام دهند. همچنین این زن خانواده است که به جلسات و کنفرانسهای خانه و مدرسه می‌رود و با آموزگاران کودکان خود در تماس مستقیم می‌باشد.

بنابر آنچه گذشت زنان امریکا مسؤولیت‌های متعدد و سختی را نسبت به اجتماع و خانواده خویش به عهده دارند. باین سبب،

مرد او را در کارهای سنگین مانند جابجا کردن مبل‌ها، شستن ظروف آشپزخانه و یا سرپرستی بچه‌ها یاری می‌نماید و به او فرصت می‌دهد رفع خستگی کند و یا بدین دوستانش برود.

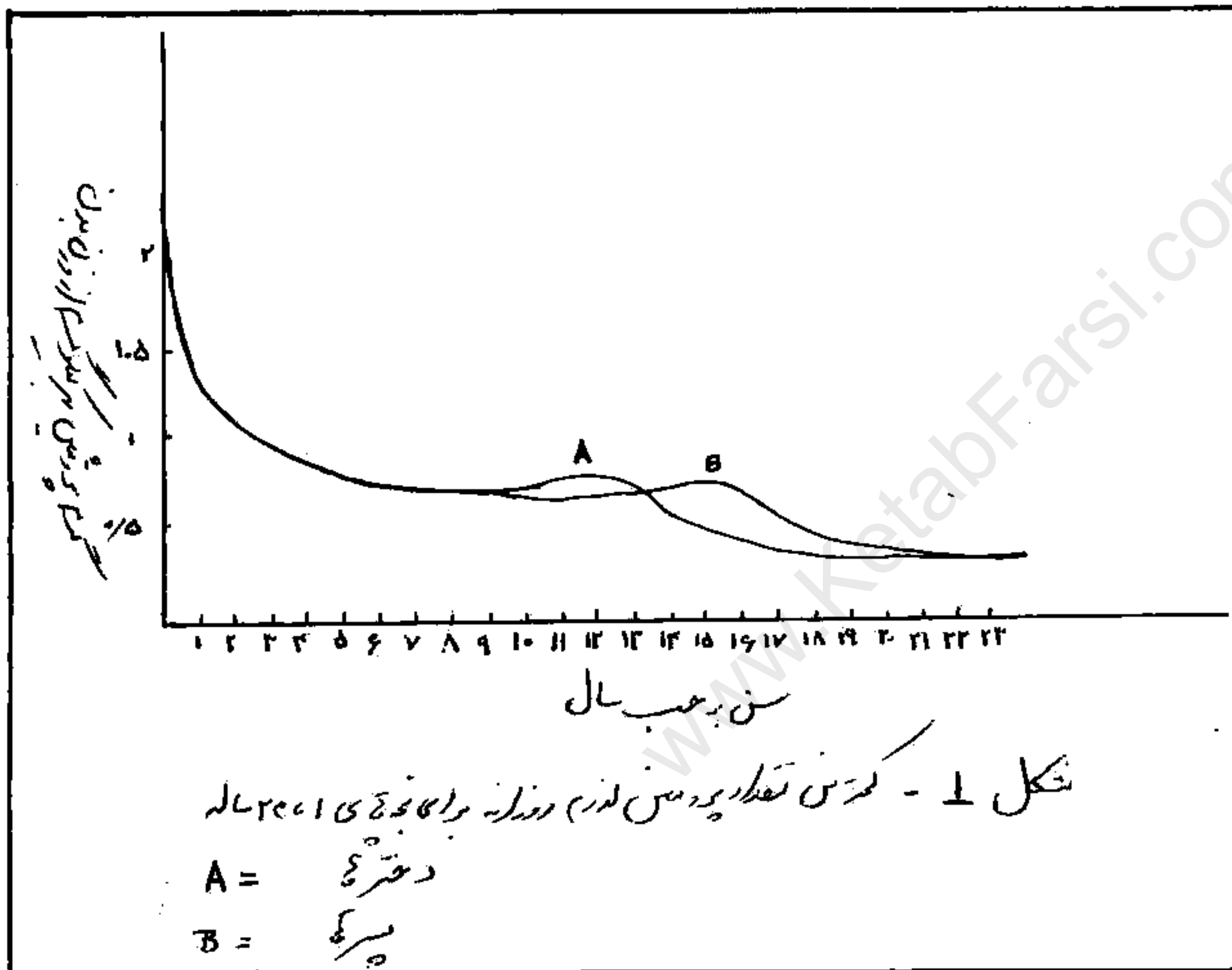
با آنکه بیشترین بار تجارت و معاملات در اجتماع امریکا و نیز مسؤولیت‌های متنوع خانوادگی تا حد زیاد بردوش زنان است اما هنوز اجتماع امریکا، اجتماعی است که تحت کنترل مردان است. مثلاً حقوق زن در يك شغل معین کمتر از حقوق يك مرد در همان شغل است. مردان در بسیاری از کارها به زنان برتری دارند. مدیریت سرپرستی و سرکارگری در بیشتر کارها به عهده مردان است. مرد است که بزنان دستور می‌دهد. خود زنان نیز معمولاً مایل نیستند سرکارگر زن داشته باشند و ترجیح می‌دهند که زیر دست يك جنس مخالف بکار مشغول باشند. این زن خانواده است که کلیه امور روزمره را اداره می‌کند. بچه‌ها را تربیت می‌کند.

در خانواده نیز، زن آمریکایی به شوهرش تکیه دارد، و مایل است شوهر خود را سرپرست خانواده بداند. زمانیکه تصمیم بزرگی باید گرفته شود، این مرد خانواده است که تصمیم می‌گیرد، زن در این مواقع معمولاً می‌گوید «از شوهرم می‌پرسم» و یا اینکه «بگذار به بینم شوهرم چه می‌گوید». از عنایت‌الله بیگلریگی

اهمیت مواد غذایی پروتئینی

- کمیت مواد غذایی و پروتئین مهم نیست بلکه کیفیت مواد غذایی مهم است .
- باید اهمیت مواد غذایی و مخصوصا پروتئین را با وسایل سمعی و بصری بمردم گوشزد کرد .

در حال حاضر در بیشتر کشورهای دنیا مانند هندوستان ، اتحاد جماهیر شوروی ، فرانسه ، انگلستان و آمریکا کارخانه های بزرگی تاسیس شده که از مواد گوناگون غذایی و حتی از نفت پروتئین می گیرند . طبق اطلاعاتی که تا بحال انتشار یافته در هندوستان فعلا کارخانه ای تاسیس شده که از نفت روزی پنجاه کیلو گرم پروتئین می گیرد و بزودی کارخانه دیگری هم به ظرفیت یک تن پروتئین از هیدرو کاربور در این کشور تاسیس خواهد شد . در چکسلواکی روزانه دو تن ، در شوروی سه تن ، در فرانسه در حدود یک تن و نیم پروتئین تولید می شود .



شکل ۱ - کمترین مقدار پروتئین لازم روزانه برای بچه های ۱ تا ۲۴ ساله

A = دختر

B = پسر

شکل ۱ - کمترین مقدار پروتئین لازم روزانه برای بچه های ۱ تا ۲۳ ساله

A = دخترها

B = پسرها

مواد پروتئینی لازم برای خانم های حامله

و شیرده :

خانم های شیرده و حامله بایستی در دوران حاملگی و شیردادن حداقل روزی ۵ گرم مواد پروتئینی بیشتر مصرف کنند مثلا اگر خانم حامله و یا شیرده ۵۵ کیلو گرم وزن داشته باشد ، باید حداقل روزی ۶۰ گرم پروتئین مصرف کند .

عوارض کمبود مواد غذایی پروتئین

در اشخاص بالغ :

تریپتوفان TRYPTOPHAN
مقدار مواد پروتئینی لازم برای اشخاص

بالغ و بچه ها :

بطور متوسط اشخاصی که ۷۰ کیلو گرم وزن داشته باشند باید روزانه بین ۶۵ - ۷۰ گرم پروتئین مصرف نمایند . این مقدار در بچه های بین ۱ تا ۱۸ سال فرق می کند برای این که در این سنین اغلب اعضا بدن به نمو سریع احتیاج دارد ، باید مقدار پروتئین بیشتر بدن برسد .

شکل ۱ مقدار مواد پروتئین لازم برای بچه های یک تا بیست و دو سال را نشان می دهد . از مطالعه شکل ۱ روشن می شود که بچه ها در اوایل بچگی احتیاج بیشتری به مواد پروتئینی دارند .

پروتئین ها در سال ۱۸۳۷ مسیحی به وسیله «مولدار» شیمیست هلندی کشف شده است .

«برازیلیوش» ثابت کرد که بدون مواد پروتئینی هیچ عضو از اعضا بدن حیوانات ، انسان ها و گیاه ها قادر به رشد و نمو نخواهند بود .

امروز میلیون ها نفر در دنیا کمبود مواد غذایی پروتئینی دارند و مناطقی که بیشتر افراد آن ها دچار کمبود مواد پروتئینی هستند عبارتند از : آفریقا ، آمریکای مرکزی ، هندوستان و بیشتر ممالک اروپایی و آسیایی . ساختمان و ترکیب پروتئین ها :

پروتئین ها مواد آلی هستند که از کربن ، هیدروژن ، ازت تشکیل شده اند . اغلب آن ها سولفور و فسفر هم دارند . وزن مولکولی پروتئین ها از ۱۰۰۰۰ تا چندین میلیون ممکن است برسد . پروتئین ها از مجموعه ۲۱ آمینواسید تشکیل شده اند . وجود مواد ازته در پروتئین ها آن ها را از مواد غذایی لیپیدی و قندی مشخص می سازد و راه اندازه گیری مواد ازته هر غذایی ، مقدار مواد پروتئینی آن را می توان اندازه گرفت (اغلب مواد پروتئینی ۱۶ در صد ازت دارند)

آمینو اسید های لازم برای انسان :

آمینو اسید های لازم آنهایی هستند که بدن قادر به تهیه آنها نیست و باید به وسیله مواد غذایی وارد بدن بشوند . عده آمینواسید های لازم برای انسان ۸ تا بوده و بقرار زیر می باشند :

LEUCINE لوسین

METHIONINE متیونین

THREONINE ترونین

VALINE والین

ISOLEUCINE آیزولوسین

LYSINE لیزین

PHENYLALANINE فنیل آلانین



غذاهایی که همه این آمینواسید های لازم را دارند از لحاظ مواد پروتئینی غذای بهتری هستند. اخیرا سازمان مواد غذایی بهداشت جهانی (FAO) مقاله‌یی انتشار داده و درباره اهمیت مواد غذایی پروتئینی در آمریکا بحث نموده است. آن طوری که از این مقاله استنباط می شود، امروز در آمریکا خانواده هایی که چهار هزار دلار درآمد سالیانه دارند و خانواده هایی که ۲۰ هزار دلار درآمد سالیانه دارند بیک اندازه مواد پروتئینی مصرف می کنند و این بدان دلیل است که بیشتر افراد این مملکت به اندازه کافی اطلاعات در باره مواد غذایی و کیفیت آن دارند. در سال ۱۹۶۴ علمای مواد غذایی سازمان بهداشت جهانی و آمریکایی مطالعاتی که برای جلوگیری از کمبود مواد غذایی پروتئینی کرده اند در مقاله‌یی پیشنهاد هایی نموده اند که یکی از مهمترین آن ها تدریس اهمیت مواد غذایی در دبستان ها می باشد. بنظر می رسد فعلا تنها راهی که می شود اهمیت مواد غذایی و مخصوصا پروتئین را به مردم گوشزد کرد از راه تدریس سمعی و بصری می باشد که علاوه بر این که اهمیت مواد غذایی باید در دبستان ها تدریس شود باید این اطلاعات در اختیار اشخاص بالغ نیز گذاشته شود.

دکتر محمد نایی

شکل بالا بچه سه ساله ای را نشان می دهد که مرض کواشیور کور داشته و بعد از آن که ۶ ماه مواد پروتئینی کامل مصرف کرده بهبودی یافته است. بچه مریض a =

بعد از ۶ ماه مصرف مواد پروتئینی b = غذاهائی که مواد پروتئینی و مخصوصا آمینواسید های لازم برای انسان بعد کافی دارند :

- ۱- شیر انسان ۲- شیر گاو ۳- گوشت گاو و گوسفند ۴- گوشت ماهی ۵- پنیر ۶- عدس و لوبیای سبز ۷- جو و گندم ۸- برنج ۹- کلم ۱۰- سیب زمینی ۱۱- هویج.

بطور کلی امروز در دنیا میلیون ها نفر هستند که کمبود مواد پروتئینی دارند بدون این که خودشان متوجه بشوند. کمیت مواد غذایی و پروتئین مهم نیست بلکه کیفیت مواد غذایی مهم می باشد مثلا از ۲۱ آمینواسید ترکیب دهنده پروتئین ها فقط بدن انسان ۸ تای آن ها را قادر نیست تهیه بکند و این ۸ تا باید به مقدار کافی روزانه به وسیله مواد غذایی وارد بدن بشود. بعضی از مواد غذایی چندان و یا همه این آمینواسید های لازم را دارند و بعضی هیچکدام از این ها را ندارند و مسلما آن

کمبود مواد پروتئینی امراض و عوارض مختلفی را در انسان تولید می کند و مهمترین آن ها بقرار زیر است :

- ۱- نرمی استخوان ۲- کمی مقاومت در برابر امراض عفونی ۳- نازائی ۴- تحلیل واز کار افتادن غده های داخلی بدن ۵- ریختن مو ۶- نابینایی ۷- کم خونی ۸- ناراحتی کبد ۹- کم شدن مواد پروتئینی خون

۱۰- خشک شدن پوست و اسهال Pellagra کمبود مواد پروتئین در بچه های نوزاد

وخیلی جوان :

کمبود مواد پروتئینی در بچه های نوزاد وخیلی جوان تولید امراض خطرناکی مثل کواشیور کور Kwashiorkor وماراسماز Morasmus می نماید. این بچه ها بدن ضعیفی دارند. مواد لیپیدی تحلیل می رود و ماهیچه های بدن این بچه ها خوب نمو نمی کند. اغلب این بچه ناراحتی کبدی و روده‌یی پیدا می کنند و دائم دچار اسهال و قی می شوند. پوست بدن آنان خیلی خشک شده و بزودی زخمی می شود و در مقابل امراض عفونی و مخصوصا میکربی خیلی حساس می باشند. مغز این بچه ها بطور کامل نمو نمی کند و هوش این طور بچه کمتر است. شکل زیر بچه هایی را نشان می دهد که کمبود پروتئینی دارند و دچار امراض کواشیور کور ویا ماراسماز شده اند.

روزنامه نگار شهرستانی ما می گوید:

تیراژ واقعی يك نشریه تعداد شماره های چاپ شده نیست بلکه تعداد استفاده کنندگان از آن است.

گفتگویی با عبدالحسین آموزگار - يك روزنامه نگار شهرستانی

- تنها با اتکا به نیروی مردم است که يك سازمان مطبوعاتی می تواند پایدار بماند.
- در اروپا از هر شماره روزنامه يك نفر استفاده می کند ولی در ایران يك نفر که روزنامه می خرد به تمام همسایگان و اطرافیان هم میدهد.
- استان خراسان اولین استان بعد از پایتخت است که صاحب روزنامه روزانه شد.
- در مشهد ۱۴ روزنامه منتشر می شود که پرسابقه ترین آن ها ۴۵ سال سابقه فعالیت دارد.
- تامین کادر فنی، وسایل اولیه و حتی کاغذ روزنامه فعلا از اهم مشکلاتی است که مطبوعات شهرستانی با آن مواجه هستند.

مقدمه

يك روزنامه نگار شهرستانی با همه محدودیت ها بهر حال يك واحد مطبوعاتی است، و نظیر يك سازمان مستقل مطبوعاتی در پایتخت مشکلاتی دارد و حتی از بسیاری جهات مشکلاتی بزرگتر و دشوارتر. ما تاکنون دوبار با دو تن از ارباب جرأید پایتخت به گفتگو نشستیم و این بار به سراغ يك همکار شهرستانی رفته و پای صحبت او نشسته ایم.

روزنامه «آفتاب شرق» یکی از دوروزنامه پرتیراژ شهر مشهد است و هر روز عصر انتشار می یابد، قیمت تك شماره آن ۴ ریال است و اینك در هشت صفحه منتشر می شود، در هفته چند نشریه به صورت لایبی برای بانوان، سپاهیان دانش، روستاییان و کارگران منتشر می کند. آنچه می خوانید حاصل گفتگویی است کوتاه با آموزگار مدیر و صاحب امتیاز روزنامه آفتاب شرق.

تلاش - آقای آموزگار، از علت پیدایش فکر انتشار روزنامه آفتاب شرق در مشهد بگویید، و از این که انگیزه تان برای انتشار يك روزنامه در شهری مانند مشهد که طبعاً از لحاظ مختلف مشکلاتی پیش می آورد چه بود، و آیا این اولین سازمان مطبوعاتی بود که شما بوجود آوردید؟
آموزگار - روزنامه «آفتاب شرق» در ردیف اولین روزنامه هایی بود که در مشهد منتشر شد.

مرحوم سید علیرضا آموزگار پدر من بانی اولین مدرسه مدرن امروزی در مشهد بود. بنام «سادات رضوی» بعد از چند سال که به اداره مدرسه مشغول بودند، چون انتشار يك روزنامه ملی را در مشهد ضروری تشخیص دادند، با کمک و همت دوستان خودشان در آنوقت (در سال ۱۳۰۳) به انتشار این روزنامه مبادرت کردند. البته اگر فرصتی باشد که شما بتوانید دوره های

روزنامه را ببینید، روشن می کند که در آن زمان دست زدن به این کار بسیار مشکل بوده و با چاپ سنگی و کاغذ های نامناسب ادامه کار بسیار مشکل تر و تنها علاقه مندی مردم این استان و هم فکری روشنفکران ظرف این چهل و پنج سال موجب ادامه کار و ترقی و پیشرفت روزنامه بوده است تا آنکه در سال ۱۳۳۳ پدر من بدرود حیات گفت و اداره روزنامه به من محول شد در این زمان تاسه سال آفتاب شرق به صورت روزانه و یومیه عصر و در چهار صفحه بقطع فعلی منتشر می شد. بعد از سه سال بهشش صفحه رسید و الان در هشت صفحه و هر روز عصر منتشر می شود.

تلاش - چه مشکلاتی دارید، با توجه به این که امکانات فنی و پرسنلی در شهرستان ها به مراتب کمتر از تهران است، طبعاً با مشکلاتی روبرو هستید که يك روزنامه تهرانی کمتر با آن مواجه می شود، با این مشکلات چگونه برخورد می کنید؟

آموزگار - البته آن ها که با مطبوعات سر و کار دارند و در خدمت مطبوعات هستند، به مشکلات روزنامه نگاری واقفند و با مسایلی نظیر امور فنی، تامین وسایل و گردش اقتصادی يك سازمان مطبوعاتی آشنا هستند و ضمناً همین ها می دانند که تمام این مسایل در شهرستانها بسیار دشوارتر از پایتخت مملکت است. امروز بعد از دو سه روزنامه مهم پایتخت، اگر دقت بشود، روزنامه هایی نظیر و در سطح روزنامه آفتاب شرق کمتر وجود دارد. در اینجا باید یاد آوری کنم که استان خراسان بعد از پایتخت اولین استانی است که صاحب روزنامه روزانه شد. تامین کادر فنی، وسایل اولیه، حتی کاغذ روزنامه فعلاً از اهم مشکلاتی است که مطبوعات شهرستانی با آن روبرو هستند که طبعاً مطبوعات تهران کمتر چنین مشکلاتی دارند. آنچه مؤید و مشوق ماست، در ادامه این خدمت، حمایت بی دریغ روشنفکران و مردم خراسان است. همین روحیه مارا و میدارد که در بهتر شدن کارمان و بالارفتن سطح مطالب روزنامه بیشتر بکوشیم. در حال حاضر با انجام انقلابی که در تمام شئون مملکت نفوذ کرده است و ایجاد سپاه دانش، این امیدواری می تواند وجود داشته باشد که در آینده با بالارفتن سطح فکر طبقات مختلف مردم و باسواد شدن آن ها سختی و فشاری که امروزه تحمل می کنیم از میان برداشته شود. این آرامش با بالارفتن تیراژ روزنامه و افزونی علاقمندان به روزنامه بدست خواهد آمد و این اقبال نه تنها خسارات مالی ما را جبران خواهد کرد بلکه خستگی ناشی از سال ها کوشش و فعالیت را نیز

مرتفع خواهد نمود .

تلاش - از تیراژ حرف زدید و مارا بیاد این مساله انداختید که چندی پیش این موضوع در مطبوعات پایتخت مطرح شد ولی جواب هایی که داده شد ، به نظر نامین کننده نیامد شما در باره تیراژ چه نظری دارید ؟

آموزگار - موضوع تیراژ روزنامه همان طور که اشاره کردید موضوعی است که تا حال چندین بار در جاهای مختلف مطرح گردیده است و گرچه یکی از اسرار کار روزنامه است . معمولا به درست یا نادرست جواب هایی به آن داده شده است . بخاطر دارم در یکی از تشریف فرمایی ها به مشهد ، اعلیحضرت این سؤال را از من کردند و من در جواب عرض کردم بر اثر عنايات شاهنشاه و پیشرفت فرهنگ تیراژ مطبوعات هر روز رو به فزونی است . در انگلستان که بودم از روزنامه دیلی میروور بازدید می کردم سردبیر این روزنامه این سؤال را مطرح کرد . در جواب مقایسه ای میان وضع روزنامه در ایران و اروپا کردم . در اروپا من به چشم خود می دیدم که مثلا در يك رستوران وقتی روزنامه می آورند ، همه می گیرند ، حتی کسانی که ممکن است شب همان روزنامه را در منزل داشته باشند و بعد از استفاده از مطالب مورد نظرشان آن را روی میز می گذارند نفر بعدی که پشت همان میز می نشیند ، آن روزنامه را بر نمی دارد . یکی دیگر می خرد طبعاً این امر باعث افزایش تیراژ روزنامه ها و تشویق بیشتر سازمان آن می شود . در ایران وضع چنین نیست و حتی در شهرستان ها با مقایسه با تهران وضع خیلی بدتر است . در تهران تا اندازه ای و در شهرستان ها خیلی زیاد ، يك نفر که روزنامه می خرد ، بتمام همسایگان و اطرافیان می دهد و آن ها هم استفاده می کنند می بینید که استفاده کرده اند ولی میزان فروش روزنامه به تعداد استفاده کنندگان آن نیست . البته این شکایتی نیست بلکه حکایتی است .

اینجا همیشه این سؤال پیش می آید که منظور از تیراژ چیست ؟ اگر تعداد روزنامه چاپ شده مورد نظر است ، من این را به عنوان تیراژ يك نشریه قبول ندارم ، بلکه در حقیقت تعداد استفاده کنندگان از روزنامه یا به طور کلی يك نشریه ، تیراژ واقعی آن روزنامه یا نشریه است . ولی در مورد میزان علاقمندی باید متوجه بود که وقتی يك روزنامه مدت چهل و پنج سال در شهری مثل مشهد و در استان خراسان منتشر می شود ، لاجرم باید مورد توجه علاقه مردم باشد .

تلاش - خوانندگان شما را چه دسته هایی تشکیل می دهند و چه بررسی هایی در مورد خواننده های خود به عمل آورده اید و

اصولا مطالب روزنامه شما تا چه حد به سلیقه طبقات مختلفی که روزنامه شما را می خوانند نزدیک است ؟

آموزگار - در مورد نوع علاقمندان به روزنامه ، البته با استفاده از تجربیاتی که داشتیم ، سعی کردیم از طریق تماس هایی که بوسیله خود روزنامه با خوانندگان داریم به انتظارات مردم از يك روزنامه ملی واحد امکان پاسخ بگوییم بنابراین تقریباً تمام طبقات از روزنامه ما استفاده می کنند . ما الان نشریه مخصوصی برای بانوان داریم ، نشریات مخصوص برای کارگران و کشاورزان و سپاهیان دانش داریم و امید ما هم در این راه این است که در انجام خدمت موفق باشیم .

تلاش - با توجه به این که سپاهیان دانش در روستاهای دور دست پراکنده اند ، چگونه می توانید این نشریات را به موقع به آن ها برسانید و اصولاً شعاع گسترش توزیع روزنامه شما در داخل مملکت تا چه حد است ؟

آموزگار - اهمیت خدمتی روزنامه آفتاب شرق در استان خراسان است . در سایر نقاط مملکت و مخصوصاً تهران ، خراسانی هایی که هستند از این روزنامه استفاده می کنند . حتی در خارج از کشور هم مشترک داریم . ولی نشریاتی که برای سپاهیان و روستاییان چاپ می کنیم ، با کمک و همکاری اداره آموزش و پرورش خراسان و ژاندامری به دست آن ها می رسد .

تلاش - آیا مراجع و سازمان های دولتی هم در ادامه این کار کمک هایی به شما می کنند ؟ یعنی وسیله هیچیک از سازمان ها حمایت می شوید ؟

آموزگار - اتکاء ما بعد از عنایت خداوندی و توجه خاص شاهنشاه به مطبوعات بر مردم است و خدمت ما استوار بر نیروی ملی است و به نظر من تنها با اتکا به این نیرو است که يك سازمان مطبوعاتی می تواند پایدار بماند . ولی ، خود دولت از طریق قانونی و مشروع کمک هایی به مطبوعات می کند . مثلاً وزارت اطلاعات که ناظر بر اجرای قانون مطبوعات است ، از طریق ارسال بولتن های خبری ، یا در مواقعی با ارسال مقالات و تحقیقات مفید با روزنامه ها همکاری دارد و از طریق توزیع آگهی های سازمان های دولتی که باید در مطبوعات منتشر شود . و البته يك قسمت از کار اقتصادی روزنامه را می گرداند .

تلاش - میزان دقت و سرعت خبر گیری روزنامه شما تا چه اندازه است و برای خبر گیری از چه امکاناتی استفاده می کنید ؟

آموزگار - البته روزنامه آفتاب شرق مثل بقیه نشریاتی که روزانه عصر منتشر می

شود بین ساعات ۴ تا ۵ باید توزیع شود خبرنگاران متعددی در شهر مشهد و شهرستان های استان خراسان داریم که اخبار را گزارش می کنند و به سرویس خبری ما می رسانند ، مسؤول تنظیم اخبار (مدیر داخلی) داریم ، اخبار بعد از این مراحل تحویل سردبیر می شود و بعد از «پاراف» او زیر چاپ می رود . در شهرستان های خراسان اگر اخبار فوری باشد تلفنی یا تلگرافی گزارش می شود . علاوه بر این ها يك دفتر مرکزی در تهران داریم که اخبار مهم پایتخت را وسیله هواپیما یا تلفنی و تلگرافی به دست ما می رساند که هر روز از آن ها در روزنامه استفاده می کنیم . با کادر محدودی که الان داریم و با تشکیلات موجود ، تا یک ساعت قبل از چاپ روزنامه می توانیم خبر های ارسالی را چاپ کنیم .

تلاش - برای گردش کار روزنامه از چه کادری اعم از اداری و فنی و از چه امکانات فنی استفاده می کنید ؟

آموزگار - ما اینجا چاپخانه بی اختصاصی برای چاپ روزنامه خود داریم با سه ماشین چاپ برقی . وسایل چاپ ما در واقع بین «قدیمی» و «مدرن» است . نه خیلی مدرن ، برای این که هنوز اجبار داریم با دست حروف چینی کنیم . «انتر تایپ» سرمایه زیاد می خواهد ، که نداریم ، کادر پرسنلی اعم از اداری و فنی تا حد کافی و لازم داریم و این شاید فرصتی باشد که از همه آن ها تشکر کنم . چرا که با مزد و حقوق خیلی ناچیز با صمیمیت و علاقه کار می کنند و روزنامه را می گردانند .

تلاش - در مشهد جمعا چند روزنامه منتشر می شود ؟

آموزگار - در مشهد جمعا ۱۲ روزنامه منتشر می شود . «آفتاب شرق» هر روز عصر منتشر می شود ، با ۵۰ سال سابقه ، روزنامه «خراسان» صبح ها منتشر می شود ، با ۱۷ سال سابقه . روزنامه «نور ایران» است که اخیراً روزانه شده و صبح منتشر می شود ، با سابقه ای در حدود روزنامه «خراسان» . روزنامه های دیگری هم هستند که هفتگی یا هفته ای دو مرتبه منتشر می شوند .

تلاش - به عنوان آخرین سؤال ، از کادر نویسندگان هایتان بگویید .

آموزگار - چون روزنامه آفتاب شرق يك روزنامه خبری عصرانه است ، طبعاً بیشتر مطالب آن را اخبار تشکیل می دهد . بنابراین کادر نویسندگان به آن صورت که مورد نظر شماست نداریم . ولی اگر مطلبی باشد که به صورت مقالاتی باید چاپ شود ، خود من یا سردبیر وعده ای از دوستانی که دست به قلم دارند و سوابقی در این امر دارند زحمت آن را به عهده می گیرند .

تلاش - بسیار متشکریم

و هنر» بروی صحنه آمد که در ایران و در نوع خود بیسابقه بود .

این نمایشنامه «صاعقه» نام داشت ، اثر آستروفسکی نویسنده شهیر شوروی .
مصاحبه زیر را باخانم مهین اسکویی کارگردان این نمایشنامه به عمل آورده ایم :
س: خانم اسکویی شما در کجا متولد شده اید و تحصیلات ابتدایی و عالی خود را در کجا پایان رسانده اید ؟

ج: من در سال ۱۳۰۹ در تهران متولد شدم . در مدرسه نوباوگان تحصیلات ابتدائیم را تمام کردم بعد کارهنری خود را در تاتر فردوسی شروع کردم . در سال ۱۹۵۰ بشوروی رفتم . درمسکو در انستیتو دولتی «لونا - چارسکی» فعالیت های عالییه هنری را شروع کردم و تحت نظارت «پروفسورزاودسکی» تعلیم دیدم . بعد برای گرفتن فوق لیسانس تاتر و کارگردانی در سال ۱۹۵۶ پسر «شب بحرانی» را در یکی از تاترهای دولتی مسکو بروی صحنه آوردم و با دفاع از آن مدرک فوق لیسانس کارگردانی را بدست آوردم .
س : آیا شما غیر از شوروی به کشور های دیگر هم سفر کرده اید .

ج: بله پس از اخذ مدرک از انستیتوی مسکو ، دوسال به آلمان و سوئیس رفتم و در آنجا نیز تعلیماتی دیدم .
س : کی به ایران آمدید و فعالیت هنری

من به نمایشنامه نویسان عشق می ورزم

مصاحبه کوتاه با خانم مهین اسکویی
رژیسور نمایشنامه «صاعقه»

چندی پیش در تالار ساختمان جدید موزه ایران باستان شاهد اجرای نمایشی بودیم که توسط گروه هنری زمان «وابسته به فرهنگ

داخلی را شروع کردید ؟

ج: در سال ۱۹۵۸ بایران آمدم و فعالیت خود را در تاتر آناهیتا شروع کردم و سپس هایی چون «خانه عروسک» ، «روپاه ها» ، «تانی» و «صاحب مهمانخانه» را که در آنها کارگردانی و شرکت داشتم بروی صحنه آوردم . جزاینها در حدود بیست برنامه تلویزیونی نیز اجرا کردم .
س: از کی به فرهنگ و هنر وابسته شدید و تحت نظر آن کار می کنید ؟

ج: اکنون شش ماه است که با تشکیل «گروه زمان» وابسته به وزارت فرهنگ و هنر ، فعالیت می کنم .

س: آیا فکر نمی کنید که نمایشنامه ها و کارگردان های متعدد و مختلف با افکار و ایده آلهای خود در جریان هنری کشور ضعف هنری ایجاد نماید .

ج: اتفاقا این امر برای من عقده بی شده است . زیرا معتقدم که تاتر باید امضای سرکارگردان را داشته باشد و سپس هایی را که صلاح می داند بدست کارگردانها بدهد تا آنها را اجرا کنند و هنر داخلی بدینوسیله از صد رنگی خلاصی یابد .

س: فرهنگ و هنر چه نقشی را در امور هنری شما دارد ؟

ج: فرهنگ و هنر از نظر اینکه سالن نمایش در اختیار ما گذاشته کمک موثری بما کرده و ایجاد سالن موزه گام بزرگی است برای اجرای پس های خارجی در ایران .

س: از نمایشنامه نویسان کدام دوره خوشتان می آید ؟

ج: من به نمایشنامه نویسان اواخر قرن نوزده عشق میورزم . علاقه عجیبی بآنها دارم . زیرا این نویسندگان نمایشنامه ها را از صورت اشرافیت در آورده و زندگی توده مردم را در آن نشان دادند . یعنی هنر برای اشراف را به مرحله هنر برای مردم رساندند .

س: از این مشاهیر می توانید چندتن را بشمارید .

ج: چخوف ، گورکی ، آربوزف ، برناردشو ، ژان اونه ، از جمله نمایشنامه نویسان قوی و مورد علاقه من در قرن نوزده هستند . از نویسندگان کلاسیک می توانم : شکسپیر ، مولیر ، آلفردرژي ، و «آلفردو دوفلیو» را نام ببرم .

س: فکر می کنید وسعت يك سالن برای تاتر چقدر باید باشد ؟

ج: سالنی که بیش از ۵۰۰ صندلی در آن جای بگیرد بدرد تاتر نمی خورد . نمایشنامه باید با نفس تماشاچیان پخته شود .

س: شما که کارگردان هستید از قوی ترین کارگردان های خارجی کدام را می شناسید که مورد پسند شما هم هستند ؟

ج: چون تاتر روز را که مادر ایران نمی بینیم بهتر است روی کارگردان های فیلم



های فنی کار خود را در زمینه‌های اجتماعی و انسانی و عطوفت نشان داده و خود آنرا درک کرده است. آستروفسکی می‌گوید: زندگی یعنی آزادی.

جمله کارگردانهای بسیار قوی روس و دنیا هستند که اکثرشان فوت شده اند و بسیاری دیگر از سراسر جهان.

س- عقیده شما درباره صاعقه چیست؟
ج- آستروفسکی در خلال موضوعات خانوادگی و روابط عشقی و آلام، نیم‌سایه

صحت کنیم. بسا از کارگردان های تاتر که فیلم می‌سازند و ما می‌توانیم روی فیلم و ساخته‌هایشان بحث کنیم:

از شوروی زاودسکی، آخلوپژکوف، وولف، چرپاسف، پاپوف، کلدرف، تاوستانوف، سیمانوف، لوبیمف و ... از



برخورد اولیه يك جوان ایرانی با فرهنگ غربی

برای آینده از دانشجویان که با تحصیلات دانشگاهی به خارج می روند اشکالات کمتری وجود دارد

مصاحبه با يك دانشجوی روزنامه نگار ایرانی که
در لندن تحصیل می کند

علی غفاری در فروردین سال ۱۳۳۳ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه اش را در تهران تمام کرد و بعد از خاتمه تحصیلات دبیرستانی به انگلیس آمد و در رشته روزنامه نگاری شروع به تحصیل کرد.

غفاری، خیلی خوب می نویسد و تاکنون چندین مقاله او در نقد سینما و مطالب ادبی در روزنامه های معتبر لندن بچاپ رسیده است. گاهی نیز شعر می گوید و دفتری از اشعار بزبان انگلیسی و فارسی دارد. خیلی محبوب و کم حرف است و تاجیزی تیرسی حرفی نمی زند. از این رو مصاحبه با او که می توانست بمراتب مفصل تر از این باشد به این کوتاهی شد.

● خیلی از خانواده ها فکر می کنند که اگر کودک از بدو خودشناسی در جامعه غربی تربیت شود بهتر است، در صورتی که این امر يك حالت دوگانگی به کودک می دهد.

● دانشجوی وقتی پول برای مخارج اولیه اش نداشته باشد به خط کار کردن و پول درآوردن می افتد. برخورد اولیه يك جوان ایرانی با فرهنگ غربی، يك برخورد تصادمی است.

● دانشجوی اگر در دنیای درسی خود تعادلی برقرار کند در دنیای خارج از درسش هم تعادل و هماهنگی پیش می آید.

● در يك اجتماع بیگانه هر کس می خواهد که هویتی بخود بدهد و هویتی مشخص تر از ملیت وجود ندارد. نشر يك مجله مطابق سلیقه و ذوق خواننده عملا دست کم گرفتن خواننده است.

تلاش - آقای غفاری، بعنوان و برای شروع صحبت بیايم و از مشکلات دانشجوی ایرانی در انگلستان حرف بزنيم.

غفاری - اگر که موضوع محدود به دانشجوی باشد، در مرحله اول اشکالاتی است که جنبه خصوصی تری دارد و بستگی پیدا

صفحه پنجاه ام

می کند به خود دانشجو و هدفی که در اینجا دنبال می کند. برای آینده از دانشجویان که با تحصیلات دانشگاهی به اینجا می آیند مسیر و راه کاملاً مشخص و اشکالات کمتر و محدود به یاد گرفتن زبان می شود. بعقیده من این گروه که با تحصیلات عالیه به اینجا می آیند در حد خود موفق ترند. برای دانشجویانی که با معلومات متوسطه و کمتر از آن به اینجا می آیند، اشکالات بیشتر است برای این گروه گرفتن G.C.E. با حداقل «۳» و نمرات دیگری که بسته به دانشگاه های مختلف فرق می کند حداقل دو تا سه سال وقت می گیرد.

گروه سومی که پایین تر از سطح دیپلم به اینجا می آیند وضع مشکل تری دارند و اشکالات این دسته را نمی شود رده بندی کرد، چرا که کاملاً بستگی به رویه فردی، زمینه تربیت خانوادگی و اجتماعیشان دارد و همچنین بستگی به سن آنها دارد. من خودم به شخصه عده زیادی را می شناسم که در سنين بسیار پایینی به اینجا آمده اند چیزی که بیشتر از هر چیز دیگر روی آنها اثر گذاشته بود، تغییر ناگهانی زندگیشان بود ولی بعد از شش ماه اگر کسی می توانست مقایسه ای کند. می دید که چه تغییراتی در روحیه آنها پدید آمده است و تاچه حد ارزشهای فرهنگی و اجتماعی اینجا روی آنها اثر کرده است و تا چه حد این ارزشها از نظر آنها پذیرفته شده است. خیلی از خانواده ها فکر می کنند که کودک اگر از بدو خودشناسی در جامعه غربی تربیت شود، بهتر است. ولی از نظر من این نه تنها نمی تواند امتیازی باشد، بلکه يك حالت دوگانگی و تردید به کودک می دهد. علی - الخصوص وقتی که درسش را در اینجا تمام کند و بخواهد به ایران برگردد. فضایی که در آن نفس می کشد و زندگی می کند غربی است. کاملاً غربی است ولی خوراك روانی و مغزی او کاملاً ایرانی است و این تضاد و تضادهای بعدی که بیشتر و شدیدتر است رفته رفته روی اعصاب و روان او تاثیر بسیار بدی خواهد گذاشت.

تلاش - شما سه طبقه تعیین کردید، آنها که با تحصیلات دانشگاهی می آیند که

مشکلات کمتری دارند. آنها که با دیپلم می آیند و اشکالات درسی دارند و آنها که در سنين پایینی می آیند و اشکالات تربیتی و روانی برایشان پیش می آید. ولی در مورد مسایل مالی من فکر می کنم همشان یکجور مشکل داشته باشند.

غفاری - نه همشان ولی دو دسته اول و دوم مشکلات مالی می توانند داشته باشند چون طبقه سوم یعنی آنها که در سنين پایینی به اینجا می آیند. اغلب از رفاه مالی برخوردارند. اما برای دسته اول و دوم می دانید! مخارج در اینجا هیچوقت پایین نمی رود. همیشه سیر

صعودی دارد. ولی حد متوسطه هزینه برای يك زندگی کاملاً متوسط دانشجویی قابل تحمل در اینجا کمتر از ۵۰ پوند در ماه نیست. (این مبلغ به پول ایران تقریباً ۹۰۰ تومان می شود). البته عده ای از دانشجویان اشکالات مالی زیادی دارند اگر اهل کتاب و مطالعه و سینما و تئاتر باشند که مخارج طبعاً بالاتر می رود و بعضی ها هم از ایران کمتر از این مبلغ برایشان می رسد. و می دانید! وقتی دانشجوی پول برای مخارج اولیه نداشته باشد. فکر تحصیلش از بین می رود و به خط کار کردن و به اصطلاح پول درآوردن می افتد. بعضی ها هم ضمن تحصیل کار می کنند که البته خیلی مشکل و حتی کشنده است و بهتر این است از نظر من که گفته شود ضمن کار درس هم می خوانند. در این مورد به این دسته از دانشجویان که اغلب استعدادهای شگفتی هم دارند. اگر کمک می شد بسیار خوب بود.

تلاش - يك سؤالی برایم پیش آمد. وقتی يك دانشجو از ایران به اینجا می آید. چه طور برخوردی با فرهنگ اینجا پیدا می کند.

غفاری - برخورد اولیه يك جوان ایرانی با فرهنگ غربی بطور کلی، يك برخورد تصادمی است. نوع و زمان این برخورد بستگی کامل به گذشته افراد پیدا می کند و این که در چه زمینه ای تربیت شده اند ولی این زمینه قبلی فقط مدت تصادم را کم و زیاد می کند. این برخورد در بدو امر بیشتر با مظاهر عینی و معمولی زندگی است. و مقایسه ای که در ابتدا بین زندگی فردی از جامعه خودمان و فردی از اینجا انجام می شود. بعد از مدتی شدت تصادم فروکش می کند و مقداری از ضربه اولیه اش کاسته می شود و جوان ایرانی بالاجبار محیط را قبول می کند و حتی رفته رفته جزئی از محیط می شود. در خط درسش می افتد و اگر در دنیای درسی خود تعادلی برقرار کند. در دنیای خارج از درسش هم تعادل و هماهنگی پیش می آید. تصادم اولیه با يك فرهنگ غربی گاهی ممکن است باعث دگرگونی هایی هم بشود. اختلاف خیلی زیاد است مذهب تمدن و سکس و نوع زندگی و نوع روابط همه اینها ممکن است باعث از میان رفتن تعادل روانی بشود.

تلاش - حتی به این شدت؟!؟

غفاری - بله، حتی به این شدت آنها که به اینجا می آیند تصوراتی که از اینجا دارند اغلب خیلی ایده آلیستی است و در بسیاری از موارد برخورد این ایده آل با واقعیت خیلی شدید است. می دانید یکی از علل از دست دادن روانی برخورد مسائل ذهنی نادرست با واقعیت است. طبعاً آنها که واقع بین ترند مسأله زودتر برایشان حل می شود. زندگی آسان تر می شود. ولی آنها که این واقع بینی را ندارند اگر ایده آل محکم تری هم داشته باشند ما لایحلی

دیرتر با واقعیت مواجه می‌شوند و زندگی در اینجا برایشان بصورت خیلی سختی درخواهد آمد که منجر به بیماری‌های فیزیکی و روانی خواهد شد.

تلاش - در این میان روابط دانشجوها با هم چه تاثیری می‌گذارد و اصولاً روابط دانشجوها را با هم چطور می‌بینید؟

غفاری - می‌توانم بگویم اغلب دانشجوها وقتی به اینجا می‌آیند، در ابتدا تمام کوشششان بر این است که رابطه‌شان را با ایرانی‌ها کم‌تر کنند. می‌دانید! این توصیه‌ای است که هر دانشجویی که چندسالی اینجا درس خوانده است به دانشجویی که تازه وارد شده است، می‌کند این تحذیر بیشتر بخاطر تقویت زبان دانشجویان است. برای اینکه به نظر من اگر دانشجویی در بدو امر زبان را درست یاد نگیرد بعدها برایش خیلی دشوارتر خواهد بود.

بهرحال، ولی این گریز از هم‌زبان‌ها خیلی دشوار است مثلاً در دانشکده من عده‌ای ایرانی هستند که بمحض این که تنها می‌شوند شروع به صحبت کردن به زبان فارسی می‌کنند. این خیلی طبیعی است. منحصر به ایرانی‌ها هم نیست. همه ملیتها اینطور می‌کنند.

ولی اگر رابطه و تماس را بصورت هم‌فکری و مساعدت‌های اجتماعی و فردی نگاه کنیم، مساله فرق می‌کند.

تلاش - یکبار صحبت زبان فارسی شد و من یاد این سؤال افتادم که با اینهمه دوری از ایران، چقدر به آن احساس نزدیکی می‌کنید؟
غفاری - طبعاً خیلی زیاد. احساس نزدیکی‌ای که خود ثمره دوری است. بخصوص در مواقعی که زندگی زیاد بکام نیست. بهر حال زندگی در يك مملکت غریبه خیلی دشوار است. يك برخورد کوچک با مشکلات آدم را یاد وطن می‌اندازد. موضوع دیگر اینکه در يك اجتماع بیگانه هر کس می‌خواهد هویتی بخود بدهد و هویتی مشخص‌تر از ملیت وجود ندارد. آدم همیشه دلیلهایی لازم دارد که خودش را به جایی ببندد بعقیده من این احساس خیلی طبیعی و معتبر است. بدون احساس تعلق به جایی، آدم در جای غریبه گم است.

تلاش - می‌بخشید اگر این سؤال را می‌کنم. آندسته از بچه‌ها که نمی‌خواهند به ایران برگردند و معتقدند که اینجا وضعیتشان بهتر است، بنظر شما چطورند؟ یعنی این که تا چه حد موافقت دارید با آنها..

غفاری - با اینکه زیاد دیده می‌شود که عده‌ای از بچه‌ها اینجا ماندنی می‌شوند و راه و روش زندگی اینها را می‌پسندند یا شرایط مالی‌شان طوری است که امکانات بیشتری در غرب برایشان فراهم است تا در مملکت خودشان، یا مقتضیات و بستگی‌های دیگری دارند ولی مساله تعلق در مورد همین افراد هم واقعیتی

است که رد آن امکان عقلی ندارد، مثل رد يك واقعیت فیزیکی می‌دانید! فرد بطور کلی در هر جایی نماینده جامعه‌ای است که از آن می‌آید و «فردیت» او در زندگی اولیه‌اش قالب گرفته شده است و همیشه با اوست. این فردیت لباس نیست که بتواند عوضش کند.

از بعضی جهات این گروه که می‌روند و بر نمی‌گردند دلایلی دارند که در بدو امر قابل قبول به نظر می‌رسد. زندگی در اینجا برایشان آسان‌تر جلوه می‌کند، چه از نظر مسایل روزمره و چه مسایل عمومی زندگی... در این مورد نمی‌توانم عقیده مشخصی بدهم و بگویم که خوب است یا بد. چون این اظهار نظر باید متکی به دلایلی باشد که آنها دارند. و یا آرمان اجتماعی‌ای که آنها دنبال می‌کنند. ولی از نظر من، هدف‌ها اگر گسترده‌تر باشد، خیلی احمقانه است فکر کردن درباره آسایش‌های فردی و شخصی. این يك جور تن‌پروری است. طبیعی است که در ایران مشکلاتی وجود دارد ولی این مشکلات حل شدنی و درست شدنی است.

تلاش - حال بعد از این مقدمات، چون شما «روزنامه‌نگاری» می‌خوانید، بیایم کمی از مطبوعات حرف بزنیم. تا چه حد با مطبوعات ایرانی تماس دارید؟ رابطه‌تان با آن چطور است؟ و تا چه حد در مسیر اخباری که در مطبوعات ایرانی درج می‌شود هستید؟
غفاری - اوایل رابطه‌هایی بود. دوستان گاهی لطفی می‌کردند و روزنامه‌ها و مجلاتی می‌فرستادند ولی بعد این رابطه رفته رفته کمتر شد. فقط گاه‌بگاهی اخباری می‌رسید وسیله روزنامه‌ها و مجله‌ها... ولی اخباری که خیلی مهم باشد از طریق مطبوعات اینجا هم می‌توان از آنها باخبر شد. ولی در مجموع من فکر می‌کنم اگر کسی بخواهد مرتب در تماس و با خبر باشد، منابع و روزنامه‌هایی می‌تواند اینجا پیدا کند. گرچه اغلب اندکی تازگی‌شان را از دست داده‌اند ولی بهر حال...

تلاش - يك سؤال دیگر من این است که آیا از همین تماس گاه‌بگاه متوجه هیچ گونه تغییری در مطبوعات ایران شده‌اید یا نه؟

غفاری - روزنامه خبری که هیچوقت تغییر خیلی نمی‌کند. بعضی مجله‌های هفتگی را هم دیده‌ام. برای روزنامه‌ها با اخبار فشرده‌ای که دارند، در واقع محکی برای سنجش ارزش نمی‌توان پیدا کرد. همچنین برای مجله‌هایی که شعاع عمل محدودی دارند و برای عده‌ای خاص منتشر می‌شوند، ارزش مطلق نمی‌توان پیدا کرد. ولی در مورد مجله‌های خانوادگی و عمومی‌تر مثل اطلاعات هفتگی، من هیچ گونه تغییری ندیده‌ام. درست همان است که بود. و یا جوانان و... از همانهاست که همه‌جا پیدا می‌شود و ماهیت مشخصی ندارد.

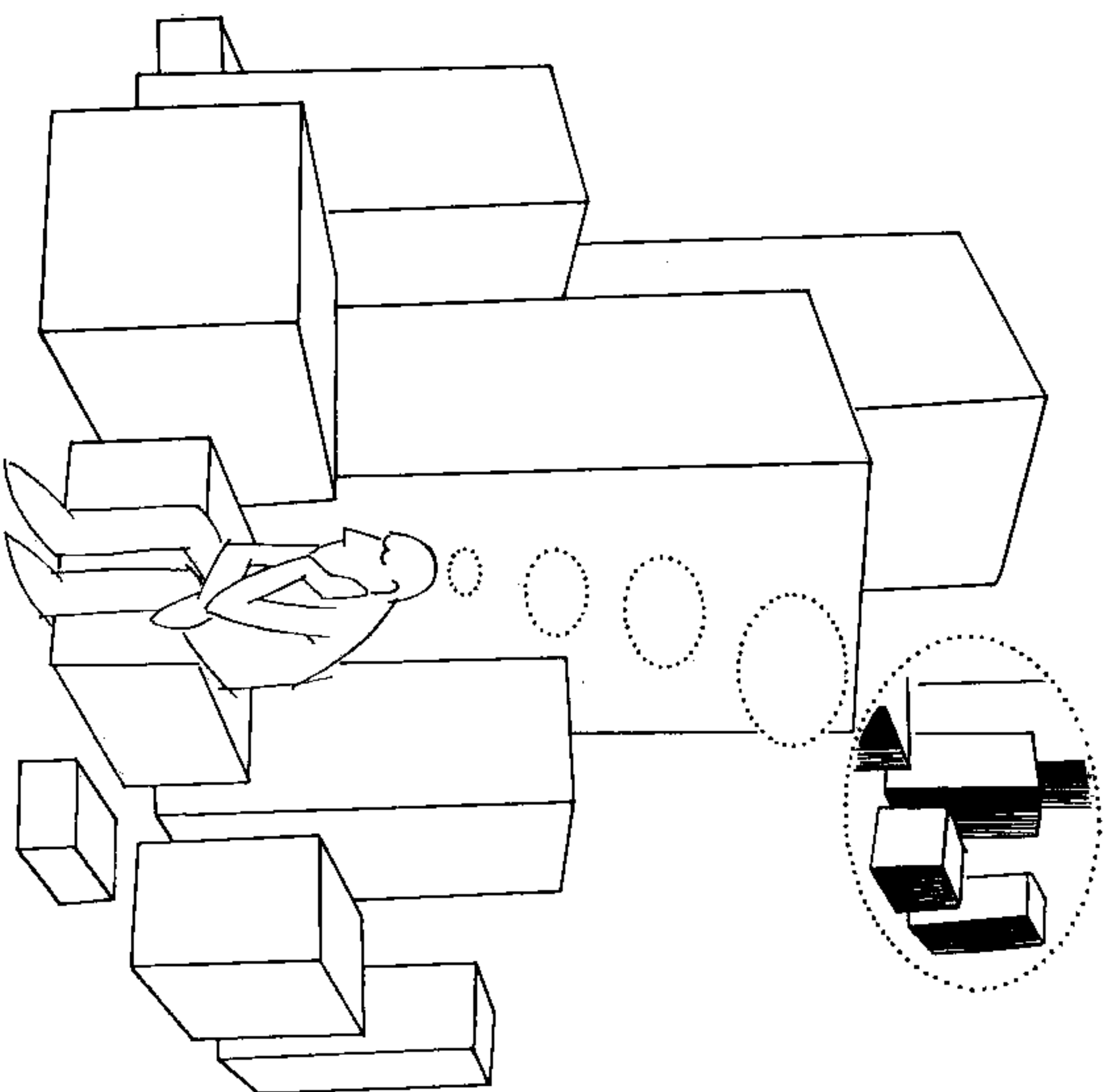
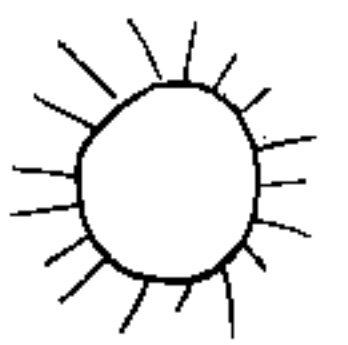
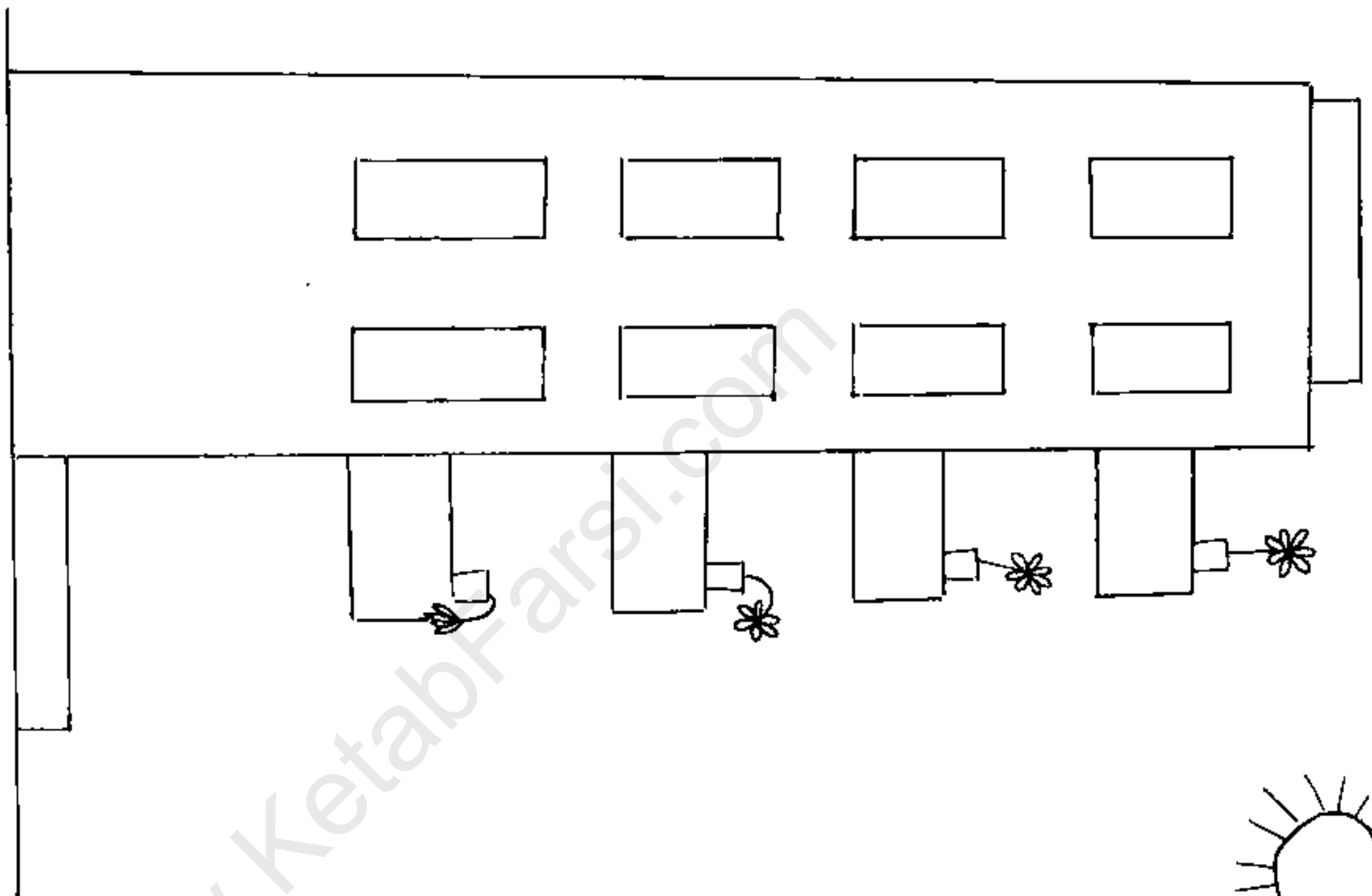
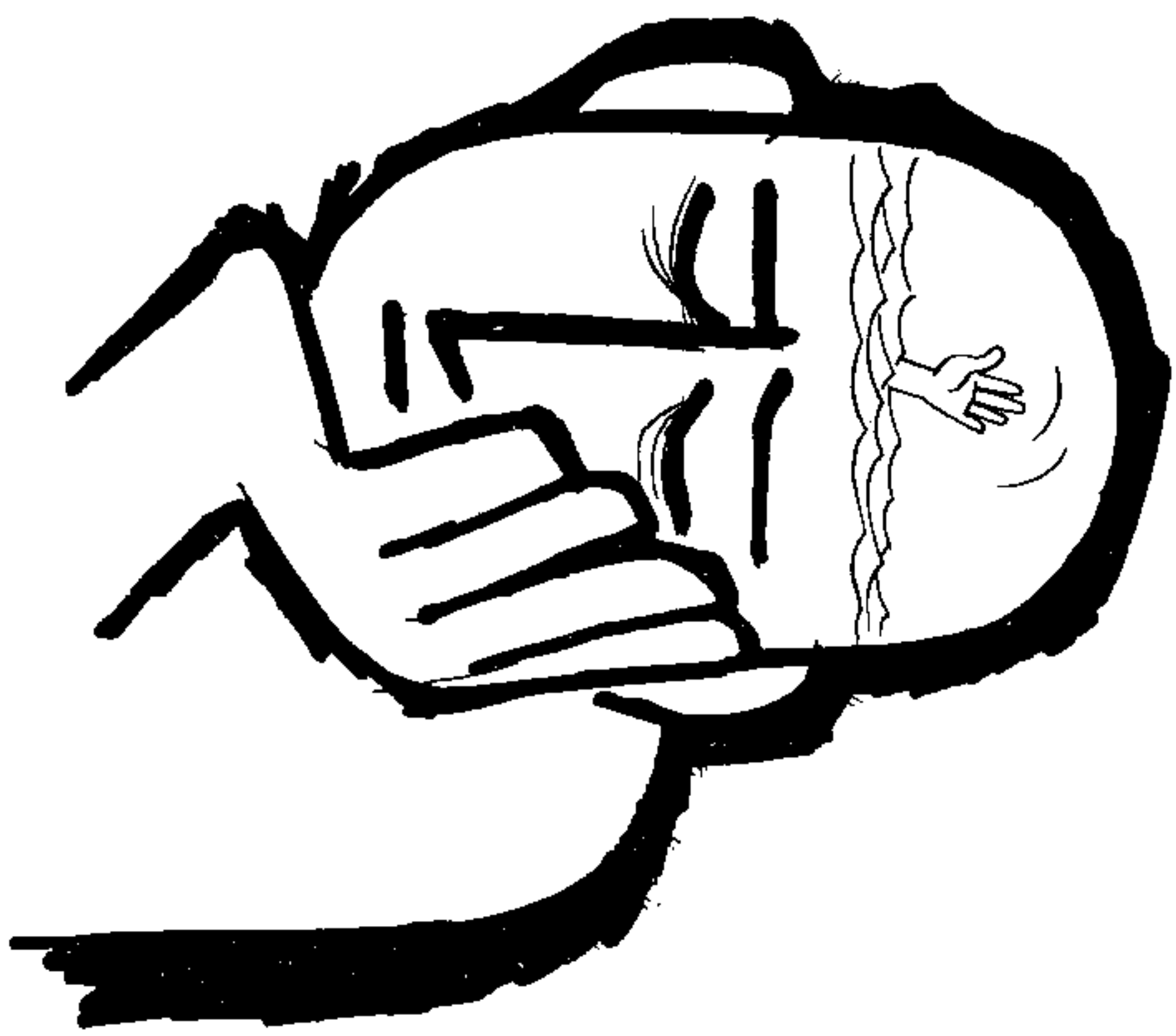
تلاش - چه مقایسه‌ای می‌توانید بین مطبوعات ایران و انگلیس منتشر می‌شود و مطبوعات ایرانی بکنید؟

غفاری - من فکر می‌کنم اینجا هم همه‌جور روزنامه، نشریه و بقول خودتان جورنالی وجود دارد همه‌جور، چه خیلی بالا، چه خیلی پیش پا افتاده. این امر در مورد مطبوعات خصوصیتی است که غیر قابل جلوه‌گیری است. موضوع این است که باید هر دو وجود داشته باشند. جنبه‌های تجارتي هم باید در نظر گرفته شود. ژورنال احتیاج به خریدار دارد. در اینجا و یا هر جای دیگر. این را بهیچ طریق نمی‌شود نفی کرد. ولی برای مقایسه باید دید که آیا در همین حد دستگاهی وجود دارد که با این سیستم برابری کند؟ یعنی اینکه خواسته‌های همه طبقات در میان مطبوعات ایرانی پیدا می‌شود.

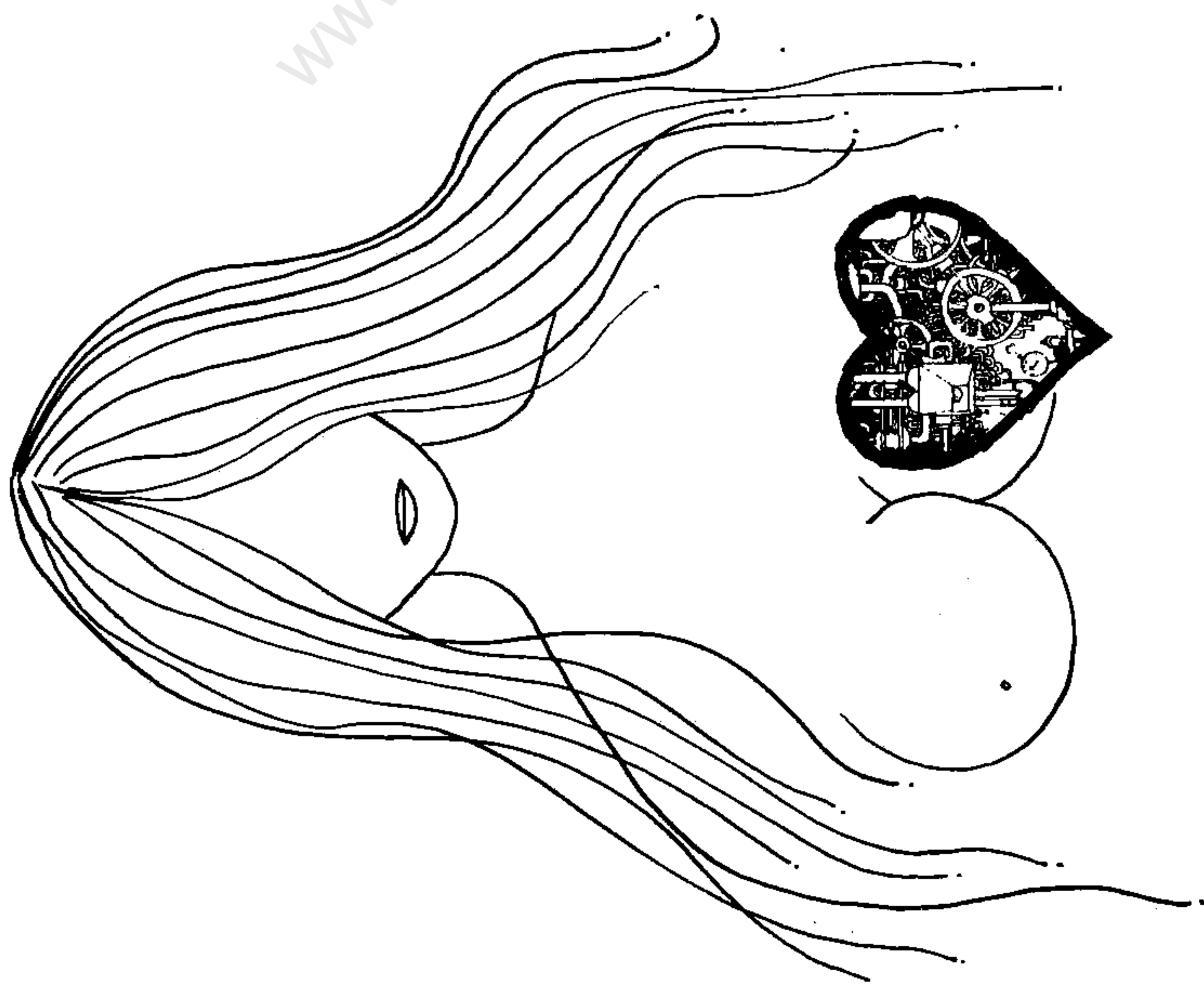
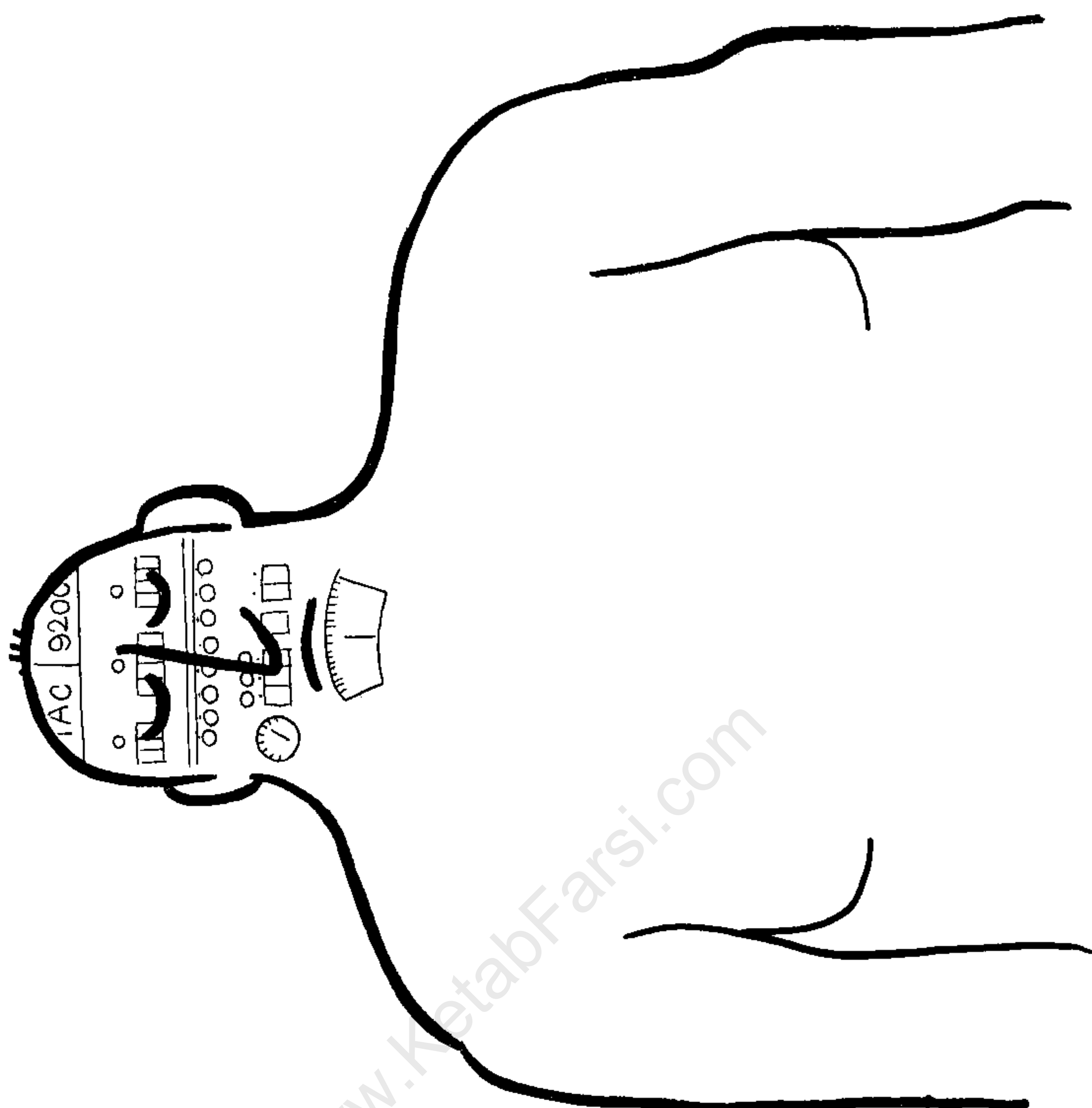
مطبوعات سینمایی، خبری، ادبی، علمی، نقد و غیره... در ایران مقداری از این مطبوعات وجود دارد که در حد خودش خیلی خوب است. مجله‌ای که من بیشتر از همه می‌پسندم نگین است که فوق‌العاده جالب است و تلاش که گاه‌بگاه بدستم می‌رسد و من مصاحبه‌هایش را خیلی دوست دارم.

يك مساله دیگر در مورد مطبوعات این است که تا چه حد مطبوعات باید خواننده را تعقیب کنند و به دنبال آنها بروند، و دیگر این که امکان این نیست که برای هر طبقه و دسته مشخصی ژورنال مشخصی ایجاد کرد و تازه این ژورنال همان چیزی باشد که آنها می‌خواهند. می‌بینم که ژورنالی که عملاً با تمام خواسته‌های خوانندگان تطبیق کند وجود ندارد. از طرفی اگر ژورنال این خصوصیت را داشته باشد. عملاً خواننده را دست کم گرفته است. یعنی مطابق سلیقه و ذوق خواننده ژورنال درست کردن دست کم گرفتن خواننده است و صحنه گذاشتن بر رکود فکری و پایین بودن سطح فکر اوست. این را باید در نظر گرفت که «مطبوعات» نیرویی است که نه تنها باید برای خواننده‌هایش خوراک فکری بوجود بیاورد. بلکه باید برای خودش خواننده خلق کند. مطبوعات همه عواملی‌اند که نزدیکترین رابطه را با افراد دارند. این رابطه در ایران خیلی ضعیف است. يك چیز واضح است که هر کسی که بتواند بخواند می‌خواند منتها باید کاری کرد که آنچه می‌خواهد بخواند بالاتر رود. این يك دورنمای خیلی منطقی است.

تلاش - آقای غفاری گرچه حرف برای زدن زیاد است و فرصت شما کم. مع الوصف خیلی متشکرم از این که وقتتان را در اختیار من گذاشتید و امیدوارم موفق و منصور باشید و روزی که به ایران برمی‌گردید، بتوانید مشرثمات زیادی واقع شوید.
غفاری - متشکرم.



قلم درمپض مسائل و مشکلات بشر امروز را از ماشین و کمپیوترهای الکترونیک که یکی در دل زن و دیگری در من مرد رخته کرده و از این همه بناها و ساختمانها که نه فقط زمین ها را فرا گرفته و به آسمان سرکشیده و درفضا معلق گشته بلکه افکار انسانها را هم بطوری تسخیر کرده که چنانی دیگر برای تصور و اندیشه های دیگر باقی نگذاشته و نیز از خورشید که هر گلدانی را در هر طبقه جوری تحت تاثیر قرار میدهد و از اندیشه های امروز ما که گاه گیرگاهی برای آن نیست سخن می گوید .



در باره هنر باله...

باله در ایران شباهت بعمارتی دارد
که بدون پی ریزی ساختمان
آن شروع شده باشد.

در قرن هفدهم رقص بصورت حرفه‌ای
شکل گرفت.

باله کلاسیک و مدرن امروز دو عضو جدا از
یکدیگر نیستند.

امروز ما نیازمند بافرادی هستیم که با موسیقی
ایرانی کاملاً آشنا و دارای قدرت و
حوصله پژوهش‌گری باشند.

گفتگوئی با ژاله صبا

گفتگوئی داشتیم با ژاله صبا درباره باله،
کسی که با باله در این سرزمین آشناست و
با آن سر و کار دارد و تحقیقاتش هم در
این زمینه بوده است. ژاله صبا برای
شناسائی بیشتر باله یک سلسله برنامه تلویزیونی
بنام شناسائی باله ترتیب داده است درباره این
برنامه و هدف آن می‌گویید:

«تاریخ نویسان نوشته‌اند رقص یکی از
وسایلی بود که انسان از دوران اولیه بحکم
ان احساسات و خواسته‌های درونی خود را



براز میداشت و امروز نمونه هایی از رقص های اولیه را می توان در میان قبایلی که زندگی اولیه دارند یافت. آنچه امروز بنام رقص می بینیم پس از طی قرون و اعصار و تغییرات و تبدیلاتی، بوسیله هنرمندان با رزشی که عمرو هستی خود را بر سر این هنر نهاده اند بصورت کنونی یعنی هنر خالص در آمده است. من فکر کردم برای آشنا کردن مردم ما با هنر باله واقعی بهترین وسیله تلویزیون است زیرا پیشندان آن بطور قطع از افرادی که در یک تالار می توان کرد آورد بیشتر خواهد بود و در حقیقت وسیله بی عام است. بدنبال مطالعاتی که انجام شد برنامه تلویزیونی شناسائی هنر باله را پی ریزی نمودم. آنچه در این سلسله برنامه خواهد آمد سیر تکامل رقص در دنیا و در سرزمین ماست.

تلاش - خانم صبا رقص نا امروز چه سیر تکاملی داشته و این سیر تکامل در کشور ما بچه صورت انجام گرفته است ؟

صبا - رقص مدون از قرن شانزده در ایتالیا آغاز می شود. «دومینکو دافرازا» اولین کسی است که حرکات رقص را روی موسیقی تنظیم کرد و ۱۲ حرکت اولیه رقص را تدوین نمود. تا زمان وی رقصها بذرقصهای مردم و درباری تقسیم می شد که هیچکدام از روی اصول و قواعد تدوین یافته ای نبود و در آن روزگار میدان ها مرکز رقص اروپا بسمار می رفت.

«نگری» که خود طراح رقص بود و هم رقص و استادی، شادردانی تربیت کرد که بعدا در سراسر اروپا پخش شدند و رقص را براساس اروپا بردند. بعد از جنگ ایتالیا و فرانسه و شکست ایتالیا، «فرانسوای» اول

پادشاه فرانسه تمام هنرمندان ایتالیایی را پیاریس فرا خواند. به این ترتیب رقص بصورت تدوین یافته بدربار فرانسه راه یافت و چون در فرانسه از این رقصندگان تشویق بسیار بعمل آمد در نتیجه فرانسه مرکز رقص اروپا شد.

در قرن هفدهم رقص بصورت حرفه ای شکل گرفت و اولین ادا می رقص در اواخر قرن در دوران لوئی چهاردهم در فرانسه تاسیس شد. توجه لوئی چهاردهم بر رقص بسیار بود و حتی شخصی بنام بوشان بروی موسیقی لوئی رقصهایی برای لوئی چهاردهم طراحی می کرد. تا امروز در رقصها نقش زنان را مردان اجرا می کردند و مادموزال «دوللا فونتین» اولین رقصنده بی است که بروی صحنه آمد. اولین کتاب رقص برای حرکات بوسیله شخصی بنام «رائول فویه» در قرن هجدهم در فرانسه نوشته شد و انتشار یافت. در همین قرن «نوور» فرانسوی انقلابی در هنر باله بوجود آورد که هنر باله مدرن مدیون نوع اوست. پایای پیشرفت رقص در فرانسه در سن پترزبورگ نیز با اهمیت رقص توجه وافی شد بطوری که آن شهر نیز مرکز دیگری برای رقص بشمار می رفت و طراحان رقص از سرزمین های دیگر رویا بین شهر می آوردند. بخصوص که روسیه در آن روزگار هم مانند امروز استعداد زیادی برای رقص از خود نشان می داد. «دیاگلیف» در ابتدای قرن بیستم با تشکیل یک گروه باله، باله روس را به لندن و استکهلم و نیویورک برد که کار وی سرآغازی بود برای هنر باله امروز.

باله در قرن بیستم همانند موسیقی و نقاشی در کنار تمدن و تکنولوژی شکل تازه ای بخود گرفت. باله «نئو کلاسیک» با «فوکیف» در روسیه شروع گردید و با «پروژلیشار» و افرادی دیگر در همان سرزمین و «مارتا گراهام» در آمریکا و «موریس ژار» در اروپا بصورت امروزی درآمد. امروز در

نیویورک باله بدست افرادی چون «مرس لینکام» و «الوین نیگلانی» شکل دیگری بخود گرفته است.

تلاش - با آشنائی که به هنر رقص در کشور ما دارید لطفا بفرمایید نظرتان راجع به باله امروز ایران چیست ؟

صبا - بنظر من باله در ایران شباهت به عمارتی دارد که بدون پی ریزی ساختمان آن شروع شده باشد و پس از آن که طبقات اولیه آن بنا گردید نقشه های مختلفی روی آن کشیده شود بدیهی است که هر قدر این نقشه ها دقیق باشد این عمارت نمی تواند از یک ارتفاع محدود تجاوز کند.

تلاش - آنچه تا امروز در تنها تالار نمایش باله و اپرای ایران یعنی تالار رودکی دیدیم باله های کلاسیک بود. بنظر شما این صحیح است که ما تمام کوشش خود را متوجه باله کلاسیک بکنیم و نامی از باله امروز در میان نباشد، در حالیکه ما در این مورد صاحب سبب هم نیستیم ؟

صبا - بنظر من باله کلاسیک و مدرن امروز دو عضو خدایه از یکدیگر نیستند زیرا باله مدرن برپایه باله کلاسیک بنا شده و برای این که بتوان باله مدرن را، بطوریکه متعجبان دریافت می کنند، درک کرد باید در ابتدا اصول و چهار چوب باله کلاسیک وارد بود.

من معتقدم اگر روزی بتوان طرحهایی همپایه باله مدرن اروپا و آمریکا در اینجا هم ریخت، مسلما باید آثار مدرن بروی صحنه بیاید ولی نه در تالار رودکی که اجرای چنین طرحهایی در روال کارش نیست بلکه در مدانی چون جشن هنر شیراز.

تلاش - نظر شما راجع با آنچه که بنام رقصهای «فولکلوری» در سرزمین ما بروی صحنه می آید چیست ؟

صبا - دوسالی پیش نیست که ما به رقص های فولکلوری خود بطور جدی پرداخته ایم. سه سال قبل «دووارن» از کمپانی باله سلطنتی انگلیس با ایران آمد و توانست قدم های مثبتی در مورد رقصهای فولکلوری ما بردارد. فولکلور در همه جای دنیا بیان کننده روح و احساسات مردم عامه سرزمین هاست.



و نوابی که توانسته‌اند در مورد رقصهای فولکلوری دست به کارهای اعجاب انگیزی بزنند همگی از مردم خود آن سرزمین‌ها بوده‌اند، در اینجا نیز اینکار باید بوسیله یک ایرانی انجام گیرد. و این کاریست که پدرم ابوالحسن صبا در مورد موسیقی محلی ما انجام داد. امروز ما نیازمند بافرادی هستیم که با موسیقی ایرانی کاملاً آشنا و دارای قدرت و حوصله پژوهش گری باشند تا با کوشش خود بتوانند از این منبع عظیم استفاده کنند. متأسفانه باید بگویم تا چنین فردی نداشته باشیم این منبع کماکان بدون استفاده باقی خواهند ماند.

تلاش - فکر نمی‌کنید در صورت حفظ وثیت نکردن این رقصها، باتوسعه روز افرون شهر نشینی و رسوخ ماشین به دهات و میان عشایر، این رقصها در خطر نابودی باشند؟

صبا - یک گروه رقص از تربت جام که برای اجرای برنامه هائی بتهران آمده بودند کارشان نشان داد که رقصها و آوازهای تربت جام را بدون کوچکترین تغییری بصورت اصل خود حفظ کرده‌اند. شنیده‌ام که یک گروه حرفه‌ای هم در مورد رقصهای تربت جامی مشغول فعالیت است و این رقصها را در شهرها اجرا کرده‌اند و حتی این گروه بخارج از کشور نیز فرستاده شده‌است. مسلماً بردن آنها به شهرها و بخصوص به خارج از کشور بمقدار زیاد باصالت کارشان لطمه وارد می‌کند. در این مورد امروز فقط می‌توان از حرفه‌بی شدنشان جلوگیری بعمل آورد بدین ترتیب که سعی کنیم خود آنها باین مساله پی ببرند و نگذارند که اصالت کارشان از بین برود. متأسفانه باید بگویم که با ورود رادیو و تلویزیون به روستاها و پخش انواع موسیقی، حفظ «فرهنگ مردم» بصورت گذشته امکان ناپذیر است. بشدت موسیقی فولکلوری و سنتی ما تهدید می‌شود. ولی آنچه مایه امیدواری است تصمیم آگاهانه تلویزیون ملی است که می‌کوشد تا حد امکان از پخش موسیقی مبتذل از تلویزیون جلوگیری کند. در این راه تا تعطیل برنامه های پر بیننده‌یی که مبتذل شناخته شده بود پیش رفته است. امروز مرکزی برای ضبط موسیقی اصیل و هنرهای وابسته بان در تلویزیون تشکیل گردیده و در حال حاضر به حفظ و نگهداری موسیقی سنتی ما که متأسفانه رو بنابودی است پرداخته است.

اما در مورد رقص باید گفت چون ما امروز طراح و رقص واقعی برای اجرای رقصهای فولکلوری خود نداریم، باید بوسیله ضبط این رقصها روی فیلم (بوسیله گروه‌های وارد) رقصهای فولکلور انرا حفظ کنیم تا در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

تلاش - نظر شما در مورد آنچه که به

عنوان رقصهای ملی ارائه می‌شود چیست؟
صبا - در مورد آنچه که بعنوان رقص های ملی عرضه می‌شود بطور خلاصه می‌توان گفت این رقصها نه اصالتی دارند نه موسیقی آنها سنتی و اصولی است نه حرکاتشان. **تلاش -** هنرمندانی تا امروز بایران آمده‌اند و برنامه هائی هم اجرا کرده‌اند. نظر شما در مورد این گروه‌ها چیست آیا بنظر شما کار این گروهها در باله امروز ایران موثر نبوده است؟

صبا - یکی از عواملی که باله را در ایران بطور کلی محدود میکند نبودن محیط مناسب و دور بودن از جریانات بین‌المللی رقص است. مسلماً نمایش گروههای متعدد و برپا کردن فستیوالهای هنری نقش موثری در بالابرد سطح باله در ایران دارد و ما امیدواریم که انجمن «فیلارمونیک» همانقدر که به موسیقی کلاسیک توجه می‌کند به باله امروز هم توجه داشته باشد.

تلاش - بنظر شما برای بالا بردن سطح باله در ایران که بتوان انرا در مقامی قابل عرضه در فستیوالهای بین‌المللی قرار داد، چه باید کرد؟

صبا - بنظر من تنها راهی که می‌تواند باله ایران را در حد باله بین‌المللی قرار دهد تاسیس مدرسه اساس باله می‌باشد که فاقد آن هستیم. در چنین مدرسه‌یی هنرجویان خرد سالی که از نظر هوش موسیقی و باله کاملاً مناسب باشند انتخاب و تحت یک برنامه بسیار دقیق تربیت می‌شوند. چنین مدرسه‌یی باید مطابق مدارس درجه یک دنیا باشد. باید عواملی را که در پیشرفت این هنر در غرب اهمیت داشته‌اند در آن ایجاد نمود که هنرجو علاوه بر بدست آوردن معلومات عمومی و آشنائی با هنرهای نمایشی، باله را (مخصوصاً باله کلاسیک را) کاملاً درک نماید تا موجودی کلیشهای برای اجرای برنامه‌ها نباشد.

تلاش - بنظر شما اقامت دائمی هنرمندان ایرانی که مقیم خارج بودند و بایران آمدند و ما شاهد اجرای برنامه‌هاشان بودیم می‌تواند روزنه امیدی برای آینده باشد؟

صبا - چون من برنامه ایرانیان مقیم خارج را که برای اجرای برنامه‌های در تالار رودکی بایران آمدند برای تلویزیون ملی ضبط کردم توانستم آشنائی بیشتری با آنها پیدا نمایم و طی تبادل نظرها و گفتگوها به این نتیجه رسیدم که برای این که هنرمندان بتوانند اهمیت خود را در حرفه رقص حفظ نمایند از محیط هنری خود نباید دور شوند. متأسفانه در اوضاع فعلی اگر این هنرمندان بخواهند بایران مراجعت نمایند باید از حرفه خود چشم ببوشند و ابتدا باید کوشش کنند که محیط مناسبی بوجود بیاورند تا بتوانند شروع به فعالیت نمایند.

تلاش - چه کسانی را فکر می‌کنید در این زمینه می‌توانند موثر باشند؟
صبا - بیژن کلاتتری با گرد آوری و سرپرستی گروه خود نشان داد که در درجه اول یک مدیر برنامه خوبی است و رقص را بسیار خوب می‌شناسد و انرا درک می‌کند و با فکر و اندیشه خود بروی صحنه می‌آورد و نیز از تکنیک ذهنی بهره کافی دارد. او می‌تواند با این خصوصیات یک معلم و رهبر خوب باشد.

پورفرخ دارای تکنیک فوق‌العاده و با اراده است. بخصوص با تنظیمی که بروی رقصها کرده نشان داد که می‌تواند طراح خیلی خوبی باشد.

هایده چنگیزیان در حال حاضر جوان است و این امید را می‌توان در مورد او داشت که در آینده بالترین خیلی خوبی بشود. **تلاش -** متشکرم.





درباره ایران و ایرانیان

جوانان ایران از دروغ و ناسپاسی و فریب سخت می‌پرهیزند. زنهار خواری و کافر نعمتی هیچگاه از آنان دیده نشده است و ازینروست که ایرانیان با دیده حیرت و حرمت در آنان می‌بینند. گزنفون.

در ایران برای ناسپاسان و زنهار خواران کیفرهای سخت معین است. آمیان.

زرتشت پیروان خود را از تقلید و متابعت کورکورانه باز میدارد و تعلیم می‌دهد که آنچه را میشوند با عقل سلیم و منش پاک و روشن بسنجند آنگاه بپذیرند. یسنا. ۲. قطعه ۲.

راه در جهان یکی است و آن راه راستی است. اوستا.

ای زرتشت سپیتمان پاکی و راستی از آغاز آفرینش نیکوترین چیز هاست آئین مزدا آئین راستی است هر کس می‌تواند با اندیشه و گفتار و کردار نیک فروغمند گردد و نندیداد. فرگرده. ۱۰ فقره ۱۸ نقل از کتاب اخلاق ایرانیان.

برطبق تعلیمات زرتشت خداوند با راستی یکسانست. فیثاغورس.

دروغ باید تباه گردد دروغ باید سرنگون گردد دروغ باید نابود گردد در جهان مادی باید راستی بر دروغ چیره شود. اردی بهشت یشت.

این مملکت گرفتار لشکر دشمن و قحط و دروغ مباد. از کتیبه داریوش.

چون کورش به لیدی تسلط یافت یونانیان بدو پیغام فرستادند که به تسخیر یونان نپردازد و گرنه آنان جنگ را آماده خواهند شد. کورش جواب گفت: «اگر وقتی عازم تسخیر یونان شوم هرگز از ملتی که روزها در بازار هزاران دروغ می‌گویند هراسی نخواهم داشت.» از کتاب اخلاق ایرانیان دینشاه.

هر کس می‌خواهد بنای استقلال مملکت و سعادت ملت خود را بر بنیان محکمی نهاده باید دروغ را از آن مرز و بوم رانده و راستی را استوار کند. از کتیبه داریوش.

تعلیم و تربیت مطابق فلسفه مغان بود و او در آن رشته تجربیات خوبی داشت.

کورش در دامان راستی و درستی پرورش یافته بود و از آن رسوم و وظایف که برای اشخاص مهم و بزرگ مملکت لازم است بخوبی آگاهی داشت. نیکلای دمشقی.

محملمین علم زراعت و چوپانی نیز می‌آموختند و پس از کارهای روزانه بغرس اشجار و گل کاری و تهیه دامهای شکاری می‌پرداختند. استرابون.

ایرانیان با کمال دقت و احتیاط از سخنان بیهوده و هرزه حذر کنند و هیچگاه از کردارهای ناستوده سخن بر زبان نرانند. هردوت.

ایرانیان بر نفس خویش تسلطی سخت دارند و همیشه می‌کوشند تا هر گونه بدی و زشتی را از خویش دور سازند. آمین.

پایداری در دوستی و وفا از صفات لازمه ایرانیان است داریوش کبیر همواره باین فضیلت افتخار می‌کرد چنانکه بردخمه‌اش نیز منقور است. هردوت.

ایرانیان دروغ را زشت‌ترین چیزها شمارند و بعد از دروغ قرض را سخت بد دارند و گویند قرض‌دار گذشته از کناه قرض، بسا باشد که در مقابل وام‌خواه مرتکب دروغ نیز شود. هردوت.

جوانان ایران در سایه حسن تربیت از هر گونه نقیصه‌های اخلاقی بری باشند. سیرویدی.

اشکانیان گاه بستن پیمان دست بکدیگر گیرند و سخت بنگاهدشت پیمان کوشند. فلاویوس.

ایرانیان در معاشرت و در پیش چشم مردم هیچ نخورند و ننوشند و گاه عبور از کوی و برزن پیرامون خویش بی حاجتی ننگرند. گزنفون.

ایرانیان گاه خوردن سخن نکنند و دست بخورد یکدیگر نبرند و باطراف ننگرند. آمین.

کورش هر احترامی که در خور مادری بود با استیاض رواداشت و هنگام مرگ فرزندان وصیت کرد در هر کار فرمانبردار مادر باشند. کتزیاس.

فرزندان در حضور مادر بی اجازه او نمی‌نشستند. کورتیوس.

ایرانیان در هر کار مقتصد و میاندرو هستند. استرابون.

میاندروی و درستی ایرانیان که اغلب بیگانگانرا بخود متوجه ساخته بیشتر اثر محیط و اعتدال طبیعی ایران و نیز بواسطه دقت و سعی آنان بپاکیزگی و پارسائی است. گزنفون.

گفت و شنود با همندس کامران دنیا

هفتاد و هفتاد چیز...

هماری برای دیگران باوجود آمده است.

آدم غالباً در هنگام کار به آن چه اعتقاد دارد عمل می کند و اگر او را این کار

با دیگر نمی توانیم در مورد يك یا دو مباحثات فکر کنیم.

آرشیست باید در چه مقیاسی فکر کند و مسؤولیت او در چه حدودی است؟

آرشیست باید همه کاره باشد.

با خیلی سر بخر دوره آمده، خواهی رسید.

تو دورۀ طلایی و اگر جهان در تقاضای این دورۀ طلایی باشد، تو

دنیا نیستی. در کارهای منتهای این عالم که جزو زندگی روزمره نیست،

است. اینها را مردم با استعداد و آگاهی و خرد می بینند و می دانند.

است. با هم می آیند و می دانند که دیگران و خود من بزرگواریم، با

یک سبک انسان، اگر بخواهیم به این دورۀ طلایی مردم را

مورد قبول واقع شود، باید به کارهای منتهای این عالم که جزو

زندگی روزمره نیست، بپردازیم. کارهای منتهای این عالم که جزو

و می دانند که مردم بزرگوار و با خرد و آگاهی، با هم می آیند و

در این دورۀ طلایی، اگر بخواهیم به این دورۀ طلایی مردم را

مورد قبول واقع شود، باید به کارهای منتهای این عالم که جزو

خودش را در بست نفروشد. فکر هم نکنید من وضع زندگی کاملاً مرفهی دارم که از قبول کارهای بد خود داری می‌کنم. اصلاً مرفه بودن اندازه معلوم و مشخصی ندارد، مرفه بودن بستگی به میزان جاه طلبی و بلند پروازی‌های شخصی دارد. و بنابراین هر کس تنها خودش با توجه به وسعت آمال و آرزوهایش می‌تواند بگوید مرفه هست یا نه. من خود را مرفه نمی‌دانم اما فکر می‌کنم در اجتماع کنونی یک آرشیست که در کار خود قابلیت و مهارت و صداقت دارد و از یک هوش و استعداد طبیعی هم برخوردار است، اگر بخواهد کار کند، و نمی‌ماند و گرسنگی نمی‌کشد بنابر این مجبور نیست برای تامین زندگی خودش را بفروشد و یا وسیله دست صاحبکار بشود. تلاش - اصلاً نقش صاحبکار را چه گونه می‌بینید و فکر می‌کنید چطور می‌شود با صاحبکار یک رابطه سالم و صحیح برقرار کرد؟

دیبا - این دیگر جنبه «سیاسی معماری» است. فکر می‌کنم خواست صاحبکار نقش مهمی در فرم دادن به یک اثر معماری دارد. اگر همیشه تنها خواستهای آرشیست مطرح باشد بعید نیست معماری تازگی و هیجان خود را از دست بدهد، اما وقتی ایده و نظر صاحبکار هم مطرح شود، که همیشه برای معمار عامل تازه‌ای می‌باشد، می‌تواند فرم فکری آرشیست را در یک جهت دیگر تغییر دهد. به همین دلیل یک آرشیست خلاق آمادگی دارد از همه نیروها و اندیشه‌های «بیرونی» در کار خود استفاده می‌کند و مایه‌های تازه بگیرد، تماس با صاحبکار لازم است. زیرا اگر یک آرشیست متد بخصوصی داشته باشد و حاضر نباشد از راهی که انتخاب کرده کمی پایش را بیرون بگذارد، دنیاها تازه را نخواهد دید و پس از چندی در کارهایش یکنواختی تولید خواهد شد. روی این اصل خیلی وقتها اتفاق می‌افتد که خواست صاحبکار باعث می‌شود آرشیست تحقیقاتی در قسمت‌های دیگری به عمل آورد و بدینوسیله افقهای تازه‌ای در مقابله گشوده شود و متدها و راه حل‌های تازه‌یی کشف کند. البته در بعضی موارد هم صاحبکار ممکن است آنقدر اختلاف سطح فکری با آرشیست داشته باشد که بهیچوجه نتوان یک رابطه خوب و منطقی بین آنها برقرار کرد. در این گونه موارد، آرشیست می‌تواند یا همکاری خود را قطع کند و یا اینکه با چشم دیگری به پروژه نگاه کند و آنرا فقط برای دریافت حق الزحمه‌یی اجرا کند و اسمش را هم روی آن نگذارد.

تلاش - خود شما هرگز اینکار را کرده‌اید، یعنی تا به حال شده کاری را فقط با توجه به منافع مالی آن انجام داده باشید؟

دیبا - باز هم باید در این مورد توجه بیشتری داشت. مثلاً در بعضی موارد در مراحل آخر یک پروژه به این مشکل برخورد می‌شود، یعنی از اول کار خوب شروع می‌شود و جلو می‌رود و به این ترتیب خود بخود آرشیست یکمقدار به اسارت صاحبکار در می‌آید زیرا مقداری کار انجام داده و پول هم گرفته و ناچار متعهد شده و به اصطلاح غلتیده است، در آخر کار حس می‌کند تا اندازه‌ای اعتقادات خود را زیر پا گذاشته و چنان عمل کرده که صاحبکار می‌خواسته است. پس در بعضی موارد این نوع «خود فروشی» پله پله انجام می‌گیرد. ممکن است در ابتدا جنبه مقاومت و جنگ و ستیز با صاحبکار وجود داشته باشد وقتی در آن امید برد برای آرشیست پیدا بشود کار را شروع می‌کند و تقلا می‌کند و ادامه پیدا می‌کند ولی ناگاه در عمل متوجه می‌گردد که باشکست روبرو شده است، شکست در اعمال نظرهای و اعتقادات خود.

در معماری اشل کوچک، یعنی معماری که در سطح شهر نیست، من فکر می‌کنم اصلاً تسلیم شدن به نظرات خصوصی صاحبکار مطرح نباشد. اما در معماری بزرگ امروزی، چون نیروهایمان محدود است امکان بسیار دارد، اشتباهات بزرگ غیر قابل جبرانی در سطح شهر سازی بکنیم. فکر می‌کنم در اینجا است که وجدان اجتماعی آرشیست باید وارد عمل شود زیرا «خود فروشی» دیگر خیانت به اصول حرفه است در چنین موقعی اگر آرشیست بخواهد به اعتقادات خود پشت کند دیگر غیر قابل تحمل نیست.

تلاش - نظر تان درباره کمیسیون که مرکب از نماینده وزارت فرهنگ و هنر، شهرداری تهران، وزارت آبادانی و مسکن و دانشگاه تهران، جهت بررسی اوضاع معماری تهران شروع به کار کرده است چیست؟

دیبا - من اصولاً با این کمیسیون آشنایی ندارم ولی فکر می‌کنم «طرح جامع تهران» که به هر حال به شخص سازنده تحمیل می‌شود تا اندازه‌ای در شکل دادن به شهر و تسلسل کالبدی شهر تهران نقش موثری داشته باشد.

تلاش - آیا اصولاً فکری کنید تهران شهر بی‌قواره‌یی است و اگر آری دلایل آنرا بگویید؟

دیبا - بله. اینرا که همه قبول دارند و دلیلش هم خودرو بودن آن است. اتفاقاً ده سال پیش من در گزارشی خاطر نشان کردم، حیف است در نیمه دوم قرن بیستم شاهد یک رشد کاملاً بی‌قواره و حساب نشده در تهران باشیم، در صورتیکه دارای همه خصوصیات و عوامل فکری مدرن و امروزی هستیم و می‌توانیم با برنامه ریزی صحیح

محیط بهتری برای زندگی اهالی شهر تهران به وجود آوریم، چون در آن زمان هدف برنامه شهر سازی وجود نداشت و آزادی ساختمانی بدون کنترل هم موجود بود این آزادی خیلی زیاد باعث یک در هم آمیختگی آشفته در معماری تهران شد و تمام این بی‌قوارگی کنونی از همین بی‌برنامه بودن و بی‌هدف بودن توسعه شهر به وجود آمده است.

تلاش - آیا فکر نمی‌کنید سروسامان دادن به این ناهم‌آهنگی و به وجود آوردن یک شکل کاملاً منطقی متضمن خرابی زیادی باشد. و آیا این خرابی از نظر «اقتصاد شهری» قابل گذشت و جبران است؟

دیبا - نه، من فکر نمی‌کنم به این خرابی احتیاجی باشد. باید به محله‌های نوساز توجه بشود. چون در حال حاضر قسمت بسیار کوچکی از تهران ساخته شده است و در بیست و پنج سال آینده، که تخمین زده شده تهران دارای ۷ تا ۱۱ میلیون جمعیت خواهد شد، محله‌های نوساز بسیاری پدید خواهد آمد که باید به آنها توجه بشود و در این مدت مسلمانیکمقدار از این خرابی‌ها بصورت بسیار منطقی خود به خود اصلاح خواهد شد. در حال حاضر مثلاً در یک وسعت دو هزار متری یک خانه یک طبقه ساخته شده است، این خانه باید خراب و به جای آن آپارتمان ساخته شود. این خراب و آباد شدن بنا به صرفه اقتصادی به عمل خواهد آمد و در این موقع است که ما باید آگاهانه بی‌قوارگی‌ها را از بین ببریم. روی این اصل نباید زیاد به تهران کنونی فکر کرد و فقط در محدوده تهران کنونی باید کوشید که تجدید ساختمان منطبق با قوانین و اصول جدیدی باشد که ما بتوانیم در آن به نظم و یکپارچگی بیشتری برسیم. به هر حال عمر یک ساختمان عادی بیشتر از چند دهه نیست و پس از چندی خود به خود خراب خواهد شد و باید به فکر ساختمان تازه‌یی متناسب با شرایط جدید در جای آن بود. من فکر می‌کنم طرح جامع تهران با یکدستگاه مدیریت مهمترین عاملی است که می‌تواند در این مورد «اعمال نظر» کند. در گذشته شهرداری دید بین‌المللی نداشت تا تهران را با پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ دنیا مقایسه کند و طبق آن طرحی جامع در تهران پیاده کند تا اینکه امروز شهر بدین صورت درآمد است و متأسفانه این کمبود به شدت حس می‌شود متأسفانه امروز هم که شهرداری تهران طرح جامع دارد، منابع و نیروی انسانی مورد لزوم را که ضامن اجرای آن باشد ندارد. متأسفانه دستگاه مدیریت شهر تهران از منابع انسانی خیلی ضعیف و محدود و محلی برخوردار است و مسلماً اگر انقلابی در سطح شهرداری نداشته باشیم وضع شهر تهران بد و بدتر خواهد شد.



تلاش - باتوجه به آب و هوای بسیار متغیری که در مناطق مختلف ایران وجود دارد، آیا می‌توان یک نوع بخصوص از معماری را در تمام سطح ایران اجرا کرد، و اگر نمی‌شود آیا اقلاً نمی‌توان شکل هم‌آهنگ تری در معماری ایران به‌وجود آورد؟

دیبا - فکر نمی‌کنم بتوان کلاس معماری بخصوصی در تمام سطح ایران پیاده کرد و اینکار لزومی هم ندارد. یک آرشیوتکت فقط باید عوامل و مسایل اقلیمی را در سطح کلی و مجموعه معماری مراعات کند. در شهر سازی و در کالبد بزرگ ما باید قوانینی داشته باشیم که این یکسانی و یکپارچگی را به وجود آورد. و نباید فراموش کرد که در بعضی موقعیت ها و موارد احتیاج به نانواختی و دگرگونی هم حس می‌شود. ولی به هر حال باید در طرح جامع محل این یکنواختی و غیر یکنواختی و دلایل وجود هر یک را تشخیص داد.

تلاش - تشکل و عدم تشکل هر دو در یک معماری واقعی، حتی اگر بصورت یک واحد کوچک باشد وجود دارد. آنجا که معماری به عنوان فن مطرح می‌شود و آنجایی که به عنوان هنر، لازمه یک نظام اجتماعی و مشخصه یک نظام شهری و در نتیجه معماری شهری یک معماری صریح و خشن است و در اینجا ما به تشکل در معماری احتیاج داریم ولی ...

دیبا - آخر ببینید ما دو نوع معماری داریم یک نوع معماری که منظور از آن فقط استفاده مادی است و یک نوع معماری که گذشته از استفاده مادی از بنا هنری بودن کار نیز در آن مورد نظر است معماری واقعی را باید در اینگونه کار ها جستجو کرد، مثل ساختمان تاتر و اپرا و موزه و از این قبیل که ما می‌توانیم هنر معماری را در آنها مورد توجه قرار بدهیم و هدف هنری برای آنها قایل شویم. معماری عمومی از نوع اول است و به‌صورت زمینه و سطح کار وجود دارد، مثل آپارتمان ها و ساختمان موسسات و دفاتر خصوصی و از این قبیل که در ساختمان آنها احتیاج به در نظر گرفتن ایده های هنری نیست مگر آنکه صاحب بنا بخواهد ساختمان او جنبه هنری و غیر معمولی نیز داشته باشد. بنابراین براحتی می‌توان گفت بیشتر از ۹۰ درصد ساختمان های ما باید تنها احتیاجات مادی ما را برآورده کند.

این ۹۰ درصد تابع آن نظم و تشکل خاص باید باشد و بعد، در آن ده درصد باقی مانده، اگر مثلاً موزه‌ای داشته باشیم دیگر لازم نیست تابع آن نظم متداول و عمومی معماری بمانیم و می‌توانیم کاملاً آنرا از سطح کلی شهر جدا کنیم و به عنوان یک واحد معماری هنری بسازیم.

تلاش - شما روی مصالح مختلف ساختمانی عقیده بخصوصی دارید یا خیر؟

دیبا - مصالح بیشتر وسیله است و اصلت بخصوصی ندارد و بیشتر مصالح تابع اقتصاد معماری است. چیزی که مهم است منطق ساختمان است نه نوع مصالح، و اقتصاد معماری به مفهوم آن نیست که ساختمانی گران و یا ارزان است. اقتصاد در معماری، درست مثل نقاشی است، نقاش یک بوم دارد و می‌خواهد بر روی آن رنگ بگذارد. این بوم محدود است و ناگزیر نقاش باید خود و افکارش را محدود کرده و به اندازه آن بوم حرف بزند. این محدوده یک واقعیت است و نمی‌شود آنرا فراموش کرد و کنار گذاشت، باید آنرا پذیرفت و اصولاً هر هنرمند واقعی خودش را باید محدود کند چرا که گذشته از این عمل ذهن نامحدود است و بدیهی است که نامحدود وقتی در محدود می‌گنجد که محدود شود، آن محدودیت به کارش فرم می‌دهد من فکر می‌کنم محدودیت در معماری یک هیولای خبیث است که نمی‌گذارد معمار تراوشات فکری خود را آزادانه منعکس کند، اعتبار مالی ساختمان، کیفیت و کمیت زمین، مصالح: گل یا آجر یا مرمر و یا هر چیز دیگر که در ایجاد یک ساختمان مؤثر است کم و بیش محدود است و هر کدام ضمن آنکه بیان کننده یک فکر جداگانه می‌تواند باشد بالاخره در یک حدی محدود می‌شود و آرشیوتکت ناچار است همه این محدودیت‌ها را بپذیرد.

من فکر می‌کنم آرشیوتکتی که محدودیت اقتصادی آزارش می‌دهد می‌تواند یک آتلیه مجسمه سازی داشته باشد و در آن با آزادی کامل حرفهایش را بزند، گرچه آنجا نیز محدودیت های دیگر رهایش نمی‌کنند. من به‌طور کلی فکر نمی‌کنم این مساله، آنقدر هم که می‌گویند جدی باشد. بعضی از آرشیوتکت ها این مساله را فقط به این دلیل عنوان می‌کنند که نمی‌توانند کار خوب عرضه کنند.

تلاش - در مورد آموزش معماری در دانشکده معماری دانشگاه تهران چه فکر می‌کنید؟ با توجه به تغییرات اساسی که در سطوح مختلف اجتماعی در دست انجام است آیا نحوه تدریس در این دانشکده ها را صحیح می‌دانید یا خیر؟

دیبا - باید بگویم چون ما در یک مرحله انتقالی هستیم آموزش معماری هم در حالتی انتقالی قرار دارد. یعنی مثلاً تا پنجسال پیش ما نمی‌دانستیم آموزش معماری باید به چه نحوی باشد. اما اینک که با تحولات تکنولوژیک و اجتماعی مصادف شده‌ایم دریافته‌ایم معماری ما از نظر تلفیق با تکنولوژی امروزی یک معماری عقب مانده

است.

لیکن چون ما در حال حاضر مرحله انتقالی را طی می‌کنیم و هنوز جنبه های آکادمیک معماری ما با واقعیت های اقتصاد ساختمانی ده سال پیش منطبق است، تدریس معماری امروز نمی‌تواند مفهومی واقعی از آموزش معماری باشد. واقعیت نشان می‌دهد که انقلاب آموزشی در دانشکده های معماری نمی‌تواند از حدود مدرسه فراتر رفته و جنبه عملی به خود گیرد یعنی مشکل مسکن و یا کالبد شهر را حل کند و چون از نظر «هدف معماری» وضع مشخصی نداریم هدف های آموزشی ما نیز نمی‌تواند زیاد روشن باشد. اما واقعیتی که به هر ترتیب باید در نظر گرفته شود اینست که ما دیگر نمی‌توانیم در مورد یک یا دو ساختمان فکر کنیم بلکه توجه ما باید به مجموعه معماری شهر باشد. یعنی ما باید یک شبی کوچک در محیط کالبدی تا یک مجموعه بزرگ را در مقیاسی که بتواند هزار ها و یا بلکه میلیون ها نفر را در خود جا بدهد، در نظر بگیریم. این تغییر فاحش، بین ذره و مقیاس کلان و این فاصله بسیار بین این دو قطب مخالف، یک حالت نامطمئن به وجود می‌آورد و ما را مردد می‌سازد که از کجا به مشکل نگاه کنیم و یا برای حل آن پا پیش بگذاریم. اصولاً این مساله مطرح می‌شود که آرشیوتکت باید در چه مقیاسی فکر کند و مسؤولیت او در چه حدودی است؟ مسلم است که در هر مقیاسی اطلاعات متفاوت و مستقلاً برای برنامه ریزی و نقشه کشی و اجرا مورد نیاز می‌باشد. تازه وقتی ما طرح یک صندلی و یا یک ویلا و یا یک محله را که مثلاً ده ها هزار نفر در آن زندگی می‌کنند می‌دهیم باید توجه داشته باشیم که تمام عوامل انسانی که در کار هستند به روی آن طرح و اجرای آن تاثیر می‌گذارند و باید آن آمادگی لازم را در همه جهات و موارد داشته باشیم که بتوانیم تمام این عوامل را در نظر بگیریم. بدین ترتیب یکباره درمی‌یابیم که آرشیوتکت باید همکار باشد، باید از برنامه ریزی، از مدیریت، از جامعه شناسی از اقتصاد و حتی عوامل سیاسی مؤثر در اجرای نقشه آگاهی داشته باشد و یک عامل تنظیم کننده همه این عوامل مختلف باشد. نتیجه چنین آگاهی است که می‌تواند مجموعه‌ای پدید آورد که در آن بی‌مشقت زندگی بتوان کرد و همین مسؤولیت در مقابل هزاران نفر و دیکته کردن طریقه زندگی، خود بسیار وحشت‌آور است. متأسفانه آرشیوتکت های نسل های پیش این آمادگی را از نظر آکادمیک نداشته‌اند که بتوانند جوابگوی احتیاجات توده های وسیع باشند و هدف از تدریس آنها هم بیشتر تک‌خانه

سازی و ویلا سازی بوده است، در صورتیکه در زمان ما مجموعه مسکن به عنوان یک معماری جدید مورد نظر است. به هر حال هنوز سؤالات بیشماری در حرفه ما وجود دارد که باید به آنها جواب گفت.

تلاش - شاید می‌خواهید بگویید تا به وجود آمدن هدف معماری در سطح وسیع و نیز مشخص شدن آنچه از آموزش معماری در ایران مورد نظر باید باشد ناگزیر، باید از فرهنگ معماری غرب برای تدریس در دانشکده‌ها استفاده کرد؟

دبیا - به نظر من دیگر به آن صورت خیلی غامض و حل نشده، مساله غرب و شرق مطرح نیست. مسایل سرزمین‌های زمین بسیار شبیه به هم شده است. مخصوصا با توجه به انواع طریقه‌های ارتباطی از قبیل رادیو و تلویزیون و سینما و مطبوعات. دیگر ایرانی و فرانسوی بودن مطرح نیست. مثلا احتیاجات هنری یک محیط دیگر جنبه شرقی و غربی ندارد و مساله مدیریت و معماری یک محله هم، دیگر جنبه محلی ندارد به هر حال من عقیده دارم معمار ایرانی باید در سطح یک معمار بین‌المللی فکر کند، چرا که همه انسان ساکن کره زمین هستیم. روی این زمین مسایل اقلیمی هم شاید مطرح باشد ولی نه به عنوان همه مسائل. مساله اقلیمی ما همانقدر مهم است که ممکن است غذای ناهار امروز من در تغذیه آینده این مملکت مهم و مطرح باشد. این مساله اقلیمی، به هر حال مشکلی است که باید آنرا حل کنیم ولی اگر بخواهیم به آینده نگاه کنیم و جهت ترقی و حرکت این رشته بخصوص را در نظر بگیریم دیگر مساله ملی و یا غیر ملی نمی‌تواند مطرح باشد. چرا که واقعا دیگر تمام احتیاجات بشر خیلی یکنواخت شده است. دیگر احتیاجات بشری مطرح است، و بهتر بگویم اخلاق جامعه بشری، نه احتیاجات و اخلاق اقلیمی.

همانطور که «لوئن» عقیده دارد اصلا به وسیله این ارتباطات در آینده، همه این مسایل جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند و آهسته آهسته یک فکر و ایده بین‌المللی پیدا خواهد شد. ولی به هر حال در آن صورت هم ما در ایران خاویار و فرانسویان شامپانی را خواهند داشت. اما طرز تفکر و احتیاجات معنوی ما است که من فکر می‌کنم جهانی خواهد شد. خصوصا در ایران که اعتقادات سنتی چندان پابرجا و محکمی مثل هند و ژاپن وجود ندارد ما خیلی سریعتر به «آینده» خواهیم رسید. البته اعتقاد من در موارد بالا جنبه تئوری و دراز مدت دارد و دلیل بر این نمی‌شود که ما در حال حاضر به «خواستهای اقلیمی» بی‌توجه باشیم.

تلاش - در مورد نقش آرشیستیک در

اجرای طرح معماری و ارتباط او با سایر عوامل سازنده بنا، چه عقیده‌ای دارید؟

دبیا - ما در معماری دو مرحله جداگانه داریم: یکی مرحله طرح و دیگری مرحله اجرا. مرحله اجرا به آرشیستیک مربوط نیست و فقط او نظارت می‌کند که طرحش صحیح پیاده شود، و تازه در این مورد هم بستگی به شخصیت و احساس مسؤولیت آرشیستیک دارد. ممکن است نوع کار یک آرشیستیک به ترتیبی باشد که خودش در کار شرکت کند. مثلا من خودم یک زمین بازی ساختم که در آن بیشتر با گل و کاه گل‌کار کردم. خوب خود من در آنجا کمی با گل بازی کردم. آن یک نوع معماری است که جنبه خیلی ابتدایی دارد. ارتباطی بین طراح و محیط ساخته شده باید حس بشود، رابطه‌ی بین او و کارهایی که به صورت خیلی لحظه‌ی و آنی و در همان زمانی که مشغول بوجود آوردن یک واقعیت است، نه نقشه کشیدن، به وجود می‌آید که بر اثر آن در می‌یابد باید بیشتر کوشش کند تا آنرا واقعی‌تر بسازد. خوب خود این می‌تواند یکنوع آرشیستیک‌تر، در اشل خیلی کوچک خیلی شخصی و خیلی نظری و خصوصی، باشد. اما وقتی ما بر روی یک پروژه بزرگ کار می‌کنیم مجبور هستیم از متد های مدیریت امروزه تبعیت کنیم و بنابراین کار دیگر جنبه شخصی ندارد و باید با گروهی کار بکنیم و طرح به وسیله گروه پیاده و به وسیله گروهی اجرا گردد. و به همین ترتیب به خودی خود از آن فاصله خواهیم یافت.

تلاش - آیا همین به وجود آمدن گروه باز هم از جنبه هنری معماری نمی‌کاهد؟

دبیا - نه، بلکه می‌شود گفت از جنبه شخصی آن کم می‌کند. ضمنا نباید فراموش کرد هنرهایی مثل باله، تئاتر و سینما هنر هایی دسته جمعی هستند.

تلاش - در مورد پدیده پارک‌سازی که چندین مورد توجه قرار گرفته و خود شما یکی از بزرگترین پارک‌های تهران را ساخته‌اید چه عقیده‌ای دارید؟

دبیا - در ادبیات گذشته و شعر ما اشاره‌های بسیاری به استفاده از باغ و گل و سبزه و جوی آب وجود دارد و حتی در ضرب‌المثل‌های ما از این عناصر زیاد یاد می‌شود، این نشان می‌دهد که ما در همه این موارد احساس کمبود می‌کرده‌ایم. اما مهم اینست که چرا ما نتوانسته‌ایم و نمی‌توانیم جوابگوی این کمبود باشیم؟ اصولا هر فضای سبزی که ما به وجود می‌آوریم فضایی دو بعدی است، یعنی در آن فضا همه‌اش چمن می‌کاریم در حالی که در معرض دید نیست. در صورتیکه اگر همین فضا را از درخت پر کنیم ضمن اینکه ممکن است خیلی ارزاتر

تمام بشود خیلی هم محسوس‌تر می‌شود مساله این است که اشخاصی و عناصری که مجریان این گونه طرح‌ها هستند، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، هدف را فراموش می‌کنند و با وسیله‌ها و در مراحل اولیه طرح بازی می‌کنند و همین بازی آنها را راضی می‌کند. اگر هدف به وجود آوردن فضای سبز است باید سعی کرد که به آن رسیده و به چیز های دیگر پرداخت. باید دید با فضای محدودی که داریم به چه نحو می‌توانیم، فضای سبز شهرمان را و همچنین فضای بازی بچه‌ها را زیادتر کنیم. مثلا ما مقدار زیادی چمن می‌کاریم اما دور آنرا سیم می‌کشیم و یک تابلو «چمن را لگد نکنید» در کنار آن نصب می‌کنیم. یک مامور هم آنجا می‌گذارد که اگر کودکی از روی آن رد شد سوت بکشد و آن بچه را تنبیه کند. اصلا نمی‌دانیم چمن را به چه منظور و دلیلی به وجود آورده‌ایم. چمن را برای استفاده مردم به وجود آورده‌ایم یا برای تماشا؟ حوض می‌سازیم ولی کسی حق ندارد دستش را در آب بکند، در فرهنگ عمومی ما این ممنوعیت‌ها، این قدغن بودن و دست نزدن خیلی محسوس و آزار دهنده است. در صورتیکه من فکر می‌کنم همانطور که ما در حرم به ضریح آویزان می‌شویم و آنرا لمس می‌کنیم. باید با مسایل دیگر زندگی همینطور روبرو شویم. این خیلی مهم است.

تلاش - در مورد پارک یوسف آباد خودتان توضیح بدهید؟

دبیا - در آنجا، این فکر را داشتیم که یک مرکز خدمات اجتماعی برای محله و یک فضای سبز که مورد استفاده مستقیم مردم قرار گیرد به وجود آوریم. ما به عنوان یک آرشیستیک این هدف را داشتیم، اما دستگاه اجرایی که صاحب پروژه است نظر ما را قبول نمی‌کند. یک تفاوت فکری در این وسط وجود دارد و ما در این میان درست مثل کاسه گرمتر از آتش شده‌ایم که خیلی بی‌معنی است در صورتیکه آنچه ما می‌گوییم باید هدف دستگاه اجرایی باشد واز ما بخواهد نه اینکه ما بگوییم و آنها قبول نکنند. هدفهای اصلی همیشه فراموش می‌شود و به جای آن دهها کمیسیون برای انتخاب چراغ پارک تشکیل می‌شود.

تلاش - در مورد پارک‌های دیگر چه فکر می‌کنید، آیا به عقیده شما معماران ایرانی در این کار موفق هستند؟

دبیا - این یک بحث بسیار تکنیکی است که باید نقشه پارکها را جلومان بگذاریم و درباره جزء به جزء آنها صحبت کنیم. اما رویهمرفته فکر می‌کنم با وجودی که ما در گذشته یک سنت باغ‌سازی داشته‌ایم در حال

بازد هزینه‌های عمومی و خصوصی بسیار بالا خواهد رفت زیرا هرچه سطح شهر بیشتر باشد تامین وسایل مشکل‌تر می‌شود. ما باید بروی پروژه مجموعه‌های مسکن فکر کنیم و در این راه سیستم آپارتمان سازی در زمان طولانی از نظر اقتصادی بیشتر مقرون به صرفه است

تلاش - با توجه به این که هنوز سطوح بسیاری در شهر تهران خالی مانده است، آیا بالا بردن ساختمان‌ها و به ارتفاع فکر کردن صحیح است؟

دیبا - چنانکه گفتم در سطح گسترده رساندن سرویسه‌ای ابتدایی خیلی مشکل می‌شود یعنی ما اگر به روی سطح گسترش پیدا کنیم، سرویسه‌ای بسیار گرانتری را باید تحمل کنیم.

به هر حال ما باید دارای سیستم‌های متنوع باشیم، یعنی یکجای شهر باید متمرکز باشد و یکجای آن نباید متمرکز باشد. ممکن است کسی دلش بخواهد سه سال در يك محیط متمرکز زندگی کند و بعد بخواهد به يك محیط غیر متمرکز برود و بیشتر با طبیعت ارتباط داشته باشد. باید این آزادی را

حاضر در ایران معمار خوب باغساز و محوطه «بیرون‌ساز» و اصولا آرشیته‌ک‌تی که نسبت به این مساله حساسیتی داشته باشد، نداریم برای خود من همانقدر که محوطه داخلی مطرح است، فضای بین ساختمان‌ها هم مهم است و شاید هم از بعضی جهات فضای بیرون مهم‌تر هم باشد چرا که عمل‌های مختلف دارد و در معرض استفاده‌های گوناگون قرار می‌گیرد، در صورتیکه فضای داخل يك ساختمان استفاده بخصوصی دارد و اشخاص بخصوص را در خود جای می‌دهد. در هر صورت فضای باز و ارتباط آن با معماری بسیار بسیار مهم است و در این جهت اگر فکر کنیم، پارک بیژن صفاری در سطح کلی موفق است. تلاش - پدیده آپارتمان سازی را چگونه توجیه می‌کنید؟ حتما می‌دانید که دولت شدیداً در پی ساختمان آپارتمان است. آیا به نظر شما زندگی در آپارتمان با روحیه ایرانی سازگاری دارد؟

دیبا - به عقیده من این پدیده بسیار لازمی است چرا که اگر هرکس بخواهد برای خودش قطعه زمینی بخرد و ساختمان



به او داد. تنوع خیلی خوب است، در معماری و در مجموعه شهری.

تلاش - حالا ممکن است درباره نحوه تدریس خود در دانشگاه و همچنین مبحثی که تدریس می کنید صحبت کنید؟

دیبا - من به طور کلی در دانشگاه بیشتر به روی عوامل کالبدی تکیه دارم. سال گذشته بیشتر بررسی طرح و معماری در سطح شهر و محیط کالبدی را درس می دادم. از اشل کوچک (که ممکن است سبد خاکروبه، جوی آب و یا جایگاه تلفن باشد) گرفته تا مجموعه بزرگ مسکن و خیابان کشی و از این قبیل. سمیناری که ما در دانشگاه داشتیم يك بحث خیلی کلی راجع به عوامل کالبدی، چه در مقیاس ذره و چه در مقیاس کلان، بود.

تلاش - آیا به استعداد های خوب و قابل ذکری در میان دانشجویان برخورد کرده اید؟

دیبا - فکر می کنم اشکال بزرگی که ما در اینجا داریم خلأ فرهنگی است. در اینجا آموزش معماری، طبعاً، بر مبنای غربی است؛ چرا که جهت معماری امروزه جهتی غربی است در حالیکه واقعا آگاهی به ریشه ها و واقعیات فرهنگ غربی وجود ندارد، ما نمی توانیم پایه آموزش آکادمیک معماری را بر يك مبنای عقب افتاده بگذاریم و باید مسایل روز دقیقاً مورد توجه ما باشد. همانطور که گفتم اشکالی که وجود دارد کمبود فرهنگی است که در اجتماع ما وجود دارد و آگاه نبودن دانشجویان از مسایل هنری اجتماعی و تمام نیروهایی که به طور کلی به معماری مربوط می شود. و این نا آگاهی و اطلاعات عمومی بسیار ضعیف صدمه جدی به ضرر ما است. مسأله دیگر آشنا نبودن غالب دانشجویان به زبان خارجی است. برای ما امکان ندارد که تمام منابع معماری خارجی را ترجمه کنیم و دانشجویان هم چون زبان خارجی نمی دانند نمی توانند از آن منابع استفاده کنند. این باز يك عامل عقب ماندگی از معماری امروز است.

تلاش - در میان معمارانی که هم اینك به کار مشغولند به کدامها اعتقاد دارید؟

دیبا - کار چند نفر مورد علاقه من است و از هر کدام آنها بعضی جنبه های کارشان را می پسندم. اما اصولاً برای جواب دادن به این سؤال باید با مطالعه و فکر قبلی حرف زد و باید کارهای همه آنها را بررسی کرد، من از کار تهرانی و شریعتزاده بسیار خوشم می آید و فکر می کنم قدمهای خیلی مثبتی برداشته اند. میرفندرسکی و اردلان هم کارهای خوبی ارائه کرده اند. در زمینه های مختلف هستند آدمهایی که خوب کار می کنند. بعضی بیشتر ویلا ساز هستند و بعضی ساختمان

هایی که جنبه عمومی دارد. اصولاً تیپ من در این مورد تیپ زیاد سخت گیری نیست. بعضی از چیزی زیاد خوششان می آید و از چیزی زیاد بدشان و یا به یکنفر خیلی معتقد هستند و از یکی قطع امید می کنند در حالی که تیپ فکری من اصلاً اینطور نیست. آدم متعادلی هستم و فکر می کنم خیلی از معماران نکات بسیار خوبی دارند که نکات بدشان را تحت تأثیر قرار می دهد.

تلاش - در مورد هنر نقاشی چه عقیده ای دارید و چه نقاشانی را بیشتر دوست دارید و خودتان که زمانی نقاش بودید چرا به نقاشی ادامه ندادید و اصولاً در مورد هنرهای مدرن ایران چطور فکر می کنید و به چه کسانی اعتقاد دارید؟

دیبا - فکر می کنم تنهادره طلایی و درخشان در نقاشی ایران دوره نقاشی «سقاخانه» بود. بعد از آن متأسفانه تا اندازه ای تنزل کرده ایم. روی هم رفته نقاشی هنری در تمام دنیا تنزل کرده است چرا که اصولاً نقاشی با پیدایی سینما مصادف با بحران شده است، زیرا من فکر می کنم سینما هنر بسیار دینامیک تری است. چرا که در آن تحرک و زمان و حرکت وجود دارد. به هر حال می توانیم بگویم تا اندازه ای نقاشی با قلم مو و رنگ از بین رفته است. نقاشی دیگر می تواند يك پیشنهاد فلسفی و فکری باشد. این هنر در حال حاضر در ایران خیلی بریده و کوتاه است، مثل يك صدا که ادامه پیدا نکند و یا مجموعه چند صدا و یا حتی يك نوع صدا در آوردن، نمی توانم بگویم از بین رفته یا متوقف شده است ولی سازندگی آنچنانی ندارد. در مورد نقاشی خودم هم باید بگویم تا اندازه ای آنرا رها کرده ام. چون به عقیده من کسی که هنرمند است باید يك زندگی هنرمندانه داشته باشد و نمی تواند هیچگونه مسؤولیت اجتماعی قبول نکند و در پی کار و زندگی «بیرونی» هم باشد. هنرمند يك انسان بی مسؤولیت است که باید خود را تنها وقف هنر خود بکند. متأسفانه شرایط کنونی زندگی به من اجازه اینکار را نمی دهد. من زیاد هم اصرار ندارم که نقاشی کنم برای این که من بیشتر لذت می برم که کار رفقای نقاشم را ببینم.

تلاش - در میان این صداهایی که گفتید کدام را بیشتر می پسندید؟

دیبا - نمی توانم صد درصد این اعتقاد را مشخص کنم. من به تمام رفقای نقاشم در يك دوره مشکوک می شوم و در يك مرحله خوشم می آید. یکشب به استودیوشان می روم و چند کار خوبشان را می بینم و خیلی به آنها امیدوار می شوم و بعد در يك نمایشگاه کارهای بدشان را هم می بینم و مأیوس می شوم. وقتی می خواهم درباره سبك نقاش که خودش را

می شناسم حرف بزنم، شخصیت او با کارش قاطی می شود و نمی توانم این دو را از هم جدا بکنم، برای این که خود او هم واقعیتی است. من وقتی کارهای پیکاسو را می بینم، چون او را نمی شناسم، کارهایش را به شخصیت او ارتباطی نمی دهم ولی وقتی در مورد نقاشی زنده رودی می خواهم حرف بزنم خود او را هم در نظر می گیرم، که او را خیلی دوست دارم، و در نتیجه کارش را بسیار دوست دارم. در مورد سایر هنرها می توانم و می خواهم از هنر شاعری که هنر واقعی ایرانی است بگویم و کسی را که در این میان و در این زمان بسیار دوست دارم؛ و تا آنجا که شاعران ایرانی را می شناسم و کارشان را خوانده ام عقیده ام را بسیار راحت و آزاد بیان می کنم. شعر پرویز اسلامپور با ریتم زمانی و تمام مراحل تحولی و ارتباطی با گذشته و آینده و همچنین سیستم انتقالی ما بسیار منطبق است.

چیز دیگری که به نظر من می رسد اینست که ما باید صبر کنیم در همه چیز. فکر می کنم اصولاً باید یکم مدت حرف بزنیم، حتی اگر با خطر از یاد رفتن کلام روبرو باشیم؛ و این خیلی مهم است. تنها صدایی که می شود در همه حالات و همه زمانها آنرا آزاد گذارد و آنرا با صمیمیت شنید، صدای هنرهاست. هنر، که يك صدا، يك اظهار وجود و يك خواست به وجود آوردن اثری در طبیعت است. اگر چه يك کار فیزیکی هم می تواند يك اظهار وجود باشد؛ ولی هنر اظهار وجودی است که جنبه های روحانی، درونی، ذهنی و معنوی بیشتر دارد. هر کس بتواند با قصد هنری يك صدا به وجود آورد، من او را هنرمند می شناسم. اما در اینجا بحثی که مطرح می شود اینست که آیا این هنری با ارزش یا بیهوده است. در این مرحله هم ما می توانیم روی آن با در نظر گرفتن استانداردهای هنری موجود قضاوت کنیم و آنرا در طبقه بندی خاص خود جای دهیم و اگر در جای بخصوصی قرار نگرفت باید فهمید آیا به راههای جدید و آینده ای بستگی پیدا می کند یا خیر.

ابوالفضل بخشیان سمنانی
سپاهی دانش قریه شبانکاره او رامانات
کرمانشاه

دوئینه

(غذای زمستانی اکثر روستائیان هایشان حمل می کنند)
کرمانشاهان و کردستان



اواخر تابستان و اوایل پاییز جلوچشمه یا رودخانه‌یی که از جلو روستای گردنشین می‌گذرد چندین اجاق مشاهده می‌گردد که روی آن دیک‌هایی قرار گرفته و زن‌های روستایی مشغول شستن و پختن گندم هستند و دسته‌یی دیگر از زنان سبدهایی برسر دارند که از شاخه‌های نازک بید ساخته شده است و در آن گندم پخته شده را به پشت بام خانه

در بیرون ده مردان چاله‌هایی به عمق یک متر و قطر ۷۰ الی ۱۰۰ سانتیمتر به‌طور منظم و در کنار هم حفر می‌کنند ته و دیواره چاله را یک لایه آرد خمیر شده می‌چسبانند تا دیواره چاله ریزش نکند. در همین زمان مقداری از ماست را که قبلاً کره آن را گرفته‌اند به‌صورت دوغ در می‌آورند و چندین روز آن را در داخل دیک‌های بزرگ مسی نگهداری می‌کنند تا کاملاً ترش گردد. دوغ ترشیده را داخل چاله‌های ساخته و آماده شده می‌ریزند و گندم را که قبلاً شسته و پخته‌اند در چاله‌ها به دوغ ترشیده اضافه می‌کنند و با بیل تمیزی بهم می‌زنند و سر چاله‌ها را بوسیله شاخه‌های درختان و علف‌های دیگر می‌پوشانند تا گرد و خاک وارد چاله نشود. بعد از سه روز شاخه‌ها و علف‌های روی چاله را کنار می‌زنند و با بیل دومرتبه آن را بهم می‌زنند (در این مدت گندم مقداری از آب دوغ را بخود جذب کرده و همچنین قدری از دوغ مزبور بوسیله دیواره چاله جذب زمین می‌گردد در نتیجه روز بروز این غذای زمستانی غلیظ‌تر می‌گردد) و بعد سرچاله‌ها را به وسیله شاخه‌های درختان و علف‌های هرز می‌پوشانند و هر سه روز یکبار آن را بهم می‌زنند و اگر دوغ چاله در اثر جذب زمین و گندم تبخیر تمام شده باشد بار دیگر دوغ ترشیده که آماده دارند به چاله اضافه می‌کنند و بهم می‌زنند تا گندم موجود در آن کاملاً با دوغ ترکیب گردد. بعد از ۱۰ الی ۱۵ روز این غذا کاملاً آماده است. آن را به وسیله سینی‌هایی به پشت بام خانه‌ها حمل می‌کنند در ضمن با قدری از گیاهان معطر مانند پونه پشت‌بام را فرش می‌کنند تا دوئینه با خاک بام مخلوط نشود. بعد این ماده غذایی را که به‌صورت خمیری درآمده است به شکل گلوله‌های منظمی درست می‌کنند و روی پونه‌ها در پشت بام می‌چینند. چند روز بعد گلوله‌ها را پشت و رو می‌کنند. یعنی قسمتی که روبه آفتاب قرار گرفته روی پونه‌ها و قسمتی که

قبلاً روی پونه‌ها بوده رو به آفتاب قرار می‌دهند تا همه جا یکنواخت خشک شود موفقی که نور خورشید گلوله‌های دوئینه را کاملاً خشک کرد آن‌ها را جمع می‌کنند و در کیسه‌یی بزرگ می‌ریزند تا در فصل سرما مورد استفاده قرار گیرد.

ناگفته نماند که در بعضی نقاط برای درست کردن دوئینه بجای چاله‌های زمینی از خمره گلی استفاده می‌کنند که به مراتب تمیزتر از چاله‌های مذکور است. مورد استفاده:

این ماده غذایی را به چند نوع مورد استفاده قرار می‌دهند که از همه معروف‌تر عبارتند از:

۱- چند عدد از گلوله‌های دوئینه را دردیگی می‌ریزند و مقداری آب به آن اضافه می‌کنند و روی آتش می‌جوشانند تا کاملاً گندم‌های آن پخته گردد و تقریباً شکل آش بخود بگیرد. بعد قدری پیاز داغ بآن اضافه می‌کنند و کمی ادویه نیز در آن می‌ریزند و می‌خورند.

از این نوع دوئینه بیشتر در مواقع سرما خوردگی استفاده می‌شود.

۲- چون زمستان لبنیات کم است از این نظر چند عدد گلوله خشک دوئینه را در کاسه‌یی می‌ریزند و قدری آب بسیار سرد به آن اضافه می‌کنند. بعد از یکساعت یا بیشتر دوغی را که دانه‌های گندم بخود جذب کرده بود به آب پس می‌دهد. بعد گندم را از دوغ جدا می‌کنند و از مایع بدست آمده به‌عنوان دوغ در سفره استفاده می‌کنند.

۳- صبح یک گلوله از دوئینه را در نعلبکی قرار می‌دهند و قدری چای شیرین به آن اضافه می‌کند و به‌عنوان صبحانه می‌خورند.

۴- مقداری از گلوله‌های دوئینه را در دیگی ریخته و آب به آن اضافه می‌کنند و روی آتش می‌جوشانند و قدری نخود یا لوبیا نیز به آن اضافه می‌کنند و می‌جوشانند تا سفت شود. بعد قدری روغن داغ شده روی آن می‌ریزند و می‌خورند. این نوع که از سه نوع دیگر معمولتر است ناهار و شام زمستانی مردم روستایی کرد را تشکیل می‌دهد.

(۱) - دوئینه = دو بروزن مو (موی)

(سر) بزبان کردی بمعنای دوغ می‌باشد و دوئینه با کسر نون یعنی دوئینه عبارت از غذائی است که از دوغ درست می‌کنند.

کاش جای او بودم

«مرد» علفهای هرز بوستانش را وجین می کرد باران گرما برپیکر رنج کشیده اش فرو می ریخت و دانه های عرق از گوشه ابروانش می لغزید با خودش گفت : چه آفتاب گرمی است کاش آفتاب گرما نداشت، اما زودپشیمان شد .

پس بوته های بوستانش چه می کردند ؟ آنها گرما می خواستند ، بوته هایی که چند روز دیگر بزرگ می شوند . زمین خاکستری را سبز می کنند . گل می دهند و گلها به هندوانه تبدیل می شوند . بیادش آمد که باید « کپر » کوچکی هم بالای بوستانش درست کند و از آنجا مراقب باشد تا هندوانه هایش را نذرند . اگر همه مردم خوب بودند، هندوانه هارا نمی دزدیدند... ناگهان صدای همسایه اش بلند شد که می گفت: چرا گوسفندهایت را توی گندمهای من رها کرده ای .

« مرد » تیشه اش را کناری گذاشت و بسراغ گوسفندان رفت و آنها را بطرف زمین خودش راند ، بعد زیر درختی لمید تا استراحتی بکند ، احساس کرد گرسنه است . دستمال نانش را گشود ، چهره اش درهم رفت زیرا زنش فراموش کرده بود نانها را آب بزند تا نرم شود . نانش را خورد و سیگاری روشن کرد یادش آمد قندچایشان تمام شده و فردا باید به شهر برود اما پول نداشت تازه دیروز هم عوض پول نفت به دکاندار تخم مرغ داده بود .

گوسفندی هم نمی توانست بفروشد . چون آنها را برای قسط بانک کنار گذاشته بود . باد مرغهایش افتاد سعی کرد شماره آنها را بخاطر بیاورد مثل این که شش تا مرغ داشت باید مرغ سفیده و دوتا مرغ زرده را بفروشم . چشمش به آموزگار دهشان افتاد که از کنار درختان تبریزی بسوی مدرسه می رفت . بیاد پسرش افتاد دیشب از او دفتر خواسته بود . کفشهایش هم پاره شده . بعد فکر کرد کاش جای آموزگار بودم . سواد داشتم برای دولت کار می کردم و حقوق می گرفتم نه وجین کردن بود نه آبیاری . زحمت « کپر » درست کردن هم نداشتم ، دستهایم پینه نیسته بود . خودش را جمع و جور کرد « آموزگار » نزدیک او رسیده بود بلند شد و سلام داد بعد تیشه اش را برداشت و مشغول کارش شد . و آموزگار جواب سلامش را داد ، از جلوی او گذشت و بطرف مدرسه رفت ، نگاهی به مدرسه کرد ، صدای بچه ها، هوای خفقان آور کلاس و ساعات دیر گذر چشم انتظار برای دریافت نامه ، از همه بدتر نگرانی های آینده دل آموزگار را گرفت و جلوی مدرسه که رسید نگاهی به پشت سرش کرد « مرد » را دید که مشغول وجین کردن بوستانش است با خودش گفت « کاش جای او بودم ! » از همدان - جواد رحیمی





حرفهائی
در باره هنر.

گفتگوئی با شاعر نقاش
منوچهر یکتائی

صفحه ششم

- * خودم هم حس می کنم که بیشتر يك هنرمند شرقی هستم .
- * چیزی که به درد من نخورد آن چیزی است که من احتیاجی به نگاه کردن آن نداشته باشم .
- و آنرا بتوانم بدور بیاندازم .
- * مقدمه گلستان سعدی را شاهد می آوردم که وزن ندارد ولی شعر است .
- * من از روشنفکری در هنر زیاد خوشم نمی آید .
- * خودم را شاعر و نقاش نمی دانم دیگران می خواهند مرا اینطور بشناسند . خوب من حرفی ندارم .

کردم و تا بیست و دوسالگی که در تهران بودم و نقاشی می کردم .

تلاش - در این چهار سال آیا فکر می کنید کارتان صورت و شکل هنر بخود گرفته بود؟
 منوچهر یکتایی - نخیر ، من محصل بودم . از این جایی که رفتم فقط به منظور تعلیم نقاشی بود . دوره جنگ بود و فقط هدف من این بود که بعد از پایان جنگ به فرانسه بروم . یکسال در امریکا کار کردم و بعد به فرانسه رفتم . از پاریس خوشم نیامد به امریکا برگشتم . به کلی گم بودم . سالهایی است که گفتم اصلاً در فکر شعر نبودم . از ایران که رفتم شعر تمام شد چون اصلاً وقت آنرا نداشتم . وترسی که وجود داشت از اشکالهایی که بر سر راه نقاشی داشتم دیگر اجازه نمی داد به هیچ چیز دیگری فکر کنم . اولین نمایشی که دادم ، در حدود سال ۱۳۳۰ بود و تا آن سال من راه و هدف مشخصی در نقاشی نداشتم . اگرچه با معلمی و مدرسه یی سروکار نداشتم اما دائماً در حال جستجو و تجزیه و تحلیل نقاشی بودم . فرم نقاشی من خیلی دیر به دست آمد . واقعا تا مدت ها نمی توانستم بین يك طرح خوبی که در روزنامه چاپ شده بود و کار مثلاً نقاشی مثل «نران» فرقی قایل شوم . از نران خوشم می آمد و از توانایی آن کسی که آن اعلان روزنامه را هم ساخته بود تعجب می کردم ، این نشان می دهد که چقدر گم بودم .

تلاش - آیا حالا می توانید این تفاوت را حس کنید و دلیل آنها را بشناسید ؟

منوچهر یکتایی - به آن صورت صد درصد در حال حاضر هم نمی دانم ، ولی همین قدر می دانم که بعد از این همه سال که به کارهای نران نگاه کرده ام هنوز می توانم با لذت به آن نگاه کنم ولی به دیدن آن یکی میل ندارم . و این یکی از ملاک های تشخیص هنری است ، برای من ، که همه چیز را از نظر خودم قضاوت می کنم . هیچ کاری ندارم به اینکه هنر چگونه به وجود می آید و چگونه شناخته می شود و چگونه باید شناخته بشود و چه کسی آنرا می شناسد . چیزی که به درد من نخورد آن چیزی است که من احتیاجی به نگاه کردن آن نداشته باشم . و آنرا بتوانم به دور بیاندازم .

به طرف نقاشی رفتم دیگر نمی توانم اصلاً شعر بگویم و حتی خواندن شعر هم ناراحت می کند . چرا که دیگر با زبان کاری ندارم و آنرا به کناری می گذارم فقط گاهی چیزهایی راجع به نقاشی می خوانم و آن هم از این لحاظ است که حس می کنم باید آنها را بخوانم . حقیقت بگویم در نقاشی من کمتر چیزی خوانده ام که لازم بوده می خواندم . فقط گاهی می خوانم تا راهی باشد که شاید روزی به چیزی برسم .

تلاش - پس شما با چند کاره بودن يك هنرمند در هر حال موافق نیستید و آنرا قبول ندارید ، اینکه گفته می شود مثلاً کسی با سینما شعر می نویسد و یا شاعری در شعرش نقاشی می کند به نظر شما واقعیت ندارد ؟

منوچهر یکتایی - من نمی توانم بگویم موافق نیستم ، با توانایی دیگران می توانند این کار ها را بکنند . کسانی هستند که این نوع کار کرده اند و خیلی توانا بوده اند . اما من آن کس نیستم و نمی توانم . من به اندازه یی خودم را محدود می بینم ، در انجام دادن کار های مختلف ، که واقعا به خودم اجازه انجام کار های مختلف با هم را نمی دهم . من هیچ توانایی بایک دست چند هندوانه برداشتن را ندارم . دروغ نمی گویم ، خیلی دلم هم می خواهد که اینکار را بکنم .

تلاش - يك هنرمند ، مسلماً می تواند در همه کاری موفق باشد بنابراین يك هنرمند می تواند کار های متعدد داشته باشد ولی آن محدودیتی که شما نام بردید فکر می کنم هر هنرمند مجبور است به آن معترف باشد چرا که با این محدودیت به کار خودش و به هنر خودش شکل و جلوه بیشتری می بخشد .

منوچهر یکتایی - اما من خودم راز یاد هم محدود نمی کنم . حقیقتاً نمی خواهم نه نقاش و نه شاعر باشم . نه این و نه آن من سعی در نقاش بودن ندارم . ولی در توانم نیست که نقاش نباشم . بعد از دو روز که در دوره نقاشی هستم مجبورم که تابلویی را شروع کنم . همینطور با شعر ...

تلاش - از چه سنی به نقاشی جدی پرداختید ؟

منوچهر یکتایی - از هیجده سالگی شروع

منوچهر یکتایی - حرف های من در مورد هنر هنوز واقعا آنطور که باید شکل نگرفته است که با توجه به آن شکل من بتوانم نظری در مورد هنر بیان کنم ، ولی به هر حال چون دیدم که حرف هایمان به طور مستقیم به شعر مربوط نمی شود . اشکالی ندیدم که درباره آن صحبت کنم . البته اگر مستقیماً راجع به شعر صحبت می کردیم و سؤالی مطرح می شد ، بهترین جواب که من فکر می کنم وجود دارد خود «شعر» بود . یکی از سؤالات مثل اینکه این بود ، من خودم را نقاشتر می دانم یا شاعر تر ؟ باید بگویم در حقیقت خیلی مشکل است که جوابی درست بدهم ، برای اینکه من در نقاشی راحت تر هستم ، برای اینکه وقت زیاد تر می خواهد و زندگی مرا اداره می کند .

تلاش - از نظر اقتصادی می گوئید ؟
 منوچهر یکتایی - بله ، از نظر گذران زندگی . من در ابتدا فکر می کردم شاعر هستم ، ولی وقتی شروع به نقاشی کردم برای سالها فراموش کردم می توانم شعر بگویم و یا اصلاً قوه شاعری در من وجود دارد ؛ به طور کلی آنرا فراموش کردم . برای اینکه به اندازه یی این زبان تازه برایم مشکل بود و به الفبای آن نا آشنا بودم که فرا گرفتن آن همه وقت مرا گرفت . و پس از مدت ها برای اولین باری که من نمایشگاهی گذاشتم يك مرتبه همینطور شروع کردم به شعر گفتن . اصلاً تعجب می کردم که این از کجا آمد و از آمدنش لذت بردم ... البته قبلاً شعر چاپ کرده بودم ولی دیگر فکر می کردم تمام شده است . بعد ها متوجه شدم که نمی توانم همان موقع که نقاشی می کنم با شعر هم کار داشته باشم و یاد گرفتم که این خیلی جدی تر از همه آنچه من خیال می کردم است و هر چه در کار خود پیش رفتم متوجه شدم که نمی توانم تشخیص بدهم کدام يك از این دو را ترجیح می دهم . ولی اینقدر می دانم که هر دو کار را باید بکنم . مثلاً یک دفعه در نقاشی کردن وقفه می افتد و به طور کلی طرز فکر و حال عوض می شود و آنوقت شعر شروع می شود . و این دوره حتی شش ماه تا یکسال طول می کشد و من تمام وقتم را برای شعر می گذارم و از نقاشی دور می افتم . و وقتی هم که جدی

تلاش - آیا به نظر شما محیط هنری آمریکا در آن زمان که شما وارد آن شدید تاکنون تغییری کرده است، از نظر به وجود آوردن مکتبهای اصیل هنری و گشایشهایی که لازمه محیطهای هنری است؟

منوچهر یکتایی - البته محیط هنری آمریکا دائماً در حال تغییر است.

تلاش - منظور بیشتر بازار هنر نبود. بلکه آن گوهر واقعی هنر را باید تحلیل کرد. به نظر شما این سروصداهایی که به راه افتاده در مورد اینکه مرکزیت هنری از پاریس به نیویورک منتقل شده واقعیت دارد؟

منوچهر یکتایی - این که مسلم است. تلاش - چطور می توانید آنرا توضیح بدهید؟

منوچهر یکتایی - در زندگی خود من این مسأله روشن شد. من از ایران که خارج شدم تنها هدفم این بود که پس از پایان جنگ از آمریکا به پاریس بروم و تحصیل نقاشی کنم. برای من آمریکا وجود نداشت و فقط هدفم فرانسه بود.

یکسالی در آمریکا ماندم جنگ که تمام شد به کمک سفیر ایران و سفیر فرانسه من ویزا گرفتم (چون خود فرانسویان غذا نداشتند و محصل نمی خواستند) در هر حال به من اجازه مخصوص دادند و من به پاریس رفتم بعد از سه چهار ماه آرزویم این بود که از فرانسه فرار کنم و به آمریکا بروم. به اندازه بی فقر هنری در پاریس بود که مرا اذیت می کرد. تلاش - این فقر هنری بود که شما را اذیت می کرد یا فقر اقتصادی. شاید همانطور که خودتان گفتید از بی غذایی در فرانسه ناراحت شدید؟

منوچهر یکتایی - من همیشه از غذا نخوردن بیشتر لذت برده ام تا خوردن، آنقدر باشد که انسان سیر باشد، اشکال من هیچ وقت گرسنگی نبود. لااقل در آمریکا بیشتر گرسنگی می کشیدم تا در فرانسه. در آنجا باز دولت به محصلین توجه داشت ولی در آمریکا اینهم نبود.

تلاش - در همان دوره جنگ تمام هنرمندان واقعی آمریکا، در پاریس زندگی می کردند آیا آنها از آمریکا فرار کرده بودند؟

منوچهر یکتایی - من با آنها کاری ندارم. توجه کنید که در آن زمان من محصل بودم. زندگی من در همه جا یکجور بود. زندگی من با «همینگوی» و یا «گرمتر» تفاوت داشت. آنها در نهایت رفاه بودند. سالن داشتند و در تجمّل زندگی می کردند و رفاه از آنها گرفته شد. ولی من محصل بودم. فرانسه برای من بسیار ثروتمندتر بود چون با همان مقدار پولی که در آمریکا داشتم در فرانسه بهتر زندگی می کردم. اشکال من

در فرانسه فقر هنری و نبودن زمینه های نو در هنر بود. جوانها هنوز چنانکه باید در پی هنر نبودند. هنر هنوز ماتیس و پیکاسو بود. در آمریکا هم هیچ چیز نبود. ولی من حس کردم که با این آزادی و گشایش و بی نیازی که من در آمریکا شروع کرده بودم بهتر می توانم با آنها آشنا بشوم. این شاید می توانست وسعتی در هنر من به وجود بیاورد که در آن موقع فرانسه نمی توانست اینکار را بکند این بود که میل داشتم به طرف آمریکا برگردم. وقتی برگشتم دیدم که نوع کارهایی که از فرانسه دیده بودم و از فرانسه می آمد نشان می دهد که ریشه آنها با گذشته بریده شده است. درحالی که در آمریکا یک استیل خاص که هنوز معلوم نبود چیست ولی به سرعت داشت رشد می کرد وجود داشت. در میان هنرمندانی که در این راه گام می زدند من هم حضور داشتم و نقشی به عهده گرفته بودم. بعدها شروع شد به این که گفته شود مرکزیت هنر از فرانسه به آمریکا انتقال می یابد و خود هنرمندان فرانسوی هم احتیاج پیدا کردند کارهایشان را در آمریکا نمایش دهند. نه از نظر اقتصادی بلکه از نظر اینکه جوان فرانسوی احتیاج داشت خودش را به نقاشی آمریکایی بشناساند. از نظر اقتصادی هنوز هم کلکسیونرهای پولدار آمریکا در فرانسه خرید می کردند و در آمریکا نمایش هنر خریدار زیاد نداشت. بعداً به طور طبیعی پول هم از فرانسه رفت؛ یعنی یک ترتیبی بین کلکسیونر های آمریکایی پیدا شد که دیگر حس کردند باید تابلو راهنمای از پشت دیوار خانه شان تهیه کنند. و همین باعث کساد بازار هنر در بازار پاریس شد. شاید هم واقعاً قبل از این که آمریکا مرکز هنر بشود، مجبور بشود به یک مرکز دیگر فکر کند. انشاءاله به تهران باید.

تلاش - آیا آن روحیه عرفانی و شرقی که در شما بود، در برخورد با دنیای مدرن و تازه تغییر شکل پیدا کرد یا در همان سیر تأثیرهای تازه بی پذیرفت؟ به عنوان یک هنرمند شرقی برخورد با نظام اجتماعی تازه چگونه بود؟

منوچهر یکتایی - البته من از آن دنیا خیلی تعجب کردم اما من تا اندازه بی مجبور بودم آن شخصیت را که در خودم می شناختم همیشه قبول داشتم تا با آن کار کنم و فکر می کنم هر کسی تا اندازه بی مجبور است. نمی شود یک مرتبه تصمیم گرفت که یکجور دیگر شد. به این آسانی هم نیست که آدم بتواند با تصمیم، این خصوصیات و شخصیت های واقعی را نگهدارد. من نمی خواهم امتیازی به دست آورم اگر خصال شرقی خودم را حفظ کرده ام، این بوده ام و این برایم مانده است. خودم هم حس می کنم که بیشتر یک هنرمند

شرقی هستم. ولی به هر حال فکر نمی کنم این خصوصیات یک شاعر و یا یک هنرمند به عنوان استفاده دایمی از آنها مطرح باشد. اصلاً فکر نمی کنم که یک چیز خاص را باید مورد نظر داشت و آنرا نقاشی کرد و یا درباره اش شعر گفت. من از شعر بعضی شاعران بسیار خوشم می آید ولی اصلاً نمی دانم زمینه حسی و عقلی هر کدام آنها چه بوده است. من مسلماً هم نمی توانم بگویم وقتی به آمریکا رفتم یک وضعیت یا حالت کاملاً شناخته و معلوم داشتم. یک مقدار طبیعت این وضع شرقی بودن در من بوده چون در آن به وجود آمده و پرورش یافته ام و یک مقدار هم آنجا کسب کرده ام. ولی اینکه سد بندی کرده باشم در جلوی آن فرهنگ و هنر هیچ اینطور نیست.

تلاش - آن ناآگاهی که شما می گوئید و منشاء بیشتر آفرینندگی هاست، کاملاً قابل قبول و روشن است. اینکه شما واقعاً ندانید چه می خواهید بکشید و یکباره آنرا نقاشی کنید و یا ندانید که چه بگوئید و یکباره شعر بنویسید. اینرا به عنوان الهام هنری می توان پذیرفت.

منوچهر یکتایی - واقعاً اینکه در مورد معنی هنرها بحث کنیم و بعداً اگر به یک نتیجه برسیم اسم یک هنری را روی خودمان بگذاریم صحیح تر است من هم خودم را شاعر و نقاش نمی دانم، دیگران می خواهند مرا اینطور بشناسند، خوب من هم حرفی ندارم. برای خود من در باطنم چیزی مطرح است و به اصطلاح مشکلی دارم و می خواهم آنرا با سرانگشت هنر بشکافم و حل کنم، زندگی مرا این مشکل و راه گشودن آن تشکیل می دهد و صورت می بخشد.

تلاش - این فرم آیا انتخاب شده نبود. یعنی آیا شما به سادگی نمی توانستید به جای نقاشی و شاعری مثلاً یک کارمند دولت و یا یک مهندس شیمی باشید؟

منوچهر یکتایی - فخر اصلاً انتخاب مطرح نبود، من مثلاً اینکه اسیر شدم، درست مثل ماهی که به قلاب بیفتد، البته اگر ماهی توانا تر باشد می زند و از قلاب بیرون می رود. ولی این اتفاق کمتر می افتد و بیشتر، ماهی به خاک می افتد و هلاک می شود.

تلاش - پس شما به یک نیروی برتر و نیز به حقانیت همان قلاب که گفتید معتقد هستید؟

منوچهر یکتایی - شب بود. یک نفر گفت من می خواهم نقاشی کنم. یک نفر دیگر گفت از روی چه چیزی؟ حرف ادامه پیدا کرد. یکدفعه گوش من باز شد. ناگهان فهمیدم که ساعتهاست درباره نقاشی حرف می زنم و تا امروز من به آن صورت نمی دانستم نقاشی چیست! یک کار اریژینال ندیده بودم. موزه که نداشتیم،

نقاش که نداشتم ، اسمهای نقاشانی هم که به گوش من خورده بود مثل : کمال الملک ، اصلا من متوجه نشده بودم ، این اولین بار بود که به صورت جدی با نقاشی روبرو می شدم . وسط زندگی تحصیلی من بود . صحبتی شروع شد و نصف حرفها را هم من زدم ، که اصلا نمی دانم چطور به خودم اجازه اینکار را دادم آن شخص نقاش هم از بس نشسته حرف تازه بود که حرفهای مرا قبول کرد و ما با هم دوست شدیم ، وقتی آن شب از او جدا شدم تا صبح در خیابان راه رفتم و فکر کردم من به خودی خود نقاش شده ام . و فردا به مدرسه نرفتم ! منظورم از قلاب این بود . یکدفعه متوجه نقاشی شدم اصلا نمی دانستم که می توانم نقاش باشم یا خیر . فکر می کردم دنیا تمام شده است . احساس پیری می کردم . همه چیز برایم دگرگون شده بود و وقتی به امری فکر می کردم دیگر به اندازه یی در این راه غرق شدم نه برای هیچ چیز دیگری جا نبود ، حتی اصلا فکر نمی کردم شعری باشد و وقتی پس از مدتها اولین شعرم را نوشتم ، حس کردم که چیز دیگری هم وجود دارد که می توانم آنرا بخوانم و حس کنم .

تلاش - آیا اگر بتوان مرز بین این دو دنیای بزرگ ؛ نقاشی و شعر را مشخص و حدود هر کدام را تعیین کرد می توان به شناختی ژرف و عمیق از درون انسان و جان و روان او نائل شد ؟

منوچهر یکتایی - من خیلی متشکرم که اینقدر این مسأله برای شما مهم است . ولی اصولا فکر نمی کنم زیاد به این شناخت نیازی باشد .

تلاش - چرا نیاز هست . خود شما گفتید که هنر يك مشکل است که باید آنرا حل کرد .

فکر می کنم هر مشکل هم به هر حال تعریف خاصی داشته باشد . گفتید یکنفر چیزی گفت و شما فهمیدید نقاش هستید من فکر نمی کنم به شما چیزی گفته باشد تا شما خودتان را شاعر دانسته باشید این حس است که در خون هر ایرانی کم و بیش وجود دارد .

منوچهر یکتایی - آنرا حس می کنم تا اندازه یی نتیجه نوع تربیت مادرم باشد . شاید با نادانی و یا دانایی نوع خودش ، مرا مجبور به تعمق و اندیشه می کرد . وقتی ما از دهی به ده دیگر می رفتیم در بیابان همیشه مرا تنها می گذاشت ، چون قدمهایش بلندتر بود جلوتر می رفت . سایه اش را از جلو می دیدم . من بر سر آب می نشستم ، گل جمع می کردم . آزاد می گذاشت تا زندگی کنم و زندگی را یاد بگیرم در آخر بیابان که وارد ده می شدیم می ایستاد ، به اصطلاح ، مرا جمع کند و به خانه ببرد . بدین ترتیب من عالمی داشتم از احساس و اندیشه ؛ آری لذتی بسیار روحانی داشتم . یاد می آید که در ۸ سالگی شعر می نوشتم . در کلاس چهارم ابتدایی یادم هست که سوژه انشاء را ننوشتم . نزدیک بود از مدرسه بیرونم کنند پرسیدند چرا انشاء ننوشتی ؟ گفتم چیزی ننوشتام اما « سخاوت » و « شجاعت » از نوع سوژه هایی که معلمان دادند نیست . گفتند بخوانم . خواندم و به چشم معلم اشک آمد . موضوع دختری مرده بوده و ده ها بود و دهقانان . از آن بعد زنگهای انشاء همه مدرسه جمع می شدند که من انشاء آزاد را بخوانم . انشاء آزاد من شعر بود . چون وزن نداشتم من به آن شعر می گفتم گاهی هم که مرا مسخره می کردند ، مقدمه گلستان سعدی را شاهد می آوردم که وزن ندارد ولی شعر است .

بعدها هم که چندین قطعه در اطلاعات هفتگی آن زمان از من به چاپ رسید گاه بالای آن می نوشتند شعر از او و یا شعر سپید و یا از این قبیل ، سالهای ۱۳۲۰ یا ۱۳۲۱ بود . تلاش - آیا در آنموقع شعر می خواندید ؟

منوچهر یکتایی - بله ، شعر زیاد می خواندم به خصوص به نظامی زیاد علاقه داشتم . و شعرهایش را حفظ بودم بعد ناصر خسرو و منوچهری و مولوی را هم بسیار می پسندیدم . تلاش - آیا دلیل خاصی برای در وزن نوشتن داشتید ؟

منوچهر یکتایی - من از وزن بدم می آمد . ولی امروز بدم نمی آید . از آن وزن شناخته شده بسیار بدم می آمد برای اینکه يك اجباری حس می کردم . يك حرفی در آن وزن زده شده بود و دو مرتبه يك حرفهای دیگر تکراری و یا ناصحیح را در آن وزن زدن دیگر غلط بود . یکی از این دو ضرر می دید ، یا وزن و یا موضوع ، وانگهی در آن سن من از مقدمه گلستان خوشم می آمد که وزن نداشتم . دیگر اینکه در آنموقع در یکی از مجلات ترجمه شعری خواندم از « هاینریش هاینه » شاعر آلمانی ، که خیلی خوشم آمد . دو یا سه خط آن واقعا به من حال داده بود شاید تاثیر شعر هاینه حتی بیشتر از سعدی بود . ولی من برای اینکه جلوی اعتراض بچه های مدرسه را بگیرم می گفتم مقدمه گلستان شعر است . همچنین باید بگویم در آنموقع از شعرهای عشقی من خیلی خوشم می آمد تازه برایم خواندن کتابهایش خیلی مشکل بود . در یکی از شعرهای او که الان یادم نیست یکدفعه وزن عوض می شود ، این عوض شدن وزن يك شور و حالی به من داده .



بود که نمی‌توانم آنرا تشریح کنم این لذت آن احتیاج واقعی به وزن بود.

تلاش - در آن زمان آیا خبری و نامی از نیما اسفندیاری بود یا خیر ؟

منوچهر یکتایی - نخیر نیما اصلاً کتابی نداشت. من اولین دفعه‌ای که با شعر نیما آشنا شدم، یک رفیق کمپوزیتور داشتم به نام حسینی، با او در سالهای ۴۲ یا ۴۳ آشنا بودم الان در واشنگتن است. این شخص روزی من را به مدرسه موسیقی برد و ۹ جلد مجله موسیقی به من داد دیگر این مجله منتشر نمی‌شود من در آن مجله‌ها با شعر نیما آشنا شدم. خیلی مشکل می‌توانستم آنها را بخوانم. اصلاً نمی‌فهمیدم آنها فارسی است یا خارجی ولی از شعر او بسیار خوشم آمد.

تلاش - در حال حاضر چه احساسی نسبت به نیما دارید ؟

منوچهر یکتایی - همانجور که آنوقت بود. نیما را چون من شاعر می‌دانم دوست دارم و هیچوقت از شعرش خسته نمی‌شوم. مولوی را هم من هنوز بهترین شاعر می‌دانم همانطور که نیما را.

تلاش - شعر خودتان را به شعر چه شاعری نزدیکتر می‌دانید ؟

منوچهر یکتایی - به این سؤال من نمی‌توانم جواب بدهم. برای اینکه مقایسه نکرده‌ام و تازه اگر مقایسه هم بکنم این قدرت تحقیقی در من نیست. این بادیگران است که آنرا بناسند.

تلاش - شعر های شما بیشتر جنبه گفت و گو و مکالمه دارد. اینطور نیست ؟

منوچهر یکتایی - واقعا من تابه حال متوجه این مطلب نشده‌ام. شما الان دارید این را می‌گویید. ولی مثل اینکه واقعا در آنها گفتگو زیاد است. بخصوص الان که دیگر همه شعرهای من داستان شده است. ولی فکر می‌کنم شعرهایی هم داشته باشم که در آن داستانی وجود نداشته باشد.

تلاش - در دوره‌هایی مختلف، شعرهایی در کلاس های مختلف سروده‌اید یا همیشه از يك مبحث و موضوع سخن رانده‌اید ؟

منوچهر یکتایی - نه، در دوره های مختلف کارهای مختلفی کرده‌ام. شعر های بعضی دوره‌ها را، مثلاً سه یا چهار سال را تماماً و بکلی از بین برده‌ام برای اینکه بعد از مدتی از آنها خوشم نیامده است. زیرا در زمانهای مختلف حالات گوناگون داشته‌ام که یکی با دیگری موافق و یکنواخت نبوده است.

تلاش - شما آنچنان از هنر به آن صورت طبیعی و بدوی آن صحبت می‌کنید که فرصت کمی فنی‌تر و تکنیکی‌تر صحبت کردن در باره هنر را نمی‌دهید ...

منوچهر یکتایی - از نظر من واقعا بیهوده است که ما بنشینیم و مثلاً از بافت زبان در

شعر صحبت کنیم. برای اینکه چیزی عاید من نمی‌شود و چیزی هم ندارم که بگویم. من از روشنفکری در هنر زیاد خوشم نمی‌آید. البته کسانی هستند که عقاید بی‌اندازه جالب دارند و می‌توانند شب و روز راجع به سوزهای مختلف زبان و مکث و وزن و موسیقی صحبت کنند. ولی من دوست ندارم اصولاً اینطور صحبت کنم. من اصولاً این را انتخاب نکرده‌ام چیزی هست یا قبول خواهند کرد و یا نخواهند کرد. و من دوست ندارم زیاد درباره آن تبلیغ و یا تکذیب کنم.

تلاش - در شما اصولاً يك حالت « انتقاد از خود » وجود دارد ؟

منوچهر یکتایی - چرا، البته مثل مقاله‌یی نیست که من دارم آنرا می‌خوانم، يك روح انتقادی در کارم وجود دارد. و این را دایماً انجام می‌دهم و دقیقه‌یی از آن رهایی ندارم. برای اینکه واقعا از زندگی چیز دیگری نمی‌شناسم. اگر دیگران عقیده دارند که باید زندگی کرد و شعر نوشت، من اصلاً زندگی نکرده‌ام، اصلاً هیچ. عمرم را فقط روی نقاشی و شعر گذاشتم. شاید توانایی کار دیگر را ندارم. و وقتی باین زمینه که اینقدر تاریک و درخاور است، اسم شاعری و هنرمندی روی خود بگذارم و کاری را و عقیده‌یی ارائه کنم که دیگران از آن چیزی بفهمند، که خود من هنوز چیزی نفهمیده‌ام، صداقتی ندارد.

تلاش - شما باید لااقل به دیگران حق بدهید که درباره کار شما اظهار نظر کنند.

و وقتی شما اینقدر دقیق حتی به خودتان حق اظهار نظر درباره کارتان نمی‌دهید. چطور به دیگران اجازه این کار را خواهید داد ؟

منوچهر یکتایی - نه اتفاقاً به دیگران حق می‌دهم. خیلی هم اینکار را صحیح می‌دانم. اما من آنرا قبول ندارم. در شعرم نمی‌گویم، چون تا به حال شناخته نشده است و حرفی درباره آن نزده‌اند اما در نقاشی وقتی اولین انتقاد از من بیرون آمد خیلی میل داشتم آنرا بخوانم. چون می‌خواستم از آن چیزی یاد بگیرم.

تلاش - آیا چیزی یاد گرفتید ؟

منوچهر یکتایی - نخیر، چون دیدم فقط آن شخص نویسندگی کرده است. از این لحاظ که عوض اینکه داستان بنویسد درباره نقاشی صحبت کرده و نوشته به او امتیازی هم دادم، ولی اینکه آن چیزی را که درباره آن نوشته، فهمیده باشد، تردید دارم.

تلاش - شما می‌گویید خودتان نمی‌دانید چه می‌خواهید بگویید، پس چطور از آن مقاله حس کردید که آن چیزی را که شما می‌خواستید بفهمید ؟

منوچهر یکتایی - در تمام حرفهای من به نظر می‌آید که يك تناقض باشد اما اگر ما پنجسال مثلاً بنشینیم و باهم صحبت کنیم و

همدیگر را خوب بشناسیم، خواهید فهمید که تناقض به آن ترتیب نیست. آن چیزی که من گفتم درباره هنرم نمی‌شناسم، آن چیزی نبود که من حس می‌کنم. مثلاً من تابلویی ساختم و آنرا نمی‌فهمم، این خودش یکنوع فهمی است اما اجازه داده‌ام آن تابلو بماند. زیرا آنرا هم امضاء کرده‌ام. بعد بالاخره تصمیم می‌گیرم که آن تابلو را نشان بدهم. هنوز تابلو تمام نیست چون خود من آنرا نفهمیده‌ام. کسی می‌آید و تابلویی را که سبز است و من متوجه سبز بودن آن نشده‌ام می‌گوید قرمز است، خوب من می‌آیم و دو باره به تابلو نگاه می‌کنم چون حس می‌کنم که مساله مورد نیاز من آن نبوده است که او می‌گوید، یا می‌گوید خط قسمت بالا تابلورا شکافته و در پایین تابلو يك سطح زرد خوابانده است. من می‌بینم که باز سؤال یا مشکل من این نبوده است. آن زردی که در پایین تابلو است به اسم زردی نیامده است. خودم هم نمی‌فهمم که آن زردی چه به من می‌گوید، ولی این را می‌دانم که آن چیزی هم که او می‌گوید نیست. در این صورت است که من ناراحت می‌شوم، چون از او من توقع فهم دارم. از خود ندارم. چون می‌بینم چیزی از او یاد نمی‌گیرم دلگیر می‌شوم. حالا دیگر سالهاست که من کرتیک هایم را هم نمی‌خوانم. برای اینکه وقتی آنرا بشکافی می‌بینی یا از اشکالات خودش حرف می‌زند و یا از چیزهای دیگر می‌گوید. به همین دلیل من حرف زیادی ندارم بزنم.

تلاش - خودتان گفتید در این مدت ۸،۷ ماهی که در تهران هستید مثل اینکه ماهی ۲ تابلو ساخته‌اید و مقداری شعر نوشته‌اید. شما آدم پرکاری هستید.

منوچهر یکتایی - نه، من الان واقعا ناراحتم، چون به آن صورت همیشگی کار نکرده‌ام. این چند تابلو کاری نیست که هفت ماه مرا جواب بگوید، البته کسانی هم هستند که در شش ماه يك تابلو می‌کشند، ولی من باید بیشتر کار کنم، چون نوع کارم جوری دیگر است. در گذشته خیلی بیشتر کار می‌کردم، دو ساعت در مقابل يك بوم سفید نمی‌توانستم بایستم، اما حالا يك ماه در مقابل يك بوم سفید باید بایستم و تأمل کنم تا جرات نقاشی پیدا کنم.

تلاش - آیا این ناشی از يك دریافت ژرف و هنرمندانه نیست ؟

منوچهر یکتایی - زمان گذشته است و تردیدم زیاده‌تر شده است.

تلاش - اصولاً رابطه هنرتان را با مردم چطور توجیه می‌کنید ؟

منوچهر یکتایی - من واقعا در زندگی عمومی خودم درباره مردم کمتر حرف می‌

زنم و فکر می‌کنم ، در حالیکه شرم پراز
حرفهای مردم است. من واقعا کاری به کار
اجتماع ندارم. اصلا من اجتماع را نمی‌فهمم.
ولی وقتی شرم را می‌نویسم می‌بینم درباره
همسایه‌ام صحبت کرده‌ام و درباره یکی خوب
و درباره آن دیگری بد گفته‌ام .

بچه‌اش را می‌کشم و خودش را می‌بوسم
ودفعه دیگر خودش را می‌کشم و بچه‌اش را
نگه‌میدارم . اصلا نمی‌فهمم با اجتماع چکار
دارم. با اجتماعی که قسمتی از آن نیستم .
ولی وقتی اسم شعر می‌آید دیگر همه مسایل
در آن می‌گنجد.

گوش‌دار به من

بگیر گل در حلقم

خاک ریز به چشمم

تکه تکه لگدمال کن امیدهام را

بکن هرچه نمی‌کنند - بکن همه‌را

از تو

به‌چوب چلیپا

بکوب با چهار میخ

ولی نگذرتکوفته در خانه‌ام

نگونیستی

نگو ندیدمت

اینجام و می‌گویمت

نگونیستی

نگوشنیدمت

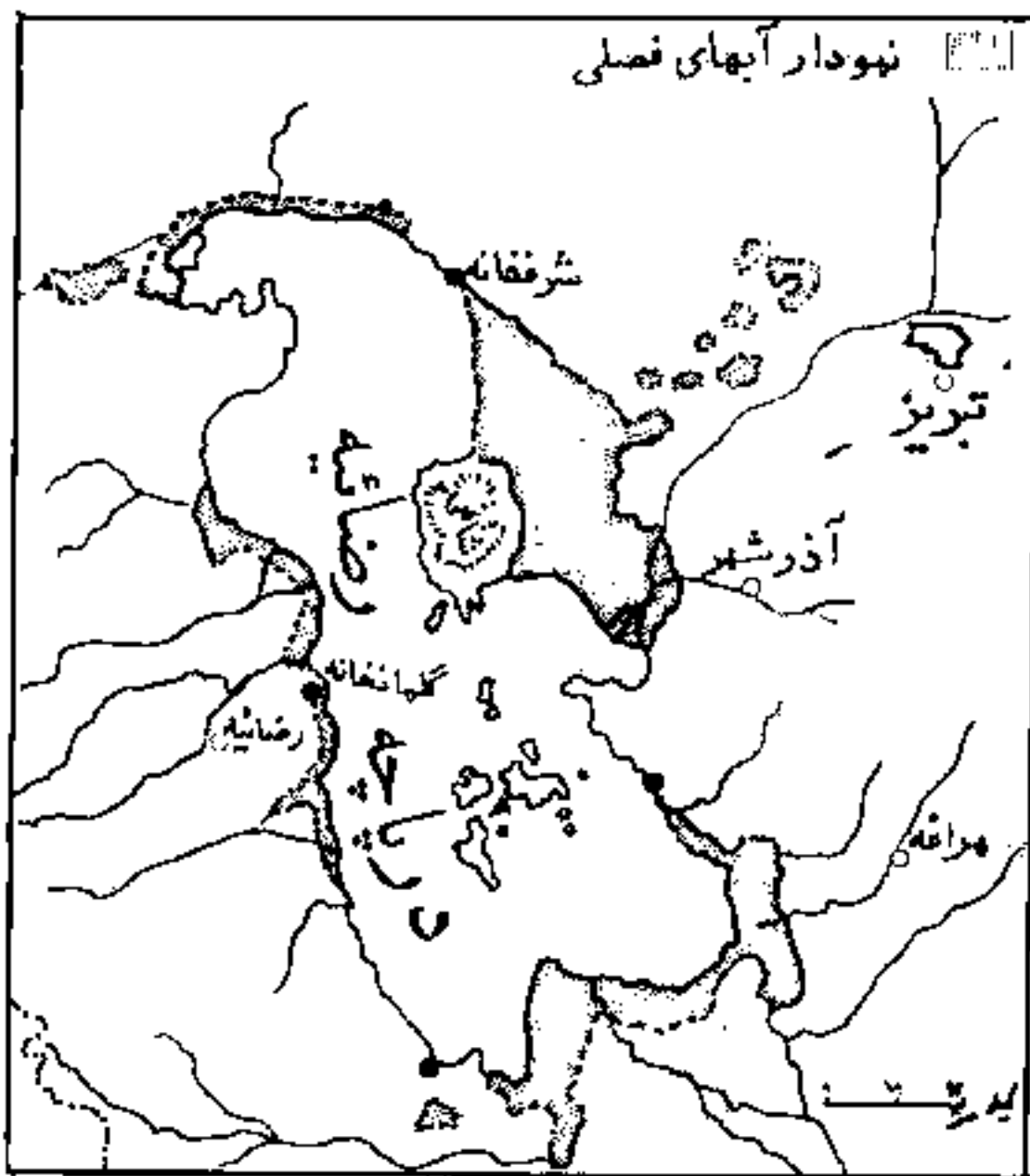
۱۹۵۷ - ورمونت



تنها جزیره‌ای که در تمام سال دارای آب شیرین است جزیره قویون داغی کوه گوسفند

در دریاچه رضائیه ۵۶ جزیره کوچک و بزرگ دیده می‌شود که از میان آنها آرزو، اسپیر و اشک داغی از همه بزرگتر است و بزرگترین آنها قویون داغی است.

محل این دو آب میعادگاه حیوانات جزیره است. رضائیه مطالبی گفته شده و شرایط و موقعیت بخصوص آن یادآور شود.



های شنبه برای تعویض این مامورین کشتی به جزیره می‌رود بنابراین در ضمن هفته مامورین و کسانی که به این جزیره وارد می‌شوند از لحاظ آمد و رفت بهیچوجه ارتباطی با دنیای خارج ندارند و تا هفته دیگر که کشتی به جزیره نزدیک می‌شود خواه ناخواه باید در جزیره مانده و در جوار وحوش که ساکنین دایمی این جزیره هستند بسر برند.

در هر حال یک هفته زندگی در قویون داغی مانند همه اوقات پرمشغله و خوش به سرعت سپری گردید و شنبه ۱۵ شهریور ساعت ده صبح کشتی شاهپور که سینه آب را می‌شکافت و بطرف قویون داغی نزدیک می‌شد از دور پدیدار گردید و سرانجام به جزیره رسید و دوران جدائی ما را از این جزیره جالب و دیدنی اعلام نمود. پس از ساعتی جزیره را پشت سر گذاشته بودیم و همه ما که خاطرات بسیار خوشی از این مسافرت داشتیم به جزیره که ازدور پیدا بود می‌نگریستیم.

جزیره قویون داغی

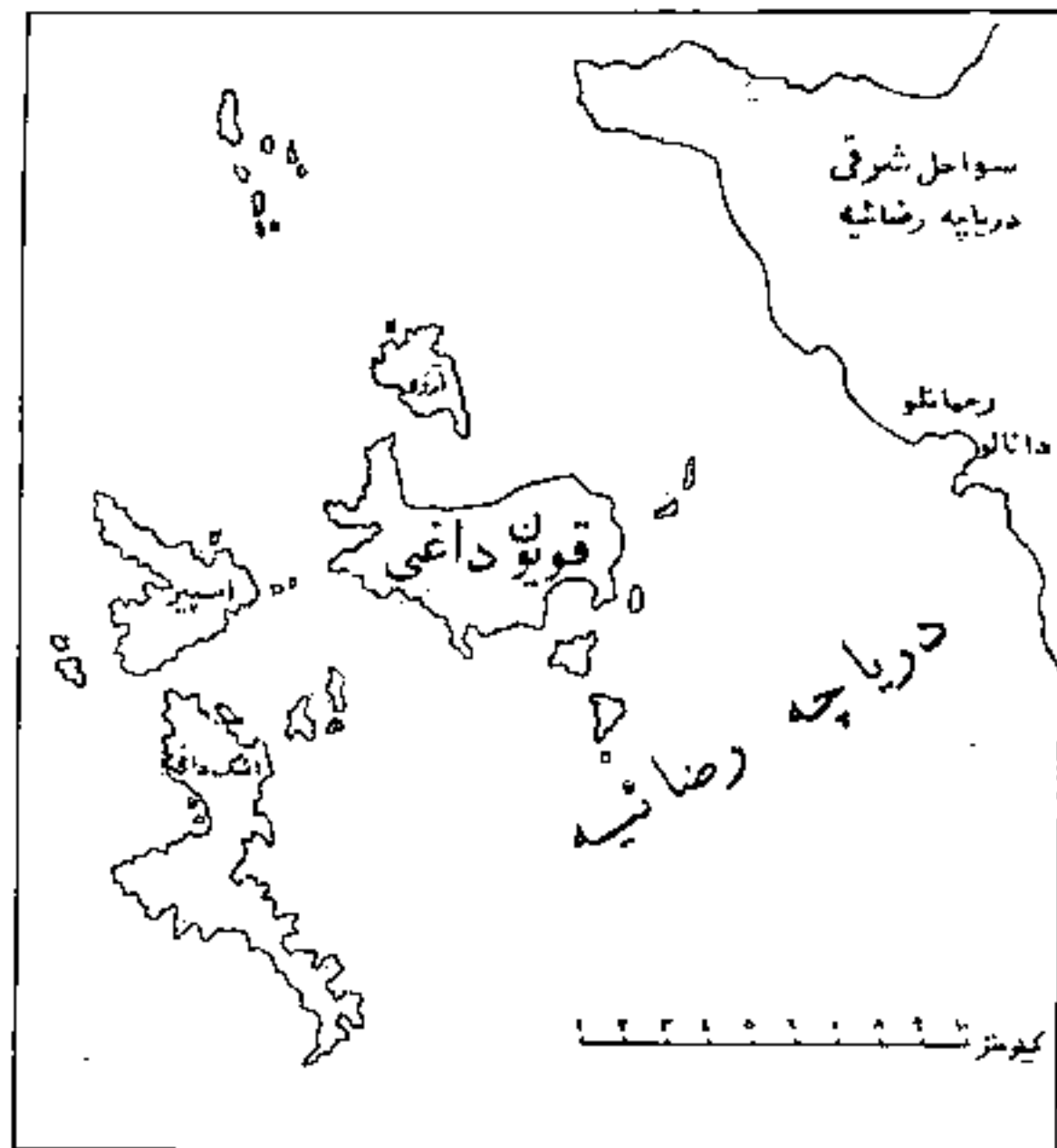
قویون داغی بزرگترین جزیره‌ای است که در دریاچه رضائیه قرار دارد و به سبب داشتن قوچ و میش وحشی فراوان مشهور گردیده است اسم آن «قویون داغی» که به ترکی بمعنی «کوه گوسفند» است (قویون - گوسفند و داغ - کوه) خود نشانه‌ای برای وجود گوسفند در این جزیره می‌باشد. اما اینکه نام گوسفند بعثت گله‌های گوسفند اهلی است که در این جزیره چرانیده می‌شده‌اند و یا حقیقتاً گوسفندان وحشی این جزیره بوجود آورنده چنین نامی هستند کاملاً روشن نیست ولی بنظر می‌رسد که حالت دوم به حقیقت نزدیکتر باشد.

قبل از شرح کلی جزیره قویون داغی لازم است که بطور مختصر درباره دریاچه

دریاچه جزیره قویون داغی و قوچ و میش وحشی آن مطالبی شنیده و خوانده بودم. از طرفی هم برحسب حرفه و اشتیاقی که برای دیدن و مطالعه وحوش مختلف و گوناگون دارم همواره در ذهنم بود که روزی بتوانم جزیره قویون داغی را از نزدیک به بینم. خوشبختانه در شهریور ماه امسال ماموریتی از طرف سازمان شکاربانی و نظارت برصید برای بازدید از جزیره و مطالعه آن بمن داده شد که مدت یک هفته در این جزیره بسر بردم و علاوه برمشاهدات و مطالعات لازم توانستم از طبیعت و مناظر زیبا و محیط مصفا و آرام آن لذت ببرم.

آنچه که در این نوشته از نظر خوانندگان عزیز تلاش می‌گذرد شرحی است در باره خود جزیره و وحوش آن بخصوص پرندگان و پستانداران و در باره گیاهان و پروانه‌ها و بعضی بی‌مهره‌گان دیگر.

بعد از آنکه وسایل کار و احتیاجات زندگی یک هفته در اداره شکاربانی و نظارت برصید رضائیه مهیا گردید صبح شنبه ۸ شهریور بوسیله کشتی ایران از بندر گلخانه که در ۲۱ کیلومتری شهر رضائیه واقع است بطرف قویون داغی حرکت کردیم و پس از طی ۲۵ ساعت راه به جزیره قویون داغی پیاده شدیم. بارو وسایل زندگی به خشکی منتقل گردید و کشتی جزیره را ترک نمود و برای مدت یک هفته رشته ارتباط ما با دنیای خارج از جزیره بریده شد. در این مورد لازم به توضیح است که جزیره قویون داغی وسایر جزایر حفاظت شده دریاچه رضائیه خالی از سکنه است هیچگونه رفت و آمد مداومی بر آنها صورت نمی‌گیرد فقط دو نفر از مامورین سازمان شکاربانی و نظارت برصید برای حفاظت و نظارت همیشه در این جزیره بسر می‌برند و هفته‌ای یک بار روز



دریاچه رضائیه در شمال غرب ایران قرار داشته و بزرگترین و مرتفع‌ترین دریاچه‌های ایران است. ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۱۲۶۵ متر و طول آن در حدود ۱۴۰ کیلومتر و بزرگترین عرض آن ۴۰ کیلومتر است آبهای سبلان و سهند از مشرق و جبال قره داغ از سمت شمال و ارتفاعات کردستان و کوه‌های چهل چشمه از غرب و جنوب به این دریاچه ریخته می‌شود. عمق متوسط دریاچه ۵ متر و حداکثر عمق در

حدود ۸ متر است تغییر سطح دریاچه در ایام سال کاملاً محسوس است. در ماه شهریور و مهر و آبان آب دریاچه کم می‌شود و در بهار بعثت ذوب برف و بارندگی زیاد سطح آب گاهی بیش از ۲ متر بالا می‌آید بنابراین سطح متوسط دریاچه که ۵۰۰۰ هزار کیلو متر مربع است گاهی به ۶۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد.

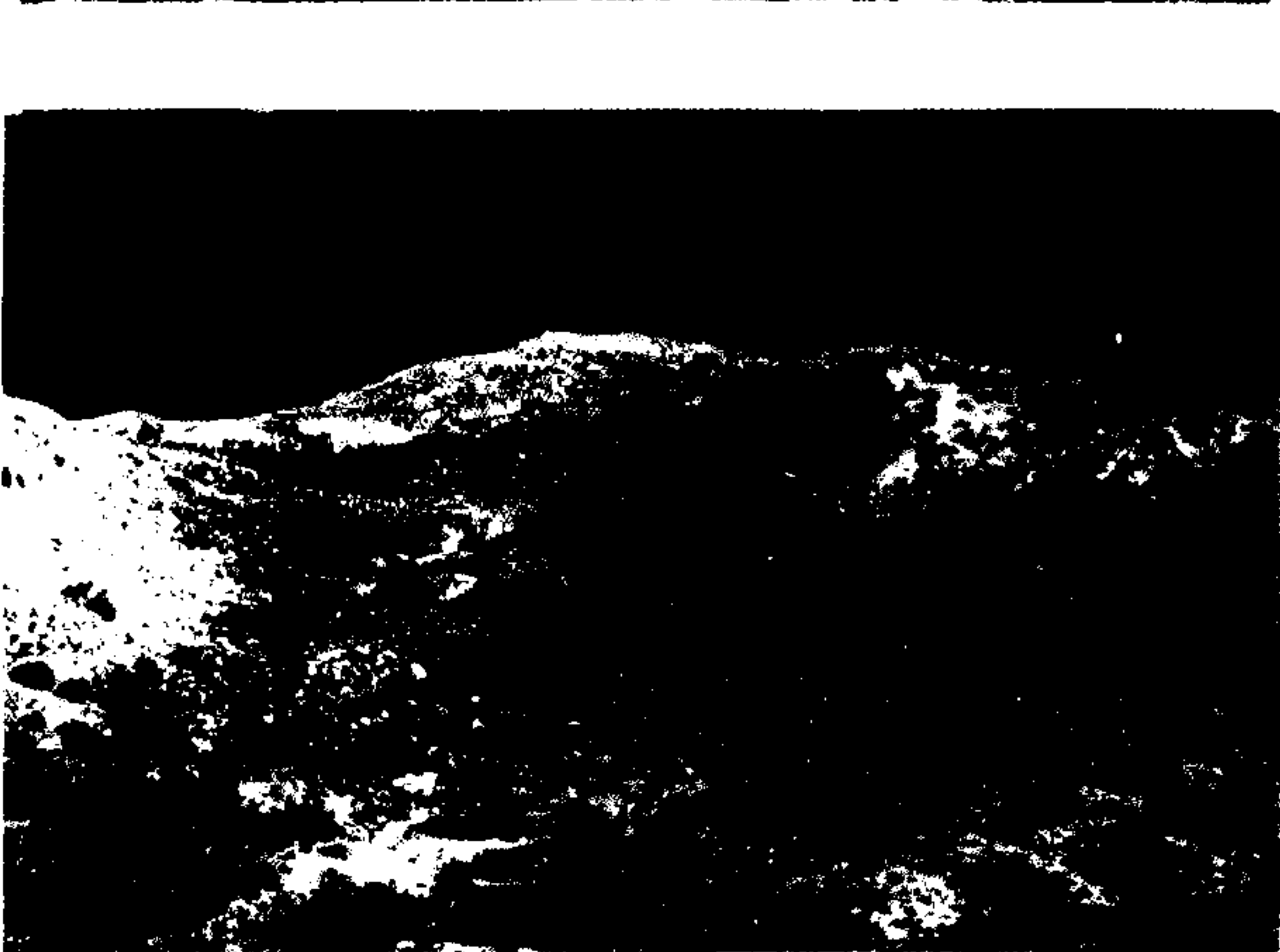
آب دریاچه اگر چه بسیار صاف و زلال است ولی به علت داشتن املاح فراوان در شمار پر نمک‌ترین دریاچه‌ها قرار دارد و غلظت آب آن در مصب رودها که آب شیرین یا کم نمک به دریا ریخته می‌شود کمتر و در نقاط دیگر بیشتر است و حداکثر به ۲۸ درصد می‌رسد و همچنین غلظت آب بر حسب میزان بارندگی سالیانه متفاوت و در یکی دو سال اخیر به علت بارندگی زیاد غلظت آن کم شده و بنظر می‌رسد که از حد معمول پائین‌تر آمده است آب دریاچه رضائیه بسبب املاح زیادی که دارد قابل زیست موجودات فراوان دریائی نیست و هیچگونه ماهی در این دریاچه زندگی نمی‌کند. تنها موجودات زنده‌ای که در آب این دریاچه دیده می‌شود از گیاهان ساده يك نوع جلبك كهودرنگی *Enteromorpha Intestinalis* است که بمیزان وسیع در روی سنگهای کف دریاچه در نزدیک سواحل روئیده می‌شود. امواج و حرکات شدید آب سبب می‌شود که این جلبکها از کف دریا کنده شده و در سطح آب شناور گردیده و به مرور در اثر وزش باد در همه جای سطح دریاچه منتشر شوند. به جز این جلبکها که از گیاهان محسوب می‌شوند تنها جانوری که در این دریاچه زندگی می‌کند يك نوع سخت پوستی است بطول قریباً دو سانتیمتر *Artemia Salina* که همجوار جلبکها در بعضی از فصول سال دیده می‌شود بنابراین آب این دریاچه از لحاظ داشتن موجودات بسیار فقیر است برخلاف آنچه که بعضی‌ها تصور می‌کنند محیطی مرده و خالی از زندگی نیست. البته وجود این جلبکها و سخت پوستان که به فراوانی در دریاچه دیده می‌شود سبب شده است که بعضی از پرندگان آبی که از این موجودات تغذیه می‌کنند مانند فلامینگو (مرغ حسینی) و بعضی مرغابیهای وحشی فصولی از سال را در این دریاچه بگذرانند.

در دریاچه رضائیه ۵۶ جزیره کوچک و نسبتاً بزرگ دیده می‌شود که از میان آنها قویون داغی، آرزو، اسپیر و اشک داغی از همه بزرگتر است و بزرگترین آنها قویون داغی است که بطول ۹ و عرض ۴ کیلومتر می‌باشد و تنها جزیره‌ای است که در تمام فصول سال دارای آب شیرین دایمی است، بهمین سبب سالهای پیش قبل از اعلام حفاظت

منظره جزیره آرزو از ارتفاعات قویون داغی.



دو منظره از جزیره قویون داغی و آبهای ساحلی نیلگون آن.



این جزیره دامداران اطراف دریاچه دامهای خود را جهت چرا به این جزیره می آورند و همچنین در بعضی از سالها در فصولی که در جزیره اشک و آرزو و اسپیر آب شیرین پیدا می شده جهت چرا از آنها استفاده می گردیده است .

قویون داغی از لحاظ داشتن قوچ و میش وحشی و محیط زیست مناسبی که برای سایر حیوانات تشکیل داده از مدت ها پیش مورد توجه بوده است تا اینکه در بهمن ماه ۱۳۳۸ حفاظت شده اعلام گردید و در شهریور ماه ۱۳۴۶ نیز همه دریاچه و جزایر آن از طرف سازمان شکاربانی و نظارت برصید ایران مورد حفاظت قرار گرفت در سالهای پیش به علت چرای بیش از ظرفیت جزیره و قطع درختچه ها و درختان ، روئیدنیهای جزیره از بین رفته و نیز شکار و کشتار قوچ و میش وحشی نیز نسل این حیوانات را در جزیره مورد تهدید قرار داده بود . با مواظبت هایی که در سالهای اخیر از این جزیره بعمل آمد و بخصوص حفاظت کاملی که از آن می شود کم کم جزیره در اثر تجدید حیات رستنیها به محیطی سبز تبدیل شده و مسلما در آینده به تدریج درختان آن که بیشتر پسته وحشی و گوجه وحشی و یک نوع سرو است رشد کرده و جزیره به محیط پر درخت جنگلی تبدیل خواهد گردید و جای شکی نیست با پیدایش این محیط سبز و رطوبت بیشتر شرایط زیست مناسبتری برای حیوانات وحشی فراهم خواهد گردید . و با این ترتیب جزیره به پارک وحش بسیار زیبا و محیط مطالعه جالب و مساعدی تبدیل خواهد شد .

در حال حاضر آب شیرین مورد مصرف حیوانات جزیره از دو منبع تامین می گردد . یکی چشمه ای است که در سواحل جنوبی جزیره قرار دارد و دیگری آب هایی است که از سقف و دیواره حفره های غار مانند دامنه سواحل شمالی می چکد . آب هردو منبع کم است و بوسیله حفر چاه و قنات باید آب شیرین بیشتری برای این جزیره تامین نمود . اکنون محل این دو آب میعادگاه حیوانات جزیره است . آبی که از ریزش قطرات در حفره های غار مانند دامنه های شمالی جزیره بدست می آید بعلت وجود همین غار ها ، و صخره ای بودن کوه ، در محل مناسبتری قرار گرفته و هنگام صبح و عصر محل اجتماع و وعده گاه حیوانات مختلف جزیره می باشد . دستجات قوچ و میش و بره با احتیاط از دامنه های دو سمت به طرف آب سرازیر می شوند . گله های کبوتر چاهی از هر طرف فرا می رسند و زاغچه ها بتعداد زیاد اینجا و آنجا ، بالای صخره ها روی بوته ها و نزدیک آب دیده می شوند این زاغچه ها

نه تنها برای نوشیدن آب به این محل می آیند بلکه در اینجا به استقبال گوسفندان وحشی می روند و بر روی آنها می نشینند و کنه و سایر انگل های خارجی بدن آنها را می خورند . این یک نوع رابطه متقابل مفید و همزیستی است که میان دو نوع حیوان مختلف برقرار شده است . گوسفند وحشی با این انگل ها از زاغچه پذیرائی می کند و زاغچه میان خود را از شر انگل ها که زیان بخش هستند می رهاند . عقابهای بزرگ در بالای این صخره ها پرواز می کنند و احبانا به آهستگی روی سنگ ها یا درختچه ها فرود می آیند کلاغ کوهی های نوك قرمز به این محل نزدیک شده و چنانچه از شر زاغچه ها در امان بمانند در سوراخهای و حفرات صخره ها می نشینند . کبک های فراوان روی درختان می نشینند و یا از شیب سنگها و صخره ها بالا می روند . در روی شاخه های چند درختی که نزدیک این میعادگاه قرار دارد پرندگان کوچکی مانند سسک ها و کفل سفید ها مشاهده می گردند تا قبل از هنگام غروب که خورشید در سمت مغرب در آنطرف دریا فرو می رود و کم کم تاریکی بر روی جزیره حکم فرما می گردد واقعا شور و هیجان و تنوع زیبایی وصف ناپذیری در این قسمت از جزیره دیده می شود . شاید اوقات و ساعاتی را که پشت سنگی در نزدیک این محل آب و وعده گاه حیوانات مخفی شده و به این محیط وحش و زیباییهای خیره کننده اش می نگریستم از لذت بخش ترین لحظات عمر خود می دانم . نباید تصور نمود که زیبایی های طبیعت این جزیره تنها به این نقطه که محل نوشیدن آب حیوانات است محدود می شود . هر قسمت این جزیره کوچک زیبایی و حالت دلپذیر مخصوص دارد گله های قوچ و میش و بره های آنها در هر کجای این جزیره کوهستان دیده می شود و صدای بره ها همچون گوسفندان اهلی گاه و بیگاه شنیده می شود . از میان پرندگان بزرگ و متمایز این جزیره می توان عقاب طلایی **Golden Eagle** و لاشخور مصری **Egyptian Vulture** را نام برد . عقابها که بیشتر از چند جفت نبودند ارتفاعات شمالی جزیره را بخود اختصاص داده و بیشتر در نزدیک غار هایی که محل ریزش قطرات آب است دیده می شوند . برعکس در آشیانه لاشخور ها در ارتفاعات غربی جزیره که به شکل گنبد بزرگ و جالبی از صخره ها است قرار دارد و این پرندگان اکثر اوقات در نزدیک همان ارتفاعات به پرواز و گردش در می آیند ؛ نه تنها پرواز این دو پرنده جالب به ارتفاعات و آسمان جزیره ابهت و زیبایی خاصی می بخشد بلکه وجود این دو پرنده برای حفظ تعادل

حیوانات و مخصوصا از میان بردن بره های نا سالم و رنجور و سالم نگهداشتن گله ها نقش بزرگی دارند و لاشخور ها که از حیوانات مریض و لاشه آنها تغذیه می کنند جزیره را از عفونت و آلودگی در امان نگه میدارند . در محیط های دیگر این وظایف طبیعی بوسیله گوشتخوارانی نظیر شغال و روباه و گرگ و کفتار و سایر گوشتخواران انجام می گیرد ولی در قویون داغی این گونه حیوانات درنده و گوشتخوار وجود ندارد بنابراین لزوم و اهمیت زندگی عقابها و لاشخور ها در این جزیره کاملا واضح می شود .

در قسمت های مرتفع تر جزیره پرندگان کوچکی چون کفل سفید **Wheatear** و سسک ها **Warbler** همه جا دیده می شوند که روی بوته ها و شاخه درختچه ها می پرند و جلب نظر می نمایند . در قسمت های صخره ای که مشرف به دریا و دره های داخلی است صدای پرطنین مرغ سنگ **Rock Nuthatch** شنیده می شود و گاه بیگاه خود این پرنده آبی رنگ زیبا روی شاخه ها و بوته ها مشاهده می گردد . پرندگان زیبای دیگری چون پری شاهرخ **Golden Oriole** و سبزه قبا **Roller** هدهد **Hoopoe** گاهی به تعداد خیلی کم دیده شدند کبک **Rock Partridge** از فراوان ترین پرندگان این جزیره هستند در همه جای جزیره از شیب های ساحلی تا ارتفاعات و دره های میانی بهر کجا قدم گذاشته شود دستجات کبک از زیر بوته ها به پرواز در آمده و با صدای آژیر مانند مخصوص خود بسوی دیگر پرواز می کنند . در ساعات گرم روز روی شاخه های درختان پسته وحشی پناهگاه و محل استراحت کبک ها است و گاهی روی یک درخت پیش از ۵۰ کبک دیده می شود . از میان پرندگان بزرگ زاغچه ها **Magpie** این پرندگان فضول و مزاحم به تعداد زیاد در همه جای جزیره دیده می شوند .

اینکه کلماتی چون فضول و مزاحم برای این پرندگان بکار برده شد بدین مناسبت است که واقعا این پرندگان به زندگی اکثر موجودات زنده این جزیره دخالت کرده و اغلب برای آنها زحمت و دردسر تولید می کنند . نه تنها پرندگانی چون کلاغ کوهی نوك قرمز **Chough** مورد حمله زاغچه ها قرار می گیرند بلکه پرندگانی بزرگ و بلند پایه ای چون عقاب از آزار و اذیت زاغچه ها در امان نیستند . در ارتفاعات شرقی جزیره چندین بار تعقیب و اذیت عقابها بوسیله زاغچه ها دیده شد و در سواحل جنوبی دو عقاب مصری جوان که روی صخره ای استراحت کرده بودند بوسیله زاغچه ها رانده شده و با بی میلی زیاد به

پرواز درآمدند. علاوه بر این زاغچه ها به لانه پرندگان دستبرد زده و جوجه و تخم های آنها را می خورند. با همه این مزاحمت ها زاغچه ها در يك مورد به وحوش جزیره خدمت می کنند. همانطور که اشاره شد آنها روی بدن قوچ و میش و بره های آنها می نشستند و کنه ها و انگل های خارجی بدن آنها را می گرفتند و مسلماً این يك عمل مفیدی است که بوسیله آنها صورت می گیرد. با وجود این در مدت يك هفته ای که ناظر زندگی آنها و دخالت های نابجای آنها در زندگی سایر پرندگان بودم گاهگاه فکر اینکه باید از تعداد این زاغچه ها کم کرد بستم می زد. واقعا اگر اینها مزاحم زندگی پرندگانی چون عقاب ها و لاشخور ها که وجود آنها برای طبیعت و وحوش جزیره نهایت لزوم را دارد، هستند و اگر پرندگان مفید و زیبایی چون کبک ها و پری شاهرخ و سبزه قبا و غیره را از بین می برند، چرا به آنها اجازه داده شود که تا این حد زیاد شده و در زندگی و تولید نسل سایر پرندگان مانعی بوجود آورند.

از میان پرندگان شب پرواز فقط جغد کوچک Little Owl در جزیره دیده می شود و تنها صدای پرندۀ ای که در شبها شنیده می شود صدای جغد کوچک و ظریف است. شنیدن آواز این جغد برای ما پر غنیمت و لذت بخش بود چون شبهای قویون داغی حقیقتاً از لحاظ سکوت و آرامش يك حالت استثنائی دارد. در این جزیره بعثت نبودن و زندگانی حیواناتی چون شغال و روباه و کفتار و سایر حیواناتی که در شب فعالیت دارند شبها هیچگونه صدائی شنیده نمی شود و از این لحاظ کمی خالی از لطف بنظر می رسد و برای دوستداران طبیعت که از شبهای پر جنب و جوش و با هیجان لذت می برند شبهای آرام جزیره تا حدودی خسته کننده می باشد.

در آبهای نزدیک جزیره پرندگان آبی چون فلامینگو (مرغ حیمی Flamingo) و آنقوٹ نوک قرمز Shelduck و بعضی مرغابیها و پرندگان آبی دیگر دیده می شوند. فلامینگوها گوشه شمال غربی جزیره آبهای بین قویون داغی و آرزو واسپر را که محوطه نسبتاً بسته و آرامی را تشکیل می دهد برای خود انتخاب کرده و صفوف آنها بیشتر در این قسمت دیده می شود ولی آنقوٹ علاوه بر مجاورت فلامینگوها اغلب در بعضی از سواحل جنوبی جزیره که آرام است مشاهده می شوند.

از میان چهارپایان و پستانداران متنوعی که در نقاط مختلف سرزمین ما دیده می شود در این جزیره همانطور که قبلاً اشاره شد گوسفندان وحشی وجود دارند که شاخص این جزیره بوده و معروفیت قویون داغی را



يك لاشخور مصري در حال پرواز بر بالای صخره های غربی قویون داغی



ارتفاعات شمالی جزیره محل زندگانی عقابهای طلایی



میش وحشی در حال فرار

باعث شده‌اند از این رو جا دارد که در باره آن کمی بیشتر گفتگو شود.

قبل از بحث درباره این گوسفندان وحشی بی‌مناسبت نیست اشاره شود که به تعداد خیلی کم خفاش که از حیوانات پستاندار است در شبها دیده شد که گاهگاه بطور انفرادی در اطراف ساختمان محل استقرار ما پرواز می‌کردند (این ساختمان تنها بنای جزیره است که بوسیله سازمان شکاربانی و نظارت برصید جهت استفاده مامورین سازمان و کسانی که برای دیدن آن جزیره می‌روند ساخته شده است) یک نمونه از خفاشهای *Pipistrellus Kuhu* تشخیص داده شد. علاوه براین یک نمونه موش خانگی *Mus musculus* دیده شد که احتمالا بوسیله انسان به این جزیره آورده شده است.

گاه مورد شکار و استفاده خود افراد خانواده ملک قاسمی قرار می‌گرفته‌اند. بعد از جنگ بین‌الملل دوم بعثت از بین رفتن نسل آنها مجددا بوسیله یکی دیگر از افراد خانواده ملک قاسمی شش راس قوچ و میش وحشی که از تپه‌های دهکده رحمانلو گرفته بودند به این جزیره وارد می‌کند. نسل این گوسفندان وحشی به علت نبودن درندگان که دشمنان طبیعی آنها هستند سرعت رو به افزایش نهاد و مجددا شکارچیان را به این جزیره جلب نمود. خوشبختانه با اقدامات احتیاطی که صورت گرفت و حفاظتی که از این جزیره بعمل آمد مجددا تعداد قوچ و میش‌های وحشی اضافه گردید و امروز تقریبا تعداد آنها بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ راس بنظر می‌رسد.

در مورد گونه و نژاد گوسفندان وحشی قویون داغی اولین بار Dr. A. Gunther در سال ۱۸۹۹ در مجله جانورشناسی انجمن Linnean Society Journal, Zoology, 27 شرحی بنام گوسفندان وحشی جزایر ارومیه *The Wild Sheep of the Urmi Islands* مینویسد. گوتر پس از شرح اندازه و مشخصات شاخ و رنگ و پوست گوسفندان قویون داغی و مقایسه آنها با نمونه‌های گوسفندان وحشی نقاط دیگر ذکر می‌کند که گوسفندان وحشی قویون داغی بیشتر شبیه به گوسفندان وحشی قبرس *Ovis Ophion* هستند و به گوسفندان قویون داغی نام علمی *Ovis Ophion Var Urmiaan* میدهد.

قوچ و میش وحشی قویون داغی گفته

شد که قویون داغی بسبب داشتن گوسفندان وحشی (قوچ و میش وحشی) معروفیت زیاد دارد. اینکه این قوچ و میش وحشی بومی این جزیره بوده یا بوسیله انسان بدانجا برده شده است. مطلب کاملا روشنی نیست. گفته می‌شود که در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه شخصی از خانواده ملک قاسمی که در املاک خود واقع در کنار دریاچه رضائیه قوچ و میش وحشی نگهداری می‌کرده است چند راس از آنها را در این جزیره رها نموده است این قوچ و میش‌ها که بمرور ایام تولید نسل نموده اضافه شده‌اند گاه

اسامی انگلیسی

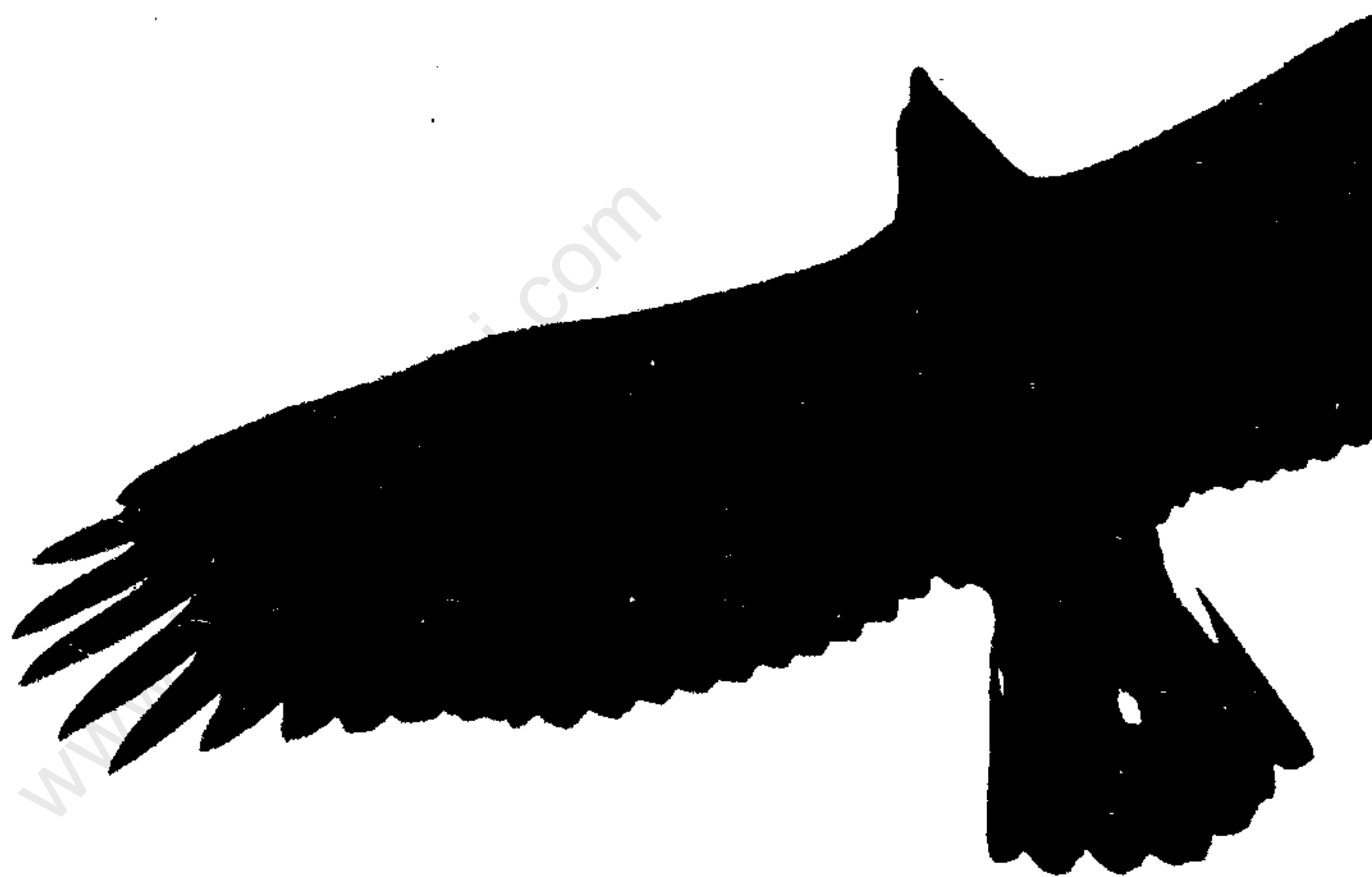
MAGPIE
CHOUGH
HOOPOE
ROLLER
ROCK DOVE
GOLDEN ORIOLE
SWIFT
ROCK NUTHATCH
WHEATEAR
PIED WHEATEAR
GOLDEN EAGLE
KESTREL
EGYPTIAN VULTURE
LITTLE OWL
GARDEN WARBLER
ICTERINE WARBLER
FLAMINGO
SHELDUCK

اسامی علمی

PICA PICA
PYRRHOCORAX PYRRHOCORAX
UPUPA EPOPS
CORACIAS GARRULUS
COLUMBA LIVIA
ORIOLE ORIOLE
APUS APUS
SITTA NEUMAYER
OENANTHE OENANTHE
OENANTHE LEUCOMELA
AQUILA CHRYSÆTOS
FALCO TINNUNCULUS
NEOPHRON PERCNOPTERUS
ATHENE NOCTUA
SYLVIA BORIN
HIPPOLAIS ICTERINA
PHOENICX PTERUS RUBER
TADORNA TADORNA

اسامی فارسی

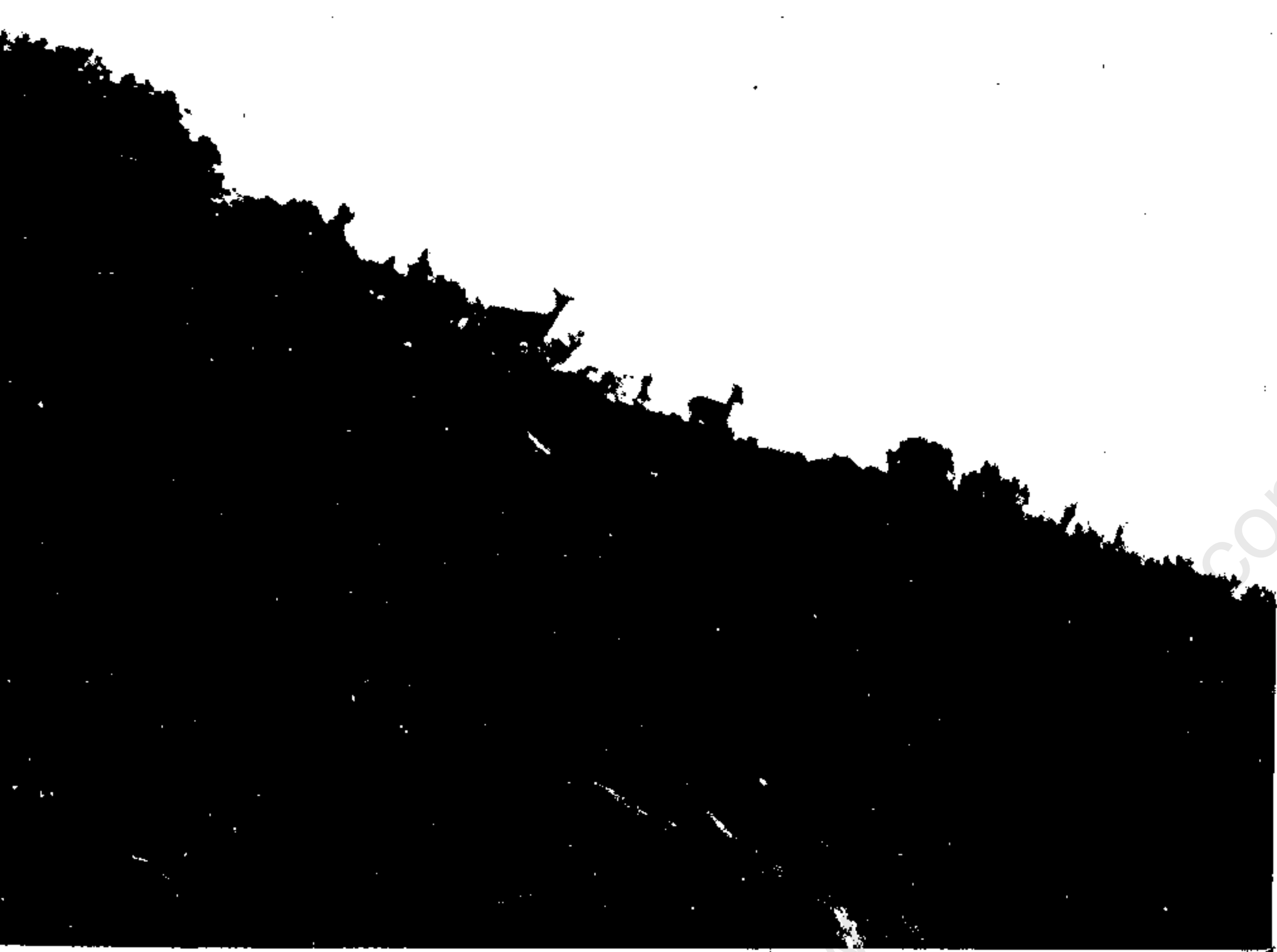
زاغچه
کلاغ کوهی نوک قرمز
هدهد
سبزقا
کبوتر چاهی
پری شاه رخ
پرستو
مرغ سنک
کفل سفید
کفل سفید ابلق
عقاب طلایی
قرقی
لاشعور مصری
چند کوچک
سک باغی
سک زرد
مرغ آتشین - مرغ حسینی -
اقوت نوک قرمز



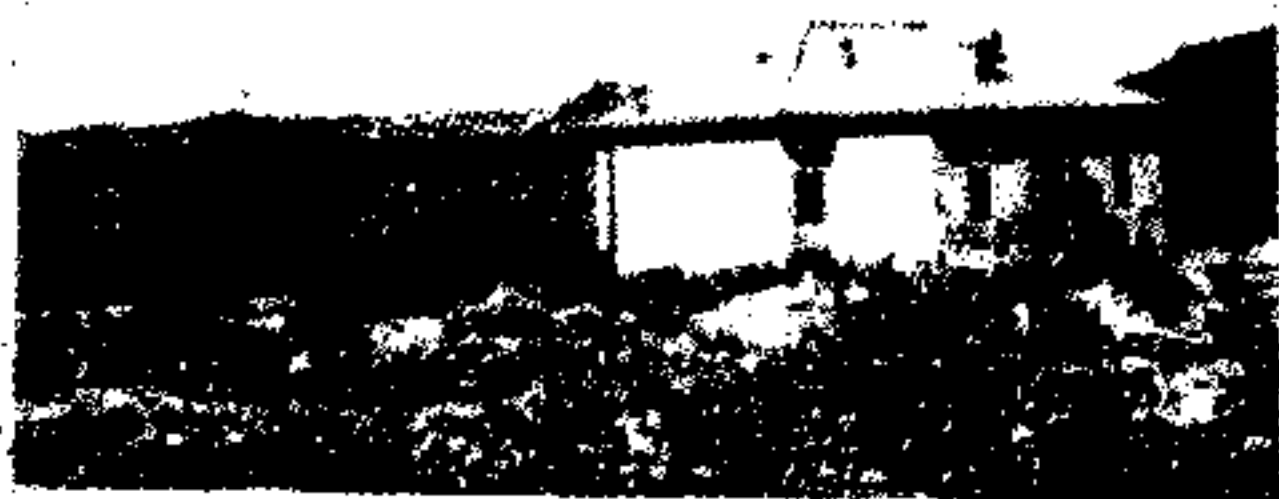
نماید و همچنین بسبب اینکه محیط زیست نسبتاً جدا و مستقلى مى‌باشد برای مطالعات اکولوژیکی در مورد حیوانات و گیاهان محیط بسیار مناسب و ایده آلى را تشکیل مى‌دهد. بنابراین جا دارد که به این جزیره که از هر لحاظ جالب مى‌باشد توجه بیشتری بشود.

لیست پرندگانى که در جزیره دیده شدند و مورد تشخیص قرار گرفتند با ذکر اسامى علمى و انگلیسى آنها بشرح زیر مى‌باشد.

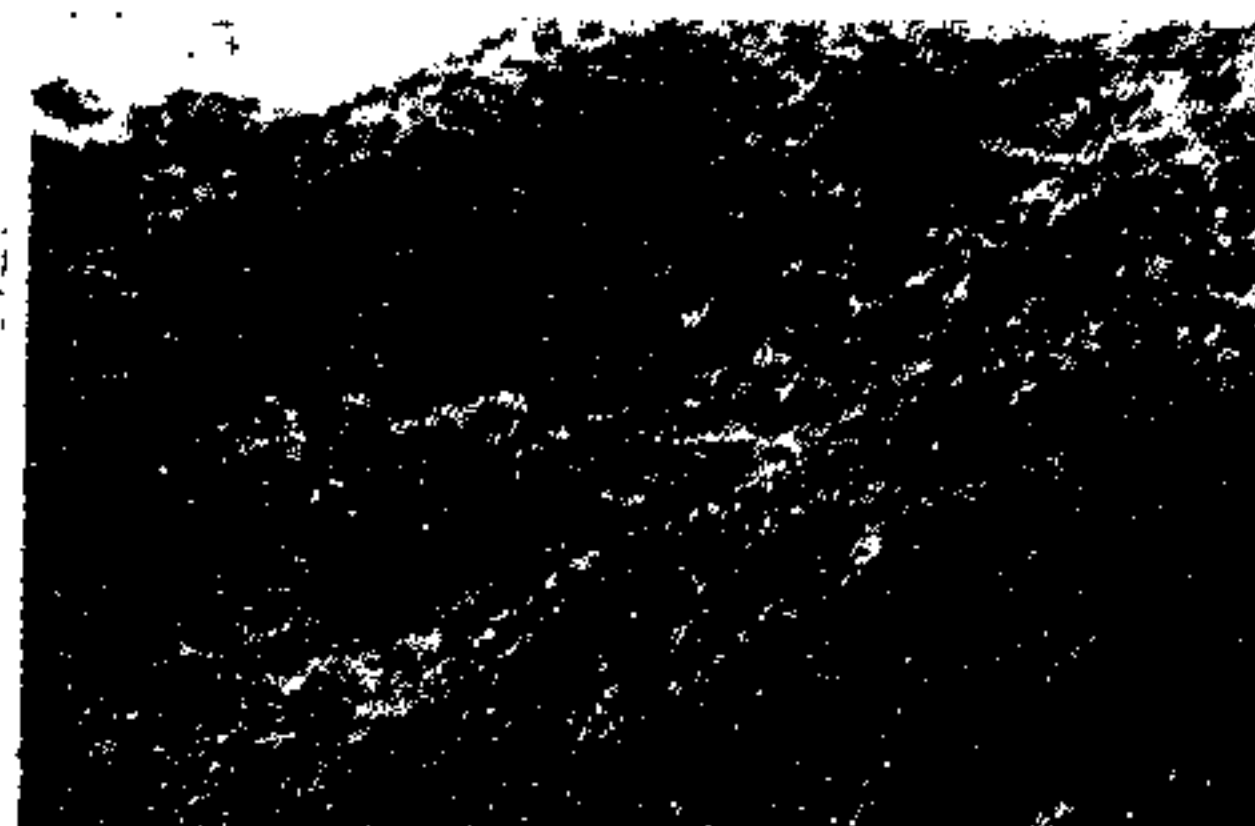
میش و بره در ماهرخ ارتفاعات قویون داغی.



تنها ساختمان جزیره قویون داغی.



صخره‌های گنبد مانند غربی جزیره که محل آشیانه لاشخورهای مصری است.



قوچ کهنسال در دامنه کوه

بدین ترتیب معتقد است که گوسفندان وحشی قویون داغی و قبرس از یک گونه بوده ولی نژاد های مختلف هستند و نژاد قویون داغی را به نام *Urmian* مشخص می‌سازد.

گوتتر بوضوح ذکر می‌کند که شباهت گوسفندان وحشی قویون داغی به گوسفندان وحشی قبرس بیشتر است تا به گوسفندان وحشی کوههای آذربایجان و ارمنستان که به نام علمی *Ovis Orientalis* داده شده است. ضمن تقسیم بندی های بعدی گوسفندان وحشی قویون داغی به سایر گوسفندان وحشی ایران یعنی *Ovis Orientalis* منتسب گردیدند و *Ellerman* و *Morrison-Scott*

در سال ۱۹۵۱ گوسفندان وحشی ارومیه را با نام علمی *Ovis Orientalis Urmiana* معرفی نمودند و در تغییرات بعدی کلیه گوسفندان وحشی ایران از جمله قویون داغی به عنوان گونه *Ovis Ammon* معرفی گردیدند. رویهم رفته لازم است یادآور شود که در باره نام گذاری دقیق گوسفندان وحشی ایران اختلاف نظر وجود دارد و هنوز بطور دقیق و روشن گونه‌ها و نژاد های مختلف گوسفندان وحشی ایران بررسی نگردیده و نام گذاری نشده‌اند در حال حاضر مطالعات بسیار وسیع و دقیقی با همکاری سازمان شکاربانی و نظارت به صید ایران و دانشگاه میشیگان و نرت و سترن *Northwestern* امریکا به روی قوچ و میش های وحشی نواحی شمالی ایران که جزیره قویون داغی را نیز شامل می‌شود صورت می‌گیرد و بزودی ابهاماتی که در این مورد وجود دارد برطرف خواهد گردید.

درباره خزندگان قبلا شنیده می‌شد که بعضی از جزایر دریاچه رضائیه بخصوص قویون داغی محل زندگی مارها و سایر خزندگان فراوان است ولی برخلاف آنچه که گفته می‌شد خزندگان این جزیره از لحاظ تعداد و تنوع بسیار کم هستند. در تمام نقاط جزیره که مورد بازدید قرار گرفت فقط سه مورد مار دیده شد که هر سه از یک گونه *Coluder Uentrimaculatus* غیر سمی هستند

تشخیص داده شد وجود این مار در لای بوته‌ها و گاهی روی شاخه درختان خالی از لطف و زیبایی نبود. مارمولک نیز بتعداد کم دیده شد که احتما از دو گونه مختلف هستند همچنین تعدادی اسکلت و بقایای بدن لاک پشتهای خشکی زی در سواحل جزیره دیده می‌شد که گفته می‌شود قبلا بوسیله انسان به این جزیره آورده شده بودند. درباره جزیره قویون داغی قبلا نیز اشاره شد که این جزیره با شرایط و موقعیت مخصوصی که دارد می‌تواند به پارک وحش بسیار جالب و زیبایی تبدیل شده و علاقمندان فراوان داخلی و خارجی را بسوی خود جلب

مقدمه‌ای بر مقاله خواجه رشیدالدین

ترک‌تازی و کشتارهای همگانی مغول تانشتن‌هلاکو بر تخت فرمانروایی در ایران بیداد می‌کرد. با تشکیل سلسله ایلخانیان این کشتارها در مشرق ایران تقلیل پیدا کرد و بیشتر متوجه غرب آن به ویژه بغداد شد. هلاکو آخرین خلیفه عباسی را برانداخت و درنمیش پیچید تاخونش بر زمین‌نریزد که مبادا عالم کن فیکون شود.

این اعتقاد مغولان به خرافه و موهوم گاهی به زبان و هنگامی به سود ایرانیان بوده است. آن گاه که خواجه نصیر بزرگ باوعده پیش‌بینی حوادث آسمانی هلاکو را به ساختن زیج مراغه تشویق کرد، خرافه‌پرستی ایلخان مغول به یاریش آمد ولی همین مغزهای ناتوان مغول وقتی در معرض بدگویی‌ها و نمامی‌های اطرافیان چاپلوس قرار می‌یافت، چنان از درک حقیقت عاجز می‌شد که خاندان جوینی را برمی‌انداخت و یا طبیبی عالیتدر و دانشمندی ژرف‌نگر، چون رشیدالدین فضل‌الله را به دو نیم می‌کرد.

خواجه بزرگ رشیدالدین فضل‌الله همدانی بنابه گفته حمدالله مستوفی در بیستم رجب سال ۶۹۷ هجری به وزارت غازان خان پادشاه مغول برقرار گردید. مخالفان خواجه او را یهودی می‌دانستند. فرزندان خواجه رشیدالدین در زمان وزارت او حکومت و فرمانروایی یافتند و به این وسیله در هر نقطه‌ای از کشور پناهگاهی برای دانشمندان و محققان به وجود آمد.

تفتین و سخن‌چینی رجال سیاسی، از خاصه‌های بارز دوران تسلط مغول بر ایران است. کسانی که بدون استحقاق مقامی می‌یافتند و یا درصددیرکشییدن خود بودند، این راه را کوتاه‌ترین راه برای نیل به مقصود می‌شناختند و چون اکثر حکام مغول، خود از روش‌های کشور داری بی‌اطلاع بودند، به کوچکترین سعایت، نسبت به گردانندگان امور دیوانی به ویژه وزرای مقتدر بدگمان می‌شدند. گویا این امر سابقه‌ای دیرین دارد چه در زندگی خاندان برمک و انجام کارشان نیز دیده میشود. پس از مرگ غازان، سلطان محمد خداپسند و پس از او سلطان ابوسعید به سلطنت رسید. سلطنت این جوان بی‌تجربه مناسب‌ترین موقع را برای دشمنان خواجه فراهم ساخت. آنها خواجه رشیدالدین و پسرش عزالدین ابراهیم را به قتل سلطان محمد خداپسند متهم ساختند و پادشاه تازه‌کار مغرور نیز این اتهام را پذیرفت و امر کرد تا اول عزالدین ابراهیم را در برابر دیدگان پدر سربرند و سپس خواجه رشیدالدین فضل‌الله را با وضع فجیعی که قبلاً یاد شد به قتل برسانند و این واقعه در ۷۱۸ یعنی یکصد سال بعد از حمله مغول به ایران انجام گرفت.

با قتل این دانشمند سترگ آسمان علم ایران یکی از کهکشان‌های تابناک خود را از دست داد. و ربع رشیدی که خواجه با آن همه همت و زحمت آباد کرده بود رو به ویرانی گذاشت چپاولگران موقع را غنیمت شمرده به غارت آن پرداختند و موقوفاتش به ضبط دیوان درآمد.

اما پس از چندی امیر چوپان که مسبب اصلی قتل خواجه بود به کیفر رسید و به امر سلطان ابوسعید به قتل آمد و خواجه امیر غیاث‌الدین پسر خواجه رشیدالدین متصدی امر وزارت گشت و یک‌بار دیگر ربع رشیدی رونق و شکوه زمان رشید را بازیافت و بنابه گفته حمدالله مستوفی که تاریخ‌گرزیده را به نام خواجه غیاث‌الدین نوشته: بر عمارات ربع رشیدی افزوده شد و بناهایی در آن ایجاد گشت که نظیرش در تمام ایران نبود.

گنجینه‌های عزیز و نایابی را که همیشه در مردم و در خاک این سرزمین خوب بوده و هست ندیده‌میگیریم و بابتی اعتنائی خود آنها را در حقیقت از بین میبریم.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از جمله شخصیت‌هائست که جنبه باصطلاح معاصر و امروزی زندگی و اندیشه‌های او میتواند بر استی الهام بخش کارهای زمان ما باشد.

یک مستمری دائم از طریق موقوفات برای دانشگاههای ما وجود ندارد که بتوانیم دانشگاهها و مؤسسات آموزشی را بر همان اساس اداره کنیم.

جای تأسف است که دانشجویان پزشکی ما گاه حتی اسامی این قبیل پزشکان یا آثار آنها را نمیدانند.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی

وزیر طبیب و مورخ ایرانی

از گفته های آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی

در جلسه افتتاحیه مجلس تحقیقی و علمی درباره احوال و آمار رشیدالدین فضل‌الله همدانی

صمیمانه از دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشگاه تبریز، و بخصوص دوست عزیزم آقای ایرج افشار سپاسگزارم که با برگزاری این مجلس علمی و تحقیقی و با دعوتی که از اینجانب فرمودند بطور غیر مستقیم باعث شدند که یک عضو دولت لاقول برای چند صباحی با معرفت واقعی سروکار پیدا کند و به گنجینه‌های گرانبهائی که سراغ آنرا قبلاً نداشت دسترسی یابد.

هنگامی که بنده را مأمور فرمودید تا از لحاظ تشریفات این مجلس را افتتاح کنم باید با کمال فروتنی عرض کنم که نام خواجه رشیدالدین را تنها بعنوان یک پزشک و مورخی در شمار دانشمندان دیگر این سرزمین شنیده بودم ولی مسلماً او را بنحوی که امروز با او آشنا شده‌ام نمیشناختم. نشریه بسیار نفیسی را هم که کتابخانه مرکزی دانشگاه بدین مناسبت چاپ کرده بیشتر از آنجهت خواندم که بتوانم لاقول از مذاکرات شما چیزی سر دریاورم بی آنکه به بی‌سوادی بنده در این زمینه پی برده باشید. اما از همان صفحات اول آثار و شخصیت این مرد آنچنان مرا شیفته خود کرد که در این چند هفته سعی کردم هرچه را که درباره او بدست می‌آورم بخوانم. و هرچه در این اکتشاف شخصی پیش‌تر میرفتم نزد خود فکر میکردم با همه خاکهای پیر و موجودات بی‌خاصیتی که شب و روز با آنها روبرو هستیم و نااملائی که همیشه زندگی این ملک را تشکیل داده چه گنجینه‌های فراوان و ناشناخته‌ای در زمان و مکان آن قرارداد که متأسفانه فرصت دست یافتن و گاه حتی حوصله استفاده از آنها را از دست داده‌ایم. یکجا بیخودی سخن از میراث‌های نامعلوم و توخالی می‌پریم که یا فاقد محتوی اصیل بوده و یا اساساً چیزی برافتخارات واقعی مانمیفزاید و جای دیگر گنجینه‌های عزیز و نایابی را که همیشه در مردم و در خاک این سرزمین خوب بوده و هست ندیده می‌گیریم و با بی‌اعتنایی خود آنها را در حقیقت از بین می‌بریم.

باری این مقدمه طولانی را بیشتر از آنجهت آوردم که همین مختصر مطالعه در آثار و کارهای خواجه رشیدالدین از طرفی مرا شرمنده ساخت که چرا زودتر به وجود چنین شخصیت گیرائی پی نبرده بودم و از طرف دیگر مرا براستی سپاسگزار بانیان این مجلس علمی کردم که از اینراه مرابا یکی دیگر از گوهرهای بی‌شماری که موجودیت و شخصیت ملی ما را بوجود آورده‌اند از نزدیک آشنا ساختند.

کتابچه مختصر و مفیدی که آقای ایرج افشار برای شرکت کنندگان این مجلس علمی آماده کرده‌اند و حاوی مقالات بسیار ارزنده و سودمندی از استاد مینوی - مرحوم عباس اقبال - استاد مرتضوی و دانشمندان دیگر است که مجموع آنها جهات اصلی آثار و شخصیت همهجانبه خواجه رشیدالدین را در برابر ما قرار میدهد.

این مقالات و آنچه که از آثار او بدست آمده رشیدالدین فضل‌الله را بعنوان وزیر لایق و دوراندیش، طبیبی حاذق و مترقی، محقق و مؤلفی پرکار و دانشمند، مورخی بی‌نظیر و مدیری فوق‌العاده مدبر معرفی میکند و اطمینان دارم که در این مجلس علمی درباره هر یک از جنبه‌های کار و زندگی این شخصیت بزرگ سخن بسیار خواهد شد.

اما آنچه که بیش از همه اینها شخص مرا مفتون این دانشمند کرده بینش علمی و طرز فکر و عمل اوست که گوئی او را لاقول هفتصد سال از زمان خودش جلوتر قرار میداده

است. از اینرو خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از جمله شخصیت‌هاییست که جنبه باصلاح معاصر و امروزی زندگی و اندیشه‌های او میتواند براستی الهام بخش کارهای زمان ما باشد. آنچه که این مرد، بویژه در زمان وزارت طولانی‌اش انجام داد، و دید جامع و برداشت دوراندیشانه‌ای که از مسائل علمی و فرهنگی داشت همه حاکی از قدرت فکری و اصالت عمل یک مرد بزرگ تاریخ بود. و اگر لحظه‌ای پیش خود وقفنامه ربیع رشیدی و پاره‌ای از دستورات و نامه‌هایی را که او در باره امور آموزشی و علمی نوشته است بامنشور انقلاب آموزشی رامسر مقایسه کنیم جنبه‌های مترقی آن کار او طوری است که حتی ممکن نیست تصور کنیم که شصت و پنج سال تاریخ بین این سندها قرار گرفته است.

با توجه به این نکات است که سعی خواهم کرد یادی از این زادمرد علم ایران کنم و پاره‌ای از ملاحظات خود را در این زمینه به اختصار بر عرض خانمها و آقایان برسانم و این کار را با بازبینی کوتاه از ربیع رشیدی شروع میکنم.

ربیع رشیدی که سمت شرق و در تپه‌های عینعلی تبریز است و متأسفانه چیزی جز چند دیوار بلند و شکاف خورده و خرابه‌های فرو ریخته از آن باقی نمانده است چه بود؟ همانطور که آقای محمود عرفان در مقاله ارزنده خود راجع به وقفنامه ربیع رشیدی مینویسد این شهر دانش و پژوهش که از هر جهت در نوع خود بی‌نظیر بوده «بزرگترین بنیاد خیری بوده که تاریخ ایران چه در زمان قبل از اسلام و چه بعد از اسلام بنای خیری را به این شکوه و عظمت نشان میدهد».

خواجه رشیدالدین که در همدان و بصره و جاهای دیگر موقوفاتی بخاطر ترویج علم و معرفت بوجود آورده بود باغات وسیعی را در مشرق شهر تبریز میخرد و ربیع را در آنجا میسازد. محلات و کوچه‌هایی در داخل آن و قریه‌هایی در خارج آن احداث میکند و هر محله و کوچه و قریه‌ای را بناسبت کسانی که در آنجا سکونت داشتند نام گذاری میکند. مثلاً قریه‌هایی را که غلامان رومی و گرجی در آنجا بودند قریه رومیان و قریه گرجیان، جائی که اطبا و جراحان و محصلین طب مقام داشته‌اند «معالجه معالجان» و کوچه‌ای که علما در آنجا مقیم بودند کوچه «علما» می‌نامند. رفته رفته در این شهر همه چیز با توجه به فعالیت‌های علمی و آموزشی که میبایست در آنجا انجام گیرد و با در نظر گرفتن هر آنچه که برای ایجاد یک محیط زنده و بارور علمی و تحقیقی بود، گسترش می‌یابد.

در بیت‌الحفاظ که گنبدی بر آن قرار داشته حافظین قرآن که همه طبق موازین و اصول دقیقی انتخاب میشده و علاوه بر مشخصات علمی دیگر میبایست حتماً از میان مردمان خوش‌آواز باشند هر روز به تلاوت قرآن اشتغال داشتند. در قسمت معروف به روضه که حوض آبی در میان صحن آن قرار داشته دو مسجد یکی تابستانی و دیگری زمستانی ساخته میشد که در هر دو هم نماز میخواندند و هم درسهای علوم را میگفتند.

از وقفنامه ربیع رشیدی و نامه‌های خواجه به پسرش سعدالدین، حاکم شام، چنین برمی‌آید که در این شهر علمی و دانشگاهی در شماره تأسیسات فراوان و متنوعی که وجود داشت خاتمه مخصوصی برای پذیرائی درویشان و مستحقان - دارالضیافه‌ای برای مجاوران و مسافران بامطبخ و بیت‌الخلوه و باصلاح حوائج خانه و توابع آن دارالشفای و شربخانه و

سرای طبیب کتابخانه‌ای بسیار بزرگ که میگویند از مهمترین و بهترین کتابخانه‌های زمان خود بود و بیش از ۶۰ هزار جلد کتاب نفیس در آن بود بیست و چهار کاروانسرای رفیع و هزار و پانصد دکان و سی هزار خانه و حمامها و بساطین بسیار و کارخانه‌های شربابی و کاغذسازی و یک دارالضرب و یک رنگخانه یا صباغخانه دیده میشد.

این بود شرح مختصری از موقعیت جغرافیائی و تأسیسات ربیع رشیدی. بطوریکه ملاحظه میفرمایند این شهر عظیم علم و دانش شاید نه تنها در آن زمان در نوع خود بی‌نظیر بود بلکه پس از آن نیز شبیه آنرا در جای دیگر نمیتوان سراغ گرفت (اگر اشتباه نکنم تازه پس از جنگ دوم جهانی بود که شورویها نیز فکری مشابه را با ایجاد شهر اکادمگورود دنبال کردند تا بتواند گروهی از دانشمندان و محققان برجسته خود را در یک واحد بزرگ شهری جمع آوری کرده محیط فکری و وسائل کار لازم را در یک جا برای آنها فراهم کنند).

اما آنچه که بیش از خود شهر جالب توجه میباشد تشکیلات و اداره امور این واحد بزرگ علمی است که براستی از هر جهت حیرت‌آور است چون گوئی براساس آخرین روشهای امروزی و مفاهیم و اصول دانشگاهی زمان ما استوار بوده است. بی‌یروا باید اعتراف کنم که یک مطالعه سطحی کار وزندگی طلاب در ربیع رشیدی جدا حس مباهات و غروری درمن ایجاد کرد که چگونه اجداد ما قرن‌ها قبل از آنکه مفاهیم و کلمات خارجی از قبیل Full time یا Academic exchange یا Paper یا Department و یا Library Sciences و Sandwich Courses

و کنفرانس و سمینار و غیره در قاموس دانشگاهی ما وارد شود اصول مشابهی را عیناً بخاطر پیشرفت امور علمی و آموزشی رعایت میکردند و ضمن اختصاص اعتبارات و وسائل کلان برای پیشبرد دانش و پژوهش در عین حال نهایت توجه را هم به آنچه که ما امروز اقتصاد دانشگاهی می‌نامیم مبذول میداشتند. شاید بی‌جا نباشد که برای اثبات این ادعا و در عین حال برای قوت قلب دادن به آنها که بگفته مسیو ژوردان مولیر «نثر میگفتند و نامش را نمیدانستند» نمونه‌هایی را در این زمینه ذکر کنم.

در دارالشفای ربیع رشیدی طبق وقفنامه، اطباء که بخدمت دارالشفای مأمور میشدند و می‌بایستی هر کدام نوبه و کشیک داشته باشند تا اینکه شبانه‌روز همیشه یک نفر طبیب یا شاگرد و داروساز در سرکار حاضر بوده و هر طبیبی باید دونفر متعلم را درس طب و دوا سازی آموزد. بعلاوه رشیدالدین به فرزند خود سعدالدین مینویسد: «پنجاه طبیب حاذق که از اقصای بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند گفتیم هر روز در دارالشفای ما تردد نمایند و پیش هر طبیب ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند و کحالان و جراحان و مجربان که در دارالشفای ماست بقرب باغ رشید آباد که آنرا معالجه معالجان خوانند بنیاد فرمودیم و دیگر اهل صنایع و حرف که از ممالک آورده بودیم هر یک را در کوچه‌ای ساکن گردانیدیم...»

مسکن اطبا و متعلمین در سراها و حجره‌های مخصوص مقرر بوده است. دوره تحصیل هر یک از محصلین طب پنج سال بوده و پس از پنج سال اگر استاد او را «معلوم شود که

لایق آن شده‌اند که در علاج بیماران شروع کنند و در آن ماهر گشته باشند بموجبی که عادتست اجازت ایشان بنویسد تا ایشان در علاج شروع کنند ... و باید که طبیب مذکور تمامت کسانی که در ربیع رشیدی مجاور یا مسافر یا عمل آنها باشند ورنجور شوند علاج کند و مناسب مزاج دارو و مزوره دهد و به علاج دیگری مشغول نشود چه او را جهت علاج مجاوران و مسافران ربیع رشیدی معین کرده‌ایم. (مفهوم تمام وقت) روزهای دوشنبه و پنجشنبه مقر ربوده‌کده همسایگان ربیع رشیدی و اولاد واقف و غلامانی که واقف آنها را آزاد ساخته و باغبانان و برزیگران موقوفات ربیع رشیدی دوی مفت دهند، اگر مسافری رنجور میگردیده باید هرکجا که متولی مصلحت میدانند او را بخوابانند و طبیب به علاج او پردازد تا شفا یابد و پس از شفا یافتن سفر کند. (Social Security)

همانطور که در حال حاضر سعی میشود از وجود دانشمندان برجسته و آشنائی که تحصیلات خود را در بهترین مؤسسات علمی خارج کرده‌اند استفاده شود و آنها را استخدام کنند و نام این کار ساده را امروز جلب مغزهای متفکر یا Brain-gia مینامند، خواجه رشیدالدین دائماً طبق برنامه دقیق و منظمی مراقب بوده است که از یکسو مغزهای برجسته را در ربیع رشیدی جمع آوری کند و از سوی دیگر از وجود آنها نهایت استفاده را برای تربیت کادرهای ملی بعمل آورد. تنها در کوچه علما ۴۰۰ روحانی و مفتی و مشرع با مستمریها و مزایای کافی منزل داشتند و در کوی طلاب که مجاور کوچه فوق بود هزار تن طالب علم شایق علوم که از کشورهای مختلف مسلمان گرد آمده بودند هزینه تحصیلی طبق شایستگی و استعداد خود دریافت میکرد (Scholar Ship) در زمینه تعلیمات حرفه‌ای هم کار رشیدالدین جالب توجه است زیرا در مورد دویست و بیست نفر غلام دویست و بیست نفر کنیز که زوجات غلامان بودند و به کار آباد نگاه داشتن باغات و مزارع و خدمت بطور کلی میپرداختند «فرزندانشان را هر یکی بصنعتی و حرفتی که ملایم و موافق حال او باشد از خطاطی و قوالی و نقاشی و زرگری و باغبانی و کهریزکنی و دهقنت و معماری و سایر حرف میگماشت. بهلاوه از نامه‌های بیشمار اوبه نقاط گوناگون جهان چنین برمی‌آید که همواره مترصد بوده است که دارالشفا ربیع رشیدی دارای مجموعه کاملی از آخرین داروها و روغن‌ها و گیاهان پزشکی مورد نیاز باشد و در حقیقت موزه غنی و مجهزی در اختیار داشته باشد.

پتروشفسکی در کتاب خود این جمله را نقل میکند: از همه ممالک انواع درختان میوه‌دار و ریاحین و حبوبات که در تبریز نبود و هرگز در آنجا کس ندیده نهال و شاخ آن پیوند کردند و بذور آن بیاوردند و بتربیت آن مشغول شدند ... و تمامت ولایات بعید از ممالک هند و ختای و غیره ایلچیان فرستاده تا تخم چیزهائی که مخصوص به آن ولایات است بیاورند در این نامه‌ها مقدار هر روغن (که از یک تا سیصد من متفاوت ذکر شده است) و محل تهیه و مدارک آن بطور دقیق معین شده است. در نامه‌ای بعنوان «خواجه علاءالدین هندو» ویر اساس گزارش پزشک مسئول و متمسدی بیمارستان محمد بن الفیصلی که در نامه از او بعنوان (جالینوس دوران) اسم برده شده از انواع و اقسام روغن‌های معطر و داروهای از قبیل افستین یا خارگوش و کندر رومی و بابونه و روغن کرچک و روغن عرق نام برده شده و باتوجه به اینکه این روغن‌ها را باید از ممالک مختلف بیاورند فرمان داده است که بمنظور جلوگیری از بروز تأخیر برای هر یک از شش مکان مورد بحث پیکی جداگانه تشکیل شود.

از لحاظ کمک به دانشمندان و پیشرفت علم علاوه بر اینکه آخرین اطلاعات و کتب و وسائل مورد نیاز را در اختیار دانشمندان در داخل قرار میداده در نامه‌ای بعنوان پسرش امیرعلی حاکم بغداد به او دستور میدهد که به دانشمندان سراسر امپراطوری ایران از جیحون گرفته تا چینا و از جانب مغرب تا حدود آسیای صغیر و مرز مصر مستمری و تحف بدهد و تحف مزبور در هر مورد مرکب بوده است از مبلغ پول و یک قبای پوستی یا مخمل و یک مرکب. در یک نامه دیگر دستوراتی به یکی از مأموران خود در آسیای صغیر داده که به دانشمندان مغرب یا سرزمین‌های عربی اسلامی پاداش و جوائز بدهند و از دانشمندان که در آن نام برده شده تن ساکن قرطبه و دیگر قسمتهای اندلس و چهار تن ساکن تونس

و طرابلس و قیروان بوده است. و باتوجه به مسافتهائی که موجود داشته است میتوان دید که رشیدالدین تا چه اندازه در کار خود بینش و برداشتی جهانی داشت و برآستی میخواست است که ایران را مرکز دنیائی پیشرفته ترین علوم وقت قرار دهد. یک نمونه دیگر که ادوارد پروان در کتاب طب اسلامی ذکر میکند و در این زمینه بسیار جالب است مربوط به تجدید ساختمان بیمارستانی در شیراز است که بخاطر احیای آن رشیدالدین، پزشک مشهوری بنام محمود بن الیاس را با حقوق سالانه بنیاد بالا و هدایای ذیقمت استخدام میکند و تصدی بیمارستان و موقوفات را همه به او می‌سپارد.

اصولاً تمام مخارج دانشگاهی و علمی ربیع رشیدی بر اساس موقوفات بوده و این درست مفهوم بیشتر دانشگاههای امروز امریکائی است که باموقوفات اداره میشوند و زندگی میکنند. حقیقتاً جای تأسف است که در کشور ما اینک این مسأله فراموش شده یعنی یک مستمری دائم از طریق موقوفات برای دانشگاههای ما وجود ندارد که بتوانیم دانشگاهها و مؤسسات آموزشی را بر همان اساس اداره کنیم.

مقررات استخدامی و طرز کار و برنامه‌های آموزشی و علمی همه با آنچنان دقت و توجهی تهیه میشد که برآستی ارزش دارد تا آنجا که ممکن است مطالعات و تجسسات دقیق‌تری در این زمینه بعمل آید. در یکی از نامه‌ها که قبلاً نیز بدان اشاره شد خواجه مینویسد که چگونه در مورد علما همه را میاومات و ادرارات مجری داشتیم و جامه سالانه و صایون بها و حلوا بها مقرر کردیم و هزار طالب علم فضل در محله‌ای که آنرا محله طلبه خوانند نشانیدیم و مرسوم همه را برمنوالی که بجهت علماء مقرر کرده‌ایم بجهت ایشان معین گردانیدیم و شش هزار نفر طالب علم دیگر که از ممالک اسلام به امید تربیت آمده بودند در دارالسلطنه تبریز ساکن گردانیدیم و فرمودیم که ادرارات و میاومات ایشانرا از حاصل جزیه روم و قسطنطنیه کبری و جزیره هند اطلاق نمایند تا ایشان از سر رفاهیت خاطر نافاده و استفاده مشغول گردند و معین داشتیم که هر چند طالب علم پیش‌کدام مدرس تحصیل کنند و دیدیم که ذهن هر طالب علمی طالب کدام علم است از اصول و فروغ و نقلی و عقلی بخوانند آن علم امر فرمودیم و گفتیم که هر روز این طلبه که در ربیع رشیدی و بلدة تبریز ساکن‌اند همه بمدارس ما و فرزندان ما متردد باشند.

گفتنی‌ها جداً زیاد است ولی چون میدانم که جای خود را باید به اهل فن و تخصص بدهم دیگر نمیخواهم هرچه را که از این رادمرد دانشمند میدانم در این محفل علمی پس بدهم. و هنوز چیزی جز از تشکیلات ربیع رشیدی نگفتم حال آنکه این مدینه علم تنها جزئی از قدر و منزلت رشیدالدین است. به گفته استاد مینوی «قدر مقام واقعی او بیشتر بواسطه تألیفات متعدد او بالخصوص کتاب جامع‌التواریخ اوست که بی‌تردید یکی از اعظم کتب تاریخی زبان فارسی است». مرحوم عباس اقبال این اثر را «بزرگترین شاهکار تاریخ و آثار ادبی ایران و مهمترین تألیف تاریخی جهان» میداند. (۷۳۷ - ۷۲۸ ه. ق) بهلاوه مکاتبات او - هم آنها که جنبه رسمی و هم آنها که جنبه خصوصی دارد - اطلاعات دقیقی درباره کارهای عظیم آبیاری - کشت نباتات - شیوه‌های بهره‌کشی از روستائیان - قواعد وصول مالیات بها میدهد پتروشفسکی عقیده دارد که این اطلاعات مهمترین اطلاعات در باره یک واحد کامل اقتصاد فتودالی است.

باید این نکته را نیز تذکر داد که تهیه این اثر مهم و کتاب الاحیاء والایثار که دائرةالمعارف کامل علوم طبیعی است خود معرف طرز کار علمی این دانشمند است چه این کتاب بزرگ را عیناً بشیوه مؤلفین دائرةالمعارف‌های امروزی طرح ریزی کرده و بدستکاری فضلاء و خبرگان هرطایفه و ملتی که در سلطانیه و تبریز مقیم بودند از علمای چینی و تبتی و اویغوری و فرنگی و یهودی و غیره بکار تهیه آن مشغول شد و آنرا در سال ۷۱۰ به‌انجام رساند.

متأسفانه با آنکه یکی از وظایف تاسیسات علمی ربیع رشیدی این بود که هر ساله دوره کاملی از مصنفات او را که همه آنها بهر دو زبان فارسی و عربی نوشته میشد استنساخ و مقابله و تصحیح کرده آنرا بیکی از بلاد بزرگ عالم به هدیه بفرستند پس از قتل خواجه رشیدالدین و بغارت رفتن کتابخانه بسیاری از کتب بفتوای معاندین و مخالفین خواجه سوخته شد و بسیاری دیگر از بین رفت.

از لحاظ انسانی با آنکه مخالفان رشیدالدین فضل‌الله سعی کرده‌اند که بعنوان گوناگون شخصیت و آثار او را تخطئه کنند و شاید همین اتهامات بود که در زمان او منجر به قتل او گردید چنین بنظر میرسد که هیچ‌یک از آنها نتوانسته است برچهره تابناک دانشمند لکه پایداری برجا بگذارد. ادوارد پروان به این نکته اشاره میکند که رشیدالدین در مثنای قدرت خود باز افتخار میکرد به اینکه او را «رشید طبیب» بخوانند و از عناوین دهان پرکن و گراف آن دوره لفاظی و عبارت پردازی بیزاری میجست.

البته این نظر پتروشفسکی مورخ شوروی نیز بسیار جالب توجه است که میگوید: «به رشیدالدین نمیتوان گمان مردم دوستی، برد. او هواخواه همان سیاستی است که ما بطور مشروط «جریان دوم» نامیده‌ایم و او متفکر دورانیش و خردمند و طرفدار دولتی نیرومند و فتودالی و سیاست مرکزیت است ...» و در نامه‌ای به فرزندش شهاب‌الدین مینویسد: چون احوال رعیت خراب شود ملوک را هیچ گامی به حصول نه‌پیوند و چون در عاقبت امور نظر کنی اصل مملکت داری عدلست چنانچه در این دایره مثال آن نموده‌ام پادشاهی حاصل نشود الا بشکر و لشکر بمال توان جمع کرد و مال از رعیت حاصل گردد و رعیت را بعد نگاه توان داشت.

رو بهمرفته شکی نیست که رشیدالدین فضل‌الله همدانی از افتخارات علم و فرهنگ ایران و نیز از ستارگان درخشان پزشکی ما بود و جای آن دارد که روشندان و مردم ایران هرچه بیشتر با اندیشه‌ها و آثار او و نیز دید و بینش علمی و فرهنگی او که نمونه‌هایی از آن را مثال آوردم آشنائی بیشتر حاصل کنند. بویژه به دانشکده‌های پزشکی توصیه میکنم که در صورت امکان از راه تشکیل درس جداگانه و کنفرانس‌ها و مجالس از این قبیل دانشجویان ما را به تألیفات و کارهای او و بطور کلی با آثار پزشکان بزرگ ایرانی که پایه‌گذار طب اسلامی بودند آشنا سازند. جداً جای تأسف است که دانشجویان پزشکی ما گاه حتی اسامی این قبیل پزشکان یا آثار آنها را نمیدانند حال آنکه روزی ربیع رشیدی و قبل از آن دانشگاه جندی شاپور بزرگترین مراجع پزشکی دنیا بودند.

اخیراً مقاله‌ای تحت عنوان
Histoire des Bimaristans (Hopitaux) a l'époque Islamique
PAR DR. AHMED ISSA BEY.

از دکتر احمد عیسی بیک دیدم که در حقیقت از مجموعه سخنرانیهای پزشکی است که در دسامبر سال ۱۹۲۵ در قاهره خوانده شده است.

در آن مقاله نویسنده از جندی شاپور بعنوان بزرگترین بیمارستان سه قرن قبل از اسلام یاد کرده است و شرح میدهد که چگونه اطباء جندی شاپور شهرت جهانی بنمت آوردند و روشهای دیگران را جمع آوری کردند - براساس علمی قرار دادند - مثلاً حارث طبیب پیغمبر فارغ‌التحصیل جندی شاپور بود - همینطور طبیبی که حضرت علی (ع) را معالجه میکرد از فارغ‌التحصیلان آن دانشگاه بشمار میرفت. بدنیت در این تالار که نام نامی یکی از بزرگترین پزشکان ایرانی را برخورد دارد یادآور شوم که نویسنده و پزشک مشهور عرب جاحظ در «کتاب البخلاء» خود داستان پزشک عرب دیگری را بنام اسد بن جانی «یادآور میشود که حتی در سال شیوع مرض طاعون با آنکه شهرت و مهارت وزیرکی وی بسیار بود تنها معدودی بوی مراجعه میکردند و چون مردی از آشنایان از وی علت این امر را پرسید علل متعددی را ذکر کرد که آخرین آن این بود «نام من اسد است و حال آنکه اگر صلیبیا یا مراعیل یا یوحنا یا بایرا میبود بهتر بود ... و زبان من عربی است در صورتیکه بهتر میبود که به زبان مردم جندی شاپور سخن میگفتم».

از سمیم قلب امیدوارم که تشکیل مجالس علمی از این قبیل و همچنین توجه بیشتری که در آینده به شناساندن افتخارات علمی ما در دانشگاهها خواهد شد دانشجویان امروز و دانشمندان فردای ما را بر آن دارد که درحل مسائل خاص دانش ایرانی حتی المقدور از کارها و اندیشه‌های اصیل بزرگان این سرزمین الهام بگیرند، وایمان راسخ دارم که در آنصورت خود با اطمینان خاطر بیشتر، برتری بسیاری از راه حل‌های ایرانی را به‌منسخه‌های فریبنده غرب که اصولاً برای همانجا ساخته شده است خواهند پذیرفت.

از : دکتر حمید نطقی

شوشه شراب

«ماینتنس» نقطه‌ی آغاز همه ناراحتیها بود. «میرویم کاتدرال قدیمی آنرا ببینیم» و «پرویز» بجای کاتدرال گفته بود «دم» «افسانه» مطمئن بود که پرویز این لغت را در کلن یاد گرفته، پیش از آن بخاطر نمی‌آورد که از او این کلمه را شنیده باشد. خواسته بود بگوید که هر شهر آلمان بالاخره دمی دارد. چه اصطلاح مضحکی، درازترین آنها را در کلن دیده بودند. بحرف خودش خندید ولی جرات نکرد بلندتر بگوید. میدانست پرویز این شوخی را مبتذل تشخیص میداد حالا چه احتیاجی به دم «ماینتنس» بود که از برای دیدار آن از اتوبان خسارچ شوند. به بیراهه پیچند، اتوبان یعنی ترقی تمدن و سرعت برای اول بار بود که عقربه‌ی سرعت سنچ فولکس واگن آنها صد را نشان میداد. گرچه پرویز هرچه پای خود را روی گاز فشرد دیگر ماشین سریعتر از آن نرفت آن‌گاه رو به او کرد و زیر لب گفت که از بس خرت پرت توی ماشین گذاشته‌اند... افسانه خود را از جمله خویشن‌دارترین زنان روزگار میدانست روی سقف ماشین از سه چمدان، تنها، محتویات یکی «خرت پرت هابی» بود که او در ضمن مسافرت خریده بود. به کلمه‌ی خرت و پرت هم اعتراض نکرد زیرا دیگر فایده نداشت آنها از دو دیدگاهی چنان دور به زندگی می‌نگریستند که توافق در مفاهیم اساسی زندگی برای آنها غیر ممکن مینمود تاچه رسد به جزئیات. فکر میکرد که سفر چه دهشت‌انگیز است و پرده در. از اتوبان فرانکفورت پیچیده بودند به غرب. از روی کتابچه‌ی پرویز برایش چیزهایی خوانده بود، در وصف ماینتنس... صنعت چاپ و گوتمبرگ، اردوگاه

و نفرت خود را به ماینتنس کشف کرد. دختری در کنار جاده ایستاده بود و علامت میداد و لبخند میزد همه‌ی اینها را وی در فاصله‌ی کوتاهی که چشمانش را باز کرده بود دید. پرویز زیر لب چیزی گفت. گویا در باب لزوم کمک؛ بقول باباجانش به «این سبیل» او جوابی نداد. ماشین که توقف کرد و پرویز در را گشود و با آلمانی مضحکش گفت «بیته‌شون». دیگر برای اعتراض دیر شده بود. دختره مثل ماشین خودش آمد و در کنار پرویز نشست. پرویز هم متبسم بود. چشمانش میدرخشید و چشمان پرویز دوران نامزدیشان را بیاد او می‌آورد. ضمن معرفی او که تشریفات آن با دو کلمه «مای وایف» انجام شد. چمدان دختره را انداخت در صندوق عقب کنار دست او. دختره برگشته بود و دنباله‌ی تبسمی را که در کنار جاده برای گرفتن ماشینها، بچهره‌اش زده بود متوجه وی کرد پرویز اکنون سرحال تر ماشین میراند از حرکت دستهایش میشد تشخیص داد که میخواهد مهارت خود را به چشم دختره بکشد. دیگر او نمیتوانست بخوابد و بدتر از همه نمیتوانست چشمانش را بهم بگذارد. گفته بود بجهنم! اما تودلش پشیمان بود که چرا در کنار شوهرش ننشسته، آن وقت تازه وارد یا اصلاً نیامد یا لاقل در صندوق عقبی می‌نشست. طوری نشست که دختره را کاملاً تماشا بکند. صورتی بود کک‌مکی تا حدی شبیه چهره‌ی کودکان، دارای مشخصات معمولی که وی برای آلمانیها فرض میکرد. موهای بور، چشمان آبی بی‌معنی و دندانهای ریز جوندگان... میدانست که پرویز بهر قیمت که باشد سر صحبت را باز خواهد کرد.

باستانی رومیان شهری پراز خاطرات شیرین... لابد خاطرات شیرین برای آلمانها از خاطرات آلمانی‌ها، به پرویز چه؟.. و پرویز پیچیده بود از اتوبان به دست راست. او میدانست که نه برای لذت بردن از خصوصیات شهری بنام ماینتنس، راستش این بود که پرویز نمیتوانست تحمل بکند که عقربك سرعت سنچ ماشینش روی ۱۰۰ میخ کوب شود و ماشین های دیگر چون برق از کنارش رد شوند و ناگهان زیباییهای ماینتنس را کشف کرده بود. او هرگز شخصیت پرویز را بدین وضع لخت و عریان تماشا نکرده بود. او بکلی از مقاومت دست شسته بود چه فایده داشت؟ وانگهی از بازگشت میگردن «سردرد» لعنتی‌اش هم می‌ترسید. دیشب تا صبح نخوابیده بود و اکنون حوصله‌ی حرف زدن نداشت تا چه رسد به جر و بحث درباره‌ی ماینتنس و زیبایی های آن. او از لجش میخواست اصلاً چشمانش را هم باز نکند، برود در صندوق عقب ماشین لم بدهد و بخوابد، اگر بتواند. در حقیقت به خواب احتیاج داشت. دیشب از بدترین شهای عمرش بود. در ماینتنس بالاخره «دم» را دیدند. وی توانست دیدار خانه مخترع چاپ را از لیست بازدیدهای پرویز حذف کند. رفت و روی صندوق عقبی ماشین لم داد. پرویز اندکی با نقشه ور رفت. افسانه از زیر چشم مواظبش بود به جاده‌ی کرانه‌ی رود راین رسیدند. مستقیم رفتند. روی تابلو چنین خواند: «وورمس» ۸۸ کیلومتر و پرویز گفت که در شوشه‌ی شماره ۹ هستیم. این همان شوشه‌ی بود که در فرانکفورت گفته بودند بسیار با صفاست. امیدوار بود که با دور شدن از ماینتنس خفقانش کمتر خواهد شد اما نه. همان جا بود که علت احساس خفگی بدبینی

میخواست پیش‌بینی بکند که درچه زمینه : هوا به کجا می‌رود؟ از کجا می‌آید؟

اما مستقیماً پرسیده بود که اسمش چیست و آیا انگلیسی میداند. دختره گفته بود کمی، واسمش را او نتوانسته بود در صندلی عقبی بصراحت بشنود. اما شنیده بود که پرویز اسم خود را هجی کرد. دختره مقصد خود را به مقصد پرویز گفته بود که اتفاقاً از آنجا رد میشوند که باغلب احتمال دروغ گفته بود و یا بقول خودش تعارف کرده بود و دختر گفت: «زهرگوت» و این همان دو کلمه‌ی نخستینی بود که افسانه درآلمان یاد گرفته بود و فکر کرده بود عبارت بدرد بخوری است و اکنون که از دهان دختره آنرا شنید دید که فقط برای پرکردن خلاء و سکوت خوب است. منتها این سکوت از سکوتی که از مدتها پیش میان او و شوهرش حکم میراند فرق زیادی داشت. این سکون قبل از طوفان بود سکون و سکوتی آبدستن خیلی هیاهوها. سکوتی که احساس تیره بختی و پیش‌بینی حدوث وقایع ناگوار را که او همیشه بعد از جمله‌ی سکون دچار آن می‌شد بدترین وجهی تأیید میکرد. پرویز به دختره زیر چشمی نگاه میکرد. نگاه او چون حشره‌ای برکک و مبهکهای دختره می‌خزید. دختره خود را زده بود به نفهمی و مثلاً سیری درعوالم سبز بیرون. او میدانست که اکنون پرویز سیگاری آتش خواهد زد. قبل از هر اقدام مهمی چنین میکرد.

«سیگار؟»، «نوتنک‌یو»، «پلیز» و بالا رفتن ابروان بی‌رنگ دختره و سپس «اول رایت» و برداشتن سیگار یا بقول پرویز «سیگارت».

از نگاه دختره دریافت که باز پرویز دام مالوفش را گسترده بود: او در اروپا همیشه دو پاکت سیگار در جیب داشت یکی آمریکائی، آنچه که دوست داشت و میکشید، دیگری سیگار زر ایرانی، برای تعارف به خارجی‌ان، برای باز کردن سر صحبت. صحبتی که از بس تکرار شده بود کسالت آور گردیده بود. با انگلیسی بدختر می‌فهماند که ایرانی است. ایران. پرشیا.... بقیه در هرروایتی اندکی فرق میکرد یا به بحث نفت و قالی میرسید و یا به سعدی و حافظ منتهی می‌شد. بیچاره سعدی و حافظ، دختره نه سعدی را بجا آورد و نه حافظ را، نفت و قالی هم گویا بنظر پرویز بقدر کافی رومانتیک و مناسب حال نیامد... گفت شرق، آسیا، هزار و یک شب. همینکه دختره گفت بغداد. افسانه دلش اندکی خنک شد. شوهرش را شنید که میگوید. نه، تهران، شیراز، دماوند، اصفهان بعد، دیگر سر صحبت باز شده بود. زبان مشترکی آنچنان که بتوان با آن صحبت اساسی کرد در میان نبود. لکن انگلیسی مخلوط به

و رل را پیچانید او فکر کرد که دختره دانسته خود را به آغوش پرویز افکنده بود مثلاً که ترس زده بود افسانه بی‌اختیار چشمانش را بست.

تجربه‌ی قرن‌ها به او گفته بود که گاهی ندیدن بهتر است و آخرین پرده راندریدن. با صدای خنده‌ی آنان چشمان خود را باز کرد. آنها از یکدیگر معذرت میخواستند یکی میخواست بگوید که گناه او بود که حواس دیگری را پرت کرده، که راست میگفت، و دیگری درصدد اثبات اینکه گناه او بود که با احتیاط رانندگی نکرده که او هم راست میگفت هر دو گناهکار بودند، اما نه گناهکار حواس پرت کردن و یا بی احتیاطی. گناه در کنار هم بودن. گناه حضور در یک مکان و یک زمان. اکنون دیگر شرکت در جرم و گناه آنها را یکدیگر نزدیکتر کرده بود. آنها تا بسوی مرك هم‌دیگر را کشانده بودند، او را هم دردنبال خود، که اینک بحساب نمی‌آمد. می‌خندیدند. دیگر این خنده رنگ کمروئی آغاز آشنائی را نداشت. مدتی به سکوت گذشت. پرویز زیر چشمی دختره را نگاه میکرد و دختره هم اندکی پرویز را. نگاهشان با هم تلاقی کرد هر دو خندیدند. شوهرش گفت: خوب، تعریف کنید. و این تکیه کلام او بود.

دختره نفهمید و لب‌خند زد. پرویز پرسید

آلمانی دختره لابد وی را در نظر پرویز جذاب‌تر می‌نمود. راستی مرد ها چه خود فریب‌اند، وقتی ندانستن و عدم امکان تفاهم دل آنها را میرباید و زمانی بهمین علت دل میکنند. دختره گویا دانشجو بود، در رشته‌ی مربوط به الکترونیک. این هم مزید بر علت شد. پرویز سخت شیفته‌ی چیزهایی بود که در باره‌شان اطلاع درستی نداشت، بنابراین در زمینه‌ی مباحث مربوط به الکترونیک و اتم و فضاوردی هم خودی نشان می‌داد. ضمناً وی احساس کرد که در ضمن این بحث‌های تکنیک فاصله‌ی شوهرش با دختره کمتر شده و پرویز اینک تا حد امکان در طرف راست صندلی رانندگی نشسته است. خشمی کور در درونش برافروخته شده بود. «میگرش» عود میکرد دختره به حرف افتاده بود. «داریم بطرف آلزاس میرویم. بموازات این در سرزمین تاکها، درحقیقت مخزن شراب رومیان در دوهزار سال پیش. اینک درختان هلو. زردآلو. انجیر... اینطرف را نگاه کنید. این قسمت را «پراتسروالد» میگوئیم، والد، جنگلی یکی از بزرگترین جنگهای آلمان. پرویز چنان مطیعانه در جهت سرانگشت دختره ایسن بزرگترین جنگل آلمان را نگاه کرد که بند دل افسانه پاره شد. اتومبیل با سرعت در سر پیچ به پرتگاهی میرفت. پرویز در آخرین لحظه متوجه پیچ شد ترمز را فشارداد



«آنجا کجاست». «شرق؟ دره‌ی راین. شهرهای کوچولو و روستاهای زیبا. مسافرخانه‌های قدیمی با شرابه‌های تازه». بنظر افسانه رسید که در تلفظ کلمه‌ی مسافرخانه‌ها INNS دعوتی بود نهفته. شوهرش نیز گوئی این رمز را دریافت، آهی کشید و گفت «کاش وقت بیشتری داشتیم». و افسانه از جریان تندم‌ها در ساعت شنی زمان هرگز چنین خرسند نشده بود. از شهری رد شدند. اسمش را چی خوانده بود؟ ورمس. دختره بخودی خود تأیید کرد و افزود: «بسیار قدیمی است. میگویند از پنج‌هزار سال پیش تا حال همینطور شهر بوده است». منتظر بود که شوهرش بگوید جایگاه او هم شش‌هزار ساله است اما توجه پرویز به رانندگی این فرصت را از دستش گرفت. دختره با شوق فراوان توضیح میداد، بنظر او رسید که انگلیسی وی بهتر شده است.

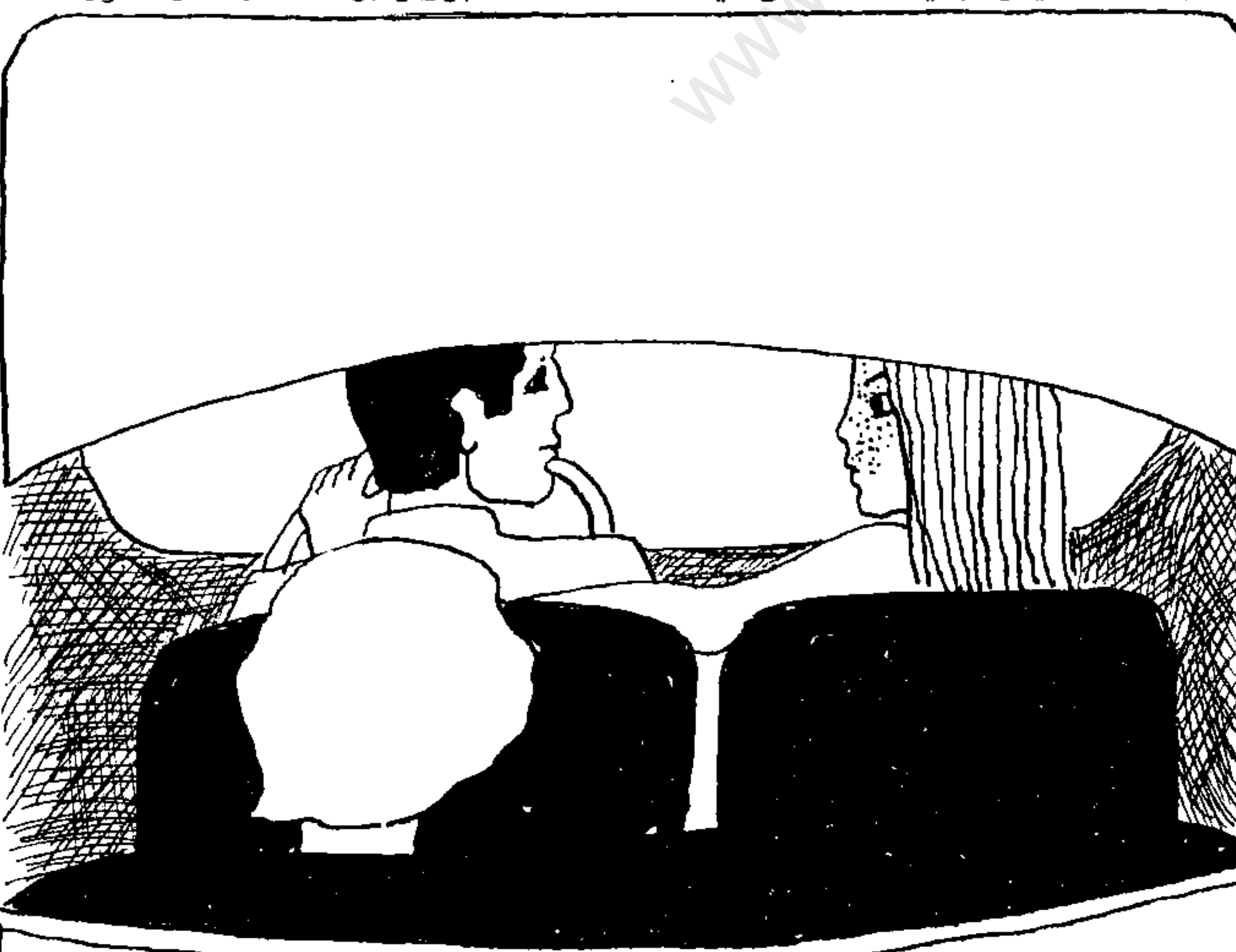
«پایتخت پادشاهان بورگندی». در ذهن افسانه این کلمات طنین افکند: «کشور شیران و دلیران... دختره ادامه داد: «صحنه‌ی درام قهرمانی نیبه‌لونگ». «کشور شیران و دلیران...». او رفته بود به چند سال پیش. در ذهن کرخت وی بی‌خوابی و تهدید سهمگین میگردان ابعاد مکان و زمان را بهم آمیخته بود. وی اکنون در تهران بود، در مدرسه‌ی که شهرت کاذبش همه‌ی دختران اعیان و اشراف خودنما را در آنجا گردآورده بود. کار عمده‌شان ورزش و سرود و ترتیب نمایشگاه‌ها و اینجور چیزها بود. در آنجا ادعا این بود که آنها را برای آینده آماده می‌سازند. بیاد آورد که هم‌اکنون در درون این ماشین تنگ، در آینده شکوفای خویش زندگی میکند. از همه مضحک‌تر، آینده‌ی وی، خداوند سرنوشت او، در صندلی جلوی نشسته و با ناشناسی که فقط سه ریع ساعت است که وارد زندگی‌شان شده و شاید یک ساعت دیگر از آن بیرون خواهد رفت در حقیقت علیه وی طرح دوستی افکنده. دوستی؟ آیا پرویز دوست او بود؟ اگر بود. پس چرا دوستان دوستان او دوستان او بشمار نمی‌رفتند. در این سلسله حلقه‌ی ناهماهنگ دست کدام بود: دوستی او و پرویز؟ دوستی پرویز و ناشناس؟ خواست خود را قانع کند که دوستی پرویز و ناشناس «پاک» نبود و در آن جاذبه‌ی جنسی دختره نقش مهمی داشت. اما آیا «دوستی» خود او و پرویز نیز از همان قماش نبود. مگر رنگ باختن کنونی این دوستی، در آخرین تجزیه و تحلیل، لااقل موازی بروز آثار ضعیف در روابط خصوصی‌شان نبود؟ پس چرا فورمولها صادق در نمی‌آیند؟ آیا فورمول ثابت و صادقی اصلاً در روابط بشری میتواند وجود داشته باشد؟ وانگهی می‌بایست انصاف بدهد که آشنایی کنونی دختره دست کم از کشش تازگی بهره‌مند بود. درست

صفحه شصت و ششم

مانند تماشای این شهرها و جنگلهای ناشناس لذت کشف و سورپریز را باخود داشت. و عیناً مانند آغاز آشنایی خودشان. بی‌علت نیست که در آن کتابها هم، در کتابهایی که پرویز آنهمه دوستشان دارد - چرا که در باره مسائل جنسی بی‌پروا حرف میزنند - تنها آغاز ماجراها موبمو شرح داده می‌شود. دنباله‌ی داستان، قصه‌ی تکراری شبهای دوم و سوم و هزارم، علی‌رغم قدرت و سحر بیان نویسندگان، حتی در کتابها نیز ارزش خواندن را ندارد.

اینها همه درست، اما خود او چه؟ کتاب می‌تواند پس از شرح نخستین شب وصال پایان برسد؛ آنهم با پایان خوش. چه مضحک است این عبارت: «پایان خوش»! که خود پایان نیست؛ که خود تازه آغازی است. آغاز زندگی کسالت‌بار، یکنواخت و تکراری و تکراری و تکراری. بیاد آورد قصه‌ی پرسوز و گداز عشق «کنت‌آلما» و «یوا» را به «روزین» در نمایشنامه‌ی «سلمانی سویل» و مبارزه‌ی پرشور او را با حسادت و سوءظن «دکتر بارتلو» نامزد و پاسدار معشوقه‌اش، سپس تصویر اندوه‌بار زندگی زناشویی همان «کنت‌آلما و یوا» و همان «روزین» را در نمایشنامه‌ی «عروس فگارو». کنت را بنظر آورد از زنش خسته شده است، با همه‌ی کبریا و غرور اشرافیش دنبال دختر رعیت افتاده و خانم کنتش که چاره‌ئی جز اشک و غم ندارد، مگر اینکه حیل‌گری فیکاروئی بدادش برسد تازه برای چه؟ برای ادامه همان زندگی ملال‌بار مشترک و بی‌لطفش با شوهرش و همچنان در سایه‌ی تهدید خیانت‌های آینده.

این قصه در زندگی، هزاران هزاران بار تکرار میشود. ناگهان بخود آمد. پرویز از ته‌دل می‌خندید و این بار از او می‌پرسید: «لیب‌فرائومیلش» افسانه میدانی «لیب‌فرائومیلش» یعنی چه؟ او نمیدانست. لکن یقین داشت که معنی کثیفی دارد زیرا لطیفه در نظر پرویز فقط آن چیزی بود که بنحوی با کلمات پلید و زندگی جنسی ربطی داشت. برایش بفارسی ترجمه کرد: «فکر میکنم معنی‌اش شیر محبوبه، شیر پستان محبوبه باشد. این اسم را آلمانی‌ها به شراب این منطقه می‌دهند بعلت کلیسایی بنام لیب‌فرائو یعنی خانم محبوب». شرح نشان میداد که در ترجمه تقلب کرده بود بخصوص در مورد لغت پستان که ناراحتش کرد. جلو روی دختره، خنده برای چنین موضوع بی‌مزه و خدا میداند در موقعیکه او غرق خیال بود، در ترجمه‌ی آلمانی به انگلیسی اسم کلیسا، این کلمه چه تأکیدی یافته بود. فکر کرد که دیگر هوای اتوموبیل قابل تنفس نیست. افسوس این فلکس‌واگنهای لعنتی در قسمت عقبی در ندارند، چقدر مناسب بود اگر میتوانست دری را یواشکی باز کند و به‌دره‌ی سبزگونی که آغوش پرشکوهش را بروی گشوده بود بپزد. او چیز مهمی از دست نمیداد. در عوض برنامه‌ی تعطیلات پرویز بهم می‌خورد. شاید پشیمان می‌شد و از همه مهمتر نقش و نگار بساط دل‌بهم‌زنی را که در جلو رویش گسترده می‌شد با خون خویش می‌شست. انتقام همه‌ی خیانتها را در اینجا، در کنار کلیسایی با این نام احمقانه، از همه‌ی شوهران باز میگرفت. باز صدای پرویز بود که در میان تصورات



تیره او دوید : «می گوید که و این اشتراسه، یعنی شوسه‌ی شراب، از اینجا شروع می‌شود.» بلبل زبانی دختره نیز شروع شد «از بوکنهایم گذشتیم . الان در راه گردنشتات هستیم که روزگاری مرکز گراف‌لای نین‌گن بود .» این اسم را با لحنی ادا کرد که مخاطب بیگانه به عظمت آن بدون نیاز بدلیل قانع می‌شد. افسانه لج کرد و نسبت به این گراف‌نیز کینه‌ی در دل احساس کرد. قرصی که برای جلوگیری از میگرن بلعیده بود ، به مقاومت وی در برابر خواب پایان می‌بخشید . او هنوز می‌خواست از راه گوش مواظب پرویز و دختره باشد . لکن پرده‌ی مه غلیظی در میان او و سرنشینان صندلی‌های جلوی حایل شد .

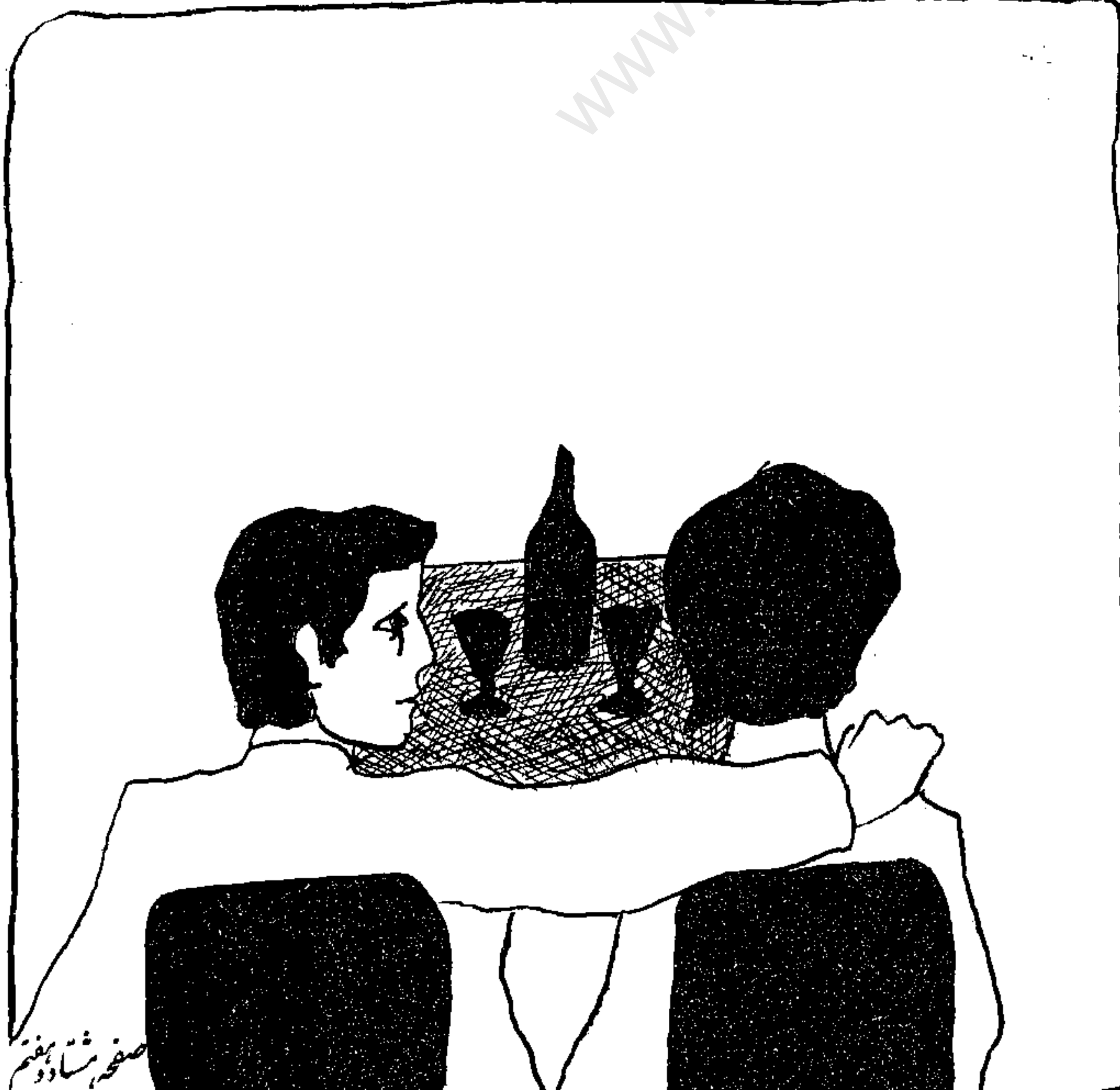
اتوموبیل فضای وحشت‌زایی یافت. در دور و بر او بر غلظت مه افزود . گراف‌لای نین‌گن را دید با لباس ابریشمی گلی ، صدای سازهای دور دستی را شنید ، گراف با دست حرکاتی میکرد که گویی اداره‌کننده ارکستر او بود. در میان مه درختان را میدید که می‌چرخیدند در چرخشی یادآور گرداب‌ها رنگها فرو می‌ریخت . همه چیز سبز می‌شد ؛ حتی طنین نارنجی زنگ کلیسایی که صدایی گفت متعلق به هونین‌گن است . و صدا افزود : «قدیمی ترین کلیساهای پالاتینا» : لابد کلیسایی که عقد ازدواج گراف را در آنجا بسته بودند و در همان‌جا غسل تعمیدش داده بودند و شاه نیز در باغچه‌ی آن بخاکش سپرده بودند پس يك لحظه تصویر کاخ خرابه‌ای بر فراز گرداب نمایان شد . صدا گفت «آلتای نین‌گن» . در دور و بر او اینك ، اشباح ویرانه‌نشین تلوتلو می‌خوردند ادای مستان را در می‌آوردند . بعد رفتار آنان تندتر و تهدیدبارتر گردید. صدا گفت «هر کس هایم» ، «فراینسهایم» ، «اونگشتاین» و افزود «سرزمین شراب و دیونیزوس» و در این لحظه، گویی همه درهای میکده‌های جهان بیکبار باز شد ، از همه سوی گروه انسانهای مست بیرون می‌ریخت. همه تلوتلو می‌خورند ، با دست اشارت گستاخانه‌ی می‌کردند . افسانه ترسیده بود که نکند او را ببینند ، آنگاه هدف همه این اشارات او می‌گشت . صدای ارکستر و گروه همسرایان ، در ریزاداره گراف لای نین‌گن . این بار به وضوح شنیده شد سرود آنان بافته‌ی از وقیح‌ترین کلمات بود . و صدای خنده‌ی پرویز را شنید که می‌خندد و می‌گوید «لیب فراؤومیلش» بمحض شنیدن نام باد دور کهایم ، ۱۲ هزار مست و عریده کش، از زن و مرد و پیر بچه بردیگران افزوده شد . اینان هر کدام شاخه‌ی تاکی بردست داشتند. وعده‌ی با ولع زیاد سوسیس عظیمی را دندان می‌زدند. همه در بیخ گوش او فریاد می‌کشیدند، همه آنچنان شدت یافت که کاملاً گیج‌شد. جمجمه‌اش در منگنه‌ی سردرد جانکاهی فشرده شد . گویی همه چیز در این درد بزرگ حل

گردید . درد چون صاعقه‌ی بر «سابات» شوسه‌ی شراب فرود آمده بود . جوشش فرو نشسته بود . همه درد بود و درد . دردی که از فراز آسمان‌ها پایین می‌آمد و در ژرفای زمین فرو میرفت ، دردی چنان عظیم که ظرفیت احساس از آن سرشار گشت و به کرختی انجامید .

وقتی که ماشین ایستاد از خواب پرید. دختره از ماشین پایین آمد و صندلی را خم نگهداشت تا او هم از ماشین پیاده شود . شوهرش توضیح داد «مقصد دختره اینجاست، او می‌رود و ماهم در این کافه‌ی کوچک يك چیزی می‌خوریم» . بعد از حال او جویا شد. وی جوابی بسر دی داد . هنوز سرش گیج بود . موج درد درهم شکسته بود لکن منگی و بی‌حالی بر اندامش استیلا داشت . عطش نوشیدنی سرد و بی‌نامی را در درون خویش احساس کرد . اتوموبیل را کناری کشیدند . فوراً پرویز رفت و در موتور را باز کرد از موتور و ماشین هیچ سر رشته‌ی نداشت ، لکن به اطلاع و سر رشته‌داشتن وانمود می‌کرد. دختره بگرمی دست هردو را فشرد ، چمدانش را از توی ماشین بیرون کشید و رفت . صاحب کافه با احترامی بیش از انتظار به پیشوازشان آمد . نشستند. صاحب کافه بدون اینکه پرسد چه میل دارند شیشه‌ی شراب با دو گیلان برایشان آورد . شراب محلی تازه ، بعد گیلانی هم برای خودش آورد و با اجازه‌ی آنها هر سه گیلان را پر کرد . و اشاره کرد که مهمان‌شان کرده است . افسانه لحظه‌ی دربارهی کافه‌چی و تعارف او نیز

بدگمان شد . لکن کافه‌چی خیلی زود بحرف افتاد . صحبت باز در باره شوسه‌ی شراب بود این بار وی احساس کرد که از این حرفها بدش نمی‌آید و موضوع برآستی جالب است. کافه‌چی شرح میداد که خیلی خوب شده که این راه را انتخاب کرده‌اند . انگلیسی او هم شبیه انگلیسی دختره بود . با دست اشاره کرد که واخن‌هایم ، شهر دیدنی قدیمی آنسوی افق است و دایس‌هایم که او خود از آنجاست بلاشك زیباترین قصبه‌ی این نواحی است و کلیسای گوتیک معتبری در آنست . و شرح داد که چگونه هر سال در پایان فستیوال شراب از قرن‌ها بدینسوی بزی را در جلو کلیسای آن حراج میکنند . افسانه فکر کرد که با روایتی دیگر از بزگناهکار یهودیان روبروست . صاحب کافه ادامه داد و گفت اینجا که نشسته‌اند نویشئات است. مرکز تجارت شراب تمام این نواحی . در موقع انگورچینی هر سال ملکه‌ی تانکستان را از میان دخترانی که اهل این نواحی‌اند انتخاب می‌کنند ، رزماری ملکه‌ی سال پیش بود . با دست اشاره به دختره کرد که در انتهای جاده از نظر دور شده بود .

اینك ناگهان در دل افسانه بجای کینه های پیشین محبتی به مهمان‌شان زاده بود. آرزو میکرد که کاش سردردش نمی‌گرفت و او را بهتر تماشا می‌کرد. از شوهرش پرسید دختره چطور بود. پرویز مزورانه جواب داد: بسیار معمولی . و او این تزویر را بر وی بخشود .







پژوهنده محمدجان (محمودیان)

فرشته وحیدی آزاد

عنایت افشار کی

مراسم سان و رژه واحدهای نمونه نیروهای مسلح بمناسبت :

۲۱ آذر

● بمناسبت سالروز ۲۱ آذر «روز نجات آذربایجان» مراسم رسمی سان و رژه توسط واحدهای ارتش شاهنشاهی در سراسر کشور برگزار گردید .

رژه واحد های ارتش و نیرو های انتظامی مرکز در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در میدان «شهید» برگزار شد .

قبل از انجام رژه ، نخست شاهنشاه آریامهر سوار بر اسب از صفوف واحد های ارتش شاهنشاهی سان دیدند و سپس مراسم رژه توسط واحد های نمونه نیرو های مسلح در پیشگاه معظم له انجام شد . هزاران نفر از مردم پایتخت در مسیر رژه واحد های مذکور به تماشا ایستاده و نسبت به آنان ابراز احساسات میکردند .

گفت زندهای ممتد ، گلباران مسیر واحد های ارتش و انداختن تاج گل به گردن سربازان و افسران ، نمونه هایی از ابراز احساسات و قدردانی عامه مردم بود که در این روز نسبت به ارتش ایران بعمل آمد .

مراسم سان و رژه واحد های نمونه نیرو های مسلح ارتش شاهنشاهی مستقیماً از تلویزیون ملی ایران و رادیو ایران پخش گردید .



تقدیم مدال طلای صلح بنیاد «گروسیوس»

● روز پانزدهم آذرماه با پیام شاهنشاه آریامهر حقوقدانان بنیاد «گروسیوس» نوزدهمین اجلاس به انجمن خود را در تهران تشکیل دادند .

رئیس و اعضای بنیاد «گروسیوس» که يك مجمع بین المللی مرکب از حقوقدانان برجسته سراسر جهان است در شرفیابی خود به حضور شاهنشاه آریامهر مدال طلای صلح این انجمن را به پیشگاه معظم له تقدیم داشتند . اجلاس به انجمن مذکور بمناسبت آغاز هفته حقوق بشر که مقارن با بیست و یکمین سالروز تصویب اعلامیه حقوق بشر در تهران ترتیب یافته بود ، تشکیل شد .

به همین مناسبت نیز در پاسارگاد (مقبره کورش کبیر) نخستین دیدار آورنده اعلامیه حقوق بشر مراسمی با شرکت دانشمندان حقوقدان خارجی برگزار شد .

بازرگانی و صنعت

افزایش نرخ حمل دریائی
تعرفه حمل کالا

● ۷۵ درصد برتر تعرفه حمل کالا از خلیج فارس تا اروپا افزوده شد .

از دیاد نرخ حمل و نقل دریائی اجباری بنظر میرسد زیرا از سال ۱۹۶۵ به بعد بعثت اعتصاب کارگران بنادر اروپا سطح دستمزد هامرتباً بالا رفته است .

از دیاد نرخ حمل و نقل دریائی روی کالا های وارداتی ایران نیز که از بنادر اروپا به ایران حمل میشود تاثیر قابل ملاحظه ای خواهد گذاشت اما اثر چندانی روی نرخ صادراتی ایران نخواهد داشت زیرا در حال حاضر بیشتر کالا ها از طریق دریای خزر و رودخانه ولگا حمل میشود .

برنج مازندران ارزان شد

● بهای انواع برنج در مازندران تنزل کرد . فروش برنج مازندرانی در تهران زمینه ای ندارد . مقامات مطلع اقتصادی معتقدند که ارزان شدن برنج مازندران بسبب اشباع بازار تهران می باشد .

وضع میوه های پائیزی

● میوه های پائیزی امسال کمتر از سال گذشته می باشد ، چون بارانهای شدید وزودرس به محصولات درختان پائیزی لطمه وارد کرده است .

فعلاً روزانه ده تا بیست کامیون انار از ساوه و قم به تهران حمل میشود .

انار مرغوب کیلویی ۲۱

ریال و درجه ۲ کیلویی ۱۴

ریال است . زمینه سیب

امسال نیز نسبت به سال گذشته کمتر است . قیمت سیب در

میدان کیلویی ۲۰ تا ۳۵ ریال

و در مغازه ها از ۴۰ تا ۶۰

ریال است . از محصول گلابی

امسال فقط مقدار کمی در

انبار ها موجود است که بتدریج به بازار حمل میشود . (قیمت ها براساس ارزش میوه ها در هفته آخر آبانماه تعیین شده است)

بیش از ۳ میلیارد ریال

کاهش کسر موازنه بازرگانی

● بعثت افزایش صادرات

و کاهش واردات در هفت

ماه اول سال کسر موازنه

بازرگانی خارجی ایران نسبت

به مدت مشابه در سال گذشته

۳ میلیارد و ۵۹۷ میلیون

ریال کاهش داشت .

کل صادرات ایران در این

مدت بدون احتساب مواد نفتی

۴۰۴ هزار و ۷۲ تن کالا به

ارزش بیش از ۹ میلیارد و

۷۴ میلیون ریال بود . این

رقم بزرگترین رقم صادرات

ایران در مدت مشابه از سال

۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ بوده است .

در این جدول فرش دستباف

ایرانی و خشکبار ۴۱ درصد

مجموع صادرات کشور را

شامل است در مدت مذکور

همچنین نسبت به مدت مشابه

سال پیش ۵۱۰ هزار تن کاهش

واردات بوده است .

بررسی مشکلات شهری

● در استانهای مازندران ،

اصفهان ، کرمانشاهان ،

آذربایجان شرقی و غربی ،

کرمان ، خوزستان ، فارس ،

کردستان و فرمانداریکسل

سمان سمینار هائی با شرکت

نمایندگان وزارت کشور تشکیل

شد . در این سمینار هئا

مشکلات شهری و برنامه های

عمرانی شهرستانهای مناطق

مذکور مورد بررسی قرار

گرفت . در سمینار های مذکور

استانداران ، فرمانداران کل ،

فرمانداران ، شهرداران ،

روسا و اعضای انجمنهای شهر

و همچنین نمایندگان وزارت

کشور شرکت داشتند .

صفحه شانزدهم

موافقت نامه‌ها

تحويل راه آهن «جاوه» زاهدان» به ایران

● مذاکرات ایران و پاکستان در باره تحويل خط آهن نود و دو کیلومتری «میرجاوه - زاهدان» پایان یافت. براساس موافقت نامه‌ای که در پایان این مذاکرات امضاء شد راه آهن این خط به دولت ایران واگذار گردیده است.

● موافقت نامه بازرگانی ایران و تایلند

● نخستین موافقت نامه بازرگانی ایران و تایلند در تهران به امضاء رسید. به موجب این موافقت نامه که

مذاکرات رسمی

نخست وزیر تایلند در ایران آقای «پات ساراسین» نخست وزیر و وزیر توسعه ملی تایلند و بانو در رأس یک هیئت شش نفری وارد تهران شدند.

اعضای هیئت مذکور در مدت چهار روزی که در ایران اقامت داشتند با آقای نخست وزیر، وزیر اقتصاد، وزیر امور خارجه، مدیر عامل سازمان برنامه و رئیس کل بانک مرکزی ملاقات و مذاکراتی بعمل آوردند و در این مذاکرات زمینه عقد یک قرارداد بازرگانی بین دو کشور فراهم گردید. صدور کالاهای ایرانی به



تایلند

● یک هیئت بازرگانی تایلندی که برای انجام مذاکراتی در زمینه تجارت دو کشور به ایران آمده بود مذاکراتی با مقامات ایرانی انجام داد.

در این مذاکرات آقای حمزای سفیر شاهنشاهی ایران در تایلند و وزیر اقتصاد از جانب ایران شرکت داشتند. در این دور مذاکره فهرست کالاهایی که ایران میتواند به تایلند صادر کند مورد بررسی قرار گرفت.

گفته میشود که فرش و پارچه‌های مخملی، محصولات پتروشیمی بویژه کود شیمیایی، کالاهای فلزی از قبیل میز و نیمکت و صندوق نوز، خشکبار بویژه پسته، کش و سنک مرمر از این پس به تایلند صادر خواهد شد.

بسط روابط تجاری با پاکستان



● وزیر بازرگانی پاکستان آقای «احسان الحق» به ایران آمد. نهمین در مدت اقامت خود در ایران مذاکراتی در زمینه بسط روابط تجاری فی مابین مقامات مسئول ایرانی انجام داد.



● «پینه» در دیدار خود با آقای نخست وزیر موضوع ساختمان مترو در تهران و تشکیل یک کمیته عالی از سرمایه‌گذاران و شخصیت‌های برجسته فرانسوی برای سرمایه گذاری در ایران را مورد بحث قرار داد.

قراردادهای جدید نفتی ایران

● نحوه آزاد کردن باقیمانده بخش ۱ نفتی کشور در سال ۱۹۶۴ از ابتکارات تازه و منحصر بفرد شرکت ملی نفت بوده و طی آن شرکت تصمیم گرفت بمنظور کسب اطلاعات دقیق از شرایط زیرزمینی قسمتهای باقیمانده بخش ۱ وسائل انجام مطالعات ژئوفیزیکی از طریق بیمانکار دیسلاستی به هزینه متقاضیان مربوطه فراهم آورده و نتایج حاصله را تسلیم متقاضیان نماید تا متقاضیان با علم و اطلاع از شرایط زیرزمینی قسمت آزاد شده پیشنهاد های خود را تنظیم و تسلیم شرکت ملی نفت نمایند.

مزایای انجام عملیات ژئوفیزیکی قبل از عقد قرارداد های شگانه جدید بشرح زیر میباشد:

الف - تقلیل ریسک عملیات نفتی و ایجاد رقابت بیشتر بین متقاضیان انجام عملیات نفتی.

ب - تقلیل مدت لازم برای انجام عملیات اکتشافی و حفاری.

ج - تقلیل مساحت ناحیه عملیات به نصف و کمتر و عقد قرارداد های بیشتر.

د - اخذ پذیر نقدی و مشروط و مدت دار بطور قابل ملاحظه.

ه - قبولاندن بعضی شرایط شاق از طرف شرکت ملی به شرکت های طرف دوم.

در اثر اتخاذ این روش تعداد زیادی ساختمان زیر - زمینی یا «طاقدیس» کشف و ۶ شرکت از میان شرکتها و گروههای شرکت کننده در مزایده انتخاب و قرارداد هائی بسته شد که شرایط آنها نه تنها با قرارداد های منعقد در سایر نقاط جهان قابل مقایسه نیست بلکه سرآمد قرارداد های معروف ۲۵ - ۷۵ منعقد با آجیب و شرکت بین المللی پان آمریکن میباشد.

در اینجا کمی بعقب برگشته و اضافه میشود پس از آزاد اعلان شدن بخش ۱ در سال ۱۹۵۸ شرکت ملی نفت ایران پس از بررسی پیشنهاد ۱۴ شرکت و گروه شرکت نفت بین المللی پان آمریکن بسا قبول مشارکت ۵۰ درصد شرکت ملی نفت ایران - پرداخت ۲۵ میلیون دلار پذیر و تعهد هزینه عملیات اکتشافی به میزان ۸۲ میلیون دلار برنده مزایده اعلام و قراردادی با آن شرکت منعقد گردید که بموقع اجرا گذارده شد.

با شرکت آجیب ایتالیائی هم قراردادی بر مبنای مشارکت ۵۰ درصد شرکت ملی نفت ایران برای انجام عملیات نفتی منعقد و اجرا گردیده است. بطور کلی قرارداد ایپاک که طبق مفاد قانون نفت تنظیم یافته نحوه تکامل یافته قرارداد سیرپ میباشد.

اساس قرارداد هائی که به مبنای ۵۰ درصد مشارکت شرکت ملی نفت ایران منعقد میگردد بر این اصل استوار

نفت

یکصد هزار بشکه ظرفیت تصفیه نفت خام پالایشگاه تهران به یکصد هزار بشکه در روز رسید.

این رقم مربوط به آخرین روز مهرماه می باشد و میزان آن ۱۷۶ درصد بیش از ظرفیت طراحی شده دستگاه تقطیر نفت خام پالایشگاه تهران است.

● عمیق ترین چاه نفت و گاز عملیات حفاری چاه شماره ۴ قزل تپه همچنان ادامه دارد.

این چاه در ۳۵ کیلومتری شمال غربی گنبد قابوس واقع شده و تاکنون ۱۸ هزار پا حفاری شده است.

برنامه حفاری این چاه که از عمیق ترین چاههای نفت و گاز در حائوریانه است براساس مطالعات زمین شناسی و ژئوفیزیکی بمنظور آزمایش طبقات ژوراسیک از بروجود نفت و گاز اجرا میشود. عمق این رسوب در حدود ۴۰ هزار پا از سطح دریا محاسبه شده و کلیه عملیات این حفاری توسط مهندسان و حفاران ایرانی انجام میگردد.

● کارخانه جدید پتروشیمی کارخانه جدید پتروشیمی خارك که از روز ۱۵ آبانماه آغاز به کار کرد روزی پنج هزار بشکه گاز مایع تولید میکند. محصول گاز این کارخانه یکجا برای



ده سال به ژاپن پیش فروش شده است. همچنین محصولات گوگرد این کارخانه که روزی ۶۰۰ تن می باشد به کشور های خارجی فروخته میشود.

بیش از سه میلیارد و سیصد میلیون ریال هزینه ایجاد این کارخانه شده است.

● رئیس شرکت گاز کراچی در ایران رئیس شرکت گاز کراچی که به ایران سفر نموده بود با آقای دکتر اقبال ملاقات و مذاکره نمود.

وی در این ملاقات درباره فروش محصولات کارخانه لوله سازی اهواز به پاکستان مذاکراتی با رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران انجام داد. مدیران عامل شرکت ملی گاز ایران و کارخانه های لوله سازی اهواز نیز در این گفتگو شرکت داشتند.

● نوزدهمین کنفرانس اوپک بیست و ششمین اجلاس هیئت عامله «اوپک» تشکیل جلسه داد در این جلسه اوپک (کشورهای صادر کننده نفت) مسائل اداری و کارهای جاری سازمان مورد بررسی قرار گرفت و نیز برنامه نوزدهمین کنفرانس اوپک تهیه و تنظیم شد.

کنفرانس مذکور با شرکت وزیران نفت و دارائیده کشور عضو سازمان در «دوحه» مرکز امارات قطر تشکیل خواهد شد.

است که شرکت ملی نفت ایران و شرکت طرف قرارداد از نفتخام حاصله ۵۰ درصد سهم برده و مالیات متعلقه را بر طبق قوانین جاری ایران می پردازند. بنابراین دولت و شرکت ملی نفت ۷۵ درصد از سود ویژه را دریافت و این نوع قرارداد ها بنام قرار داد های ۷۵:۲۵ مصطلح شده و مبتکر و مجری آن برای اولین مرتبه ایران بوده است.

● کارخانجات کبود شیمیایی شیراز به مبلغ ۱۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال (۱۸۰۰۰۰۰۰۰ دلار) ارزیابی شد و جزء سرمایه شرکت ملی صنایع پتروشیمی قرار گرفت.

● کارخانجات کود شیمیایی شیراز که در مردودشت ۵۰ کیلو متری شیراز واقع شده و ظرفیت تولید ۱۳۵ تن آمونیاک ۱۶۵ تن اوره و ۱۲۰ تن نیترات آمونیوم در روز است.

● کشف نفت در سرکان چاه اکتشافی سرکان (در لرستان) واقع در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی ماله کوه به نفت رسیده است. نفت این چاه، مانند نفت منطقه ماله کوه در منبع بنگستان جای دارد و دارای وزن مخصوص (۱.۰۱) می باشد. میزان بالا و محتوی گوگرد کم است.

در آزمایشاتی که در بین عمق ۶۵۰ و ۵۲۵۰ پا بعمل آمد نفت بمیزان ۱۷۰۰۰ بشکه در روز پس از تزریق مواد اسیدی تولید گردید. تشخیص کامل میزان و حدود این منبع که در منطقه سخت کوهستانی قرار دارد موکول بادامه عملیات حفاری خواهد بود.

اوقاف

● مسابقه قاریان قرآن روز پنجم آذر ماه مسابقه قاریان قرآن در کنیور مازنی برگزار شد.

در این مسابقه دو نفر از قاریان ممتاز انتخاب شده از طرف سازمان اوقاف ایران شرکت داشتند.

● ساختمان حرم و مرقد شاهچراغ علیاحضرت شهبانوس جهت ساختن صندوق خانیم مرقد مطهر حضرت شاهچراغ غطیه ای بمبلغ چهار صد هزار ریال مرحمت داشتند.

● همچنین مبلغ چهل میلیون ریال از طرف بانک ملی ایران بمنظور خرید خانه های مقابل صحن و ایجاد میدان بزرگ شاهچراغ اختصاص یافت.

● بقرار اطلاع سازمان اوقاف، بنون ریزی داخل حرم مطهر شاهچراغ هم اکنون آغاز شده است.

زنان

پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به مجمع عمومی سازمان زنان ایران :

برنامه کار و فعالیت های سازمان زنان باید در رشته های معین و مشخص محدود گردد تا از تشتت و دوباره کاری جلوگیری شود

● در دوران بیست و یک ماهی که گذشت سازمان زنان ایران توانست در حدود امکانات خود برای تحقق بخشیدن به اهداف و پیشبرد برنامه های انقلابی کشور کام های موثری بردارد و در این جنبش عظیم و کوشش های همه جانبه ای که در تمان شئون اقتصادی و اجتماعی ما برهبری برادر تاجدارم به منظور ترقی و تعالی سربلندی کشور بعمل می آید سهم خود را ایفاء کند ولی ما باید هر روز بر فعالیتهای و کوشش های خود بیفزاییم تا اجتماع متشکل بانوان ایران که در میدان فعالیتهای اجتماعی ناره نفس است نیروی اصلی و محرک اساسی چرخهای مائیت جامعه بون ما باشد .

در دوره ای که گذشت سازمان زنان ایران در برنامه های آموزشی موفقیت های قابل ملاحظه ای داشته است که می توان از آن جمله ایجاد آموزشگاه برای تربیت راهنمایان خانواده ، ایجاد آموزشگاه مدد کاری زنان روستائی ، تشکیل کلاسهای متعدد حرفه ای زنان در سراسر کشور ، ایجاد کلاسهای پی گیری و تکمیلی پیکار ما بیوادی و ایجاد کلاس آموزش تغذیه را نام برد و همچنین همکاری سازمان زنان با وزارت بهداشت در امر بهداشت و تنظیم خانواده را نیز که اقدام مفیدی بوده نباید ناکفته گذارد .

افزایش تعداد شعب سازمان در شهرستانها و بخش ها که

تدبیر خاتم دکتر سیدی کرجی بماسبت همکاریهای که با هیئت بازرسان انجمن به مسئله ترسان معن آورده بود از طرف دبیر کل سازمان زنان شد .

زاد روز والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ● در روز چهارم این ماه به مناسبت زاد روز والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه سازمان زنان ایران از طرف سازمان جسی برپا گردید .

● زن از رومانی در تهران ● چهار نفر از بانوان سازمان زنان شور رومانی وارد تهران شدند . این عده به بدعوت سرکر علییه حام فریده دیبا به ایران آمدند . آموزش هفتصد کارآموز مددکاری

● آموزشگاه مددکاری زنان روستائی وابسته به سازمان زنان ایران کسب یافت .

در مراسم افتتاح آموزشگاه که در حضور سرکار علییه حام فریده دیبا ریاست عالییه سازمان زنان ایران صورت گرفت دبیر کل سازمان زنان ملی شازسی گفت :

مددکاری از ایجاد این آموزشگاه برپا شد کارائی است که می تواند بی از طی دوره تحصیلی خود برونست های کور بروید و روستائیان را با زندگی نوین روستائی و نحوه آبادانی همکده هایش باری کند .

آموزشگاه مدد کاری زنان روستائی قلعه نورآمین زیر نظر هیئت اماء و هیئت عامل اداره میشود و مدت تحصیل در آن یکسال است و طبق برنامه سیمایی سه هفتصد کارآموز طی برنامه چهارم شراعی کشور در ایس آموزشگاه تحصیل خواهند کرد . این آموزشگاه با همکاری سازمان برنامه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و وزارت آبادانی و سکی ایجاد شده است .

دیدار

وابستگان نظامی درموزه جواهرات سلطنتی

● گروهی از وابستگان نظامی کشور های خارجی منیم بهران از موزه جواهرات سلطنتی در پانک ملی ایران دیدن کردند . این عده همچنین باشگاه ورزشی پانک ملی را نیز مورد بازدید قرار دادند .

برگردیدگان سازمان پژوهش علمی و شناسائی برجستگان و خدمتگزاران جامعه ایرانی ● کشاورزان ، باعداران ، دامداران و صنعتگران برجسته کشور که به انتخاب سازمان ها و نهادهای پژوهشی علمی و شناسائی برجستگان و خدمتگزاران جامعه ایرانی انتخاب و برای معرفی به حضور ملوگانه به پایتخت کشور آمده بودند در مدت اقامت خود در تهران ، پس از سرفیایی از تعدادی اراماکی دیدنی مرکز از جمله موزه ها و برخی از کارخانجات صنعتی دیدن کردند .

همچنین سایگاهی از نمونه کار های نامیرد گسان در وزارت دربار ساماهی ترتیب یافته بود که قاطبه گروهها از جمله نویسندگان مطبوعات تهران بدعوت معاون وزارت دربار شاهشاهی از آن دیدن کردند .

سرنشینان آپولو ۱۱ در تهران

● به تشریف آید اولین روز های بازده در اولین روز های بازده وارد ایران شده و از نقاط دیدنی این کشور دیدن کردند . هتنام ورود (نیل آرسناتک) ، (ادوین

و مشخص محدود گردد تا از تشتت و دوباره کاری جلوگیری شود . بدینجهت لازم میدانم در درجه اول در تمام مراکز شهرستانهای کشور کار این کانونهای مفید و ارزنده اجتماعی دقت شود تا وجود این قبیل شعب هرچه بیشتر ثمربخش گردد .

گروهی از زنان کشور که مستقیما وارد در فعالیتهای اجتماعی شدند و مسئولیت های معینی را برعهده گرفته اند نقش خود را بطور موثری ایفا کرده اند و روز بروز توفیقات بیشتری بدست می آورند که موجب سرافرازی همه زنان کشور است ولی انتظار من بیش از این است و جنبش عظیم ما از کمترین نیروی انسانی زنانه که در اقصی نقاط یا دورافتاده ترین دهات کشور سرگرم زندگانی معمولی خانوادگی خود هستند بی نیاز نیست .

من از سازمان زنان ایران انتظار دارم بیشتر هم خود را مصروف سازد تا از نیروی زنان داوطلب که در گوشه های مملکت فرست های اضافی خود را تلف میکنند و مقداری از نیروی حیاتی خویش را هدر میدهند استفاده کند و با متشکل ساختن این قبیل نیرو های پراکنده و بهم پیوستن اوقات فراغتی که زنان خانه دار میتوانند صرف برنامه های مفید اجتماعی کنند نیروی عظیم تازه ای در جهت پیشرفت هدفهای ملی و توسعه اقتصادی و بهبود زندگانی اجتماعی مملکت تجهیز کند و بکاراندازد . برای آینده نیز معتقدم که برنامه کار و فعالیتهای سازمان زنان باید در رشته های معین

و مشخص محدود گردد تا از تشتت و دوباره کاری جلوگیری شود . بدینجهت لازم میدانم در درجه اول در تمام مراکز شهرستانهای کشور کار این کانونهای مفید و ارزنده اجتماعی دقت شود تا وجود این قبیل شعب هرچه بیشتر ثمربخش گردد .

گروهی از زنان کشور که مستقیما وارد در فعالیتهای اجتماعی شدند و مسئولیت های معینی را برعهده گرفته اند نقش خود را بطور موثری ایفا کرده اند و روز بروز توفیقات بیشتری بدست می آورند که موجب سرافرازی همه زنان کشور است ولی انتظار من بیش از این است و جنبش عظیم ما از کمترین نیروی انسانی زنانه که در اقصی نقاط یا دورافتاده ترین دهات کشور سرگرم زندگانی معمولی خانوادگی خود هستند بی نیاز نیست .

من از سازمان زنان ایران انتظار دارم بیشتر هم خود را مصروف سازد تا از نیروی زنان داوطلب که در گوشه های مملکت فرست های اضافی خود را تلف میکنند و مقداری از نیروی حیاتی خویش را هدر میدهند استفاده کند و با متشکل ساختن این قبیل نیرو های پراکنده و بهم پیوستن اوقات فراغتی که زنان خانه دار میتوانند صرف برنامه های مفید اجتماعی کنند نیروی عظیم تازه ای در جهت پیشرفت هدفهای ملی و توسعه اقتصادی و بهبود زندگانی اجتماعی مملکت تجهیز کند و بکاراندازد . برای آینده نیز معتقدم که برنامه کار و فعالیتهای سازمان زنان باید در رشته های معین

حضرت شاهنشاه آریا به و علیاحسرت شهبانو سرفیاب شده و مورد تقدیر حضرتش قرار گرفتند .

رئیس دانشگاه انالسی کاتراس در تهران

● رئیس دانشگاه ایالت کاتراس به ایران آمد . رئیس دانشگاه ایالت کاتراس میهمان رسمی وزارت علوم بود و از جمله دانشگاه پهلوی شیراز دیدن کرد .

شهرداران ترک درمازندران

● دو تن از شهرداران نواحی استانبول که به ایران آمده بودند از راسر ، شهسوار ، چالوس ، نوشهر و بابلسر دیدن کردند . این شهرداران به دعوت رسمی وزارت کشور به ایران آمده بودند .

رئیس دانشگاه لوئیس اند کلارک در تهران

آقای جون هاوارد رئیس دانشگاه لوئیس اند کلارک شهر پرلاند ایالت اورگون که با خانم و دو دخترشان بهران آمده بودند پس از اقامت کوتاهی در تهران و دیدار از دوستان ایرانی و بازدید آثار اصفهان به خاور دور پرواز کردند .

سینارها

یابان کار سینار مدیران سیلو های کشور ● سینار مدیران



سیلوهای کشور به کار خود خاتمه داد . این سینار که از بیستم آبانماه آغاز شده بود ۶ روز ادامه داشت و طی آن ۲۵ تن از مدیران فنی سیلو های شهرستانهای کشور ضمن بررسیهای اشکالات کار خود با طرز کار سیلو های جدید ماشینهای بهره برداری و تولید نیرو و چگونگی مبارزه با آفات انباری آشنا شدند . سینار در شهر گرگان تشکیل یافته بود .

آلدرین و (مایکل کالینز) که با سرنارچی خود به ماه شهرت جهانی یافته اند نیز در مدت اقامت اشان از طرف مردم استقبال باشکوهی از آنان بعمل آمد .

سرنشینان آپولو ۱۱ در مدت اقامت خود صرف نظر از شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با آقای هوبدا نخست وزیر ملاقات کردند و هدیه هایی از طرف ایشان و بانو به فضانوردان داده شد .

فضانوردان هم چنین به



صفحه دوم

کودکان

تولد والاحضرت ولایتعهد روز نهم آبانماه بمناسبت روز کودک عیاحضرت شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد پیامهائی ارسال داشتند. روز کودک که مصادف با روز جهانی پس اندازی باشد قرین با روز تولد والاحضرت همایون ولایتعهد است.

بهمین مناسبت جشنهای فراوانی در سراسر کشور از طرف محصلین برپا گردید که پرشکوهترین آن در میدان

امجدیه و در حضور والاحضرت ولایتعهد انجام شد. اعطای مدال طلای «نهر» به ۱۰۰ کودک ایرانی نمایشگاه نقاشی کودکان ۳-۱۴ ساله که بمناسبت هفته کودک در پارک یوسف آباد ترتیب داده شده بود توسط والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی افتتاح گردید. در پایان این بازدید والاحضرت جواهر هفت نفر از کودکانی را که در نمایشگاه جهانی نقاشی کودکان درهنگ موفقیتهاست بدست آورده بودند

به آنها اعطا کردند. از این عده یک نفر نیز موفق به دریافت مدال طلای «نهر» شده بود. هفته کودک بمناسبت هفته کودک گروهی از طبقات مختلف مردم به دعوت وزارت اطلاعات از واحدهای سازمان تربیت شهرداری پایتخت دیدن کردند. کارهای دستی و آثار هنری کودکان این سازمان نیز مورد بازدید بازدیدکنندگان قرار گرفت.

جمهوری این کشور مخابره شد. شاهنشاه در این تلگرام سعادت حضرت ژنرال لودویک سوپودا رئیس جمهوری دولت چکواکی را آرزو فرموده بودند.

سالروز استقلال تریه بمناسبت سالروز اعزام جمهوری ترکیه - از جانب شاهنشاه آریامهر تلگرام شادباشی بعنوان حضرت رئیس جمهوری آن کشور مخابره شد - متن تلگرام از این قرار بود:

حضرت ژنرال جودت سونای رئیس جمهوری ترکیه، آنکارا، برای من موجب کمال خوشوقتی است که بمناسبت سالروز اعلام جمهوری ترکیه صمیمانهترین شادباشهای خود را بآن حضرت ابراز دارم. تندرستی و شادکامی شخص آن حضرت و رفاه و سعادت روز افزون ملت برادر ترکیه را که با ایران دارای روابط استوار مودت و اتحاد میبندد از منیم قلب خواستارم. محمدرضا پهلوی

تلگراف تبریک رئیس جمهوری عراق

● بمناسبت حلول ماه رمضان تلگرامهای تبریکی از طرف حضرت ژنرال احمد حسن البکر رئیس جمهوری عراق و حکام امارات قطر و شارجه به حضور شاهنشاه آریامهر مخابره شد. شاهنشاه آریامهر نیز بدین تلگرامها پاسخ دادند.

دادگستری

کارآموزان قضائی کار رسمی خود را شروع کردند. مراسم تحلیف کار - آموزان قضائی دوره ششم انجام شد. متن سوگندنامه ای که توسط کارآموزان این دوره قرائت شد، چنین بود:

«در این هنگام که بنقام شامخ قضا نایل میشوم به خدای تعالی و قرآن مجید سوگند یاد میکنم و شرف و وجدان خود را گواه میگیرم که همواره بر راه راستی و درستی و پرهیزکاری گام برگیرم و در اجرای قانون و رعایت عدالت و کشف حقیقت و احقاق حق و رفع ظلم و حمایت از مظلوم و صیانت اصول قانون اساسی که میثاق میان ملت و دولت و ضامن استقلال و عظمت مملکت و حافظ حکومت مشروطه سلطنتی است سعی بلیغ بعمل آورم. اینک با پیمانی استوار زیر این سوگند نامه را بدست خود امضاء میکنم و آنرا بنام سند شرف قضائی خویش بوزارت دادگستری میسپارم.»

بیمه سپاهیان خدمات دادگستری تمام سپاهیان خدمات دادگستری بیمه عمر و تندرستی شدند. این سپاهیان که به عنوان منشی و مأموران اجرا و ابلاغ در شهرتانا انجام

وظیفه میکنند از این پس از مزایای بیمه عمر و تندرستی بهره مند خواهند شد. آغاز کار دوست و سی و دومین خانه انصاف ● ۲ خانه انصاف جدید در چهار روستای استان کرمانشاهان کنایش یافت. با شروع به کار این ۲ خانه تعداد خانه های انصاف حوزه قضائی استان مذکور به ۲۳۲ واحد رسید.

پست

تمبر یادگاری

● یک قطعه تمبر یادگاری بمناسبت سالروز تأسیس سازمان ملل متحد انتشار یافت ارزش این قطعه تمبر ۲ ریال بوده و لغایت دوم اردیبهشت ماه ۴۹ دارای اعتبار پستی است. تمبر جشن فرهنگ و هنر ● یک قطعه تمبر به ارزش ۲ ریال در سراسر کشور انتشار یافت. تمبر مذکور بمناسبت جشن فرهنگ و هنر انتشار یافته است.

دفتر پستی جدید

● هفت دفتر پستی در نقاط مختلف کشور به دفتر پست و تلگراف و تلفن تبدیل شد.

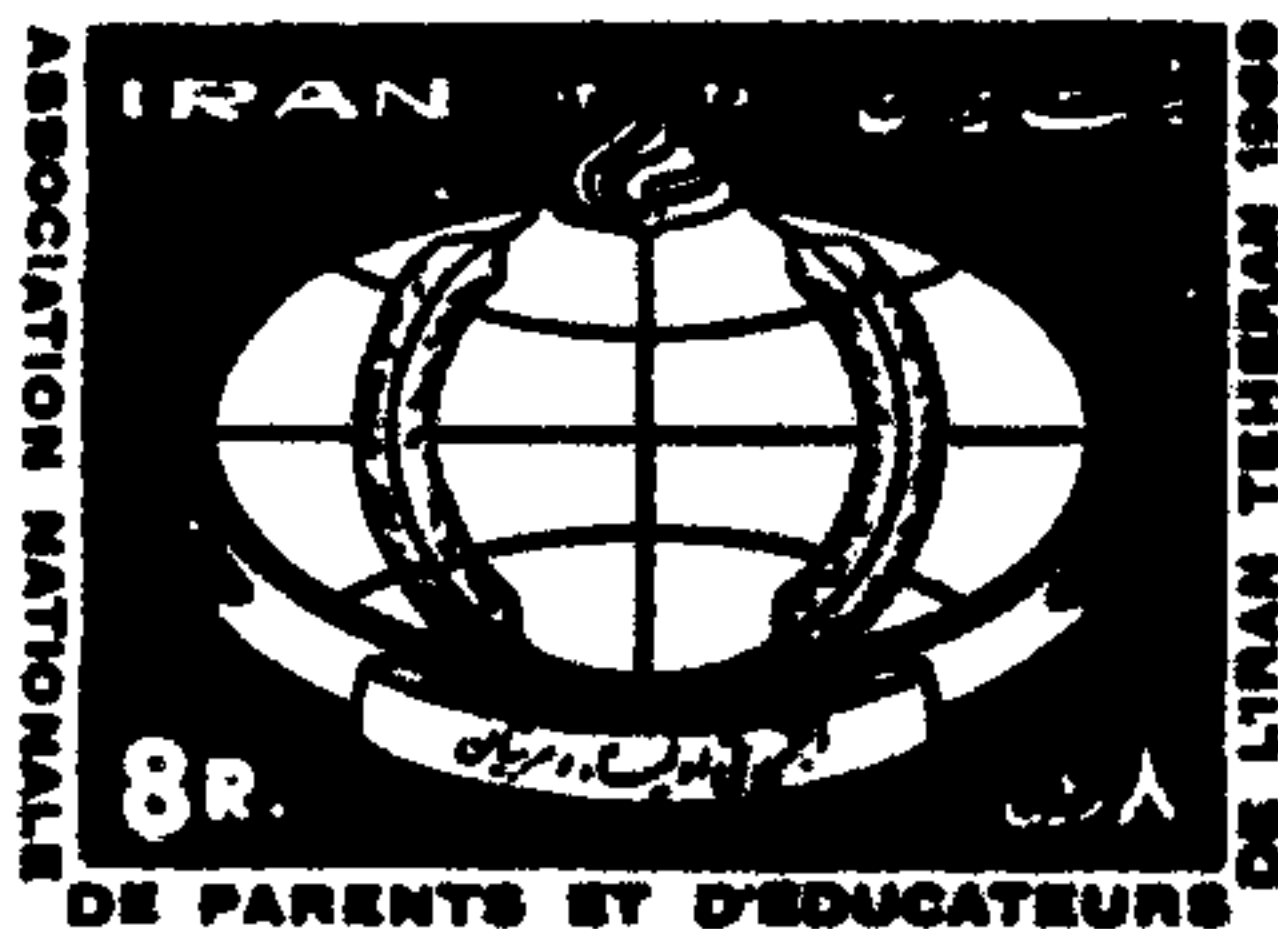
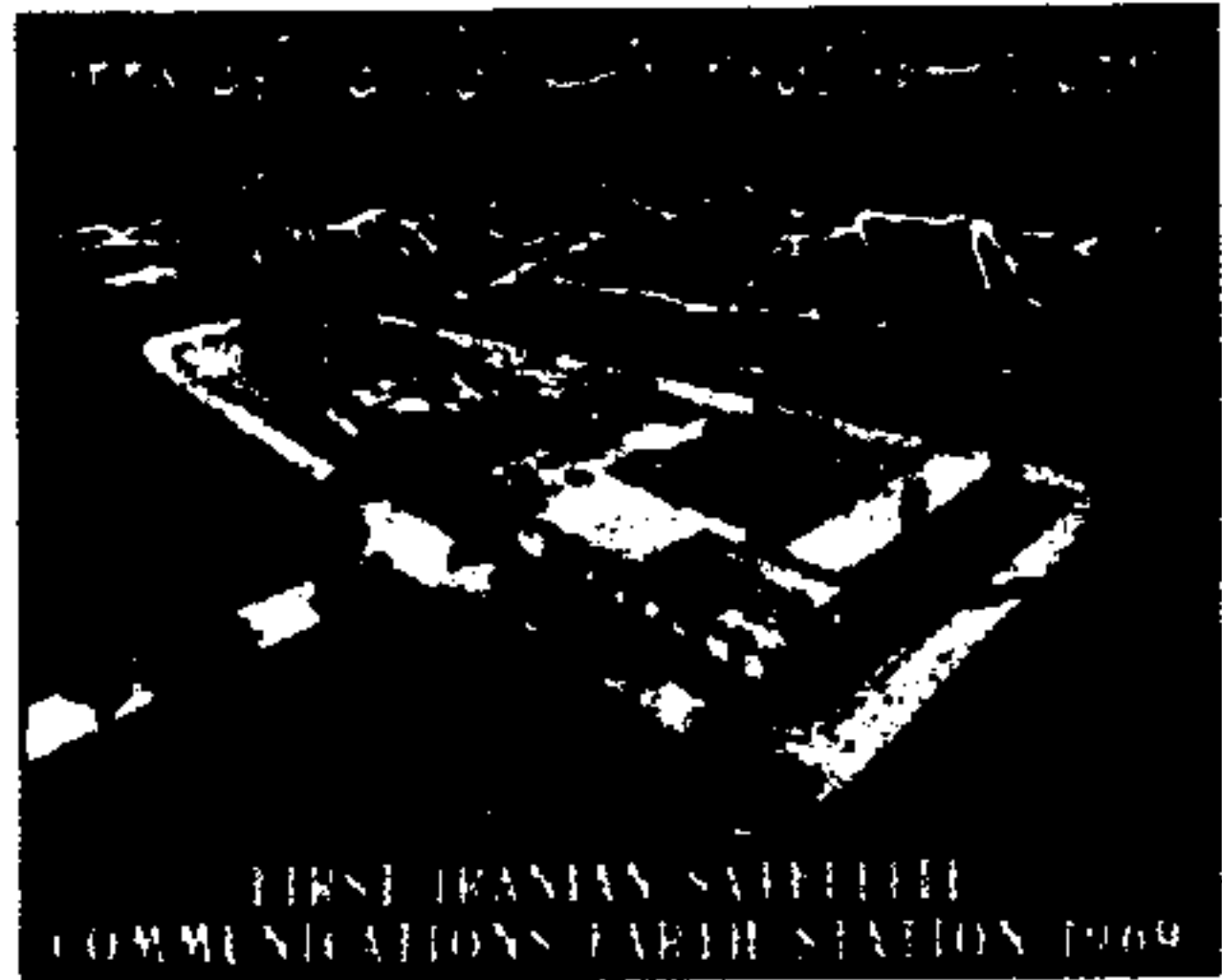
همچنین یک دستگاه تلگراف تایپ در دفتر پست و تلگراف و تلفن «مید» از توابع شهرستان یزد نصب شد و دو دفتر پستی نیز در دو دهکده از روستاهای آذربایجان شرقی و فرمانداریکل ایلام تأسیس گردید.

دو سری تمبر جدید

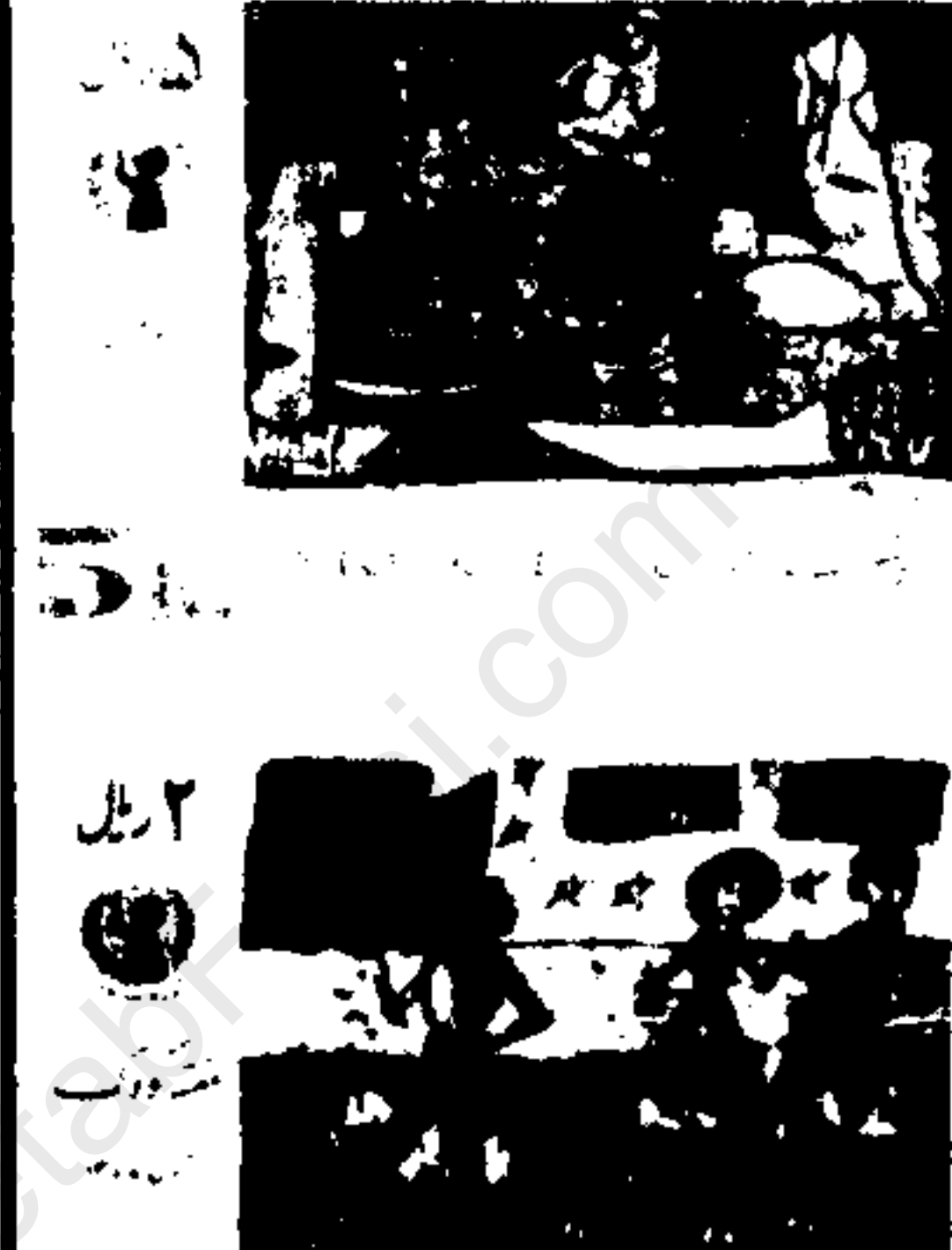
● به مناسبت تشکیمپوزیوم بین المللی انجمن های ملی اولیاء و مربیان و نیز روز کودک دو سری تمبر یادگاری انتشار یافت. سری اول در یک قطعه ۸ ریالی و سری دوم در سه قطعه یک دو و سه ریالی انتشار یافت.



۲۰۴۸
پست ایران



پست ایران
IRAN



پست ایران
IRAN

شادباشها

● بمناسبت سالروز استقلال مغرب

● شاهنشاه آریامهر طی تلگرامی سالروز استقلال مغرب را به اعلیحضرت پادشاه آن کشور تبریک گفتند. تلگرام باین شرح است:

اعلیحضرت ملک حسن دوم - پادشاه مغرب - ریاض، برای من مایه کمال خوشوقتی است که بمناسبت سالروز استقلال کشور مغرب صمیمانه ترین شادباشهای خود را بآن اعلیحضرت ابراز دارم. تندرستی و شادکامی شخص آن اعلیحضرت و اعضای خاندان جلیل سلطنت و همچنین رفاه و سعادت روز افزون ملت برادر مغرب را از منیم قلب آرزو مندم.

برادر شما، محمدرضا پهلوی

● سالروز انقلاب اکبر

● شاهنشاه آریامهر طی تلگرام تبریکی سالروز انقلاب اکبر را به حضرت صدر هیئت رئیس شورایی اتحاد جماهیر شوروی شادباش گفتند. تلگرامی که مخابره شد بدین شرح بود:

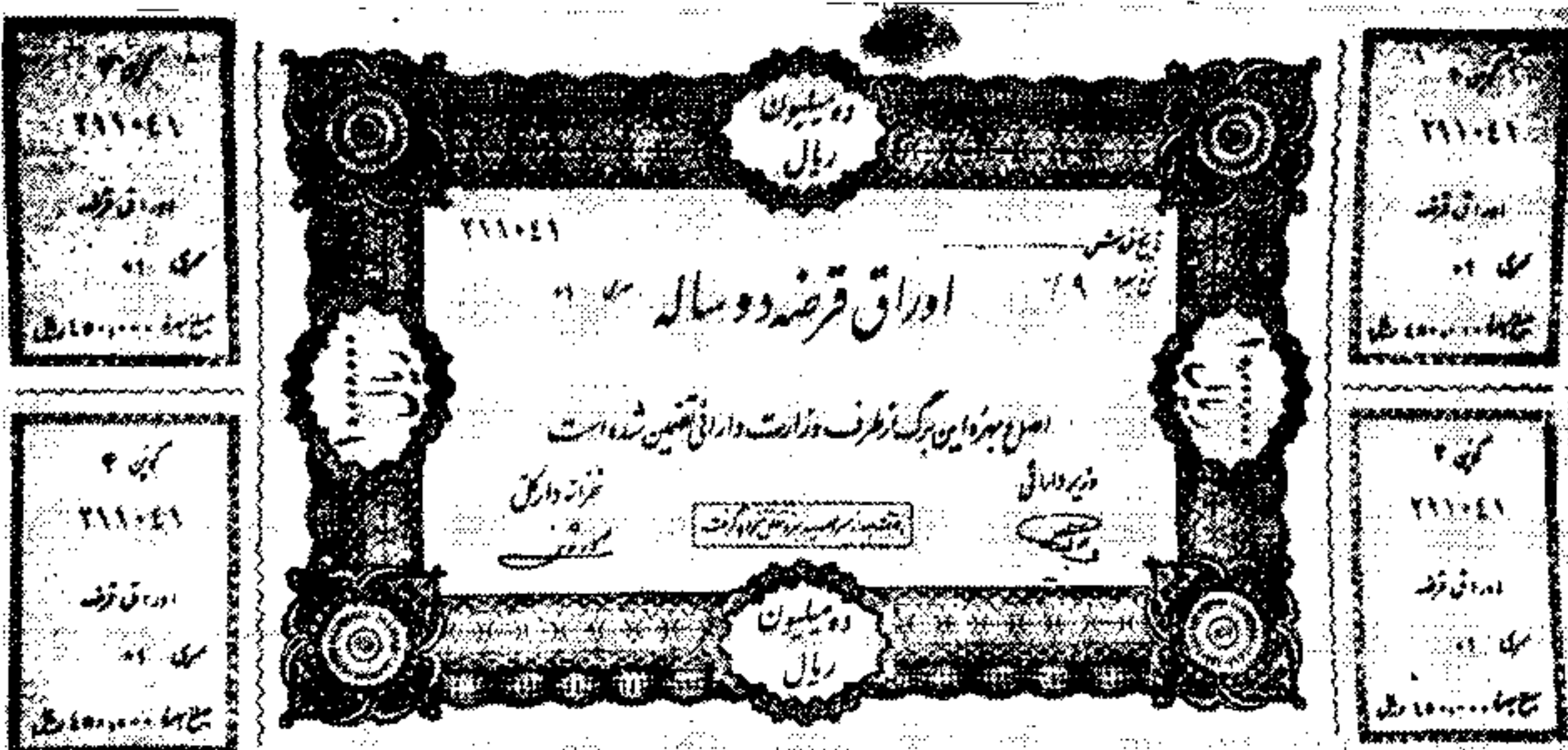
حضرت نیکولای پادگوری صدر هیئت رئیس شورایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، مسکو برای من موجب خرسندی است که به مناسبت سالروز انقلاب اکبر شادباشهای صمیمانه خود را بآن حضرت ابراز دارم. تندرستی و شادکامی شخص آن حضرت و رفاه و سعادت روز افزون ملت همسایه و دوست اتحاد جماهیر شوروی را خواستارم.

محمدرضا پهلوی شادباش انقلاب الجزایر

● بمناسبت سالروز انقلاب الجزایر، از جانب شاهنشاه آریامهر تلگرامی باین شرح مخابره شد.

حضرت حواری بومدین رئیس شورای انقلاب و رئیس شورای وزیران جمهوری الجزایر - الجزیره، خیلی خوشوقتم که بمناسبت سالروز جشن انقلاب الجزایر - صمیمانهترین شادباشهای خود همراه با بهترین آرزوهای خویش را برای تندرستی و شادکامی شخص آن حضرت و رفاه و سعادت روز افزون ملت دوست الجزایر ابراز دارم.

محمدرضا پهلوی سالروز اعلام جمهوری ● از جانب شاهنشاه آریامهر بمناسبت سالروز اعلام جمهوری چکواکی تلگرام تبریکی بعنوان حضرت رئیس



نمونه‌ای از اوراق یکمیلیون تومانی که بمعرض فروش گذاشته شد

اجتماعی در تهران ساخته شده است، آغاز به کار کرد. محل درمانگاه مذکور در خیابان قزوین - پل امامزاده حسن پی‌واقع است و در زمینی به مساحت ۲ هزار متر مربع بنا شده است و ۱۹۳۰ متر مربع زیربنا دارد. این درمانگاه ۸ میلیون و ۹۷۵ هزار ریال هزینه ساختمان و تجهیز برداشته است و دارای ۶ واحد پزشکی، یک واحد دندانپزشکی، یک واحد مامائی، آزمایشگاه، داروخانه و بخشهای تزریقات و زخم‌بندی است. پرداخت ۸۰۰ میلیون ریال خسارت به بیمه‌گذاران بهمناسبت روز بیمه مراسم برپا گردید. در این مراسم در توجیه وضع بیمه در ایران گفته شد که: میزان رشد بیمه در سال ۱۳۴۷ نسبت به سال قبل از آن در حدود ۴۳ درصد بوده و شرکتهای بیمه ایرانی در سال گذشته بیش از ۸۰۰ میلیون ریال خسارت به بیمه‌گران پرداختند. همچنین میزان حق بیمه سرانه در سال ۴۷ به هشتاد ریال بالغ شده و در بین انواع بیمه، بیمه باربری مقام اول را داشته است و ۳۶ درصد از کل حق بیمه مربوط به بیمه باربری بوده است. با وجود رشد بیمه عمر به میزان شانزده درصد در سال ۴۷ نسبت به سال ۴۶ باید گفت، در مورد بیمه های انفرادی از هر ۶۵۰ نفر جمعیت ایران فقط یک نفر بیمه عمر شده است و این نشان میدهد که در زمینه بیمه عمر فعالیت زیادتری باید بشود. در سال گذشته قسمتی از ذخایر بیمه در امور تولیدی و صنعتی کشور مورد استفاده قرار گرفت بطوریکه شرکت سهامی بیمه ایران توانست خود در شرکت کشتیرانی آریا - شرکت لوله و نورد اهواز و شرکت لیالند دیزل سهم گیرد. این گزارش را مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران ارائه داد.

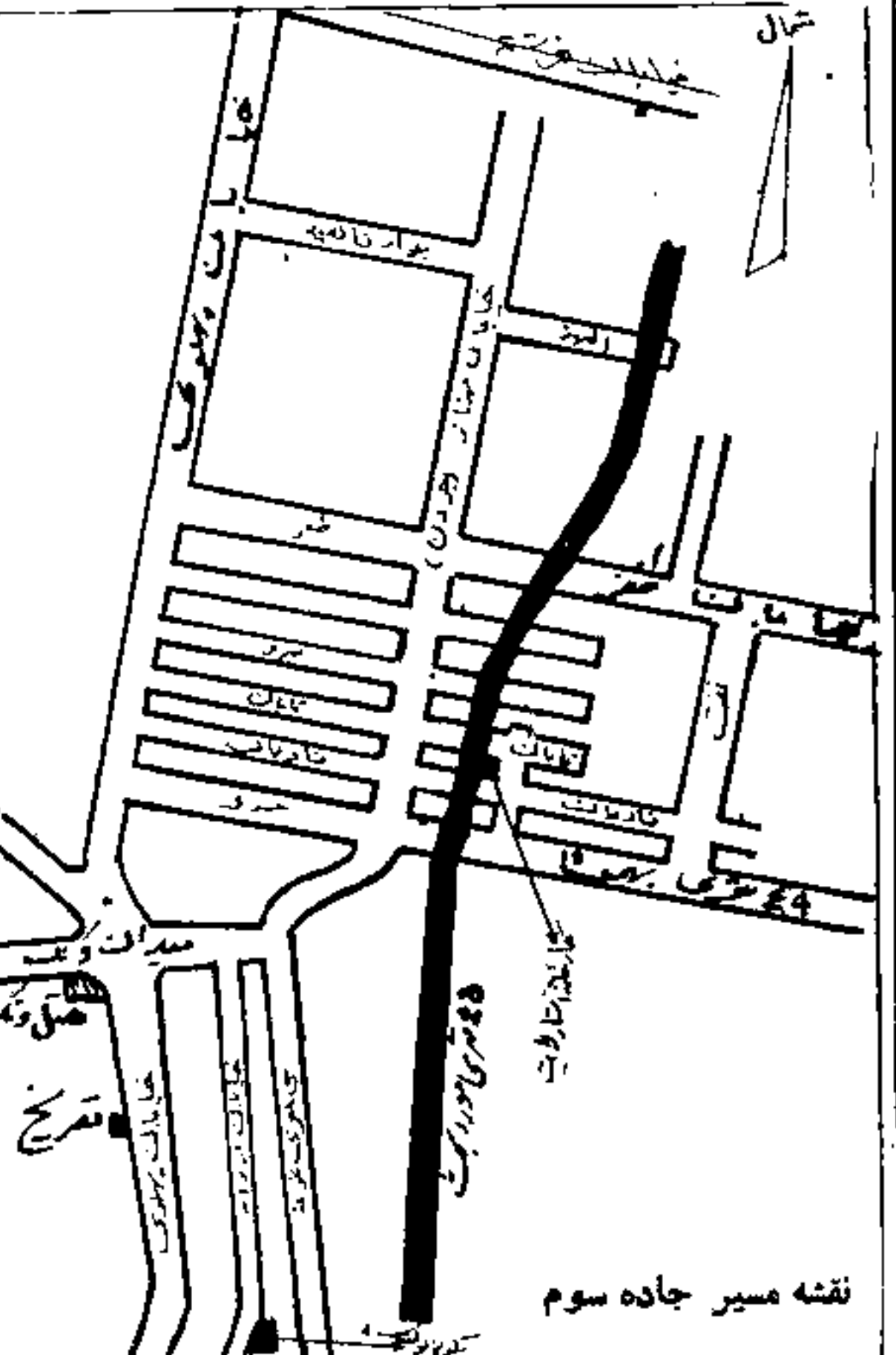


نقشه جامع شهر تهران
● طرح جامع شهر تهران که اجرای آن آغاز شده است در حدود ۱۶۵ میلیون تومان هزینه برداشته است. این رقم با توجه به جمعیت ۵۵ میلیون نفری تهران در ۲۵ سال آینده ۳۵ ریال برای هر نفر میگردد. در این طرح تاکید شده است که در مدت ۲۵ سال آینده نباید جمعیت تهران از ۵۵ میلیون نفر تجاوز کند زیرا منابع آب مشروب تهران محدود است.
● ایجاد یک درمانگاه جدید
● یک درمانگاه دیگر که توسط سازمان بیمه های

بانک تشکیل شد شاهنشاه آریامهر بمنظور تنویر دهقانان و روستا زادگان اولین حساب پس انداز را بنام خود و دومین حساب را بنام والا حضرت ولیعهد افتتاح فرمودند.

شهر و مسائل شهری

عمران شهر تهران
● ۳۰۰ میلیون ریال اعتبار جدید برای عملیات عمران شهری اختصاص یافت. از جمله برنامه‌هایی که با این اعتبار انجام میشود، احداث جاده سوم تهران - شمیران و خرید ۴۵ هزار تن اسفالت برای اسفالت خیابانهای تهران خواهد بود.
رئیس جدید انجمن شهر تهران
● انتخابات هیئت رئیسه انجمن شهر پایتخت تجدید شد و آقای «فرهودی» برای بار دوم بریاست این انجمن انتخاب گردید.
برنامه احداث جاده سوم تهران - شمیران به تمویب انجمن شهر رسید و وارد مرحله اجرایی خود گردید.



سری اوراق قرضه دولتی به میزان دو میلیارد ریال به معامله گذاشته شده است و روستا زادگان اولین حساب پس انداز را بنام خود و دومین حساب را بنام والا حضرت ولیعهد افتتاح فرمودند.
● انتشار اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه بانک مرکزی ایران نسبت به فروش اوراق قرضه اقدام کرده است بهره این اوراق بر حسب مدت آن ۸۲۵ و ۹ درصد در سال خواهد بود و با توجه به اینکه نرخ رسمی بهره بانکی ایران معادل ۸ درصد است با مال فروش آن مورد استقبال قرار گرفته است.
این اوراق بصورت بی‌نام و دربرگهای پنج هزار ریالی - ده هزار ریالی - صد هزار ریالی - یک میلیون ریالی و ده میلیون ریالی است که بازپرداخت اصل این اوراق در موعد قانونی خواهد بود ولی دارندگان آن میتوانند از طریق «سازمان بورس تهران» و با محاسبه نرخ بهره روز نسبت به فروش اوراق خود اقدام کنند.
۱۶۵ میلیارد ریال این اوراق یکساله با بهره ۸۲۵ درصد و ۵۰۰ میلیون ریال آن دو ساله با بهره ۹ درصد در سال است. بهره این اوراق از مالیات بر درآمد معاف و هرش ماه یکبار نیز قابل پرداخت خواهد بود. بنابه اظهار مقامات اقتصادی و بانکی انتشار و فروش این اوراق تا حدی سبب جمع آوری پس انداز های کوچک و نیز جلوگیری از خرید کالا های مصرفی غیر ضروری میگردد که میتوان «سیاست ضد تورم» بر آن نام نهاد. تقسیم جوائز صندوق پس انداز

قرعه کشی جوایز صندوق پس انداز نوین بانک کشاورزی انجام شد. در مراسم این قرعه کشی طوسی گزاشی گفته شد که از ۲۶۵ هزار و ۷۵۱ نفر صاحبان پس انداز در ۱۵۴ شعبه این بانک ۱۲۹ هزار و ۷۵۱ نفر در این قرعه کشی شرکت کرده‌اند و این رقم نسبت به سال قبل ۱۶ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۴۳ که حساب پس انداز نوین در این

قرعه کشی جوایز صندوق پس انداز نوین بانک کشاورزی انجام شد. در مراسم این قرعه کشی طوسی گزاشی گفته شد که از ۲۶۵ هزار و ۷۵۱ نفر صاحبان پس انداز در ۱۵۴ شعبه این بانک ۱۲۹ هزار و ۷۵۱ نفر در این قرعه کشی شرکت کرده‌اند و این رقم نسبت به سال قبل ۱۶ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۴۳ که حساب پس انداز نوین در این

کشاورزی

سخن آقای «هویدا» نخست وزیر هنگام کتایش سینار بررسی طرحهای کشاورزی:

در برنامه چهارم عمرانی کشور ۱۳۰ میلیارد ریال در امر کشاورزی سرمایه گذاری شده است.
● در اقتصاد ایران کشاورزی با وجود رشد سریع سایر بخشها هنوز مقام اول را دارد ۲۴ درصد از تولید ناخالص ملی ما را کشاورزی تامین میکند نزدیک به ۶۱ درصد از جمعیت کشور ساکن روستا ها هستند ۴۷ درصد از کل افراد شاغل در بخش کشاورزی مشغولند در تنظیم برنامه های عمرانی کشور بطور متوسط ۲۵ درصد از کل سرمایه گذاری بخش دولتی به کشاورزی اختصاص دارد. و از هفت میلیارد و چهار صد میلیون ریال (در برنامه اول) به یکصد و بیست میلیارد ریال «در برنامه چهارم» افزایش یافته و بالاخره ازدوازده اصل انقلاب ایران هفت اصل مستقما در جهت عمران روستا ها و بهبود وضع کشاورزان است. البته تردید نیست که صنعتی شدن لازمه توسعه اقتصادی است اما توسعه اقتصادی بی آنکه تولیدات کشاورزی نیز به موازات تولیدات صنعتی و مناسب با نیاز های مملکت افزایش یابد بستم نخواهد آمد.

اجرای برنامه های توسعه اقتصادی مستلزم سرمایه گذاری های سنگین است و در شرایط مساعد اقتصادی کشور سهم عمده ای از این سرمایه گذاری برعهده بخش خصوصی محول شده و خوبتختانه بخش خصوصی در این راه فعالیت فایز ملاحظه ای از خود نشان داده است. برای ادامه رشد و توسعه اقتصادی لازم است کشاورزی نیز هماهنگ با صنعت پیشرفت کند و این امر مستلزم فعالیت و سرمایه گذاری بار هم بیشتر بخش خصوصی در کشاورزی است. دولت از هر گونه تنویر و حمایت برای جلب سرمایه های خصوصی در بخش کشاورزی دریغ نخواهد کرد و موسسات اعتباری کشاورزی نیز از نظر تامین اعتبارات مورد نیاز واحد های کوچک و گسترش شبکه های بانکی در روستا های مملکت به خدمات ارزنده خود ادامه خواهند داد.

اقدام در مورد حفظ نباتات و فرطیله کشاورزی
● جلد مشترک روستای ادارات حفظ نباتات و مراکز فرطیله ساتی کشور تشکیل شد.

در گزارسی که به جلد مذکور داده شد گفته شده است که:

در سال جاری در سطح یکصد هزار هکتار با ملیخ تراکسی و بومی و در سطح

حدود چهار هزار هکتار با «سن» علاات و در دویت هزار هکتار با «موش صحرائی» مبارزه بعمل آمده است. پرداخت بیش از ۵ میلیون ریال وام

● در آبانماه به ۵۸۹ خانوار کشاورز وام داده شد. این وام توسط ۲۰ شعبه سیار بانک کشاورزی در ۳۴۸ روستا به روستائیان متقاضی پرداخت شد. شعبه سیار بانک کشاورزی به کشاورزانی وام میدهد که فاصله محل زندگی آنها تا شعب ثابت بانک زیاد است و رفت و آمد آنان با اشکال صورت میگیرد.

● مبلغ وام پرداخت به خانوار های مذکور ۵ میلیون و ۲۹۹ هزار ریال بوده است. مبارزه با آفات اشجار و کشاورزی

● در سطحی معادل با ۲۵۰۰ هکتار با آفات کشاورزی مبارزه شد. در این مبارزه که در استان سیستان و بلوچستان انجام شد هم چنین ۷ هزار و ۶۸۰ اصله درخت نیز برود افات اشجار سمپاشی گردید.

● در سطحی معادل با ۲۵۰۰ هکتار با آفات کشاورزی مبارزه شد. در این مبارزه که در استان سیستان و بلوچستان انجام شد هم چنین ۷ هزار و ۶۸۰ اصله درخت نیز برود افات اشجار سمپاشی گردید.

تبریز واگذار کند. این تصمیم در اجرای هدفهای انقلاب آموزش کشور گرفته شده است.

استان آذربایجان غربی این از وظائف

نخست وزیر است که به استانهای کشور سفر کند

در سالهای اخیر چهار کارخانه قد

در این استان مورد استفاده قرار گرفته است

چهار سد دیگر در این استان ساخته خواهد شد

● آقای هویدا نخست وزیر در آخرین روزهای آبانماه از استان آذربایجان غربی بازدید بعمل آوردند. در این سفر آقای هویدا از چند طرح بهداشتی، عمرانی و آموزشی دیدن کرده و نیز در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کردند.

آقای نخست وزیر در این مصاحبه در پاسخ سؤالات رپرتر تلویزیون ملی ایران در باره سفر خود به رضایه چنین اظهار داشتند:

«این از وظائف نخست وزیر است که به استانهای مختلف کشور سفر کند و بر اجرای برنامه های آبادانی از نزدیک نظارت داشته باشد. در این سفر سه روزه چگونگی اجرای برنامه های عمرانی و اجرای طرح های مربوط به برنامه چهارم آبادانی و صنعتی گردی این منطقه نیز بررسی خواهد شد.

آذربایجان غربی در سال های اخیر پیشرفت های و ترقیات قابل توجهی داشته است. چهار کارخانه قد در این استان ساخته شده و مورد بهره برداری قرار گرفته است و سه سد در سیاهان و میانداوب و ارس در دست ساختمان است. علاوه بر این مطالعات لازم برای توسعه کشاورزی در یکصد و بیست هزار هکتار از اراضی غرب دریاچه رضایه جریان دارد.

در عین حال بزودی چهار سد دیگر نیز ساخته خواهد شد و این امر به رونق کشاورزی و توسعه اقتصادی این استان کمک فراوانی میکند.

آذربایجان غربی استان بسیار حاصلخیزی است و در برنامه چهارم توسعه و عمران آن توجه بسیار شده است و در این میان انتظار دولت از مردم و بخش خصوصی این منطقه و رشد صنعت و کشاورزی استان خوش کمک کنند تا جهشی که هم اکنون در این

منطقه مانند سایر نقاط کشور آغاز شده است با توفیق بیشتری روبرو شود.

آقای هویدا سپس بسفر اخیر شاهنشاه آذربایجان اشاره کردند و گفتند: در این سفر که من در التزام شاهنشاه بودم ملاحظه کردم که چه کارهای عظیمی برای توسعه و رونق کشاورزی و صنعت این منطقه شده است. مسلماً کمک مردم این امکان را بوجود خواهد آورد که کارها توسعه بیشتری یابد. دولت همانطور که مورد نظر مردم است برای بهبود وضع راهها اولویت قائل است. ایران ما سرزمینی پهناور است ولی همه استانهای ایران توسعه خواهند یافت و مسئله خطوط ارتباطی توجه کامل خواهد شد.

شاهنشاه به تامین رفاه مردم آذربایجان علاقه قلبی دارند و برای توسعه این استان اوامر مؤکدی بدولت صادر کرده اند. استاندار این استان نیز جوان و فعال است و من مسلم میدانم که با همکاری و همت مردم هر روز گام تازه تری برای بهبود و رفاه بیشتر وضع مردم این منطقه برداشته خواهد شد.

در این سفر آقای نخست وزیر از چند خیابان شهر رضایه دیدن کرده و با مردم و کسبه به گفتگو پرداختند. شرکت در کمیته حزب ایران نوین استان نیز از جمله برنامه های سفر ایشان در بازدید از رضایه بود.

تجدید نظر در مقررات فروش اراضی شهرداریها

● سمینار سه روزه فرمانداران - شهرداران و انجمن های شهر استان آذربایجان غربی به کار خود پایان داد. در قلمنامه سمینار پیشنهاد شده است که در مقررات فروش اراضی شهرداریها باید تجدید نظر شود تا شهرداریها در مورد فروش زمینهایی که مناسب برای ایجاد کارهای عمرانی است اقدام نمایند.

استان کرمانشاهان

● ضد عفونی نذر گندم بک هزار و سیصد تن بذر گندم در استان کرمانشاهان ضد عفونی شد. این اقدام توسط گروه های راهنمایی کشت اداره کشت کشاورزی استان کرمانشاهان در فصل کشت اخیر گندم صورت پذیرفته است. مناطق مورد عمل سمن و کلیانی - شاه آباد - صحنه - کنگاور و سنجاوی بوده است.

استان کردستان

● تشکیل یک سمینار تربیتی سمینار رؤسای سرپرستان امور تربیتی ادارات آموزش و پرورش شهرستانهای استان کردستان پایان یافت در مدت این سمینار که سه روز ادامه داشت فعالیتهای فوق برنامه اردوها و سایر مسائل تربیتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

استان خوزستان سمینار مدیران آموزشگاههای بیماری

● ششمین سمینار مدیران آموزشگاههای بیماری شیرو خورشید سرخ آبادان به کار خود خاتمه داد. در سمینار مذکور مشکلات کار و برنامه های آینده آموزشگاههای مورد بررسی قرار گرفت. سمینار مدت سه روز ادامه داشت.

فعالیت سبایان بهداشت

● وزارت بهداشتی اطلاع داد که گروه های تابع پایگاه شماره ۱۳ سیاه بهداشت مامور خدمت در خرم آباد در ماه گذشته هشت هزار و شصت و پنجاه نفر از بیماران مراجعه کننده به درمانگاههای سیاه بهداشت را معاینه و درمان کرده اند.

این سبایان هم چنین با تشکیل ۲۱ جلسه سخنرانی بهداشتی ۲۰۵۷ نفر از روستائیان این شهرستان را با اصول اولیه بهداشت آشنا ساخته اند.

استان فارس هیئت پارلمانی یوگسلاوی در شیراز

● اعضاء هیئت پارلمانی یوگسلاوی که بدعوت رؤسای مجلسین به ایران آمده اند از نقاط دیدنی شیراز و نیز آثار باستانی تخت جمشید دیدن کردند. این هیئت یک روز در شیراز اقامت داشت.

استان کرمان

● یک ساعت به بخش برنامه های رادیو علاوه شد. بر این اساس برنامه رادیویی مذکور از این پس تا ساعت ۱۰ شب (۲۲) ادامه خواهد داشت.

این تصمیم بموجب درخواست اداره اطلاعات و رادیویی کرمان و تایید وزارت اطلاعات اتخاذ گردیده است.

شعبه جدید بانک ملی در راور

● واحد جدیدی از طرف بانک ملی ایران در دهستان "تنگن" راور تاسیس گردید.

استان خراسان

● عهد کودک کاشمر آقای پیرنیا استاندار استان خراسان «عهد کودک» کاشمر را مورد بازدید قرار دادند. استاندار خراسان کوشتهای مسؤولین این عهد کودک را که با وجود کمی بودجه از وضع رضایتبخشی برخوردار است، مورد ستایش قرار دادند.

استان اصفهان

● تاسیس یک کتابخانه جدید کتابخانه فرهنگ اصفهان گشایش یافت. در این کتابخانه ۱۳ هزار جلد کتاب مربوط به رشته های مختلف نگهداری میشود. یک میلیون و ۳۹۲ هزار ریال هزینه ایجاد این کتابخانه شده است.

مقدمات تاسیس شرکت پس انداز مسکن

● ترتیب ایجاد شرکت «پس انداز مسکن» استان

اصفهان داده شد. این شرکت در زمینه پرداخت وام جهت ساختمان و تعمیرات در سطح استان فعالیت خواهد داشت و سرمایه آن از طریق سرمایه گذاری هیئت مؤسس، بانک مرکزی، بانک رفاهی و همچنین وجوه پس انداز طبقات مردم تامین میشود.

سمینار بین المللی پیکار با بیسوادی

● سمینار بین المللی مبارزه با بیسوادی کشورهای آسیائی در اصفهان تشکیل شد. پیکار با بیسوادی در این سمینار ده روزه مورد بررسی قرار گرفت.

● سمینار بین المللی مبارزه با بیسوادی کشورهای آسیائی در اصفهان تشکیل شد. پیکار با بیسوادی در این سمینار ده روزه مورد بررسی قرار گرفت.

دارو و درمان

● تربیت مامای روستائی برخی از آموزشگاههای بیماری در استانها و فرمانداری های کل تبدیل به آموزشگاه های بیماری ماما گردید. این تصمیم که برای رفع کمبود ماما در کشور اتخاذ شده علاوه بر طرح تربیت «مامای روستائی» انجام میگردد.

شرکت کنندگان در کلاس های مامائی روستائی پس از گذراندن شش ماه دوره آموزش و دریافت گواهینامه اجازه خواهند یافت که در حوزه های معینی از مناطق روستائی به کار مامائی بپردازند.

واگذاری موسسات درمانی به دانشگاهها

● در انجام طرح واگذاری موسسات درمانی وزارت بهداشتی دستور العمل جدیدی در وزارت بهداشتی مورد عمل قرار گرفت. بر مبنای این دستور العمل ادارات بهداشتی در استانهایی که دارای دانشگاه هستند موظف شدند کدفورا با مقامات دانشگاه شهر جهت واگذاری اداره امور بیمارستان ها به دانشگاه وارد مذاکره شده و طی مقاوله نامه ای بیمارستان با بیمارستانهای شهر را به دانشگاه واگذار نمایند.

امور واگذاری بیمارستان ها بتدریج نه پایان ساز جاری مورد عمل قرار خواهد گرفت.

● واکنسیون فلج واکنسیون فلج کودکان در شهرستانهای کرمانشاه، شیراز، کرمان، رست و سنجان آغاز گردید. در اجرای این برنامه که قبلاً در تهران، رضایه، تبریز، همدان، رابل، دماوند، محلات، قم، کاشان، اردبیل، عجب شیر، آذر سهر، مهاباد، نجف آباد، اهواز، ساری، بابل، اصفهان، مشهد، زاهدان، شهر ری، شمیران و کرگان انجام شده بود، مامورین سیار بهداشتی به خانه ها مراجعه خواهند نمود.

● کنترل دارو ها از ورود دارو هایی که مواد مخدر آنها مطابق فرمول و مشخصات تعیین شده نباشد جلوگیری خواهد شد.

● برای اسس برای عیین ارزش درمانی و کنترل فراورده های کارخانجات داروئی کشور نیز مواد اولیه دارو ها و همچنین فراورده های داروئی آماده مصرف از نظر آزمایشهای فیزیکی، شیمیائی و بیولوژی تحت کنترل قرار خواهند گرفت.

کاهش بیستارن مالاریائی

● اعلام شد که در اجرای برنامه جدید ریشه کنی مالاریا تعداد بیستارن مالاریائی در سال جاری سی و پنج تا چهل درصد نسبت بسال پیش کاهش یافته است. سخنگوی وزارت بهداشتی ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: در نیمه اول سال جاری چهل و سه هزار و چهارصد و هفتاد و چهار آبادی در نقاط گوناگون کشور از یک ناسه بارسیایی شده و بیش از یک میلیون و ۹۱۰ نمونه خوب برای تشخیص مورد آزمایش قرار گرفته است. همچنین بسا اجرای برنامه نوب پاشی آب های راگد و توزیع ماهی کامبوزیا در مناطق جنوبی کشور با مرحله رشد (لارو) آنوفلها نیز مبارزه شده است.

حال انسان کلیه پیوندی ایران پس از یکسال کاملاً خوب است

● دانشگاه بهلوی اعلام داشت که حال نخستین انسان کلیه پیوندی ایران در ناپان یکسال از تاریخ عمل او کاملاً خوب است.

● خانم (مهری سهرابی) که سال گذشته در چنین روی بوسیده گروه جراحان دانشگاه پزشکی دانشگاه بهلوی در بیمارستان نمازی وابسته به این دانشگاه مورد عمل تعویض کلیه قرار گرفت پس از یکسال مجدداً در همین بیمارستان معاینه شد و بدنتان این معاینه اعلام گردید که حال خانم سهرابی کاملاً خوب است و نتیجه تمام آزمایشهای مربوط به فشار خون و بیولوژیکی خون کاملاً طبیعی است.

● جراحان دانشده پزشکی دانشگاه بهلوی ۹ عمل پیوند کلیه بر روی هفت بیمار در بیمارستان نمازی انجام داده اند. از این عده پنج نفر که بین چهار ماه و نیم تا یکسال از تاریخ عملشان میگذرد از سلامت کامل برخوردارند. یکی از عمل شدگان بعثت بیماری ربه سه ماه پس از عمل درگذشت و هفتمین فرد کلیه پیوندی پیش از یکماه است که به بیمارستان مراجعه نکرده است.

استان مرکز

● پیکار با بیسوادی در قزوین دو کلاس پیکار با بیسوادی برای زنان قزوین تشکیل گردید. در این دو کلاس که توسط سازمان زنان قزوین تشکیل شده ۴ بانوی بیسواد در آن ها مشغول تحصیل شدند.

خانه جوانان سمنان

● ساختمان جدید خانه جوانان سمنان گشایش یافت. افتتاح خانه مذکور با حضور فرماندار کل سمنان و طی مراسمی که بمناسبت میلاد والا حضرت همایون ولایتعهد برپا شده بود، انجام گردید.

استان گیلان

● فعالیت مروجین خانه داری در روستاها

● یک هزار و شصت و چهار خانه روستائی استان گیلان توسط مروجین خانه داری بازدید شد. مروجین بازدید کننده مذکور در همین مدت در ساختن ۱۰۵ واحد جدید مسکونی نیز نظارت بعمل آوردند.

● ارقام فوق نمودار فعالیت این مروجین در یکماه آبان می باشد.

استان مازندران

● شروع به کار مرکز آموزش کشاورزی شهسوار

● مرکز آموزش کشاورزی شهسوار کار خود را آغاز کرد. در این مرکز هم اکنون ۸۰ دانش آموز مشغول تحصیل کشاورزی هستند.

درمان ۴۰۴ بیمار

● در آخرین هفته آبانماه ۴۰۴ نفر به درمانگاههای بهداشتی شهرستان مومعسرا واقع در استان گیلان مراجعه کرده و درمان شدند.

استان آذربایجان شرقی

● کمک هزینه تحصیلی به یارده نمر از اعضای کالج جوانان تبریز کمک هزینه تحصیلی داده شد.

● کمک مذکور از طرف بنیاد رضا بهلوی به افراد مذکور که بوسيله هیئت عامل کالج جوانان تبریز معرفی شده بودند، اعطا گردید.

بازدید از کارخانه ماشین سازی

● غیر اسرائیلی در تبریز شاهنشاهی کارخانه های ماشین سازی و تراشکاری تبریز را مورد بازدید قرار داد. وی هم چنین از آموزه آذربایجان و آثار باستانی شهرستان تبریز نیز دیدن کرد.

واگذاری بیمارستان خیریه

● شهنواز به دانشگاه تبریز انجمن بهداشتی تبریز در جلسه ای که با حضور مشاور وزارت بهداشتی تشکیل داد، تصمیم گرفت بهره برداری از بیمارستانهای خیریه شهنواز و روانی این شهر را به دانشگاه

علاقات با والاحضرت شهنار

● اعضای شرکت کننده در سمپوزیوم آسیائی انجمن های ملی اولیاء و مربیان والاحضرت شاهدخت شهنار پهلوی ریاست عالییه انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران در کاخ والاحضرت علاءالدین کردند. والاحضرت شاهدخت شهنار پهلوی در این ملاقات طی سخنانی از شرکت کنندگان در سمپوزیوم آسیائی

انجمنهای ملی اولیاء و مربیان شکر کردند و اظهارداشتند: از اینکه موسسه جوان انجمن ملی اولیاء و مربیان بسا همکاری کارشناسان ایرانی سبب شده است که این انجمن بعنوان مرکز آسیائی انجمن های ملی اولیاء و مربیان انتخاب شود بسیارم. والاحضرت اضافه کردند: موجب مباهات است که شاهنشاه اریامهر و علیاحضرت شهنار از این موسسه بخوبی پشتیبانی فرمودند که امروزه بواسطه این بعنوان مرکز آسیائی انجمن های اولیاء و

مربیان انتخاب شود. والاحضرت شاهدخت شهنار پهلوی در پایان سخنان خود گفتند: امیدوارم با تعلیماتی که بانجمن ملی اولیاء و مربیان ایران داده شده است این انجمن بتواند ارتباطات خود را با نمایندگان کشور های آسیائی و کارشناسان فدراسیون بینالمللی انجمن های ملی اولیاء و مربیان حفظ کند بنحویکه در دوسال آینده این سمپوزیوم بتواند جلسات خود را در یکی از کشورهای آسیائی با شرکت کلیه نمایندگان تشکیل دهد.



ایران و مجامع بین المللی

در سمپوزیوم «کابیر» ● چهارمین سمپوزیوم نفت کمسیون اقتصادی سازمان ملل متحد (اکافه) که در شهر «کابیر» (اسرائیل) تشکیل یافته بود، همکاری های ایران را مورد تقدیر قرار داد.

کمسیون مذکور اعلام داشت که طی چهار سال گذشته ۱۱۳ نفر کارآموز از کشورهای عضو منطقه برای آموزش در صنایع نفت از طرف ایران پذیرفته شده اند. در جلسه افتتاحیه سمپوزیوم آقای «پرویز مینا» عضو علی البدل و رئیس کل قسمت امور شرکتهای وابسته و روابط با گروههای بینالمللی شرکت ملی نفت ایران به سمت نائب رئیس اول و دو تن از اعضای هیئت نمایندگی ایران به ریاست گروههای هفتم و نهم سمپوزیوم برگزیده شدند. سازمان بینالمللی الکترونیک سی و چهارمین اجلاسیه مجمع عمومی سازمان بین المللی الکترونیک روز ۱۳ آبانماه در تهران گشایش یافت. بحث امسال مجمع که هرسال در یکی از کشورهای جهان برگزار میشود در باره (استاندارد لوازم برقی) انجام یافت. این اجلاسیه مدت ۱۰ روز بطول انجامید و در طی جلسات آن که ۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، استاندارد سی نوع از محصولات برقی

ایران مورد بررسی و بحث قرار گرفت.

تحقیقات

دوره فوق تخصص سرطان شناسی ● نه نفر از فارغ التحصیلان انسیو سرطان طی مراسمی در باشگاه دانشگاه تهران گواهینامه های خود را دریافت داشتند. هم اکنون نیز نه نفر در کلاسهای مربوطه این انسیو مشغول تحصیل هستند. افراد مذکور از کشورهای منطقه مدترانه شرقی در این کلاسها شرکت نموده اند.

سازمان بهداشت جهانی بنجال بیس در صدد برآمد بین ۲۱ کشور عضو منطقه مدترانه شرقی در زمینه تخصصی ایجاد کند. کسانی که در این دوره ها شرکت میکنند، علاوه برداشتن دکترای پزشکی باید مدت چهارسال نیز دوره آسیب شناسی را گذرانیده باشند. افرادی که در این دوره ها ماکون به گذراندن دوره های فوق تخصصی پرداخته اند اغلب در کشورهای خود مشاغل نظیر استادیاری و دانشباری دانشگاه داشته اند.

استاد دانشگاه دولتی تاجیکستان در ایران ● «عادل کریماف» استاد دانشگاه دولتی تاجیکستان برای شرکت در سمپوزیوم آسیائی انجمنهای ملی

اولیاء و مربیان که در تهران ترتیب یافت به ایران آمد. این سمپوزیوم روز یازدهم آبانماه در تهران گشایش یافت. رئیس ایرانی «یاتا» ● مدیر عامل هواپیمائی ملی ایران با اتفاق آراء به ریاست «یاتا» انتخاب گردید. این انتخاب در بیست و



بنجمین اجلاسیه مجمع عمومی سالانه یاتا (انجمن حمل و نقل بینالمللی) بعمل آمد. در این اجلاسیه که درآمستردام تشکیل شده بود موافقت گردید که اجلاسیه بعدی انجمن مذکور در آبانماه سال ۱۳۴۹ در تهران تشکیل شود.

بهداشت و نیروی انسانی ● دوره آموزش بین منطقه ای در مورد برنامه ریزی بهداشت و نیروی انسانی در تالار دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران گشایش یافت. نمایندگان کشور افغانستان، پاکستان، ترکیه، اندونزی، عراق، سوریه، سودان، اتیوپی، مصر، لیبیا، گانا، اوگاندا در این دوره شرکت داشتند. دوره

یام شاهنشاه آریامهر به کنگره فیزیولوژی، فارما کولوژی ایران:

در دنیائی که پیشرفت تکنولوژی راه آسمانها را بروی بشر گشوده است مسافانه هنوز در روی زمین انسان با انواع بیماریها دست به گریبان است.

● تشکیل نخستین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران از طرف موسسه تحقیقات علوم پزشکی دانشگاه تهران که با شرکت گروهی از استادان و کارشناسان دوره شش ساله علوم ریخت شناسی و پزشکی ترتیب یافته است. در دنیایی که پیشرفت تکنولوژی راه آسمانها را به روی بشر گشوده است مسافانه هنوز در روی زمین انسان با انواع بیماریها و ابتلاات جسمانی دست به گریبان است و در این زمینه است که کوشش های دانشمندان فیزیولوژی و فارماکولوژی میباید از راه پی بردن هرچه پیشتر به اعمال بدن و چگونگی پیدایش بیماریها به سر را تدریجا بجانب پیروزی در مبارزه موثر و قاطع با امراض گوناگون رهمنون گردد. بدیهی است که در این امر مهم استعداد ها و قریحه های فردی بتنهایی کفایت نمیکند بلکه میباید حاصل کار آنها

با ارزیابی در مجامع علمی و تبادل نظر های کارشناسان فن تکمیل شود. برای این منظور لازم است مسئولان علمی کشور ما بنظور مشورت فعالیت های تحقیقی اینهیلات لازم را برای سرگزازی این قبیله مجامع در ایران و شرکت محققان ایرانی در مجامع علمی بینالمللی فراهم سازند. برگزاری چنین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی در ایران که فقط با شرکت استادان و محققان ایرانی سکیل شده است معرفت تجارب انقلاب آموری در بصری سطح این علوم در کشور ما است.

امیدواریم دانشمندان عضو این مجمع و همکاران آنها در سایر رشته ها با پیروی کامل از اصول این اعتلاات کوشش خود را بدان حد برسانند که تحقیقات و نتایج علمی کشور ما بتواند پیروزی در سطح همباده کشورهای کاملاً مرقی قرار گیرد و مقام سامع علم و دانش ایرانی را در منحنه بینالمللی بما بازگرداند.

تازه های دانش فیزیولوژی و دارو شناسی ● نخستین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران در تهران تشکیل شد. اعضای شرکت کننده در این کنگره همگی ایرانی بوده

و هدف از تشکیل آن اندوختن تجربیات بیشتر و باطن فرصتی برای انجام تحقیقات علمی گسترده تر اعلام شده بود.

در جلسات سه روزه این کنگره بیست کنفرانس کلاسیک درباره تازه های دانش فیزیولوژی و دارو شناسی و دو بحث گروهی در باره اصول تحقیقات در زمینه این دو رشته انجام شد.

استقرار دستگاههای ثبت شب زلزله در لاوان ● يك هشت تحقیقاتی از طرف دانشگاه تهران رهسار جزیره لاوان گردید. هشت مذکور امکانات استقرار دستگاه های ثبت شب زلزله را در این جزیره مورد مطالعه قرار داد. در جزیره لاوان که مرکز تاسیسات نفتی شرکتهای عامل است در نیمه دوم آبانماه بیش از ده زلزله خفیف و شدید روی داد.

رئیس موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، رئیس گروه تحقیقات و اکتشافات ژئو - فیزیکی این موسسه و معاون دانشکده هر های زیبا که مختص در ساختمانهای منامود زلزله است اعضای این هیئت را تشکیل میدادند.

گذشت سالها وظایف خود را تنوع و گسترش بخشیده است.

نماینده ایران افزود: کنفرانی که در سال ۱۹۴۴ در فیلا دلفیا تشکیل شده بود اعلام میکرد که صرف نظر از آنکه در کجای وجود داشته باشد، خطری است که کامیابی همه ملتها را تهدید میکند. سازمان بینالمللی کار که بیش از هر سازمان دیگری این خطر را اعلام کرده بود در واقع باعث آغاز مرحله تازه ای در تکامل آگاهی بینالمللی شد و این آگاهی بزودی بعنوان يك عامل حاکم بر روابط بینالمللی معتقدان تازه ای درباره توسعه اقتصادی بوجود آورد.

رئیس هیئت نمایندگی ایران موفقیت های سازمان بینالمللی کار را بدیر کل آن تبریک گفت و افزود کشوری مانند ایران که رهبر خردمند آن اعلام داشته اند (دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی غیر ممکنست) نمی تواند فعالیت های نجات ساله سازمان بینالمللی کار را مورد تحسین و پشتیبانی قرار ندهد.

آقای وکیل گفت: سازمان بینالمللی کار که نخست بعنوان يك پارلمان جسون کارگران به فعالیت خود را با تهیه و تنظیم یمنانها و میثاقها و توصیه های مربوط به روابط کارگران و کار به فرمانان آغاز کرده بود با

جزو ادارات رسمی سازمان ملل متحد درآمد. در پایان جلسات سه روزه کنگره مقرر شد که جلسات باقره دهمی کنگره کالج سال آینده در امفهان تشکیل شود. کمیته فنی هواشناسی جهانی ● نماینده ایران در پنجاهمین اجلاسیه کمیته فنی هواشناسی شرکت کرد. در این اجلاسیه که در بارش تشکیل یافت استاندارد کردن دستگاه های اندازه گیری و طرق دیده بانی مورد مطالعه و تبادل نظر قرار گرفت. اظهارات نماینده دانشی ایران در سازمان ملل متحد

● نماینده دایمی ایران در سازمان ملل متحد در مراسم پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان بینالمللی کار اقدامات و فعالیت های جهانی این سازمان را در زمینه مسائل کارگری مورد ستایش و تحسین قرار داد.

در این مراسم که در تالار مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار شد نماینده ایران پنجاهمین سالگرد سازمان بینالمللی کار را يك رویداد پراهنیت خواند و پیروزی ها و اقدامات این سازمان را در زندگی ملتها برشمرد.

آقای وکیل گفت: سازمان بینالمللی کار که نخست بعنوان يك پارلمان جسون کارگران به فعالیت خود را با تهیه و تنظیم یمنانها و میثاقها و توصیه های مربوط به روابط کارگران و کار به فرمانان آغاز کرده بود با

مذکور مدت ۶ هفته بطول انجامید.

نماینده ایران در «یونیدو» ● ایران نمایندگی به (یونیدو) فرستاد. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) با همکاری دولت انگلستان برای کارآموزی در رشته تهیه مواد غذایی از غله و حبوبات يك دوره سه ماهه در لندن ترتیب داد.

در این دوره که از ۱۴ آبان ماه تشکیل شده و تا ۱۷ بهمن ماه ادامه خواهد داشت نماینده ای از ایران نیز شرکت نمود.

هدف این دوره افزایش سریع معلومات نظری و عملی متخصصان مواد غذایی درباره تهیه مواد غذایی از غلات و حبوبات است؛ که يك سوم از مدت آن به کار عملی در کارخانجات سازنده مسود غذایی در انگلستان اختصاص یافته است.

کنگره کالج بینالمللی جراحان

● چهاردهمین کنگره کالج بینالمللی جراحان شعبه ایران گشایش یافت. در مراسم افتتاح این کنگره که در بیمارستان پهلوی تشکیل شد رئیس دانشگاه تهران و عده ای از استادان دانشگاه و جراحان کشور حضور داشتند.

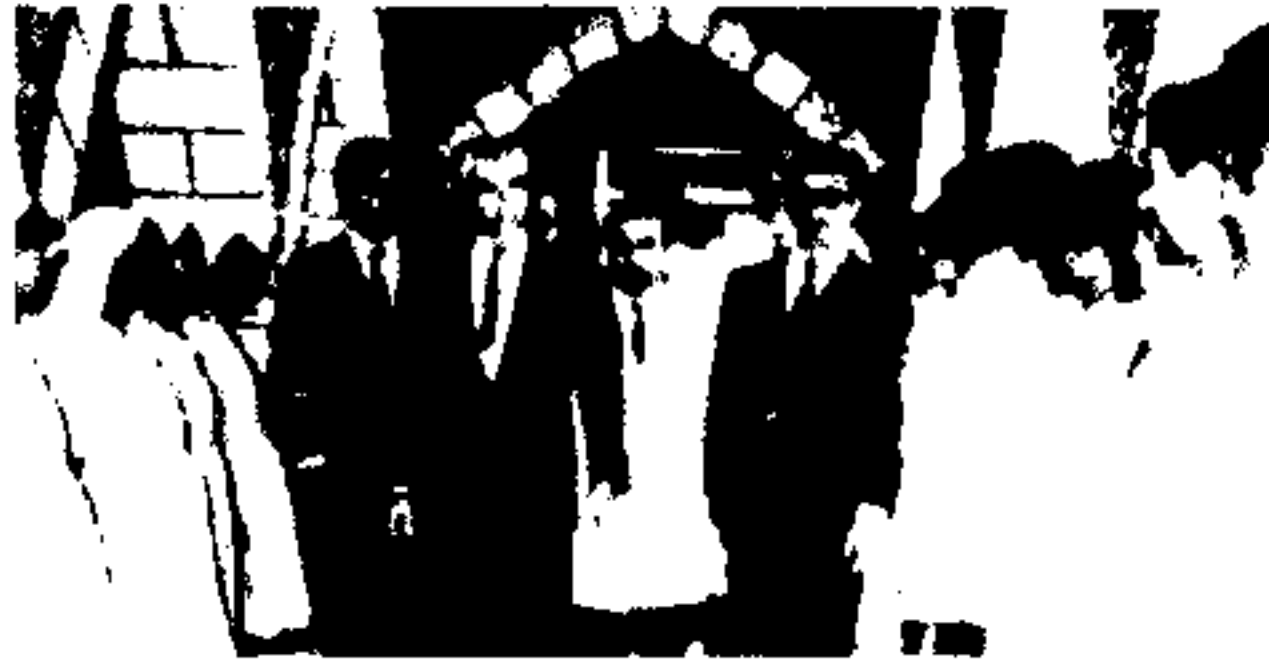
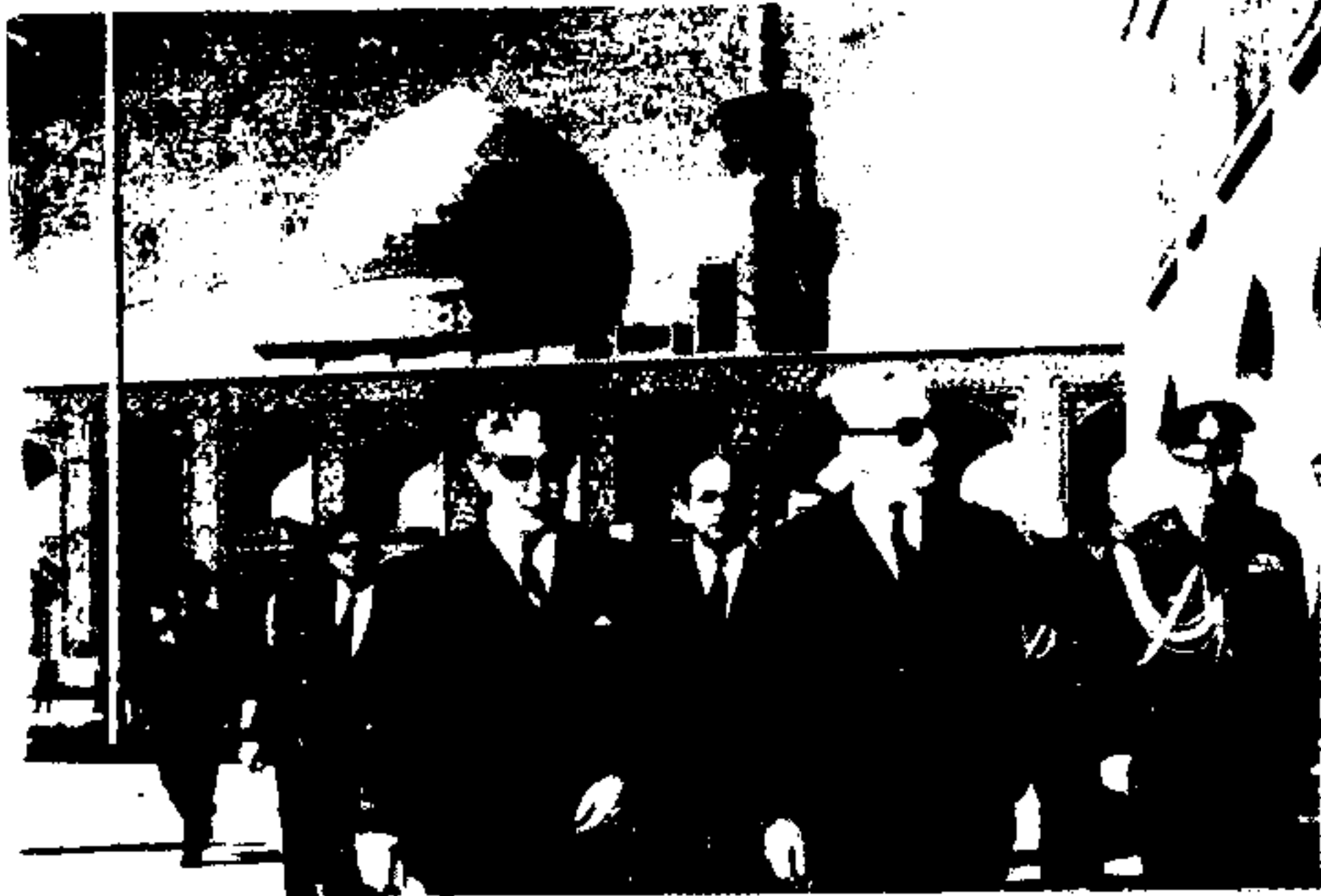
کالج بینالمللی جراحان در چهل کشور مختلف جهان شمه دارد و اعضای آن به ۱۲ هزار نفر میرسند. این کالج در سال گذشته

بازدیدها

سفر شاهنشاه آریامهر به

جنوب

● شاهنشاه آریامهر جهت گشایش چند طرح بزرگ صنعتی روز چهاردهم آبانماه رهسپار جنوب کشور شدند.



پنجروز در ایران اقامت داشتند که گذشته از شرکت در يك سلسله مراسم رسمی و تشریفاتی از شهرهای اصفهان و شیراز و آثار تاریخی باستانی واقع در این دو محل نیز بازدید بعمل آوردند.

در مدت اقامت ایشان مذاکراتی در سطح رهبران دو کشور در زمینه های اقتصادی و فرهنگی بعمل آمد که منتج به تصویب قراردادهائی گردید. بررسی امکانات همکاری

بانک بین المللی ترمیم و توسعه «رابرت مکنامارا» رئیس بانک بین المللی توسعه و ترمیم به ایران آمد. «مکنامارا» که به دعوت وزیر دارائی به ایران آمده بود در مدت اقامت خود در ایران دوبار به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد و نیز مذاکراتی با آقای نخست وزیر و وزیر دارائی و دیگر مسؤولین اقتصادی کشور بعمل آورد و از چند طرح آبادانی و صنعتی منجمله کارخانه ذوب آهن اصفهان دیدن کرد.

«مکنامارا» در مذاکرات خود با مقامات ایرانی امکانات همکاری بانک بین المللی توسعه و ترمیم را در برنامه های آبادانی ایران مورد مذاکره و بررسی قرار داد. وی به دعوت وزیر دارائی به ایران آمده بود.

نظر «میشل شارپ» درباره روابط ایران و کانادا ● آقای «میشل شارپ» وزیر خارجه کانادا که به دعوت رسمی آقای اردشیر زاهدی به ایران آمده بود، پس از شرفیابی به حضور شاهنشاه آریامهر يك سلسله گفتگو با مقامات ایرانی از جمله آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه ایران بعمل آورد.

وی هنگام ورود به ایران به خبرنگاران ایرانی و خارجی اظهار داشت که «رشته های پیوند میان ایران و کانادا با دیدار های اخیر شاهنشاه آریامهر و شهبانو ایران از کشور من بیش از پیش استوار شده است.

بازدید رسمی وارد تهران شدند. این دیدار شش روز طول کشید و ضمن آن رهبران دو کشور مذاکراتی در زمینه فرهنگ و اقتصاد انجام دادند.

صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری مجارستان همچنین با آقای نخست وزیر، وزیر امور خارجه و دیگر مسؤولین برجسته کشوری گفتگوهای بعمل آوردند.

در این سفر نایب نخست وزیر، معاون وزارت خارجه و معاونان وزارتخانه های فرهنگ و هنر و ذوب فلزات مجارستان و چند تن دیگر از مقامات رسمی آن دولت همراه میهمانان عالیقدر بودند و نیز يك هیئت مطبوعاتی به همین مناسبت از مجارستان به ایران آمده بود.

حضرت «پال لوشونچی» و بانو در مدت اقامت خود در تهران از آثار باستانی و تاریخی شیراز و اصفهان و نقاط دیدنی پایتخت دیدن فرمودند.

سفر رسمی رئیس جمهوری چکسلواکی و بانو به ایران

● در سومین روز آذرماه حضرت ژنرال «لودویک اسوبودا» رئیس جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی و بانو به دعوت رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو به ایران آمدند. میهمانان عالیقدر مدت

آبانماه وارد ایران گردید. برنامه ایشان در این سفر به جز استقبال رسمی که از ایشان بعمل آمد، يك میهمانی رسمی که از جانب شاهنشاه آریامهر به افتخارشان داده شد و نیز ضیافتی که معظم له بافتخار شاهنشاه آریامهر دادند، عبارت بود از:

پذیرفتن رؤسای هیئتهای سیاسی خارجی مقیم دربار شاهنشاهی شهردار تهران - مأمورین عالیرتبه کشوری و نیز دیدار از نقاط دیدنی، موزه ها - نقل در اجلاس مجلسین - دیدار از يك مانور مخصوص نیروی هوایی ارتش ایران و سفر به جنوب ایران برای بازدید از نقاط تاریخی کشور.

برنامه مانور هوایی که شامل رژه گردانهای نمونه شکاریهای تاکتیکی نیروی هوایی - عملیات مخصوص تیم آکروجت موسوم به «تاج طلایی» - ارائه قدرت آتش شکاریهای تاکتیکی و بمباران و پرتاب راکت و پرتاب ناپالم و تیراندازی بود، فوق العاده مورد توجه حضرت رئیس جمهوری پاکستان واقع شد.

بازدید حضرت «پال لوشونچی» از ایران ● صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری مجارستان و همسرشان بنا به دعوت شاهنشاه آریامهر برای يك دیدار رسمی هفت روزه در

سفر برادر پادشاه مغرب ● والاحضرت «مولای عبدالله» برادر اعلیحضرت پادشاه مغرب و همسرشان که به ایران آمده بودند از چند شهر دیدنی ایران از جمله اصفهان بازدید بعمل آوردند.

دبیرستان وابسته به آن و پارک فرحناز دیدن فرمودند. سفر شاهنشاه آریامهر روز یکشنبه بیست و پنجم آبانماه پایان پذیرفت و معظم له در این تاریخ به تهران مراجعت فرمودند.

بازدید علیاحضرت شهبانو از دومین نمایشگاه آسیائی ● علیاحضرت شهبانوی ایران برای بار دوم دومین نمایشگاه آسیائی تهران را مورد بازدید قرار دادند.

در این بازدید که روز بیستم آبانماه انجام شد؛ علیاحضرت شهبانو از غرفه های صنایع پتروشیمی، شرکت سهامی دخانیات، ذوب آهن و سالتانی که در آنها صنایع ایرانی بنمایش گذارده شده بود دیدن فرمودند.

بازدید هفت روزه و رسمی رئیس جمهوری پاکستان از ایران ● حضرت ژنرال آقا محمد یحیی خان رئیس جمهوری پاکستان به دعوت شاهنشاه آریامهر برای يك دیدار رسمی هفت روزه در

بازدید از کارخانه پتروشیمی و مخزن يك میلیون بشکه ای نفت خام در خارك (این مخزن با ۱۰۹ متر قطر و ۱۸ متر ارتفاع یکی از بزرگترین مخازن نفت دنیا است) - کارخانه لوله سازی اهواز و نیز نوردشاهین (دومین واحد سازنده انواع آهنهای سبك ساختمانی) از برنامه های تشریف فرمائی شاهنشاه به جنوب کشور بود.

مسافرت شاهنشاه آریامهر به شیراز

● شاهنشاه آریامهر طی يك مسافرت سه روزه شیراز، بندر لنگه و جزیره کیش را مورد بازدید قرار دادند. معظم له، در بندر لنگه از بیمارستان آریامهر، در جزیره کیش از فعالیتهای عمرانی و در شیراز از دانشگاه پهلوی،

مذاکرات «عبدالمعتم رفاهی» در ایران ● آقای عبدالمعتم رفاهی نایب نخست وزیر و وزیر امور خارجه اردن در آبانماه به دعوت رسمی وزیر امور خارجه ایران به ایران آمد.

ایشان پس از شرفیابی به حضور ملوکانه و تقدیم پیام مخصوص پادشاه اردن به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ضمن ملاقات و مذاکره با آقای هويدا نخست وزیر - آقای

زاهدی وزیر امور خارجه و چند تن دیگر از مسؤولین مملکتی در ضیافتهائی نیز که به افتخارشان داده شد شرکت کردند.

پیام شاهنشاه آریامهر به سی و چهارمین مجمع عمومی کمیسیون بین المللی الکترونیک

آینده بشر در همکاری صلح آمیز نهفته است

● از تشکیل سی و چهارمین مجمع عمومی سازمان بین المللی الکترونیک در تهران کمال خوشوقتی را داریم.

کارهایی که این سازمان تاکنون بانجام رسانده است از هر جهت درخور توجه است.

در این عصر فضا دستگاه های کوچک و بزرگ بشماری در ائسیر پیشرفت فن الکتروتکنیک برای آسایش بشر و لذت بخش تر کردن زندگانی وی پدید آمده است و هرکس میتواند درباب که این پیشرفتهای بدون همکاری وسیع میان اهل فن و دانشمندان سراسر جهان میسر نبوده است لیکن در این هنگام که مجمع عمومی سازمان بین المللی الکتروتکنیک تشکیل مییابد این حقیقت را بیشتر فراروی خویش میبینیم که آینده بشر در همکاری صلح آمیز نهفته است.

کشور ایران اینک به نقطه عطف تاریخ خود رسیده است و ما در راه نوین مثبت و سازنده ای پیش میرویم که هدف آن ایجاد تحول ملی از راه در آمیختن ارزشهای کهن با شیوه های نوین است.

صنعتی شدن جزء لاینفک از اصول انقلاب ایران است و امیدواریم که انجمن این برگزیدگان جهان الکترو - تکنیک به تحولات صنعتی کشور ما روحی تازه بدمد. پیروزی بیش از پیش سازمان بین المللی الکتروتکنیک را خواستاریم.



زاهدی وزیر امور خارجه و چند تن دیگر از مسؤولین مملکتی در ضیافتهائی نیز که به افتخارشان داده شد شرکت کردند.

● انجمن هیئت دبیران
ایران که برای شرکت در
سمینار بهداشت و تنظیم
خانواده کور های عضو
سازمان همکاریهای منطقه‌ای
به پاکستان رفته بودند به
تهران بازگشتند.

در این سمینار که در اسلام
آباد پاکستان تشکیل شد ،
علاوه بر نمایندگان ایران -
ترکیه و پاکستان ، عده‌ای
از کارشناسان بهداشت جهانی
نیز شرکت داشتند و طی آن
برنامه ریزی بهداشت و تنظیم
خانواده و عملیات اجرایی
این برنامه مورد بحث و تبادل
نظر قرار گرفت .

سرکت کنندگان درسمینار
همچنین چگونگی اجرای
برنامه تهیه نیروی انسانی در
ایران را مورد توجه قرار
داده بودند .

● عضویت ایران در کنگره
پستی جهانی

● ایران به عضویت کنگره
پستی جهانی برگزیده شد .
این انتخاب در اجلاسیه
شانزدهمین کنگره پستی جهانی
در توکیو بعمل آمد . در این
اجلاسیه همچنین ایران به
عضویت کمیته منورته مطالعات
پستی نیز انتخاب گردید .

علوم و آموزش عالی

● جشن دانشجویان

● دانشجویان دانشکده
علوم انسانی دانشگاه ملی
ایران بمناسبت سالروز تولد
والاحضرت همایون ولایتعهد
جشنی برپا داشتند . در این
جشن پرفسور پویان رئیس
دانشگاه ملی ایران و معاونان
و کلیه استادان این دانشگاه
شرکت داشتند . برنامه های
هنری چندی نیز از طرف
دانشجویان بهمناسبت اجرا
گردید .

اجلاس شورای هماهنگی دانشگاهها

● دومین اجلاس شورای
هماهنگی دانشگاهها و مدارس
عالی کشور در دانشکده
مهندسی دانشگاه پهلوی تشکیل
شد . موضوع جایزه علمی
یونسکو و نیز برگزاری
مسابقه های ورزشی بین
دانشگاهها و مدارس عالی از
جمله موضوعات مورد بحث در
اجلاس بود .

● اهداء نشان

● يك قطعه نشان آکادمی
علوم فرانسه به رئیس دانشکده
ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
اصفهان اهداء شد . در مراسمی
که بهمناسبت مناسبت برپا شده
بود سفیر فرانسه در ایران ،
نشان مذکور را به آقای
«عبدالباقی نواب» رئیس
دانشکده ادبیات اصفهان از
طرف دولت متبوع خود اهداء
کرد .

● تدریس زبان ارمنی

● در دانشکده ادبیات
و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
رشته زبان ارمنی ایجاد شد .
دانشگاه اصفهان ۱۵ نفر
دانشجو برای رشته زبان ارمنی
از میان داوطلبان آن انتخاب
نمود .

پیام شاهنشاه آریامهر به کنگره علمی ششده و پنجاهمین
سال درگذشت خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی

جامع‌التواریخ نه تنها یکی از مهمترین آثار فرهنگ
ایران بلکه یکی از معتبرترین کتب تاریخ در تمام جهان
است .

● از اینکه بار دیگر یکی از بزرگان گذشته تاریخ
و فرهنگ ایران مورد تجلیل ملی و بین‌المللی قرار میگردد
خوشوقی خویش را ابراز میداریم و توفیق دانشمندان عضو
این مجمع را در اجتماعی که اکنون بخاطر بزرگداشت
خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر و مورخ و پزشک
نامدار قرون هفتم و هشتم هجری بابتکار دانشگاه تهران
با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاه تبریز
تشکیل شده است خواستاریم . احتیاج به تذکر ندارد که
اثر عظیم این مورخ بنام جامع‌التواریخ نه تنها یکی از
مهمترین آثار فرهنگ ایران بلکه یکی از معتبرترین کتب
تاریخ در تمام جهان است و دانشمندان خارجی عضو مجمع
حاضر که غالبا خود کارترجمه و تفسیر این اثر بزرگ
را بر زبانهای خویش برعهده داشته‌اند بهتر از هرکس
براین حقیقت واقف دارند . اهمیت این اثر را بخصوص
در این باید دانست که از نظر فن تاریخ‌نویسی به نحو بارزی با
اصول و مفاهیم امروزی این فن تطابق دارد و این خود
نشان نظر وسیع و جهان بینانه نویسنده دانشمند آن است .
در دورانی که تحقیق و تتبع علمی در هر رشته اهمیتی
روزافزون یافته است و از طرف دیگر در هر مورد لزوم
همکاری بین‌المللی کاملاً احساس میشود تشکیل مجمع
علمی از قبیل مجمع کنونی قدم موثری در راه پیشرفت
اطلاعات بشری و در عین حال کوششی برای روشن کردن
نکات ناگفته یا نادانسته تاریخ غنی و پرافتخار فرهنگ
ایران است و ما از این هردو نظر موفقیتر هرچه بیشتر
این مجمع علمی را خواستاریم .

● کنگره علمی ششده و پنجاهمین سال درگذشت خواجه
رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر و مورخ و پزشک نامدار
قرن هفتم و هشتم در تالار ابن‌سینای دانشگاه تهران با
همکاری دانشگاه تبریز ، دانشگاه تهران و وزارت علوم
و آموزش عالی تشکیل یافته بود .
در این کنگره علاوه بر محققان ایرانی ، ایران‌شناسان
برجسته‌ای از کشورهای مختلف جهان نیز شرکت داشتند .

● کارشناس آبولودرد دانشگاه
صنعتی آریامهر
● یکی از کارشناسان
ایرانی طرح آبولودرد به ایران
آمد . وی در مدت اقامت
خود در آمریکا استادی
دانشگاههای کالیفرنیا ،
استانفورد ، سنتا کالارا و ریاست
پرواز های هوایی «راکول»
آمریکا را عهده‌دار بوده است .
وی در آخرین سمت خود سهم
بزرگی در پروازهای آبولودرد
داشته است . دکتر «غلامعلی
اعتماد» بدعوت وزارت علوم
و آموزش عالی جهت تدریس
دانشگاه صنعتی آریامهر به
ایران آمده است .

● شرایط تاسیس موسسات
آموزش عالی

● شورای تاسیس و توسعه
و اغلال موسسات آموزش
کشور شرایط موافقت بسا
تاسیس موسسات آموزش عالی
را طی اعلامیه‌ای اعلام کرد .
شورای مذکور در این
اعلامیه شرایط و ضوابطی را
که باید در تاسیس موسسات
جدید آموزش عالی رعایت
شود تشریح کرده است .

● از جمله مواردی که صریحا
در این اعلامیه بدان تکیه
شده اینست که : موسسات آموزش
عالی خصوصی نباید و نمیتوانند
برای مقاصد انتفاعی و سود
جویی بوجود آیند و حتی
سود ویژه اینگونه موسسات
نیز باید بصرف توسعه و
تکمیل خود موسسات برسد .

● بدنبال تاسیس این کرسی
دانشگاه تهران يك بورس
تحصیلی در اختیار يك
دانشجوی الجزایری گذارد .
«بویکر صحراوي» دانشجوی
دانشگاه شهر الجزیره از این
بورس استفاده خواهد نمود .

موافقت‌نامه فرهنگی بایک دانشگاه آمریکائی

● يك موافقت‌نامه
همکاری های فرهنگی ،
آموزشی و تحقیقاتی بین
دانشگاه پهلوی و دانشگاه
کنت آمریکا در شیراز به
امضاء رسید .

براساس این موافقت‌نامه
کلیه امتحانات و دیپلم های
دانشگاههای مذکور مورد قبول
و تأیید دو طرف خواهد بود
و دانشجویان هریک از این
دانشگاهها میتوانند تمام یا
قسمتی از دوره تحصیلات خود
را در دانشگاه دیگر بگذرانند .
علاوه بر تبادل دانشجو ، در
هر سال تحصیلی عده‌ای از
استادان و اعضای کادر آموزشی
دانشگاه پهلوی در دانشگاه
کنت و گروهی از استادان
و اعضای کادر آموزشی
دانشگاه کنت در دانشگاه
پهلوی شیراز بتدریس اشتغال
خواهند ورزید .

همچنین طبق توافق بین
دو دانشگاه يك برنامه مبادله
کتاب و وسایل آزمایش و
تحقیقاتی و انتشاراتی تنظیم
شده است که به مرحله اجرا
درخواهد آمد .

● دانشگاه کنت آمریکا هر
سال چند بورس تحصیلی و
آموزشی در اختیار دانشگاه
پهلوی قرار میدهد و متقابلا
دانشگاه پهلوی نیز برای
همکاری در اجرای برنامه‌های
دانشجویان دانشگاه کنت از
نظر انجام قسمتی از تحصیلات
آنها در شیراز تسهیلاتی فراهم
خواهد کرد .

● دانشگاه دولتی « کنت »
در ایالت «اوهايو» قرارداد
و یکی از دانشگاههای معتبر
ایالات متحده آمریکا است .

دوب آهن

● پایان کارآموزی ۴۰

● کارآموز

● کارآموزی ۴۰ تن کار
آموز دوره دوب آهن که به
شوروی رفته بودند پایان
یافت این عده در طول اقامت
خود در شوروی در رشته‌های
مختلف صنعت دوب آهن در
شهرهای «کیرووروك» و
«ازداف» دوره‌های علمی و
عملی را گذرانیدند . و در
پایان گواهینامه کارآموزی
خود را دریافت داشتند .

شکار

● آغاز شکار در استانهای شمالی
● فصل شکار در استانهای
شمالی کشور آغاز شد .

● با آغاز ماه دوم پائیز ،
فصل شکار در استانهای گیلان
و مازندران آغاز یافت و
شکارچیان در مناطق
مجاز کار خود را آغاز کردند .

تعاون

● کلاس تعلیم فنون فروشندگی
● از طرف مدیریت آموزش
سازمان مرکزی تعاون کشور
جهت فروشندگان شرکتهای
تعاونی مصرف يك کلاس
آموزشی تشکیل شد . در این
کلاس که مدت سه هفته ادامه

داشت ۵۳ نفر از فروشندگان
شاغل در فروشگاههای شرکت
های تعاونی مصرف ؛ اصول
تعاون ، اثرات اجتماعی و
اقتصادی تعاونیها ، روابط
کارمندان با اعضای شرکتهای
تعاونی ، حسابداری مقدماتی ،
اصول مدیریت ، روانشناسی
اجتماعی و فن فروشندگی را
فرا گرفتند .

نیروی دریایی

● سالروز نیروی دریایی ایران
● بمناسبت سی و هشتمین
سالروز بنیانگذاری نیروی
دریایی ایران مراسمی برپا
گردید . این مراسم با تشراف
تاج‌گلی برآرامگاه اعلیحضرت
رضاشاه کبیر بنیانگذار نیروی
دریایی ایران آغاز شد که در
آن امراء و افسران و افراد
برجسته نیروی دریایی ارتش
شاهنشاهی شرکت داشتند .

مسابقات

● دو مسابقه در قلعه مرغی
● يك مسابقه اتومبیلرانی
در قلعه مرغی برگزار شد . طول
برگزاری این مسابقه ۷۵ کیلو
متر بود و در سه دور سه‌نوع
اتومبیل در آن با هم مسابقه
دادند .

● همزمان با این مسابقه
اتومبیل رانی از طرف مرکز
آموزش فنون هواپیمایی
کشوری ایران نیز يك نمایش
هوایی انجام شد .
این نمایش شامل پرواز
هواپیماهای بی موتور ، با
موتور و چتر باز و نیز هواپیما
های نمونه متعلق به باشگاه
هوایی بود .

فعالیت‌های حزبی

● هیئتی کانون ناسیونالیست
های ایران به حزب ایران نوین
● کانون ناسیونالیست
ایران هیئتی خود را با
حزب ایران نوین اعلام داشت .
در جلسهای که برای اعلام
این هیئتی تشکیل شده
بود آقای نخست وزیر و
مسئولین ارشد حزب ایران
نویین نیز شرکت داشتند .

کار و کارگران

● کارگران ایرانی به آلمان
میروند

● ۱۲۰ کارگر ایرانی
ظرف دو ماه آینده برای
استانی و آموزش روش صحیح
کار رهپار آلمان خواهند
شد . این تصمیم بدنبال
مدارباتی که بین وزیر کار
و آقای «فریتس» رئیس
موسسه کار آلمان فدرال
صورت گرفت اتخاذ شد .

● پنجهزار ریال سود سرازه
هر کارگر

● کارگران شرکت نفت
پارس سود ویژه شرکت خود
را دریافت داشتند .

● يك میلیون و ۲۵۰ هزار
ریال سهم ۲۵۰ تن از کارگران
این شرکت در سال ۱۳۴۷ بین
نمایندگان آنان توزیع شد .
سود سرازه هریک از کارگران
بالغ بر پنجهزار ریال گردید .

راه

● راه اسفاله ایران -
افغانستان

● ساختمان راه مشهد به
مرز افغانستان در حال پیشرفت
است . این راه به طول ۷۵۵
کیلومتر ساخته میشود و
هم‌اکنون ساختمان حدود
۷۰ کیلومتر آن پایان پذیرفته
است .

● گشایش خط هوایی

● کرمان - تهران
● خط هوایی پرواز جت
بین تهران و کرمان گشایش
یافت . نخستین هواپیمای جت
بوئینگ تهران - کرمان از
پست و هشتم آبانماه در
فرودگاه کرمان بزمین نشست
و پس به زاهدان برواز
کرد . و به این ترتیب بهره
برداری از فرودگاه بین‌المللی
زاهدان نیز آغاز گردید .
با گشایش خط هوایی جت
زمان پرواز هواپیماهای
چهار موتوره از تهران به
زاهدان که تاکنون ۵ ساعت
بود به ۳ ساعت و ۳۵ دقیقه
کاهش یافت .

هواشناسی

● اقدامات هواشناسی کل
کشور

● فعالیت اداره نظارت
هواشناسی در ماه گذشته بدین
قرار بوده است :
- نصب یک دستگاه سیلوس
گراف در ایستگاه سینوپتیک
مشهد بمطوور اداره گیری
ارتفاع دقیق این .
- انتقال ایستگاه سینوپتیک
کرمان و تبریز بمحل جدید
و نصب یک دستگاه باران‌نگار
در ایستگاه سینوپتیک شیراز .
- تاسیس ایستگاه
کلیماتولوژی ورامین (مقرر)

● در کارخانه قد ورامین و
تاسیس ایستگاه های
بارانسنجی رحمانلو - سرای
بستگرد - چهل دختر -
مراوتمه - حوت - چناران -
بین آباد و بازرسی از ایستگاه
های کلیماتولوژی بندر
ترخان - باراندوز چای -
مرند - آگروم تبریز و نیز
تبدیل ایستگاه بارانسنجی
گمینان به کلیماتولوژی و
تعمیر محل ایستگاه
کلیماتولوژی دامغان .

● اعزام مأمور فنی بمطوور
انتقال ایستگاه سینوپتیک رشت
به ساختمان جدید و انتقال
ایستگاه کلیماتولوژی رودبار .
- اعزام مأموران فنی
بمنطقه آذربایجان بمطوور
تاسیس ایستگاههای بارانسنجی
چنارک - قره قاج - رمی -
جعفرلو - ماد ناس -
خبرآباد - حلب ساغری -
ملاعلی - قره قاج و بازرسی
از ایستگاههای کلیماتولوژی
اهر - آستارا - قنبرلو -
آبهر - دولت آباد و ده
سومعه بیجار .

● اعزام بازرسی فنی به
منطقه کرمان جهت تاسیس
ایستگاههای کلیماتولوژی
زرنه - چترود و دشت خاک
بایدخواست شرکت ملی دوب
اهی ایران .

رویدادها هنری

نویسندگان و مطبوعات

طنزنویس ایرانی
● منوچهر محجوبی طنزنویس و دبیر سندیکی نویسندگان ازدواج کرد.
محجوبی که در گذشته تنها به کار مطبوعات می پرداخت در حال حاضر فعالیت خود را توسعه داده و در کارهای طراحی برنامه های تلویزیونی هم وارد کار شده است.



صاحب «تایمز لندن» و
«سندی تایمز» در ایران
● «لرد تامپسون» به ایران آمد. وی که رئیس و صاحب امتیاز روزنامه های سندی تایمز و تایمز لندن می باشد در مدت اقامت خود در ایران به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد و نیز با مقامات برجسته کشوری دیدار هائی بعمل آورد.
روزنامه نگاران شوروی
● پنج نفر از روزنامه نگاران شوروی به ایران آمدند. این پنج نفر که نماینده روزنامه پراودا نیز در میان آنان بود در مدت اقامت خود در ایران ضمن دیدار از موسسات انتشاراتی

ایرانی از کپی کنی
● «پورتنگ» نویسنده مطبوعات به آمریکا رفت. سفر وی به آمریکا جهت تهیه رپرتاژ هائی از پرواز آپولو ۱۴ صورت گرفت.
نشریه دانشجویان ایرانی در بریتانیا

● دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان نشریه خود را بنام «پژوهش» انتشار دادند. مشکل خط و پیشنهادی به دانشگاهها عنوان مقاله ای از این نشریه بود که در آن مشکلات خط میخی فارسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود.
اهداء نشان تاجگذاری به سه سردبیر

● سه نفر از سردبیران مطبوعات تهران مفتخر به دریافت نشان تاجگذاری گردیدند.
این سه نفر عبارتند از «حسین سرفراز» سردبیر تهران منصور - مهندس «کردبیجه» سردبیر اطلاعات و «غلامحسین صالحیار» سردبیر آیندگان.



حسین سرفراز

آخرین شماره پیام یونسکو
● «پیام» نشریه استرلیا از انتشارات سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که ویژه نامه ای از آن به فارسی منتشر میشود. در چاپ و انتشار پیام سازمان انتشارات «فرانکلین» و شرکت سهامی «کتابهای جیبی» نیز سهیمند.
تاکنون سه شماره از «پیام» که روتی و راه خود را «دریچه ای گشوده بر جهان» معرفی کرده است انتشار یافته و هر شماره آن ویژه موضوعی است که آخرین آن «میراث سلامت» نام یافته است. در این شماره، راه ورش و فلسفه راهروان مبارزات منقّی چون «گاندی» و «لوتر کینگ» نمود شده است. در انتشار و تدوین «پیام» (جهانگیر افکاری) نیز دست دارد.

گروههای هنری فعالیت های هنری گروه «تماشا»

● ازجندی پیش با همکاری چند تن از هنرمندان یک دفتر هنری بنام «تماشا» که در اغلب زمینه های هنری فعالیت دارد تشکیل یافته است. چاپ و انتشار آثار برجسته هنری - تهیه برنامه های تلویزیونی پی در پی - بروی صحنه آوردن نمایشنامه هائی از نمایشنامه نویسان معاصر و گذشته از جمله فعالیت های این گروه می باشد.

برنامه «آلاخون والاخون» و «خانقصر خانم» که هم اکنون از فرستنده های تلویزیون ملی ایران پخش میگردد از کارهای این گروه هنری است.
در این گروه حدود پنج نفر از نویسندگان - ۴ کارگردان و ۴ هنرپیشه شرکت دارند.
چند برنامه پیشنهادی جدید این گروه نیز به تقویم شورای برنامه های تلویزیون ملی ایران رسیده است که گروه هنری تماشا در حال حاضر مشغول فراهم آوردن اجرای آن می باشد.
از جمله این برنامه ها «معرفی طنزنویسان دنیا و ایران» می باشد که طی آن هر هفته اثر یکی از طنزنویسان برجسته ایران یا خارجی به صورت نمایشنامه اجرا میگردد. از اختصاصات این سریال تلویزیونی اینست که در ابتدای هر برنامه «نویسنده وزندگی هنری» او مورد نقل و بحث قرار میگیرد.

عکس

● مسابقه عکاسی سازمان تلویزیون ملی ایران مسابقه ای برای عکاسان تربیب داده است. در شرایط این مسابقه گفته شده است که: مدت کامل این مسابقه

یکسال است.
هرماه بین عکسهای رسیده داوری و انتخاب بعمل می آید و بهترین (عکس ماه) از میان عکسهای رسیده تعیین میشود و جایزه ای به آن اهدا خواهد شد. این جایزه در حدود پنجاه هزار ریال ارزش خواهد داشت و برنده در برنامه های تلویزیون معرفی میگردد.

پس از ۱۴ ماه و انتخاب ۱۴ عکس، داوری نهائی میان آنها بعمل می آید و «بهترین عکس سال» برگزیده خواهد شد و جایزه ای در حدود چهل هزار ریال به آن تعلق خواهد گرفت.
همچنین گفته شده است که فقط آماتور ها با ارائه عکس سیاه و سفید حق شرکت در این مسابقه را خواهند داشت.

موسیقی

ارکستر مجلسی
● ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران برنامه چهار ماه آخر سال خود را اعلام داشت. ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران در ۲۹ آذر ماه ۱۳۴۵ بوجود آمد و اولین تمرین خود را در اوائل دیماه همان سال شروع کرد. تشکیل این ارکستر کوششی بود برای متمرکز کردن فعالیت نوازندگان طراز اولی که هر کدام در چند ارکستر یا گروه های مختلف می نواختند و همچنین فراهم آوردن وسیله ای برای شناساندن موسیقی نو جهان به دوستداران و طالبان موسیقی در ایران و نیز اجرای آثار آهنگسازان ایرانی.



ارکستر مذکور گذشته از برنامه هائی که تا پایان سال جاری در ایران اجرا خواهد کرد خود را برای اجرای برنامه هائی در خارج از کشور نیز آماده میازد.
میهنمآنان ۱۲ نفری
● ارکستر ۱۲ نفری «آندره کسن» از کنسورفرانسه برنامه جالبی اجرا کرد. در این ارکستر ۸ ویولن - ۲ آلتو - ۲ ویلن سل -

پورتنگ



يك كسریاس و پت کلاوسن سرکت داشت. اعضای این ارکستر بدعوت انجمن فیلامونیک تهران به ایران آمده و برنامه اجرا کردند.

بنایس انگلیسی
● «کنرال تابلور» يك استال پیاو در تهران اجرا کرد. برنامه این هنرمند انگلیسی در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اجرا شد. «کنرال تابلور» که با اجرای برنامه های هنری در اروپا و آمریکا شهرت جهانی بدست آورده بادیوت انجمن فیلامونیک تهران به ایران سفر کرده بود.

ترانه های جدید «کریم فکور»
● کریم فکور که در يك سال گذشته تقریباً ترانه های را کنار گذاشته بود مجدداً فعالیت در این زمینه را آغاز کرده است. بزودی مهی، عارف، عهدیه، کوهکوش و رسانی تمثیف هایی خواهد خواند که شعر آن ازسروده های فکور می باشد.

ابنیه تاریخی - ایرانشناسی و موزه
این حقیقتی است که پرداختن به گذشته نباید ما را از توجه به اکنون و آینده باز دارد ولی باید متوجه بود که گذشته، از اکنون و آینده جدائی ندارد.

● با پیام علیاحضرت شهبانو دومین کنگره تاریخ و فرهنگ ایران در تالار وزارت فرهنگ و هنر گشایش یافت.

متن پیام علیاحضرت شهبانو که توسط آقای بیلبد وزیر فرهنگ و هنر قرائت گردید بدین شرح بود:
با نهایت شادمانی کنگره تاریخ و فرهنگ ایران را می گشایم دانشمندی که در این کنگره فراهم آمده اند تا درباره فرهنگ و تاریخ میهن خویش سخنرانی و بررسی کنند بیگمان خوب دریافته اند که واژه های «فرهنگ» و «تاریخ» برای ما معنی و مفهوم خاصی پیدا کرده است این معنی و مفهوم در اثر هزاران سال زندگی مشترک در سرزمینی بنیاد و کوشش و همکاری زنان و مردان بسیار و پیسرفت داس و هنر در میان آنان پدید آمده است. تاریخ حقیقی ایران کارنامه زندگی مادی و معنوی مردم این سرزمین است که ماسفانه در گذشته کمتر مورد توجه بود. به فرمان شاهنشاه آریامهر پس از تشکیل کنگره جهانی ایران سالان در سال ۱۳۲۵ به منظور بررسی و تنظیم تاریخ ایران اینک بر دانشمندان و پژوهندگان ایرانی است که در این باره با تمام نیرو بکوشند و با بهره مندی از همه سرچشمه های آگاهی تاریخ و فرهنگ خود را با روش علمی تدوین کنند. شاید هنوز کسانی باشند که تمام امور یادیده

بزرگداشت سه ایرانشناس
● مجلس یادبودی برای «پرفسور آبروی» دانشمندان ایران شناسان مشهور برگزار شد. این مجلس برای بزرگداشت و بنظور تجلیل از خاطره درگذشته اند برگزار شد.

مادی و سود آنی میگرد و پرداختن به گذشته را کاری بیهوده می شمارند این حقیقتی است که پرداختن به گذشته باید ما را از توجه به اکنون و آینده باز دارد ولی باید همچنین متوجه بود که گذشته از اکنون و آینده جدایی ندارد و آنچه امروز رخ میدهد زاده دیروز و آنچه فردا رخ خواهد داد نتیجه امروز است. باید بچوانان پیاموزیم که نیاکان آنان در پید آوردن فرهنگ و پیشبرد آن چه سهم بزرگی داشته اند و چگونه هزاران سال از کشور خویش دفاع کرده و در سخت ترین روزگار از سر دانش و هنر باز نایستاده اند.

پژوهش در تاریخ و فرهنگ و آموزش آنها اگر با عطف همراه باشد بیگمان برای مردم آرمایی بدید خواهد آورد و هدف زندگانی فردی و اجتماعی را روشن خواهد ساخت و آنگاه خود آن هدف و آرمان امید و کوشش و همکاری را تقویت و آینده ای درخشانتر را تضمین خواهد کرد. با توجه باین نکات توفیق اعضای این کنگره را در وظیفه مهمی که به عهده گرفته اند از خداوند خواستارم.

جلسات کنگره بندت سروز در تالار جدید موزه ایران باستان (از یازدهم آبانماه) ادامه داشت.

تشکیل موزه ای در رشت
● ساختمان برای تشکیل موزه در استان گیلان خریداری شد. هزینه خرید این ساختمان از محل عطیه علیاحضرت شهبانوی ایران تامین گردید.

قلک الافلاک دارای ارس تاریخی است
● «قلک الافلاک» قلعه واقع در خرم آباد در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. کارشناسان آثار باستانی این قلعه را دارای ارس تاریخی دانستند که برای حفظ آن مقررات قانون و آیین نامه حفظ آثار عتیقه مشمول آن گردید.

اهداء يك بنای تاریخی برای ایجاد موزه

● علیاحضرت شهبانو يك خانه قدیمی را به دانشگاه پهلوی شیراز اهداء فرمودند. این بنای تاریخی که در قرن نوزدهم ساخته شده دارای آثار هنری متعددی است و با سبك معماری اسل ابرانی ساخته شده قبلاً بدستور علیاحضرت شهبانو خریداری گردیده و تعمیرات آن زیر نظر مؤسسه آسیائی و دانشگاه مهندسی دانشگاه پهلوی انجام خواهد گرفت. این خانه پس از انجام تعمیرات به يك موزه وابسته به مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی تبدیل خواهد شد و آثار هنری ایران در دو قرن اخیر در آن جمع آوری میشود.

سناریو نویسنده گرفتار

● محمد باوری نویسنده «دشت گناه» سناریوی نازدای برای فیلم نوشت. از این سناریو نویس قبلاً نیز کتاب دیگری بنام «زینب های شکسته» خوانده بودیم. نام سناریوی «محمد باوری» ، شب اعدام است که در آن زندگی جوان ۲۶ ساله که بخاطر حفظ برنج از مسؤولیت های اجتماعی مهمیه قتل میشود بیان شده است. در این ماجرا نویسنده کنجکاوی که میخواهد گره از کار این محکوم بگشاید خود نیز گرفتار ماجرا میشود.

کاشیکاری

سنگفرش حرم حضرت معصومه ● کار سبك فرش کف ایوان ملای حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام پایان یافت. این ایوان پس از ریسر سازی و بنون ریزی با سبك های مرمر کرمان بطرز زیبایی مفرش شده است همچنین در اجرای برنامه تعمیر و مرمت حرم مطهر، کاشیکاری کف و دیواره های ایوان نیز با حفظ اصالت بنا، مرمت گردید.

صفحه نهم

تلوزیون

برنامه جدید تلویزیونی
● دو برنامه جدید تلویزیونی بزودی در تلویزیون ملی ایران تهیه خواهد شد. این دو برنامه عبارتند از يك برنامه «شو» و يك سریال بی در می تلویزیونی بنام «فرار زمان». در برنامه «فرار زمان» هر بار یکی از شخصیهای تاریخی ایران (چون بابك خرم دین یا ابومسلم) در قالب نمایشنامه ای معرفی میشود. کارگردانی این برنامه را سیروس افهمی به عهده دارد. برنامه «شو» و سری برنامه «فرار زمان» هر دو توسط گروه هنری تماشا عرضه خواهد شد.

کانون گرم خانواده
● بزودی يك سریال ۳۳ قسمتهای جدید برای تلویزیون ملی ایران تهیه خواهد شد. این سریال تلویزیونی «کانون گرم خانواده» نام دارد و داستان آن اغبیاس از کتابی است که «منوچهر محجوبی» آنرا تالیف کرده است. این کتاب بنام «خانهای که نیشو ساخت» (از جویوایی گوارسکی ملز نویسنده معاصر ایالتی) قبلاً به صورت باورقی ترجمه و انتشار یافته بود.

«روزها و روزنامه ها»
● تلویزیون ملی ایران از تیر ماه سال جاری برنامه یابنی را آغاز کرد بنام «روزها و روزنامه ها». در این برنامه که بطور ثابت در روز

های دوشنبه از کانال ۷ بخش میشود علاوه بر بررسی جالبترین نوشته های مطبوعات داخلی و خارجی هر بار با یکی از اعضای خانواده مطبوعات کمکوئی بعمل می آورد.

برنامه نقد و بررسی «هزیر داریوش»
● «هزیر داریوش» منتقد و سینماگر جوان هریکشنیه قبل از نمایش یکی از فیلم های قدیمی سینما بحث و نقدی درباره کارگردان، سناریست و بازیگران آن فیلم بیان میدارد.

«هزیر» در این سری برنامه سیمای کارگردان فیلم را نیز با توجه به دیگر ساخته های او برای تماشاگران تلویزیون بیان میدارد.

مهندس بلی مشاور حضور
● «مهندس بلی مشاور حضور» بازیکر برنامه «حرف تو حرف» از این پس



مهندس بلی مشاور حضور

هر هفته در چهارشنبه شب در ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه در کانال ۷ تلویزیون ملی ایران ظاهر خواهد شد.

نقش مهندس بلی را «حسن خیاط باشی» ایفا میکند و نیز کارگردانی برنامه ها با خود اوست.

نمایش های جدید تلویزیونی
● این برنامه های تآثیری در تلویزیون ضبط و بزودی بترتیب از برنامه دوم تلویزیون ملی بخش خواهد شد:

نظارت عالی: از «زان زنه»
به کارگردانی «ایرج انور» و بازیگری سهیل سوزنی - محمد استاد محمد وحسینی (بمدت ۷۵ دقیقه)

گروه محکومین: از «گافکا» به کارگردانی «شاهرح ذوالریاستین» و بازیگری نوری و دوانریاسین (بمدت ۴۶ دقیقه)

عشقبازان: نوشته و کارگردانی از «فیروز و لیلی» (بمدت ۶۰ دقیقه)

نیارت فرنگی: نوسه و کارگردانی از سیروس ابراهیم زاده

این برنامه ها قرار است روز های جمعه از کانال ۷ پخش شود.

همچنین چند نمایشنامه دیگر آماده صدا تلویزیونی است که عتارتند از:

هسریهودی: اثر «برشت» به کارگردانی «جمشید شاه محمدی»

محاکمه کلدون: نوشته «فرخ اختر» به کارگردانی «واعلی»



آورده است در باب بررسی نوشته و کارگردانی از «هادی صالح» ● در جریان تغییراتی که زندان: نوشته «محمود شاه حمیمی» و کارگردانی شد، استودیوی خدی نیز «محمدرضا کشانی» استریپتیز و کارول: به کارگردانی محمدعلی کشاورز بررسی شعر معاصر ● «بدانه رویانی» با روپراه کردن يك برنامه تلویزیونی زمینه ای فراهم کنند دوبله خواهد شد.

«تلویزیون شما» برنامه دیگری از گرگین
● مدتیست که از برنامه دوم تلویزیون ملی ایران برنامه ای بنام «تلویزیون شما» پخش میشود. بفرار اطلاع این برنامه را «ایرج کرکین» رئیس روابط عمومی تلویزیون ملی ایران تهیه میکند.



مهندس بلی مشاور حضور

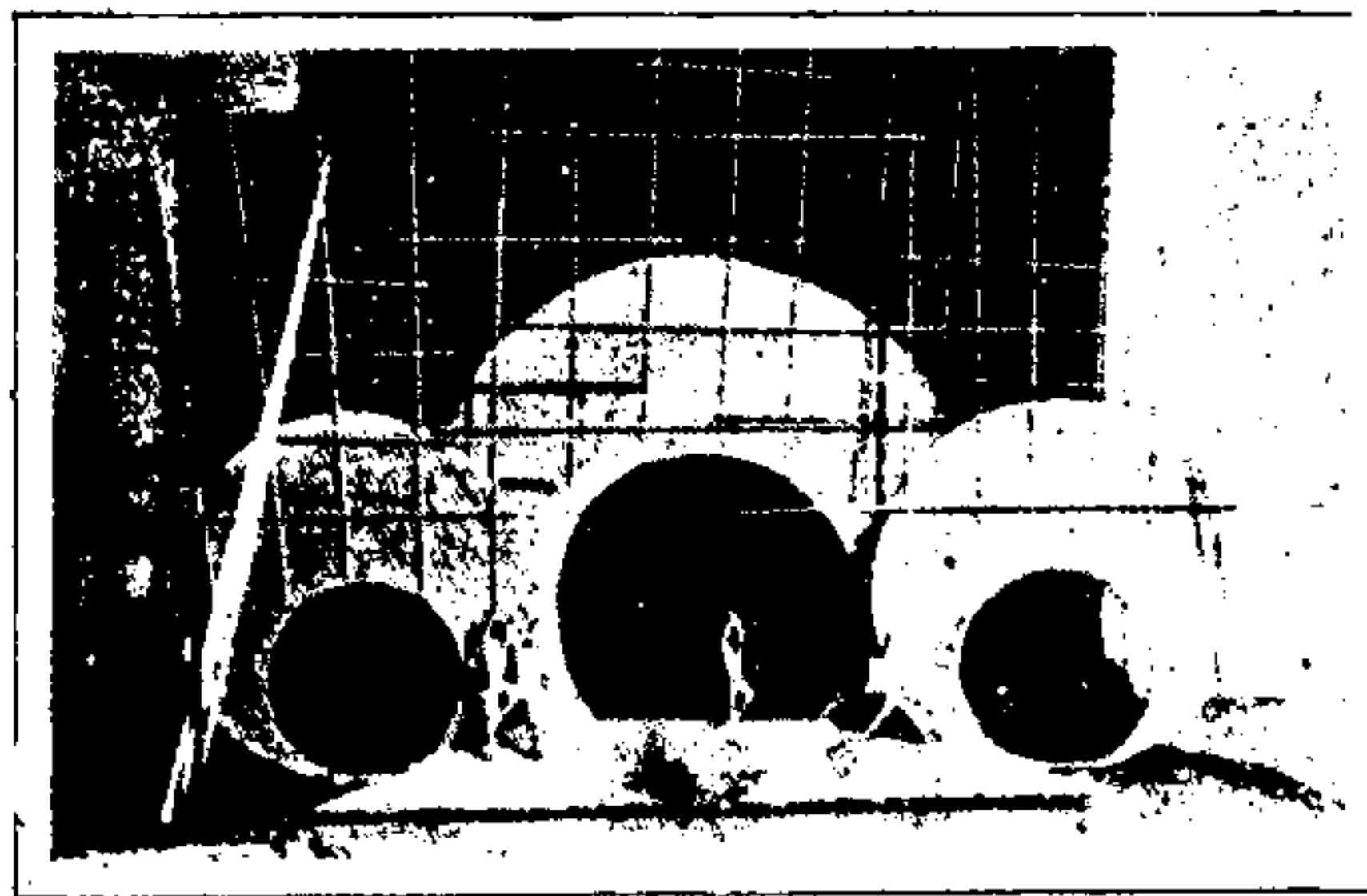
نمایشگاهها

ماکت - تابلو - مجسمه و طرح در کنار هم
● دانشجویان، فارغ - التحصیلان و استادان دانشکده هنرهای تزئینی مجموعه‌ای از آثار خود را بنمایش گذاشتند.

ماکت تاتر

آثاری که در این نمایشگاه عرضه شد بیشتر از میان کارهای انجام شده دانشجویان در سال تحصیلی گذشته انتخاب شده بود.
در این نمایشگاه مجسمه تابلوهای نقاشی - ماکت

ساختمان - نقش‌های تزئینی و طرحهایی از مبلمان داخل یا نمای ساختمانهای بزرگ به نمایش گذاشته شده بود.



نقاشی تزئینی



طرحهای نسخ چاپ سنگی
● تالری «مس» درآبانماه نمایشگاهی داشت. طرحهای نسخ چاپ سنگی کتاب هزار و یکشب در این نمایشگاه به نمایش درآمد.
نمایشگاه ۱۳ هنرمند
● شیرین جاوید - گیزلا سینائی - نازی عطری - سمین خاکپور - عبدالرضا دریابیکی - محمد صدیق - احسانه کاکاوندی - سیروس مالک - محسن اولیاء - محمود سینا - سرکیس واسپور - معالیا امیری و ژازه طباطبائی نمایشگاهی از آثار خود ترتیب دادند.
این نمایشگاه در گالری هنر جدید برپا شده بود.



کار تیمورخانی

در تالار قندریز
● در تالار «قندریز» آثاری از روئین پاکباز - بهرام روحانی - جودت - کارنیک درهاکوبیان و سعید شهلاپور بنمایش درآمده بود.
نمایشگاهی در گالری نیازی
● موجهر نیازی نقاش معاصر و مدرنیست آثار خود را به تماشای عموم گذارد.
نمایشگاه وی در آتلیه شخصی او بنام گالری نیازی ترتیب یافته بود.
۲۵۰۰ سال تاریخ کهن ایران

● نمایشگاه «دو هزار و پانصد سال تاریخ کهن ایران» در تهران گشایش یافت.

در غرفه‌های این نمایشگاه که در دبیرستان «ولی‌الله» ترتیب یافت، نمونه‌هایی از فرامین پادشاهان سلسله‌های مختلف ایران، صنایع دستی و لباسهای محلی مربوط به این دوره‌ها و نیز نقاشیها و خطهای مختلف به نمایش گذاشته شده بود.

نمایشگاه رضا تیمورخانی
● رضا تیمورخانی در نظر دارد نمایشگاهی از آثار خود را بنمایش درآورد.
کارهای تیمورخانی شامل مجسمه - تابلوهای تزئینی - پرتره و مقداری پرداخت اشیاء و تابلوهای تزئینی مخلوط از رنگ و شیب می باشد. از جمله سری کارهای این نقاش تابلوهایی است که با مدد از استخوان سرو دست دام ساخته است!

نمایشگاه دانش آموزان
● نمایشگاهی از آثار نقاشی و هنری دانش آموزان منتخب تهران در تالار فرهنگ ترتیب یافت.

سخنرانی

زندگی و آثار سهروردی
● در «انجمن قلم» یک جلسه سخنرانی ترتیب یافت و «اکبر دانسرشت» در باره زندگی و آثار «یحیی بن حبش سهروردی» سخنرانی کرد.
سهروردی اهل قریه سهرورد از بلوک خمه نزدیک سلطانیه همدان بوده که در زمان حیات خود در رد فلسفه ارسطو مقالاتی نوشتند است.
فضا و مسائل مربوط به آن
● دو تن از استادان کیهان‌شناس ایرانی در باشگاه فضائی سخنرانی ایراد کردند.
سخنرانان عبارت بودند از: آقای «محسن هشترودی» که درباره «تکنیک‌های آمریکا و شوروی در پروازهای کیهانی» سخن میگفت و آقای «محمد قلی جوانشیر» که تحت عنوان «سیر تحول نظریات درباره مغنومه شمسی» ایراد سخن نمود.

علل کمبود محصولات دامی
● جلسه سخنرانی ماهانه بانک مرکزی ایران درآبانماه اختصاص داشت به بحث در باره «بررسی علل کمبود محصولات دامی در ایران و امکانات افزایش آن» که آقای «اسمعیل سمیعی» معاون وزارت تولیدات کشاورزی در آن‌باره سخن گفت. همچنین آقای «امیر پرویز» معاون وزارت کشاورزی نیز درباره «نقص محصولات کشاورزی در تامین رشد اقتصادی کشور» در این جلسه سخن ایراد داشت.
تاثیر امور اقتصادی در
● جرائم امروز
● اسناد حقوق جزای دانشگاه استانبول در دانشگاه



پرفسور صلحی

ملی ایران یک سخنرانی در مورد مسائل حقوقی ایراد کرد.
«تاثیر امور اقتصادی در جرائم» عنوان سخنرانی «پرفسور صلحی» بود.
حقوق ایران در شط‌العرب
● ابوالحسن دهقان استاد دانشگاه پهلوی درباره مبانی تاریخی حقوق ایران درآوردند رود سخنرانی نمود.

هنر در شهرستانها

اجرای دو نمایشنامه
● نمایشنامه‌های «آنکه میگوید آری، آنکه میگوید نه» و «قصه طلسم حریر و ماهیگیر» بوسیله هنرمندان گروه هنرملی وزارت فرهنگ و

هنر در تالار پهلوی دانشگاه شیراز بروی صحنه آمد.
«از خود گریخته» و «محلل»

● دو نمایشنامه «از خود گریخته» و «محلل» در تالار دبیرستان ایران شهر گرگان بروی صحنه آمد. در این دو پیرس غلامرضا بیات - داود و محمود هوشمند - محمدرضا حلیمی - رضا خیر خواه و حسن کریمی شرکت داشتند.



«از خود گریخته» نوشته «محسن دیلفانی» و «محلل» اثری از «صادق هدایت» بود. این گروه هنری قبلاً نیز «منطقه جنگی» اثر «یوجین اونیل» را بروی صحنه آورده بودند.

فعالیت‌های هنری در شیراز
● یک جلسه شعر خوانی با شرکت اعضای «انجمن ادب فارس» در شیراز برگزار شد. چندتن از شعرای معاصر شیرازی اشعار خود را در این شب شعر قرائت کردند.

● کانون فیلم شیراز با نمایش چند حلقه فیلم کنار خود را آغاز کرد. کانون فیلم شیراز وابسته به کانون فیلم ایران می باشد.

● هنرمندان اداره فرهنگ و هنر شیراز یک برنامه «خیمه شب بازی» در محل خانه فرهنگ اجرا کردند. همچنین یک برنامه تاتر «روحون» نیز در بارک شهر شیراز بنمایش درآمد.
● یک نمایشگاه از کارهای های دستی دانش آموزان شیرازی دائر گردید. این نمایشگاه در دبیرستان پیرنیا ترتیب یافته بود.

اجرای یک نمایشنامه
● نمایشنامه «محمد قهوجی» در مشهد بروی صحنه آمد. در این نمایشنامه که به کارگردانی «رضا صابری» اجرا شد، نیلوفر شایسته، فیروز صباغی، رضا صابری، ناهیدمینائی، محسن غفاری، کورس مهر روی و حمید نقیبزاده ایفای نقش می نمودند.

هنر معاصر ایران
● نمایشگاهی از آثار نقاشان و مجسمه سازان معاصر ایران در گالری هنر جدید گشایش یافت.
نمایشگاه هنری مجارستان در تهران

● نمایشگاه عکس و گرافیک مجارستان در تهران گشایش یافت. در این نمایشگاه که در پارک شهر تهران ترتیب

یافته بود یکصد قطعه عکس از بازدید شاهنشاه آریامهر و شهبانو از کشور مجارستان و پیشرفتهای این کشور و نیز تعدادی اسلاید از مناظر و نقاط دیدنی مجارستان به همراه تعدادی نقاشی گرافیک بنمایش گذارده شده بود.

ایرا

«توسکا» در تالار رودکی
● ایرای «توسکا» اثر «یوجینی» در تالار رودکی بروی صحنه آمد.
کارگردان این ایرا «عنایت‌الله رضا» بود و «سونیتا» موسیقیدان آلمانی رهبری ارکستر را به عهده داشت. در ایرای «توسکا» که برای نخستین بار در تالار رودکی اجرا گردید، سودابه تاجبخش، حسین سرشار و چند تن دیگر از هنرمندان ایرانی و ایتالیایی وابسته به گروه ایرای تهران شرکت داشتند.



باله

باله «سهراب و گردآفرین»
● سه شب بهیست و هفتم آبانماه در تالار رودکی یک برنامه باله اجرا گردید که معروف مجارستانی شرکت داشتند. «ویکتور یارونا» و «آرل اوروز» و همچنین چند بالرین ایرانی منجمله «هایده احمدزاده» از جمله بازیگران این باله بودند.
«رونا» و «اوروز»، چند برنامه رقص دو نفری از جمله «زیزل» و «دن کیشوت» و گایانه را اجرا نمود و «هایده احمدزاده» به همراه گروه هنرمندان سازمان ملی باله ایران، باله «سهراب و گرد آفرید» را اجرا کرد.

فیلم و سینما

ششمین فستیوال فیلمهای آموزشی

● سمین جشنواره بین-المللی فیلمهای علمی، تربیتی و جهان شناسی پایان یافت و فیلمهای برنده این فستیوال انتخاب شدند. ۶۲ فیلم از ۲۰ کشور در این جشنواره که در تالار فرهنگ و هنر ترتیب یافته بود نمایش گذاشتند و از این بین ۹ فیلم موفق بدیافت جایزه «دلفان» و ده فیلم به دریافت امتیاز پرچم ایران و ۱۴ فیلم نیز بدیافت امتیاز نائل شدند. فیلمهای مذکور مدت ۱۰ روز نیز برای دانشجویان دانشگاه پهلوی نمایش داده شد.

وثوق در فیلم بارگاه فرعون

● قرار بود که منوچهر وثوق در فیلم «بارگاه فرعون» برای سیامک یاسمی (کارگردان و تهیه کننده) بازی کند اما قرارداد خود را فسخ کرد. و از بازی در این فیلم خودداری کرد. وثوق در توضیح فسخ قرارداد خود گفته است که چون یکماه از موعد مقرر برای فیلمبرداری گذشت و فیلمبرداری آغاز نشد قرار خود را فسخ نمودم.

فیلمی از آوانسیان

● «آری آوانسیان» درگیر ساختن يك فیلم سینمایی است و بهمین جهت مدتیست که فعالیت های تاتری خود را کنار گذاشته است. در فیلم «آری» براساس سناریوی

خود او تهیه میشود جمشید مایخی - آرمان و مهتاب نجومی ایفای نقش مینمایند. فیلم آوانسیان، «چشمه» نام دارد. هنرپیشه کوچولوی سینمای فارسی

● «رهبر غفاری» فرزند کوچک «یروین غفاری» نیز به جمع هنرپیشگان سینمای فارسی پیوست. بازی در «آخرین نبرد» و «ستاره مهیل» (فیلمی که هم اکنون در دست تهیه است) پای این هنرمند خردسال را به سینما باز کرد و نیز دوستدارانی برایش فراهم ساخت.

فیلمها و انجمنها

اختراع تلویزیون

● «اختراع تلویزیون» بانضمام يك فیلم سینمایی در روز یازدهم آبان در کاخ جوانان نمایش داده شد.

در کانون فیلم

● در کانون فیلم ایران فیلمی از «ژان لوك گدار» به نمایش درآمد این فیلم که در روزهای ۴ و ۵ آذرماه نمایش داده شد «بی روی دیوانه» نام داشت.

«زندگی کریبی»

● مجموعه ای از فیلمهای عروسکی و نقاشی متحرک «نصرت الله کریبی» روز اول آذر در کاخ جوانان نمایش درآمد.

«شهر» به سینمای فارسی

پیوست

● «شهر» خواننده تئاتر های لازار و کاباره های تهران قراردادی برای شرکت در اتومبیل گشته شد بگیرد.

روی پرده سینماهای تهران

● این فیلمها در دو ماه گذشته روی پرده سینماهای تهران بنمایش درآمدند:

حادثه توماس کراون (رنگی). با شرکت اسنیومک کوئین. ماشین سحرآمیز (رنگی). با شرکت دین جونز. میشل ای. جانی برای سویی نیست (رنگی). با شرکت رود استایگر. کلر ملوم.

بر یادرفته (رنگی - ۷۰ میلیمتری) با شرکت کلاژک گیبیل.

مکانی برای عشق (رنگی). با شرکت هارچاوماسترویان. فی دانای.

روسی (فارسی) با شرکت بیک ایمانوردی. آذر سیوا. فرانک.

وسوه خطرناک با شرکت لانا رنر. جرج چاکرس. بازی پلید (رنگی) با شرکت مایکل کین. هنری اندروز.

چهنم قهرمانان (رنگی). با شرکت رد نیلور. کلودیا کاردیناله.

گلوه های کانون (سینما سکوپ. رنگی) با شرکت ریچارد هریس.

عشق کولی (فارسی) با شرکت قائم مقامی. لیلی. حداسلحه (رنگی). با شرکت جیم براون. راک ولز.

برای پیروزی (سینما سکوپ. رنگی). با شرکت جفری هاتر.

هنگ شیطان (رنگی). با شرکت ویلیام هولدن. کلیف رابرتسون.

چارلی (سینما سکوپ. رنگی). با شرکت کارلوم. کلیف رابرتسون.

قلعه عقابها (سینما سکوپ. رنگی). با شرکت ریچارد برتن. جدال در اوکی کیرال (سینما سکوپ. رنگی). با

سرک برت لکستر. دنیای پرامید (فارسی) با شرکت فردین. ظهوری. سیلا. مرجان.

دکتر ژوواگو (رنگی. سینما سکوپ) با شرکت عمر شریف.

بازی تدبیر با شرکت آنتونی کوئین.

بن هور (رنگی) با شرکت چارلتون هستون. جای پا در کره ماه (فیلم مسند).

روزهای عشق و افتخار (رنگی). با شرکت دیوید همینگز.

کینسگامی در خلیج (رنگی). با شرکت هیو اوبراین. گناه زیبایی (فارسی) با شرکت گوگوش.

ماشین سحرآمیز (رنگی). با شرکت دین جونز. معنا (رنگی) با شرکت ادوی میورن.

خارطوم (رنگی) با شرکت چارلتون هستون. نویهای سان باستین (رنگی). با شرکت آنتونی کوئین.

دونده برهنه (رنگی). با شرکت فرانک سیناترا. سرام (فارسی) با شرکت ایمانوردی. بوتیمار.

ازدواج بله، بچه نه. (رنگی). با شرکت جودی دیکسون.

اپنرلود با شرکت اسکاروربر. بیست و چهار ساعت از زندگی یگزن با شرکت دانیل داریو.

حمله به قلعه عقابها (رنگی). با شرکت جرج هیلتون. خانه کنار دریا (فارسی) با شرکت کامی کسروی.

نسرین صفائی. درگرهای شب (رنگی). با شرکت سیدنی پواتیه.

داستان بزرگ غرب با شرکت کلودیا کاردیناله. دختری با چشمان سبز با شرکت لین ردگریو. پینچ.

دره بدون بازگشت (رنگی). با شرکت جیمز فرانسی کاس. رنگین کمان (رنگی). با شرکت فردا ستر.

زندگی برای زندگی (رنگی) با شرکت ایوموتتان. ستاره جنوب (رنگی) با شرکت اورسلا اندرس.

قصه دلها (فارسی) با شرکت نامر ملک مطیعی. لعل بیابونی (فارسی) با شرکت ایلوش. ثریا بهشتی.

کوهگان (رنگی). با شرکت کلینت ایستوود. قبل از آغاز زمستان (رنگی) با شرکت دیوید نیون.

ضربت (فارسی) با شرکت بیک ایمانوردی. بوتیمار. قاره گمشده (رنگی) با شرکت گلینس جونز.

الدورادو (رنگی) با شرکت جان وین. دین مارتین. ملیونهای گرسنه (فارسی) با شرکت بیک ایمانوردی.



در فیلم گاو برای اولین بار چهره های معروف تئاتر ایران از جمله انتظامی - مشایخی و کشاورز شرکت دارند. سناریوی این فیلم از دکتر غلامحسین ساعدی است.



همر «علیمحمدی» هنرپیشه شد

● بانوی بیست و چهار ساله ای بنام «مرجان» به جمع هنرپیشگان سینمای فارسی درآمد. وی که نام اصلی (شلا) می باشد با بازی در فیلم دنیای پرامید کنار هنرپیشگی را آغاز نمود و هم اکنون نیز مشغول بازی در فیلم «سکه شانس» می باشد. «مرجان» همسر «مهدی علیمحمدی» هنرمند برنامه های تاتری رادیو ایران می باشد.

هنرمندان ایرانی در انگلستان

● دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان آغاز سال تحصیلی خود را جشن گرفتند.

بنا بدعوت ۱۲۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم لندن که این جشن را برپا داشته بودند تعداد زیادی از ایرانیان مقیم لندن و سفیر شاهنشاه آرپامهر و اعضای سفارت شاهنشاهی شرکت داشتند.

چند تن از هنرمندان رادیو ایران که به انگلستان سفر کرده بودند در این جشن برنامه هائی اجرا کردند.

و «ولی برانت» صدر اعظم آلمان عربی آغاز شد. در انجام این برنامه گروهی از هنرمندان رادیو ایران که به آلمان رفته بودند در برنامه های متعددی هنرنمایی کردند.

تجلیل از استاد اقبال

● بمنظور تجلیل از استاد «ابوالحسن آذر اقبال» هنرمند ارزنده موسیقی اصیل ایرانی، رادیو ایران برنامه ای که استاد در سن ۱۰۳ سالگی اجرا کرد را در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح روز جمعه شانزدهم آبانماه پخش نمود.

رادیو

هفته ایران در آلمان

● از ۱۵ آبانماه در آلمان فدرال مراسمی بنام «هفته ایران» اعزاز گردید. طی این یک هفته از رادیو ها و تلوویزیونهای آلمان فدرال برنامه هائی برای شناساندن هرچه بیشتر ایران ب مردم آلمان اجرا شد و گفتارهایی نیز در باره پیشرفت های ایران و نهضت سازندگی ایران از شبکه های رادیو و تلوویزیون آلمان فدرال پخش گردید.

مراسم «هفته ایران» با پیام آقای هویدا نخست وزیر

کتاب تازه نصرت رحمانی

● مجموعه دیگری از اشعار نصرت رحمانی بنام «در حریق باد» بزودی انتشار خواهد یافت. گفته میشود که این مجموعه شعر نمایانگر چهره ی شعری نصرت است و شاعر در این کتاب مضامین و حرفهای تازه ای پس از «میعاد درلجن» ارائه داده است.

کتاب

انتشار کتابهای جدید درسی

● کتاب درسی جدید انتشار یافت. سازمان کتابهای درسی ایران در اجرای برنامه های نظام نوین آموزش و پرورش شش کتاب جدید درسی برای سال چهارم ابتدائی انتشار داد. این کتابها عبارتند از: فارسی، علوم، حساب و هندسه، هنر، تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی.

در کوچه های ساکت تنهایی

● دومین مجموعه شعر «حسین سرفراز» شاعر معاصر به زیر چاپ رفت. این کتاب که توسط سازمان انتشارات باعداد چاپ میشود «در کوچه های ساکت تنهایی» نام دارد و شاعر ۳۰ شعر تازه خود را در آن ارائه داده است.

«سرفراز» در سروده هایش هیچگاه خود را پای بسند قالب و فرم معینی نمیکند. از عباس پهلوان

● چاپ دوم «شب عروسی بابام» نوشته عباس پهلوان انتشار یافت. مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر با اطلاع و موافقت نویسنده دونوول کوتاه دیگر از پهلوان را بدان اضافه کرده است. این دو داستان عبارتند از «زخم زیون» و «نویسنده واقعی».

مسابقات هنری

ارزش هنری دانشگاه تهران

● نخستین جشنواره هنری دانشگاهها انجام و پایان یافت. این جشنواره در دانشگاه پهلوی شیراز بمدت یک هفته ادامه داشت. شورای داوران جشنواره ارزش هنری دانشگاه تهران را در سطح ممتاز دانستند و از اینرو که دانشجویان آن دانشگاه در رشته تئاتر تخصص داشتند: کار آنها را جدا از دانشگاه های دیگر ارزشیابی کردند. داوران جشنواره گروه تئاتر، دانشگاه مشهد را برنده اول اعلام داشت و جایزه مخصوص که عطیه علیاحضرت فرح شهبانوی ایران بود به آنان اعطای شد.

بترتیب «گروه موسیقی استان آمل» و «گروه موسیقی جاز دانشگاه جندی شاپور» برندگان دوم و سوم شناخته شدند.

نمایش

اولین نمایشنامه کشاورز

● در دیماه «محمدعلی کشاورز» در انجمن ایران و آمریکا کارنامه ای را بروی صحنه خواهد آورد «کشاورز» هنرپیشه تئاتر این بار خود دست به کارگردانی نمایشنامه زده و در ماه دی «کارول واسرپتیز» را بدست ۱۵ شب در تالار انجمن مذکور بروی صحنه خواهد آورد. اجرای این برنامه در حقیقت اولین کاریست که محمدعلی کشاورز در زمینه کارگردانی تئاتر بروی صحنه میآورد.

نمایشنامه تازه فرسی

● «بهمن فرسی» نمایشنامه ای را آماده نمایش کرده است. قرار بود که نمایشنامه وی در سالن انجمن ایران و آمریکا اجرا شود ولی بعدا بعلت پر بودن برنامه های سالن انجام آن میسر نشد. گفته میشود که ممکن است تالار دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران بزودی این نمایشنامه را بروی صحنه آورد.

دو نمایشنامه از «خسروی»

● سفر «رکن الدین خسروی» به اروپا به تاخیر افتاد. تاخیر مسافرت خسروی بدین سبب است که او در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران معلم بوده و ساعات درسی در سال تحصیلی جاری برایش منظور شده است.

«خسروی» که با کارگردانی دو نمایشنامه «آنتیگون» ژان آنوی و «پایان بازی» بکت جانی برای خود باز کرده است در نظر دارد در مدت اقامت خود در ایران در صورت فراهم شدن مکانی دو نمایشنامه را بروی صحنه آورد. این دو نمایشنامه عبارتند از «بیرون جلوی در» واز «پست شیشه ها» که گویا خانم جمیله شیخی تاکنون برای شرکت در این دو پیس انتخاب و کاندیدا شده است. «ازبست شیشه ها» را «اکبر رادی» نوشته و در آن دو زندگی در کنار هم به تماشا گذاشته اند.

در نخستین جریان یک زندگی سی ساله زن وشوهری از جوانی تا پیری در لحظات مختلف نمود میشود و نویسنده کوشیده است تا در آن آنچه را که عدمای بدان نام «پوچی» نهاده اند. نشان دهد.

اجرای تازه «افعی طلانی»

● هنرمندان دبیرستان علمیه نمایشنامه «افعی طلانی» را بروی صحنه آوردند. در این نمایشنامه مهدی و علی احمدی - فتح اله دوستمند - منوچهر نامور آزاد - حسین عطاری - چمنی - مجت و صفوی ایفای نقش مینمودند. کارگردانی نمایشنامه را منوچهر نامور آزاد برعهده داشت.

نشریه مرکز ملی تئاتر

● «مرکز ملی تئاتر ایران» نشریه ای حاوی مقالات، پیام های روز جهانی تئاتر، اظهار نظر و نقد و بررسی از نمایشنامه هایی که در سال گذشته اجرا شده اند را منتشر ساخت.

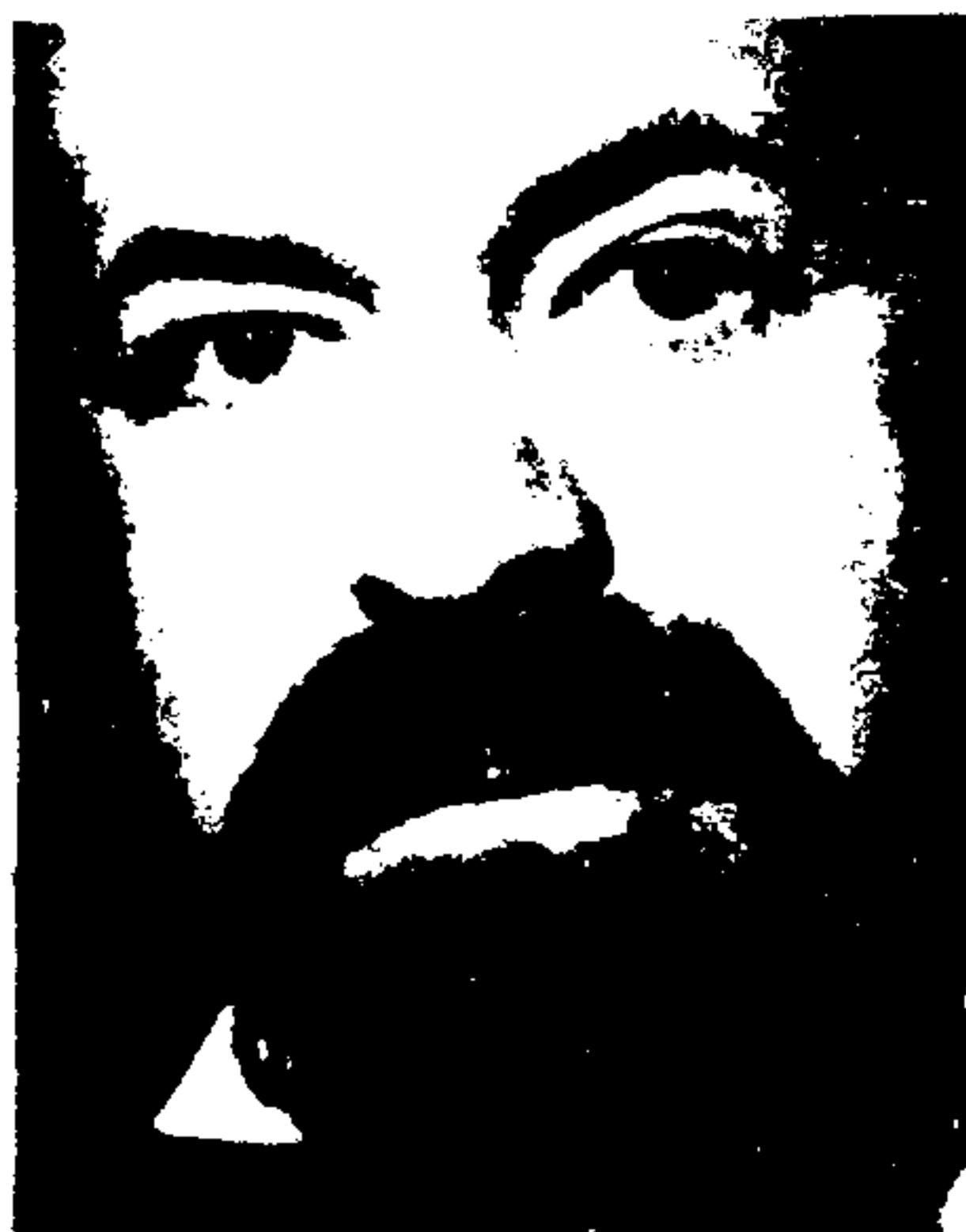
مرکز ملی تئاتر ایران وابسته به انستیتوی بین المللی تئاتر و کسب و کار ملی یونسکو در ایران میباشد و مدیریت آنرا آقای مهدی فروغ رئیس و استاد دانشکده هنرهای دراماتیک بعهده دارد.

مرک یک هنرمند

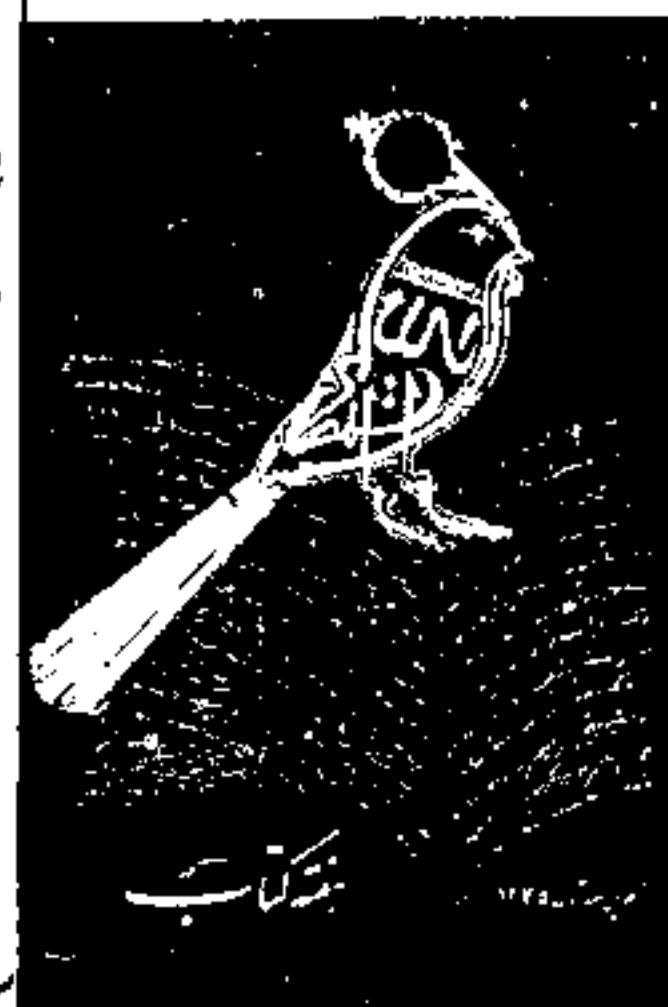
● «حسینعلی ویدا» هنگام بازی در نمایشنامه رستم و سهراب زمین خورد و در روی صحنه جان سپرد. او در این نمایشنامه نقش رستم را ایفا مینمود. نمایشنامه رستم و سهراب را گروه تئاتری اسکولی در تالار فرهنگ بروی صحنه آورده بودند.



رکن الدین خسروی



کشاورز



هفته کتاب

● هفته ای از آبانماه طبق معمول همسال به «هفته کتاب» اختصاص یافت. بهمن مناسبت یک نمایشگاه کتاب با ۸۸۴ جلد کتاب منتشر در سال گذشته در تالار موزه ایران باستان ترتیب یافت. در مراسم گشایش هفته مذکور گفته شد که در سال گذشته ۲۷ کتابخانه عمومی در شهرستانها و ۱۵ کتابخانه در تهران گشایش یافته است.

پیک تلاش

از نامه آقای ابوالفضل دروگر:

شمیمه ورزش ساده و تازه و بیشتر باشد

چون ما سپاهیان دانش باید قوانین موضوعه جدید را از مناهمی مانند تلاش و سایر روزنامه‌جات آموخته و به روستائیان ابلاغ و اطلاع و حتی در مورد احتیاج بیشتر تعلیم دهیم خواهشمند است اگر امکان داشته باشد در مورد قوانین بیشتر ما را آگاهی دهید یعنی بیشتر از این چاپ فرمائید و ضمناً شمیمه ورزش نیز برای آشنا نمودن نوآموزان ساده و تازه و بیشتر باشد بهتر است و سایر شمیمه ها هم به نوبه خود بهتر و قابل تحسین است.

خواننده مجله عزیز تلاش فرامرز حسینی:

با دوستان مشغول خواندن تلاش شدیم

گرمترین سلامهای اینجانب و دوستان ایرانی مرا که در این کالج مشغول تحصیل هستند بپذیرید باری اولین شماره تلاش به نام خود بدستم رسید و با دوستان مشغول خواندن شدیم و واقعا غرق در غرور و شادی شدیم.

از نامه اصغر نهاروندیان: داستانهای کوتاه آموزنده (بشرطیکه تصنیف نباشد) خوب است. ستونهای انتقادی در مجله باز شود و انتقادهای اصولی (نه جنگ زرگری) انجام شود. سرگرمی های آموزنده می تواند در مجله جایی برای خود داشته باشد. از به افتراج گذاشتن بعضی مباحث مجله می تواند جالب تر شود.

هر لحظه یک خارجی گفت تهران چگونه شهری است می توان مجله را بهلولی او گذاشت.

از نامه آقای علی اکبر صادقی - آلمان: مقاله های شمیمه تلاش در درجه اول من قوانین جدید را خواندم چون خیلی مورد علاقه ام می باشد ورزش هم خیلی جالب بود چون بطور کامل با عکس های خیلی خوب نوشته شده بود. مقاله علمی شمیمه تلاش هم خیلی جالب بود با اینکه اینها را قبلاً من بزبان آلمانی در روزنامه ها و مجله ها خوانده بودم ولی دوباره برایم جالب بود.

در باره خود مجله از همه برای من جالب تر قسمت آخر که در باره تهران نوشته بودید با عکسهای جالب شما که هر لحظه یک خارجی بما گفت مثلاً تهران چگونه شهری است میتوان فوراً مجله را جلو او گذاشت. قسمت دیگری که نوشته بودید ناسیونالیسم ایرانی خیلی جالب بود چون در حقیقت در دستان و دبیرستان که این چیزها را بما یاد نمی دهند اینجا هم ناسیونالیسم آلمانی را اول بما یاد میدهند در اینصورت اگر شما بنویسید آلمان بکار ما می آید. در جلسه ها و سخنرانی ها سایر مطالب هم مخصوصاً زندگی زکریای رازی بسیار جالب و خواندنی بود.

منهم حاضریم مطالبی را که از شغل خود و درباره

شهر سازی می دانم در آن مجله درج کنم. مطالب تلاش از

هیچکدام از مجلات خارجی دست کم ندارد.

کارکنان مجله گرامی و پراج تلاش

تلاش شمیمانه شما را در تهیه چنین مجله علمی و پر ارزش تبریک می گویم و موفقیت بیش از پیش آن کارکنان گرامی را آرزو مندیم.

مقالات شما تماماً سرشار از زحمات بیحد مسئولین آنست که می کوشند سطح مطالب را تا این درجه بالا ببرند استدعا دارم مرتب این مجلات را برایم بفرستید و مرا با ارسالی خوشحال کنید. اگر مایل بودید منم حاضریم با میل و علاقه کامل مطالبی را که از شغل خود و درباره شهر سازی می دانم در آن مجله درج نمایم اینجانب اولین خارجی زبان هستم که بعد از جنگ بین الملل دوم در دانشکده معماری دانشگاه فنی وین بعنوان استادیار استخدام شده ام ما از غالب و تمام مجلات دنیا را در انستیتوی خود داریم و باید بگویم مطالب مجله تلاش از هیچکدام آنها دست کمی ندارد و جای آنست مجدداً این تلاش را به مسئولین تلاش تبریک بگویم.

احسان الله موبد

از مجله خوشم آمد.

سلام گرم مرا از این راه دور بپذیرید. چند روز پیش مجله عزیز تلاش را دیدم و قتی از مطالب را خواندم جدا از مطالب مجله خوشم آمد.

از نامه آقای مهدی میرزادی

روابط خارجی

سپاسگراری اوتانت از شاهنشاه آریامهر

● اوتانت دبیر کل سازمان

ملل متحد ملی پیامی که به حضور شاهنشاه آریامهر مخابره شد از پیام معظمله بمناسبت بیست و چهارمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد سپاسگراری کرد. متن پیام به این شرح است:

پیامی که اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر بمناسبت بیست و چهارمین سالروز بنیان گذاری سازمان ملل متحد فرستاده اند، مرا بسندت تحت تأثیر قرار داد، فرصت را مغتنم می شمارم و از صمیم قلب بخاطر این پیام سپاسگراری خود را تقدیم میدارم. امید فراوان دارم بسا حمایتی که شاهنشاه ایران در آینده نیز نسبت به سازمان ملل متحد ابراز خواهند نمود این سازمان در تلاش خود برای تحقق بخشیدن به هدف ایجاد یک جامعه صلح آمیز بین المللی مبتنی بر اصولیکه در منشور ملل متحد بینهایی شده است توفیق خواهد یافت.

در پایان از شاهنشاه استعا دارم بار دیگر سپاسگراری و احترامات بی شائبه اینجانب را بپذیرند.

اوتانت

ایران و فدراسیون امارات

خلیج فارس

● این اعلامیه در هشت

اول آبانماه از طرف وزارت

امور خارجه انتشار یافت:

«با اینکه نظر دولت شاهنشاهی

راجع به فدراسیون امارات

خلیج فارس - طی اعلامیه

های مکرر اعلام شده است

معهدا لازم میدانند در قبال

تجولات چند روز اخیر

مربوط به کنفرانس ابوظبی

بار دیگر اعلام نماید، مادام

که وضع آینده بحرین بنحو

قانونی و مطابق با موازین صحیح

و متداول بین المللی روشن

نگردیده چنین فدراسیونی

بهیچوجه مورد قبول ایران

نخواهد بود.

ضمناً دولت شاهنشاهی از

تصمیمات کنفرانس ابوظبی که

مغایر با روح دوستی و همکاری

است که دولت شاهنشاهی

برای تأمین ثبات و امنیت و

رفاه منطقه خلیج فارس

خواستار آن است اظهاراتش

مینماید».

ایران در گروه معتزین

به کنترل کمیته خلع سلاح

ژنو

● ایران در سازمان ملل

متحد به گروه کشورهایی

پیوست که نسبت به کنترل

امریکا و شوروی بر کمیته

بین المللی خلع سلاح ژنو

معارضند.

مهدی وکیل نماینده ایران

در سازمان ملل متحد مخصوصاً

افزایش هتت کشور به عهده

اولیه اعضای کمیته خلع

سلاح را که بدون مشورت

با سایر اعضای مجمع عمومی

سازمان ملل صورت گرفته

است مورد حمله قرار داد و

اظهار داشت که یک سیاست

دوجانبه نمیتواند منعکس

کننده منافع بقیه کشورها

در زمینه مسئله خلع سلاح

باشد. نماینده ایران یادآوری

کرد که مناسبات دو کشور

عمولاً مربوط بمسائل مخصوصی

است که بین همان دو کشور

وجود دارد و طبعاً مسائل

بقیه کشورها چندان مورد

نظر نیست.

وقتی دو کشور با یکدیگر

مذاکره میکنند ممکنست در

جریان گفتگو های خود در

درجه اول راه حلی برای

مشکلات خودشان پیدا کنند

ولی اگر این دو کشور جدا

از بقیه اعضاء سازمان ملل

متحد دست با قدمی بزنند

پاسخ هایی که برای مسائل

بین المللی یافت میشود ناقص

خواهد بود.

ایران مصمم است

مسئولیت های خود

را در قبال منطقه

خلیج فارس انجام

دهد

سفیر شاهنشاه آریامهر

در انگلستان در انجمن ایران

در لندن نطقی ایراد کرد.

آقای امیر خسرو افشار در

این نطق که در خیانت سالانه

انجمن ایران در لندن ایراد

شد اظهار داشت که: ایران

مصمم است مسئولیتهای خود

را در قبال منطقه خلیج فارس

انجام دهد و ترجیح میدهد

که در انجام این وظائف از

همکاری دولتهای دیگر منطقه

خلیج فارس برخوردار باشد.

یکی از مهمترین و عاجل

ترین مسائلی که مبتلا به ایران

و انگلستان است مسئله خلیج

فارس است، ثبات و آرامش

این منطقه از جهان برای

کشور من اهمیتی بسزا دارد

و اهمیت این ثبات و آرامش

بهیچوجه کمتر از اهمیت

حقوق تاریخی ایران در خلیج

فارس نیست. خلیج فارس

صرفاً از جنبه سوق الجیشی

مهم آن از لحاظ بریتانیایی

کبیر حائز اهمیت فراوان

اقتصادی است، البته در اینجا

مقصود من اکتشافات نفتی

انگلستان در منطقه خلیج

فارس و آزادی رفت و آمد

کشتی های انگلیسی در این

خلیج است. بگمان من بهمین

دلیل است که بریتانیایی کبیر

نیز مانند ایران نسبت بسه

حفظ و استقرار صلح و آرامش

در خلیج فارس علاقه حیاتی

دارد.

سفیر شاهنشاه آریامهر در

انگلستان پس از ذکر این

نکته که مرز های جنوبی

ایران در امتداد سراسر جنبه

شمالی خلیج فارس گسوده

شده به تصمیم ایران در مورد

انجام مسئولیت های خود در

منطقه خلیج فارس واستقبال

از همکاری دولتهای دیگر

منطقه خلیج فارس اشاره کرد

و گفت:

نمره این سیاست تضمین

کننده همان صلح و آرامشی

خواهد بود که هر دو کشور

ما میل دارند در خلیج فارس

از آن برخوردار باشند.

من در مقام بیان عقیده

شخص خودم لازم بیادآوری

میدانم که ایران امیدوار

است با دولت بریتانیا در مورد

تمامی مسائل مهم مربوط به

خلیج فارس راه حلی موفقیت

آمیز پیدا کند.

پیشنهاد نماینده ایران

در سازمان ملل متحد در باره

بهره برداری از اعماق دریایا

● نماینده ایران در

سازمان ملل متحد توصیه کرد

که هرچه زودتر کوششهایی

به منظور تهیه و تنظیم یک

سلسله اصول قضائی که بتواند

منای یک نظام همکاری بین

المللی برای اکتشاف و بهره

برداری از اعماق دریا ها و

منابع موجود در زیر بستر

اقیانوسها قرار گیرد، بعمل

آید.

آقای مهدی وکیل که در

کمیون سیاسی سازمان نطق

میکرد افزود که اگر در انجام

این امر مهم تاخیر شود،

منابع اعماق اقیانوسها بدست

قدرتهای آزمندی که دارای

اکتشاف و بهره برداری از

تکنولوژی پیشرفته ای هستند

خواهد افتاد.

وی افزود که از نظر دولت

متبوع من جای هیچ تردیدی

نیست که بستر دریا ها و

اعماق اقیانوسها که در خارج

از حدود و تسلط قانونی کشور

ها قرار دارد نمیتواند به تملک

خصوص یا عمومی درآیند و

هیچ کشوری نیز نباید با

توسل به آزادی دریایا یا به

اصطلاح وحدت طبیعی آب

و بستر اقیانوسها این منابع

را ملک خود بداند و باید

منافع جامعه بشری مقدم باشد.

سائر روز فاجعه ۲۱

رمضان

● بمناسبت بیست و

یکم ماه رمضان، سائر روز

فاجعه شهادت حضرت علی

علیه السلام امام اول شیعیان

جهان مراسم سوگواری در

● بمناسبت ایام ماه مبارک رمضان مجالس وعظ و

منهبی چندی در تکایا و مساجد متعدد تهران برگزار شد



گفتگویی با وزیر کشور، استانداران و فرمانداران کل :

جلوگیری از تمرکز کارها در مرکز، سرو صورت دادن به وضع شهر تهران از نظر تراکم جمعیت و تمرکز امور مورد توجه سمینار قرار گرفت .

● در پایان سمینار استانداران و فرمانداران کل که در تهران تشکیل شد، طی گفتگویی درباره هدف و برنامه های سمینار و نیز وضع محلی مناطق از مسئولین آنها سؤالاتی بعمل آمد که چکیده ای از این گفت و شنود ذیلا بنظر خوانندگان تلاش میرسد .

— شما در روزگشایش سمینار اظهار داشتید که سمینار امسال استانداران و فرمانداران کل با سمینارهای گذشته فرق دارد . منظورتان از اظهار این مطلب چه بوده ؟

وزیر کشور : رسم شده است برای تشکیل يك سمینار گروهی اجتماع کنند و مسائل پراکنده ای را مطرح سازند و غالبا وقت بگذرانند ولی سمینار امسال استانداران و فرمانداران کل مباحثی جدی و اساسی و ثمربخش داشت و مخصوصا دقت شد این نکته بررسی شود که به قطعنامه سمینار سال گذشته تاچه حد عمل شده و از مذاکراتی که سال گذشته بعمل آمده چه نتایجی گرفته شده است . در مذاکرات سال گذشته روی واگذاری کارهای مردم به خود مردم تکیه شده بود و امسال با تشکیل انجمنهای شهر و انتخاب شهرداران بوسیله خود مردم در این راه قدمهای مؤثری برداشته شد .

از جمله مسائل مهمی که امسال در سمینار استانداران و فرمانداران کل فراوان مورد توجه قرار گرفت و قلمها درباره آن اقدامات مؤثری صورت خواهد گرفت و جلوگیری از تمرکز کارها در تهران و سروصورت دادن به وضع شهر تهران از نظر جمعیت و تراکم جمعیت و تراکم امور و ترغیب مردم به عمران و آبادی سایر نقاط مملکت است .

— آیا در زمینه جلوگیری از تمرکز کارها در تهران اقداماتی صورت گرفته است ؟

فیروزیان (استاندار سابق کرمانشاهان) استانداران و فرمانداران کل بموجب مقرراتی که اخیرا وضع شده است دارای اختیاراتی شده اند ولی در عمل قادر نیستند از این اختیارات بخوبی استفاده کنند زیرا مسئولان سازمانهای دولتی در استانها و فرمانداریهای کل دارای اختیارات مشابهی بموازات اختیارات استاندار یا فرماندار کل محل خدمت خود نیستند ، و ناچارند برای هر کاری به مرکز مراجعه کنند . بنظر من رفع این نقیصه یعنی واگذاری اختیارات به مسئولان سازمانهای اداری استانها و شهرستانها میتواند بسیاری از مشکلات را مرتفع سازد .

— از اعتباری که وزارت کشور برای عمران شهرها و روستاها در اختیار استانداری استان بلوچستان و سیستان گذاشته چه استفاده ای بعمل آمده است ؟

دهستانی : (استاندار استان سیستان و بلوچستان) درآمد شهرداری بسیار کم است و در مقابل انتظارات مردم بالا است . مخصوصا بعد از آغاز اجرای اصول انقلاب اجتماعی کشور که میبینید در همه جای مملکت کارهای زیاد و مهمی شده است توقعات بیشتری دارند .

در گذشته برای کمکهای بدون عوض وزارت کشور به استانها و فرمانداریهای کل ضابطه روشنی وجود نداشت ولی ما در سمینار امسال خود برای این کار ضابطه ای بوجود آوردیم و مخصوصا باین نکته توجه شد که استانهای کمتر رشد کرده کمک بدون عوض بیشتری دریافت دارند و ما هم در مقابل از این کمک بنحوی استفاده خواهیم کرد که بیشترین سود را بمرم برساند . در حال حاضر مهمترین برنامه ای که ما در استان خودمان برای اجرا در دست داریم تامین آب آشامیدنی و سپس برق و اسفالت مورد نیاز مردم است .

— طرز ارتباط شما با مردم چگونه است ؟
رتوفی (استاندار کردستان) : برای يك سازندگی اصولی و اساسی چیزی مهمتر از آمادگی فکری و روحی خود مردم نیست و تا زمانی که استاندار شخصا با مردم شهر و ده تماس نداشته باشد نمیتواند کارها را با سرعتی که در تهران مورد نظر است و مرتب از ما میخواهند پیش برد . من شخصا و چهار مرتبه فقط به شهر (بانه) سفر کردم تا بتوانم نظر مردم را نسبت به تغییر شکل دادن شهر جلب کنم و بفهمم که مردم برای عمران شهر خودشان بچه برنامه ای بیشتر راغبند .

مصاحبه ها

مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور پاکستان در فرودگاه مهرآباد

برای اثبات این منطقه سیاستهای شاهنشاهی ایران که همواره با دوراندیشی همراه است عامل بسیار مهمی بشمار میرود

● حضرت رئیس جمهوری پاکستان پیش از عزیمت از تهران در يك کفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در سانس سلطنتی فرودگاه مهرآباد شرکت کرده و بیابیه ای باین شرح در برابر خبرنگاران خواندند :

برای من این دیدار کاملا فراموش نشدنی و لذت بخش بود و خاطرات بسیار خوشی از آن دارم . استقبال پرشوری که مردم تهران از ما بعمل آوردند بسیار دلگرم کننده بود . محبتی که اعلیحضرت شاهنشاه اریامهر و مردم ایران نسبت بمن و همراهانم ابراز کردند حقیقتا همه ما را غرق در خوشحالی کرده است بطوریکه میدانید من در ایران بیگانه نیستم و هر سفری که به این کشور کردم برای من تجربه مسرت آمیزی بوده است . ایران مانند وطن دوم همه ما است . من و همراهانم مانند بسیاری از هموطنان پاکستانی این توفیق را یافتیم که مشهد مقدس را زیارت کنیم . مشهد در مقایسه بادیدار قبلی من از آن تغییر بسیار کرده و توسعه زیاد یافته است و این امر البته در مورد سایر نقاط کشور نیز صدق میکند . میزان و آهنگ توسعه در ایران بسیار چشمگیر است و من آرزو میکنم که توسعه این کشور با سرعت بیشتری ادامه یابد .

من همچنین از دانشکده افسری تهران و پایگاه هوایی وحدتی بازدید کردم . آمادگی نیروهای مسلح شما و آموزش بی نقص و همه جانبه آنها خطوط دفاعی ایران را غیر قابل نفوذ میکند و ایران را بصورت عامل مهمی در ثبات این منطقه درمیآورد . من از هر جا که بازدید کردم آثار عمیق علاقه اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر نسبت به رفاه مردم کشور و عزم راسخ معظم له را به تامین زندگی کامل و مرغه برای تمام طبقات مردم این کشور مشاهده کردم ، ثمرات کوششهای خستگی ناپذیر شاهنشاه در زمینه بکارگرفتن نتایج تکنولوژی جدید همراه با حفظ سنن افتخار آمیز معنوی و فرهنگی ایران اکنون ظاهر شده است و رسالتی که اعلیحضرت باین ترتیب به عهد گرفته اند يك کار عادی نیست .

من از درگاه خداوند برای اعلیحضرت موفقیت مسئلت میکنم و نیز آرزو مندم که کوششهای شاهنشاه و مساعی برادران ایرانی ما بیش از پیش قرین توفیق باشد . من برای همه شما آینده ای پرافتخارتر آرزو میکنم .

من با اعلیحضرت تبادل نظرهای صمیمانه و صریحی در زمینه های بسیار وسیع بعمل آوردم . مادر مورد اکثر مسائل بزرگ روز هم فکر هستیم . ما مردم پاکستان از توجه اعلیحضرت به رفاه و پیشرفت کشورمان سپاسگزاریم . علاقه اعلیحضرت به امور مربوط به مسلمانان امری است که برای همه روشن و معلوم است . برای ثبات این منطقه سیاست های شاهنشاه که همواره بادوراندیشی همراه است عامل بسیار مهمی بشمار میرود . میخواهم این نکته را تکرار کنم که این سفر بسیار خوشی برای من و همراهانم بوده است و همه ما با بهترین خاطرات به پاکستان باز میگردیم .

بار دیگر از میهمان نوازی و محبت شما تشکر میکنم .

خدا — حافظ

— لطفا اقدامات انجام شده در حوزه مأموریت خود را در زمینه عمران روستائی تشریح کنید .

پیرنیا (استاندار خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی) : آبادی روستاها برنامه خاص استان خراسان نیست بلکه برنامه ای است بزرگ و گسترده که در سراسر مملکت بمرحله اجرا درآمده است . در کشور ما اکثر مردم در روستاها زندگی میکنند و حق هم این است که این اکثریت از نتایج نظام جدید کشور خودشان بهتر و بیشتر استفاده کند و این همان اکثریتی است که قبل از تحولات اخیر مملکت از اساسی ترین حقوق اجتماعی و سیاسی بی بهره و محروم بود و در حال حاضر هدف مهمترین برنامه های آبادی و نوسازی است .

عمران روستاها برنامه ای است طویل و مدت دار که در آن واحد دوتیجه اقتصادی و روانی دارد .

امروزه بهر نقطه کشور که سفر کنید خواهید دید که سطح توقعات مردم بالا رفته است و مثلا باتوسعه شبکه رادیویی ، روشن بینی عمومی بوضع قابل ملاحظه ای افزایش یافته است و مقامات مسئول موظفند به توقعات مردم پاسخ دهند . من بهر دهی از حوزه مأموریت خود که سفر کردم شاهد آمادگی بی قید و شرط و صمیمانه عموم در اجرای برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی بودم چیزی که در روستاهای ایران چشمگیر است خدمات سپاهیان انقلاب است و روی همین اصل در سمینار امسال استانداران و فرمانداران کل ما درخواست کردیم اختیارات بیشتری به این جوانان فداکار و صمیمی داده شود .

— در مورد ایجاد و فعالیت خانه فرهنگ روستائی نظرتان چیست ؟

سرلک (استاندار استان آذربایجان شرقی) : امروزه در سراسر کشور يك نهضت صنعتی و اقتصادی و اجتماعی بتمام معنی جریان دارد و برای آنکه مردم روستاها بتوانند از نتایج این کارها بخوبی و با ادراک صحیح بهره مند شوند باید برای تامین و آمادگی زمینه فکری آنها کوشید و اینکار با تاسیس و فعالیت خانه های فرهنگ روستائی به بهترین وجه ممکن عمل میشود .

— ظاهرا همکاران شما را مأمور کرده اند که در تهران دنبال کارها باشید تا آنچه که در سمینار امسال استانداران و فرمانداران کل مقرر شده است پی گیری و عمل شود . نظر خود شما در اینباره چیست ؟

شادمان (استاندار استان مرکزی) : امیدوارم بتوانم این مأموریت را انجام دهم .

امروز همه سازمانهای دولتی مأمور و موظف به پیگیری و اجرای برنامه ها هستند یکی از نکاتی که سخت مورد توجه آقای نخست وزیر است و چندین بار آنرا به استانداران و فرمانداران کل گوشزد کردند موضوع کنترل و تثبیت نسبی قیمتها است . آقای نخست وزیر از استانداران و فرمانداران کل خواسته اند که به گزارش مأموران کنترل و بازرسان شهرداری و غیره قانع نشوند و خودشان بطور ناشناس به مراکز خرید مردم بروند و مراقبت کنند که بمرم اجحاف نشود .

— وضع قالیبافان در آن استان چگونه است ؟

معتدی (استاندار کرمان) : اولین طرحی که در این زمینه اجرا شد برای تمرکز کارگاههای قالیبافی بود و در عین حال مهمترین مسئله وضع و شرایط کارگران قالیباف بود .

در این زمینه اینطور تشخیص داده شد که کارگران بهتر است بجای خانه های خودشان در کارگاهها کار کنند تا بهبود شرایط کار آنها و کنترل آن ممکن باشد .

در اجرای این برنامه تاکنون چهل و دو کارگاه متمرکز قالیبافی در کرمان ساخته شده و در هر کارگاه از چهل تا هشتاد کارگر قالیباف کار میکنند و طرح بهداشتی کردن کارگاهها در دست اقدام است .

در این کارگاهها که تعداد آنها مرتباً افزایش مییابد دیگر شرایط ناپسند گذشته حکمفرما نیست زیرا مهمترین هدف انقلاب اجتماعی ایران پایان بخشیدن به رنوع استثمار بوده است .

البته هنوز عده ای از کارگران قالیباف زیاد راضی به کار کردن در این کارگاهها نیستند و بهمان وضع گذشته خو کرده اند اما سرانجام به کار در محیطی که سالمتر ، آزادتر و بهداشتی تر است عادت خواهند کرد .

برای جلوگیری از تماس کارگران با کارفرمایان دو طرح اساسی در دست اقدام است که اولی برای تشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار و دومی جهت ایجاد شرکتهای تعاونی تهیه وسایل حرفه ای است با تشکیل این شرکتها — آن عده از کارگرانی که مایلند برای خودشان و یا در مقابل دستمزد برای دیگری کار کنند میتوانند از شرکتها وام بگیرند و در شرایط سالمتر و بهتری مشغول کار شوند و در عین حال ناچار از تماس با کارفرما نباشند .

از آغاز مهرماه امسال تاکنون همه کارگران قالیباف بیمه شده اند و شرکت فرش کارگران خود را در سود حاصله از فروش فرش سهم کرده است و در روز نهم آبان هشتاد

درصد از منافع خود را عیناً در بین کارگران تقسیم کرد.
 - آیا از نیروی انسانی متخصص در شهرداریهای آن اسان استفاده‌ای شده است ؟
 سالدور (استاندار خوزستان) : در خوزستان که یک استان صنعتی است وجود افراد متخصص پیوسته مورد نظر و توجه بوده است و اخیراً یاناسیس کارخانه‌هایی مانند پتروشیمی ولوله سازی و نظایر آن در این راه اقدامات مؤثری صورت گرفته است .

مادر خوزستان تعداد مدارس حرفه‌ای و تخصصی را افزایش میدهم و خوبخانه در استان مابه علت وجود سدهای عظیم ، کشاورزی و صنعت پایایی هم پشی میروند و در حقیقت در یکدیگر ادغام شده‌اند . ولی نکته این است که نیاز ما فقط به افراد متخصص در زمینه های کشاورزی و صنعتی نیست بلکه مابه افراد کارشناس در مسائل اجتماعی و خدمات شهری و روستائی نیز نیازمندیم .

- از سفر تابستان گذشته هیئت دولت بدو ناحی جنوب تاکنون چه اقداماتی در جهت اجرای تصمیمات منجده در این سفر بعمل آمده است ؟

پیروز (استاندار بنادر سواحل خلیج فارس) : سفر هیئت دولت به بنادر و سواحل خلیج فارس که در روزهای سیار گرم و سوزان تابستان گذشته صورت گرفت بقصد آشنایی نزدیک با مسائل و مشکلات مردم این مناطق بود . این مسائل البته زیاد بوده و هست برخی از آنها که سریعاً و در محدوده فاسحل بود حل شد و برخی نیز مورد عمل قرار گرفت . در آنوقت رویهمرفته در مورد بیست و هفت بیست و هشت مورد تصمیم های سریع گرفته شد و من شخصا امیدوارم قسمت اعظم مسائل مردم این منطقه تا پایان سال جاری یا یکی حل شود و یا اجرای برنامه‌هایی برای حل آنها آغاز شود .

- وضع عشایر در ایلام و پشتکوه چگونه است ؟
 ناصح (فرماندار کل فرمانداریکل ایلام و پشتکوه) : از جمعیت دویست و یک هزار نفری ایلام و پشتکوه براساس آمار سال ۱۳۵۵ در حدود پنجاه هزار نفر عشایری هستند که به اقتضای زندگی دامروری خود و بافتنای فصل از نقطه‌ای به نقطه دیگر کوچ میکنند .

السه آبادانی و عمران سریع منطقه ایجاب میکند که تدریجاً این عده اسکان یابند و در این زمینه اقداماتی نیز شده است . اساس کار تشویق خود طوایف به خانه سازی است و در این راه هم از مسارکت خود آنان و هم از سرمایه‌گذاری بعضی خصوصی استفاده میشود . بایک برنامه دهساله امید میروند که بتوان این جمعیت را اسکان داد تا از مزایای زندگی مرفه‌تری بهره‌مند شوند .

مصاحبه وزیر دربار شاهساهی :
 ● وزیر دربار شاهساهی طی مصاحبه‌ای که با حضور نمایندگان مطبوعات و خبرگزاریهای داخلی و خارجی در وزارت دربار شاهساهی انجام گرفت آغاز انتشار مجموعه جهان ایران شناسی را اعلام داشت .

آقای امیر اسداله علم در این مصاحبه گفت : این مجموعه یک دائرةالمعارف از کلیه اطلاعات مربوط به آثار تمدن و فرهنگ ایران در سراسر جهان است که دوره کامل آن شامل ۲۰ جلدوسی هزار صفحه است و اکنون جلد اول آن در ۱۵۰۰ صفحه انتشار یافته است . آقای علم توضیح داد که در این دائرةالمعارف در مورد ۸۵ کشور بزرگ و کوچک جهان این اطلاعات گردآوری شده است .

تاریخچه مفصل روابط فرهنگی ایران با هر یک از کشورهای جهان فهرست کلیه کتابهایی که تاکنون در هر کشور به زبان ایران دربار شاهساهی رسیده فهرست کلیه ترجمه‌های آثار علم و ادب ایران به زبانهای مختلف مراکز مطالعات ایران‌شناسی در هر کشور با توضیح کامل مشخصات آنها ، مراکز تدریس زبان فارسی در هر کشور با شرح برنامه‌ها و استادان آنها ، کتب و اسناد خطی فارسی در سراسر جهان با فهرست های آنها ، آثار هنری و باستانی ایران در کشورهای مختلف با مشخصات آنها ، تشریفات خاور سسی و ایران ساسی در هر کشور ، کنگره‌ها و نمایشگاهها و یاد بوهای مربوط بایران در کشورهای مختلف معرفی

کلیه دانشمندان ایران شناس گذشته و حال با شرح کتاب و مقالات آنان درباره ایران .

وزیر دربار شاهساهی افزود : شاهنشاه آریامهر پس از آنکه ریاست عالی اتحادیه جهانی ایران شناسان را بر حسب استدعای نخستین کنکره جهانی ایران شناسی تقبل فرمودند بمنظور آنکه فعالیتهای و مطالعات عموم مراکز ایران شناسی جهان بایکدیگر و با مراکز علمی ایران هماهنگی پیدا کنند لازم دانستند قبل از هر چیز بندوبست مجموعه‌ای اقدام شود که در آن کلیه اطلاعات لازم در این باره گردآوری شده باشد و انجام وظیفه رابه آقای شجاع‌الدین شفا معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی و دبیرکل اتحادیه جهانی ایران شناسان که قبلاً دارای مطالعات و تحقیقات منند در این زمینه بود محول فرمودند .

اینک این مجموعه پس از گردآوری مدارک لازم که برای تهیه آنها چند هزار کتاب و نثریه مورد بررسی دقیق قرار گرفته و بیسی ازرده هزار مکانیه با مراکز فرهنگی و هنری مختلف جهان بعمل آمده آماده چاپ شده و اکنون نخستین جلد آن انتشار یافته است و جلد های بعد نیز بطور منظم منتشر خواهد شد .

شاید تذکر این نکته بی‌مورد نباشد که چنین اثری در این نوع تاکنون در هیچ کشور و بهیچ زبان دیگری تدوین شده است و این ابتکاری است که برای اولین بار بفرمان شاهنشاه بزرگ ما از جانب ایران انجام میگیرد . آقای علم افزود از اینکه سطح پژوهش علمی در ایران امروز یحیی رسیده است که بتواند چنین اثری ابتکاری و تحقیقی مهمی را بعدها دانشگاه و مرکز علمی دیگر جهان عرضه کند و ارزش آن مورد تأیید و احترام همه آنها قرار گیرد من نه فقط بعنوان وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس هیئت امنای کتابخانه پهلوی بلکه بعنوان یک ایرانی از این بابت احساس غرور میکنم و امیدوارم با توجه و سرپرستی عالییه همایونی در امر پیشرفتهای علمی و تحقیقی دوره کامل این دائرةالمعارف مرچه زودتر بصورت یک سند انکار ناپذیر از عظمت و اصالت فرهنگ چند هزار ساله ایران در دسترس مردم ایران و جهان قرار گیرد .

ایران میتواند تعداد بیشتری از جهانگردان را بسوی خود جذب کند

● آقای مک‌نامارا رئیس بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم در بابان اقامت خود در فرودگاه مهرآباد این اطلاعات را در مقابل خبرنگاران قرائت کرد : قبل از هر چیز لازم میدانم مراتب سپاسگزاری خود و همسر را از مراجع شاهنشاه و علیاحتراب شهبانو اعلام دارم از اینکه شاهنشاه ایران و همچنین آقای نخست وزیر و وزیران کابینه ایران قسمتی از وقت خود را صرف تشریح و بحث در اطراف نقشه های توسعه و آبادانی این کشور کردند عمیقاً سپاسگزارم . من از موفقیت هایی که تاکنون در راه توسعه اقتصادی ایران و تامین رفاه مردم این کشور بدست آمده و اساسی که برای پیشرفتهای بیسر بدست نسلهای آینده این مملکت فراهم شده عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفتم . یکی از هدف های اصلی من در این سفر بررسی این مطلب بود که بانک جهانی چگونه و تا چه حدی میتواند در بشر رسانیدن طرحهای توسعه ایران باین کشور کمک کند .

بانک بین‌المللی تاکنون در توسعه ایران نقشی ایفا کرده است لیکن من باین دارم که ما میتوانیم در سالهای آینده به اجرای طرحهای توسعه ایران کمکهای بیشتر و مؤثرتری بکنیم .

آنچه من مشاهده کرده‌ام امیدواری مرا به امکان اینکه بتوانیم میزان کمک و سرمایه گذاری خود را در این کشور بدو تا سه برابر برسانیم تأیید میکند .

دیدار من از ایران کوتاه بود ولی آنچه از کشور شما و رهبران آن دیدم برای درک این مطلب که ایران بخوبی در طریق توسعه سریع اقتصادی پیش میروند کافی بود ، افزایش سریع قدرت تولید کشاورزی کشور شما بخصوص برای من تکان‌دهنده بود . توسعه صنعتی شما و

کشورشناسیکه برای گسترش فعالیت محس خصوصی در این کشور بعمل میاید بنوبه خود قابل توجه است من و همکارانم در این سفر فرصت مذاکره با بسیاری از مسئولان امور آموزشی کشور شما را بدست آوردیم و با کمال خرسندی از پیشرفتهاییکه در کلیه سطوح آموزش از دانشگاهها گرفته تا سپاه دانش و امر پیکار با بیسوادی بدست آمده آگاه شدیم من امیدوارم این طریق معسر برردی که ایران برای استفاده از نیرو و آرمانهای جوانان و بکار انداختن آن در خدمات ملی پیدا کرده بهتر بجهانیان سنا شده شود و در نقاط دیگر جهان مورد سرمشق و عمل قرار بگیرد .

جنبه های گوناگون دیگری از طرحهای توسعه کشور شما نیز تحت تاثیر قرار داد که از آن جمله باید سیاست جمعیت یا تنظیم خانواده را نام ببرم همچنین باید مطلبی در باره جهانگردی بگویم .

پس از بازدید از تخت جمشید که شالوده تمدن مشترک ما بشمار میاید من معتقدم که ایران میتواند خون آهن ربا هر روز تعداد بیشتری از جهانگردان را ارسر تر جهان بسوی خود جذب کند .

من ایمان دارم که ایران با حفظ همه سکوه و عدالت تمدن باستانی و استفاده از مظاهر تمدن جدید هر روز به پیشرفتهای بیشتر و چشم‌گیرتری نائل خواهد آمد و بدنبال ترقیات امروز فرمای درخشان‌تری در پیش خواهد داشت . من بیش از پیش یقین دارم که بانک جهانی میتواند فعالیتهای خود را در این کشور گسترش دهد و شما را در رسیدن به اسده تابناک و نیل بهمه هدفهای اعلی حضرت شاهنشاه در طریق توسعه ملی یاری دهد .



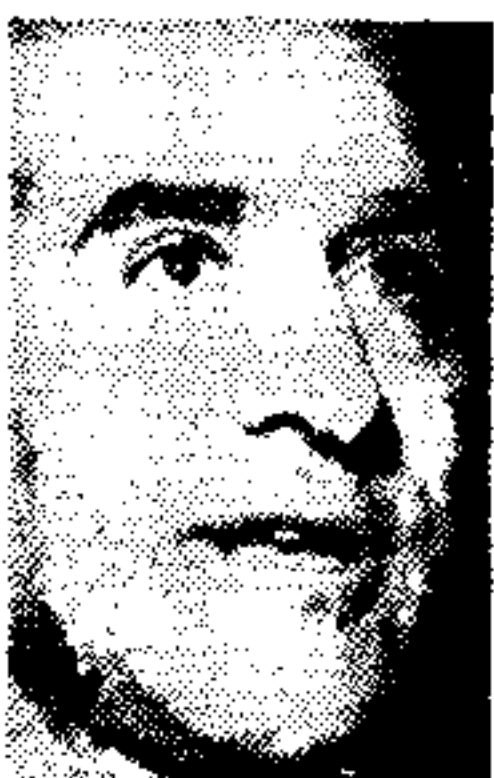
دکتر ضیاءالدین شادمان



فتح‌اله معتمدی



جلیل ناصح



مهندس تقی سرک



منوچهر جاوید



دکتر محمدسام



مهندس عبدالملی دهستانی



علی‌اصغر طاهری



باقر بیرنیا



دکتر مهراب فیروزیان



منوچهر پیروز

پای صحبت علی محمد حقشناس

سردبیر مجله پژوهش

مجله انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیا
ما اینجا دانشجویهای بسیار برجسته‌ای داریم
که در حد خودشان موفقیت‌های بسیار چشم‌گیری
داشته‌اند

وقتی از علم امکانات حرف می‌زنیم، افزونی
مشکلات را خودبخود متضمن است.

خواننده‌های ما بیشتر علاقه به نوع خاصی از
مطالب دارند که من نام (ادبیات اوقات فراغت) را
بر آن خیلی مناسب میدانم.

واقعا مشکل است در عین درس خواندن و
رسیدگی به گرفتاریهای دیگر ماهانه بطور مرتب
مجله بیرون دادن.

کارهای مطبوعاتی را باید دید و خیلی هم
دقیق و تیز یاد گرفت و شروع کرد. این روش
مستقیم‌تری است.

یکدسته دانشجو ما اینجا داریم که به هیچ
جلوه‌ای از نمودهای مختلف فعالیت‌های اجتماعی
توجه ندارند.

دانشجویان اینجا در مورد مسایل هنری بیشتر
خواننده‌اند تا سازنده و بحثها را فقط گوش می‌کنند
بجای شرکت در بحث.

مقدمه

پژوهش

ارگان رسمی انجمن دانشجویان ایرانی در
بریتانیا چند سالی است که به همت دانشجویان
ایرانی در لندن منتشر می‌شود. طبق سنت مطبوعات
اشکالات فراوانی دارد، بودجه ندارد، تشکیلات
ندارد. هیچ ندارد ولی هر شماره مرتب و
سروقت منتشر می‌شود. این نیست مگر همت‌جویان
ایرانی که حتی دور از وطن و خیلی هم دور،
رابطه معنوی‌اش را با زبان و ملیتش حفظ میکند.
این بار پای صحبت اینان نشستیم، باشد که فرصتی
دست دهد که پای صحبت دانشجویان ایرانی سایر
کشورها هم بنشینیم.

علی محمد حقشناس که اینک سردبیر مجله
پژوهش ارگان رسمی دانشجویان ایرانی در بریتانیا
است، در اردیبهشت ۱۳۶۹ در جهرم متولد شد.
تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در جهرم گذراند.
بعد از تحصیلات دبیرستانی وارد دانش‌سرای عالی
شد و دوره ادبیات فارسی را گذراند و بعنوان
دانشجوی رتبه اول دانشگاه به انگلستان اعزام
شد و اینک زبان شناسی می‌خواند و موضوع رساله‌اش
صداشناسی و فونوتیک و فونالوژی گویش رسمی فارسی
است.

تلاش - خوب، بیایم مثل معمول از اول شروع
کنیم. بطور شروع کردید والان در چه موقعیتی هستید؟
منظورم این است که کار با پژوهش را کی شروع کردید
و چطور.

حقشناس - قبل از اینکه خودم سردبیر پژوهش
شوم حدود دوسال با آقای خداپننده سردبیر پژوهش
همکاری داشتم. اصول مقدماتی بیرون آوردن يك مجله
را با این امکانات محدود از ایشان یاد گرفتم. البته
ناگفته نماند که دعوایی باهم داشتیم و گاهی اصطکاک
سلیقه‌هایی پیدا میشد و من تازه موقعی که سردبیر پژوهش
شدم، فهمیدم که او مقدار زیادی حق داشت. چون
میدانید، واقعا مشکل است در عین درس خواندن و
رسیدگی به گرفتاریهای دیگر، گرفتاریهایی که هردانشجویی
در اینجا دارد، ماهانه بطور مرتب مجله را بیرون بدهیم.
تلاش - در ایران هم آیا با مطبوعات همکاری
داشته‌اید؟

حقشناس - بله، قبل از اینکه به اینجا بیایم، با



آقای یمنائی همکاری میکردم و من از محضر ایشان
استفاده میکردم و میدیدم که چطور مجله را آماده میکند
و روش کارش چیست. این تجربه خیلی محدودی
بود. چون به نظر من این جور کارها را باید دید و خیلی
هم دقیق و تیز یاد گرفت و شروع کرد.

تلاش - در مرحله دوم بیایم و پژوهش را نگاه
کنیم. میدانید که در ایران اکنون يك موج خیلی تند
هنری، بخصوص در شعر، پدید آمده است. پژوهش
برای شناخت و شناساندن این موج چه کرده است؟

حقشناس - اینکه شما می‌گویید در جریان هنری
ایران قرار داشتن است. در مورد پژوهش این هنوز يك
ایده‌آل است ولی عملی نشده است. پژوهش در مرحله اول
تمام سئایش بر این بود که همه‌گونه مطالب و اخبار مربوط
به ایران را در اختیار دانشجوی ایرانی که در اینجاست،
بگذارد. بخاطر اینکه دانشجویی که اینجا درس می‌خواند
چندان بی‌خبر از محیط خودش نباشد و بداند که چه
می‌گذرد و بطور کلی چه خبر است.

وجود این موج را خود من دوست دارم که دنبال
کنم و کم و بیش هم دنبال میکنم. ولی برای شناساندن
این موجها چند راه وجود دارد. از طریق مطبوعاتی
که گاهی از ایران میرسد، مسافرینی که از تهران میرسند

و یا اینکه تماس‌های دایمی با تهران. تاحال از مطبوعات
استفاده نکردیم. برای اینکه دست دوم‌اند و تازگی
ندارند. از طریق تماس با تهران هم امکانات
محدود است. دانشجو هایی هم که داریم متأسفانه اگر
تمایلات ادبی داشته باشند فقط در حد مصرف کنندگان نه
سازنده و صاحب نظر، ولی گهگاه آنها هم که سازنده‌اند
کمتر همکاری میکنند.

در مورد مسافرینی که از تهران میرسند، کوشش
کرده‌ام که با هر هنرمند، شاعر نویسنده، نقاش
که به اینجا می‌آید، جلسه مصاحبه یا سخنرانی‌ای برگزار
کنم. همین چند وقت پیش يك سخنرانی در مورد شعر
ایران داشتیم که البته هدف سخنرانی نشان دادن عواملی
بود که موجب شد تحولات انقلابی این چنین در شعر فارسی
پیش بیاید. این سخنرانی شعر را در حقیقت بعنوان يك
پدیده اجتماعی بررسی کرده بود که متأسفانه هنوز چاپش
نکرده‌ایم. از میان مسافرین، آنها که یادم است، آقای
بهمن فرسی بود که درباره تاثیر صحبت کرد، آقای

ابوالحسن ورزی، نماینده شعر کلاسیک و ...
تلاش - در مورد امکانات مجله پژوهش و بازدهی که
دارد ... منظورم این است که از چه نیروی انسانی اعم
از آنها که بطرفی با شما همکاری میکنند و به شما کمک
میکند و یا گویند و نویسنده و غیره بهر حال امکانات
هنری ...

حقشناس - امکانات بسیار محدود و اشکالات بسیار
متعدد است. در مورد امکانات و نیروی انسانی کمک
کننده، باید بگویم که این یکی از مضیق‌های ماست چون
همانطور که گفتم دانشجویان بیشتر خواننده‌اند تا گوینده
و بحثهای ادبی را فقط گوش میکنند، بجای شرکت در
بحث ولی من به‌شخصه امیدوارم که در آینده خون
جدیدی در رگهای پژوهش بدود. البته این قولی است
که من به خودم داده‌ام و پشوانه‌ای هم ندارد ولی
این را من دارم در درون خودم حس میکنم.

تلاش - پژوهش ارگان رسمی انجمن دانشجویان
ایرانی در بریتانیا است، درست؟ خوب، برای دانشجویان
چه میکند؟ چه کرده است و چه میخواهد بکند؟

حقشناس - در صدد هستیم، فقط در صدد هستیم
که امکاناتی را که می‌شود در اینجا برای دانشجویان ایرانی
فراهم کرد افزایش دهیم ولی چطور؟ با چه امکاناتی؟
این قسمت هنوز عملی نشده است. ولی يك کاری کرده‌ایم
و آن این است که بخشی از مجله را به آگهی‌های
استخدامی که از ایران میرسد، اختصاص داده‌ایم. این
البته قدم خیلی بزرگی نیست بهر حال خودش هم چیزی
است.

يك موضوع که خیلی مهم است این است که بتوانیم
دوستان دانشجوی ایرانی را در اینجا تشویق کنیم که
در هر رشته‌ای که درس می‌خوانند و مطالب تازه‌ای که
طبقا به آن برمیخورند بصورت مقالاتی برایشان بفرستند.
این کار ضمن اینکه فرصتی برای دانشجویان خواهد بود که
قریحه آزمایی کنند، برای سایر خوانندگان هم فرصتی
خواهد بود که با تازه‌های علوم، علوم انسانی و ادبیات
و غیره آشنا می‌شوند. يك چیز دیگر! خواننده‌های
ما بیشتر علاقه به نوع خاصی از مطالب دارند که من نام
ادبیات اوقات فراغت را برای آن خیلی مناسب میدانم.
شعر و قصه و بیوگرافی و ... از طرف دیگر پژوهش در
مقابل انجمن دانشجویان هم مسؤولیتهایی دارد. انعکاس
اخبار، گزارش نمایشگاهها، خلاصه سخنرانی‌های
انجمن.

تلاش - برخوردتان با دانشجویان چگونه است و تا
چه حد در ایجاد ارتباط با آنها موفق بوده‌اید؟

حقشناس - راستش، دانشجویهای ایرانی در اینجا
مثل هر جای دیگر، در دو گروه قرار می‌گیرند. يك
گروه که بطور کلی به هیچ جلوه‌ای از نمودهای مختلف
فعالیت‌های اجتماعی توجه ندارند. من دوست دارم به این
گروه همان اسمی را بدهم که آلاحمد داد. نسل بی‌سر.
اینها متأسفانه نه تنها به پژوهش بلکه به هیچ موج اجتماعی
توجهی ندارند. من ضمنا دوست دارم بگویم که اگر
موسسه‌ای بوجود بیاید که بتواند این عده را از نیمه
راه رفته رفته به يك نمود، حتی يك نمود، از فعالیت‌های
اجتماعی علاقمند کند، بزرگترین خدمت را به جامعه
جوانان ایران کرده است. بدبختانه تعداد نسل بی‌سر رو
به افزایش است.

از گروه دوم که به فعالیت‌های اجتماعی علاقه نشان
میدهد و در اینگونه فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند
و به اصطلاح در کنار حیات خصوصی‌شان، حیات اجتماعی
هم دارند، دو دسته می‌توان مجزا کرد. اول گروهی که
با سیاست انجمن و مالا، پژوهش چندان موافقتی ندارند.
تعدادشان خیلی نیست ولی هرچه هستند موجودیت دارند.
اینها از ما انتقاد میکنند و حرفهایشان تا اندازه‌هایی هم
درست است، که ما از آنها استفاده می‌کنیم، تا اندازه‌ای
هم ایده‌آلی و کمی هم غرض‌آلود. البته بسیار خوب بود که
اگر می‌توانستیم با اینها کنار بیاییم.

دسته دوم از این گروه افرادی هستند که فعالیت
ما را می‌پذیرند، تشویق می‌کنند و همکاری و اگر لازم
باشد انتقادهای مثبت و اصولی و در حقیقت به همت اینهاست
که انجمن و پژوهش زنده‌اند. خوشبختانه اکثریت با

اینهاست.

تلاش - بگذارید در اینجا از هدفها حرف بزنیم
و بعد به مشکلات برسیم. چه هدفی دارید و یا به عبارت دیگر چه برنامه‌ای را دنبال می‌کنید و یا میخواهید دنبال کنید؟

حقیقتش - به بینید! ما اینجا دانشجویهای بسیار برجسته ایرانی داریم که در حد خودشان، و نه تنها در حد خودشان که عبارت صحیحی نیست، بلکه در مقام مقایسه با سایر دانشجویها، حتی دانشجویهای انگلیسی، موفقیت‌های بسیار چشمگیری داشته‌اند. من خیلی دلم میخواهد با این عده تماس بگیرم، معرفیشان کنم. چون فکر میکنم لازم است اینها معرفی شوند، پیروزیهایشان را به اطلاع خوانندگان پژوهش برسانم. و ببینم که چه می‌شود برای این استعدادهای درخشان کرد. از این طریق هم می‌توانیم هوش و قریحه‌اش را بستانیم و هم اینکه ببینیم چه مغزهای داریم. ولی متأسفانه نه بودجه‌اش را داریم و نه کسی را داریم که این کار را برای ما بکند.

هدف دیگری که همیشه داشته‌ام و به علت نداشتن همکار و بودجه نتوانستم دنبالش بروم جلب گروه زیادی از افراد غیرایرانی که سرگرم مطالعات مربوط به ایران هستند، خاورشناسان و جامعه‌شناسان و باستان‌شناسان که بعضا کارهایی هم در ایران کرده‌اند می‌باشد اینها گاهی اطلاعات وسیعی دارند و از این گذشته دید آنها از این نظر که دیدی بیگانه است، کاملاً تازه و جالب و آموزنده است. برای جلب نظر و همکاری این عده و متقابلاً کمک به آنها، لازم است که از آنها دعوت شود سخنرانی کنند، مقالاتی بنویسند، کسی باشد که در پیدا کردن منابع و مراجع کمکشان کند. به این ترتیب نه تنها مطالبی کاملاً جالب برای پژوهش فراهم آمده است، بلکه از طرفی دید یک بیگانه را نیز می‌توانیم ارزیابی کنیم. البته نه برای نمونه سازی، تنها برای ارزیابی و انتقاد و بهره برداری از این دیدها و بیشتر برای اینکه نشان دهیم دریافته‌ای اینان تاجه اندازه می‌تواند دریافته‌ای درستی از مملکت و فرهنگ ما باشد و تا چه حد نادرست و نادرستی‌ها را با انتقاد و راهنمایی تصحیح کنیم. همه اینها بخاطر نداشتن بودجه و همکار انجام شده است. موزه‌های اینجا اغلب نسخه‌های ارزشمند خطی فارسی دارند که تاکنون منتشر نشده است و غیر از اینها نمونه‌هایی از قدیمی‌ترین آثار هنر ایرانی در این موزه‌ها وجود دارند که کاملاً آمادگی برای نمونه برداری، مدل سازی و دیگر کارهای لازم را دارند من خودم به شخصه بایکی از موارد این چنینی برخورد کرده‌ام.

یک وقتی به یک انگلیسی درس فارسی میدادم که مامور شده بود بعنوان دیپلمات به ایران برود. از نواده‌های سرجان ملکم بود. یک شب مرا به شام دعوت کرد. ضمن پذیرائی مقداری اسناد و مدارک و کتابهای سرجان را نشان من داد. در میان اینها یک سری نامه‌های خصوصی‌ای که سرجان از ایران به زنش (بایکی از بستگانش، درست یادم نیست) نوشته بود، دیدم مطالب این نامه‌ها بخاطر خصوصیت دریافت کشته نامه‌ها (تصور میکنم زنش بود) خیلی رک پوست کنده و صریح بود. این نامه‌ها از نظر جامعه‌شناسی تاریخی بسیار ارزشمند است، خصوصاً که نویسنده آن هم سرجان ملکم باشد، و هم چنین مقدار زیادی سفرنامه‌های متعدد که انگلیسیها درباره ایران نوشته‌اند که بسیار جالب خواهد بود اگر درباره‌شان جستجو شود و بطریقی به دست ایرانیا برسند. می‌بینید، عملاً در این میان بخاطر نبودن امکانات موقعیتهای خیلی خوب از دست میرود.

تلاش - از مشکلات پژوهش بگویید...
وقتی از عدم امکانات حرف می‌زنیم، افزونی مشکلات را خود بخود متضمن است.

حقیقتش - مشکلات همیشه وجود دارند ولی این مشکلات همیشه وقتی یاد آدم می‌آید که در منزل راحت نشسته است نه وقتی که کسی هست و می‌تواند صدای آدم را بگوش چند نفر دیگر برساند. خیلی ساده بگویم، ما حتی توانایی خرید یک دوربین عکاسی نداریم. توانایی خرید ضبط صوت نداریم. افراد زیادی در خارج از لندن درس می‌خوانند که بسیار جالب خواهد بود اگر با آنها تماس

بگیریم و از آنها برای پژوهش مطلب و مصاحبه بخواهیم. قدرت مالی فعلی پژوهش اجازه اینکار را نمیدهد. دیگر اینکه اگر من می‌توانستم در تهران یکی را داشته باشم که بی‌غرض اخبار و جریانهای به‌درد بخور را برای من می‌فرستاد خیلی خوب بود.

تلاش - پژوهش هر چند یکبار درمیاید و تیراژ و قیمت آن چیست؟

حقیقتش - پژوهش ماهانه است و هر ماه یک شماره تا حالا پنج دوره درآمده است. دوره چهارم ۲۵ شماره بود. تیراژ آن بین ۸۰۰ تا هزار شماره است. در حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ شماره برای روابط مطبوعاتی و باقی برای مشترکین فرستاده خواهد شد. قیمت آن ۲ شلینگ است و آونمان سالانه ۲۴ شلینگ.

تلاش - به نویسندگان آیا حق‌التحریر هم میدهید؟
حقیقتش - نه بصورت حق‌التحریر بلکه بفراخور قدرت مالی مجله مبالغ بسیار کمی هدیه می‌کنیم. آنهم برای کسانی که تشخیص بدیم این پول کمکی خواهد بود.

تلاش - بسیار متشکرم آقای حقیقتش و امیدوارم همیشه موفق باشید و برنامه‌هایتان را هم به‌انجام برسانید.



نگاهی به برنامه‌های جشن فرهنگ و هنر نمایشگاهها

● در تهران هفده نمایشگاه در نقاط مختلف و با شرکت گروههای هنری و هنرمندان تشکیل گردید. این نمایشگاهها عبارت بودند از نمایشگاه آثار عتیقه، عکس از فعالیت‌های جدید موزه ایران باستان، مینیاتورهای استاد بهزاد، عکس از مظاهر فرهنگی، هنری و اجتماعی آذربایجان شرقی، آلات موسیقی، کتاب سال، کارهای هنری هنرجویان دانشکده هنرهای تزئینی، بافتهای دستی، نقاشی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای تهران، نقش برجسته، نقاشی کودکان پرورشگاهها، نقاشی هنرستان بهزاد، نقاشی گالری سپید، نقاشی هنرستان پسران، نقاشی آثار «عالی وندی»، اسلاید در ۲۳ آموزشگاه تهران، آثار «زنک»

در تالار رودکی

● در تالار رودکی در مدت برگزاری جشن ۱۴ برنامه مخصوص اجرا شد. این برنامه‌ها عبارت بودند از: کنسرت سمفونیک از آثار آهنگسازان ایرانی - استوار - مسعودیه - پژمان و ملک اصلانیان - رستمال آواز توسط لئو کامانکوزو - ژرژ بایاس و توران نیکجو - کنسرت موسیقی - ایرانی - بزم درویشان - رقصهای تربت جام

اپرای ریگولتو (در دو شب)
کنسرت موسیقی ایرانی - سهراب و گردآفرید
ارکستر مجلسی موزیچی از ایتالیا
رستمال پیانو توسط تمنوشکایانوا
باله رومئو ژولیت (در دو شب)
گروه کوارتت زهی - آثار هایدن - بتهوون - دورژاک - اول

شعر و آواز محلی (در دو شب)

اپرای توسکا از پوچینی

برنامه‌های تأثیر در تهران و شهرستانها

● این برنامه‌های تأثیری در مدت جشن فرهنگ و هنر در تهران و شهرستانها انجام شد:
گروه «تأثیر امروز» نمایشنامه پرواربندان نوشته دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) را به کارگردانی محمدعلی جعفری در شهرهای تبریز - رضائیه - سنندج - کرمانشاه - ملایر و همدان بروی صحنه آورد.
گروه دوم هنر ملی نمایشنامه سلطان مار نوشته بهرام بیضائی را به کارگردانی خود او در شهرهای قزوین - رشت - یابل - ساری - گرگان و مشهد به اجرا آورد.
گروه اول هنر ملی نمایشنامه «قصه طلسم حریر و ماهی گیر» را در شهرهای اهواز - مسجد سلیمان - آبادان - بوشهر و بندر عباس اجرا کرد.
نمایشنامه «مرد فرنگی» دایره زنگی نوشته پرویز کارداران به کارگردانی عباس مغفوریان در تالار ۲۵ شهریور بروی صحنه آورده شد.

برنامه‌های موسیقی و رقص محلی در تهران و شهرستانها:

● برنامه‌های موسیقی و رقص محلی در دو قسمت بدینترتیب اجرا شد:
اول دو گروه از هنرمندان موسیقی و رقصهای محلی،

۲۳ برنامه در شهرهای: مشهد - قوچان - یجنورد - گرگان - ساری - بادان - اهواز - مسجد سلیمان - رشت - قزوین - خرمشهر - بندر پهلوی و بابل اجرا کردند.

دوم: گروههای محلی ترکمن، بلوچ و قوچانی، با همکاری گروههای مرکز در نیمه اول آبانماه برنامه‌هایی در کاخ جوانان تهران اجرا نمودند.

موسیقی ملی

● در زمینه اجرای برنامه‌های موسیقی ملی این فعالیتها انجام یافت:

دو گروه از هنرمندان موسیقی ملی، ۲۵ برنامه در شهرهای همدان - کرمانشاه - کرمان - سنندج - مهاباد - رضائیه - تبریز - زاهدان - سیرجان - یزد - اصفهان و شیراز اجرا کردند.

هنرآموزان موسیقی برنامه‌هایی در آموزشگاههای نواحی مختلف فرهنگی تهران اجرا نمودند.

مسابقه

● یک مسابقه برای تعیین بهترین عکس میان هنرمندان سراسر کشور برگزار شد.

نمایش فیلم

● ۱۶ فیلم مستند هنری در سینماهای تهران و شهرستانها به نمایش درآمد. این فیلمها عبارت بودند از: مسجد شاه - مسجد جامع - دیدار - دختران سیاهی - اردوی بزرگ پیشاهنگی - نمایشگاه گوهرشناسی - نمایشگاه شیشه و سرامیک - نمایشگاه لباس عروسی - نمایشگاه نقاشی دختران - نمایشگاه کتاب - نمایشگاه نقاشی کودکان - نمایشگاه کمال‌الملک - بندرعباس و مهاباد

انتشارات و کتابها

● در مدت جشن فرهنگ و هنر ۱۳ کتاب و نشریه انتشار یافت که عبارت بودند از:

کتاب تاج و تخت - موسیقی عهد ساسانی و انتقال موسیقی از ایران به کشورهای دیگر - سهم ایران در تمدن جهان (بزرگان انگلیسی) - زیورهای زنان از قدیم تا عصر شاهنشاه آریامهر - کتاب شاه و مردم - ولیمهد ایران - تاریخ سفالگری در ایران (عهد سلجوقی) - سخنرانی‌های کنگره تاریخ - اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های شیراز و کازرون - نشریه فرهنگ در زبان و ادبیات ایران - نشریه هنر و جوانان

نمایشگاه در شهرستانها

● نمایشگاههایی که در شهرستانها برگزار شد عبارت بودند از:

نمایشگاه سرامیک در اهواز
نمایشگاه هنرهای محلی دستی در رضائیه - کرمانشاه - زاهدان
نمایشگاه عروسک در شیراز
نمایشگاه نمونه کتابهای چاپی ۲۸ سال اخیر در تبریز

نمایشگاه عکس از فعالیت‌های باستانشناسی سالهای اخیر در کلیه مراکز استانها
نمایشگاه عکس از تعمیرات آثار باستانی ایران در شهرهای اصفهان - شیراز - تبریز - یزد - کاشان - قزوین - کرمان - مشهد - ساری
نمایشگاه مردم شناسی مازندران در ساری
نمایشگاه مردم شناسی کرد در سنندج
نمایشگاه مردم شناسی فارس در شیراز

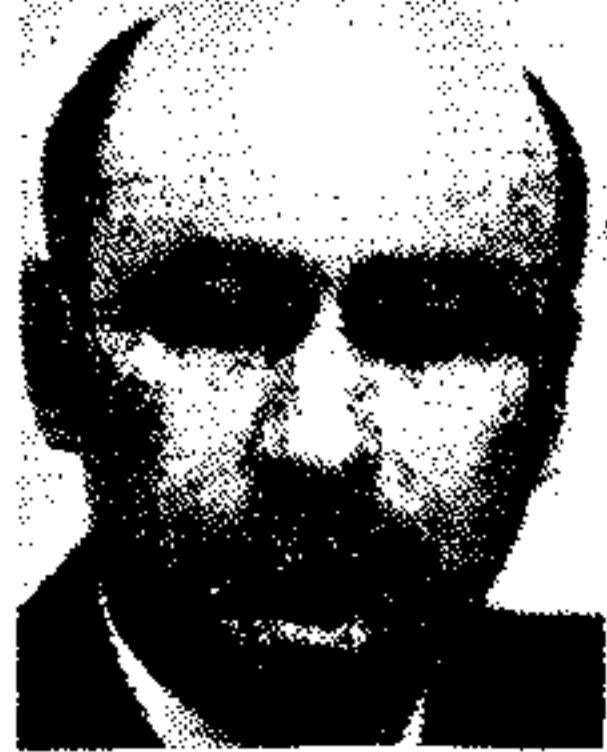
همکاریها

● وزارتخانه‌ها و موسسات مختلف در انجام و برگزاری جشن فرهنگ و هنر با وزارت فرهنگ و هنر همکاری نزدیکی داشتند این موسسات عبارت بودند از: وزارت آموزش و پرورش در برپا داشتن مراسم هفته کتاب در تهران و شهرستانها - اجرای سخنرانی و برنامه‌های هنری در تلویزیون‌ها - مراکز آموزشی و تشکیل نمایشگاه.

وزارت علوم و آموزش عالی در تشکیل نمایشگاهی از کارهای دانشجویان منتخب دانشگاهها و مدارس عالی کشور در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - اجرای یک برنامه هنری در مدرسه عالی دختران و تشکیل نمایشگاهی از کارهای دانشجویان مدرسه عالی دختران در محل مدرسه.

همچنین سازمان ملی پیشاهنگی ایران و سازمان جلب سیاحان با برپا داشتن چند نمایشگاه نقاشی - عکس و اسلاید - وزارت پست و تلگراف و تلفن با انتشار یک سری تمپر یادگاری - انجمن دانشجویان و بانوان با تشکیل و برگزاری نمایشگاه کارهای دستی و هنری، شب شعر و جلسه سخنرانی تلویزیونی ملی و رادیو ایران با پخش برنامه‌های مخصوص و رپرتاژ از برگزاری برنامه‌های جشن - کاخهای جوانان با تشکیل نمایشگاهها - برگزاری شبهای شعر و مجالس سخنرانی و دیگر موسسات خصوصی و گالریها - با شورای برگزاری جشن فرهنگ و هنر همکاری داشتند.

سخنرانی دکتر اعتماد در
نخستین جلسه سیمار فضایی
دانشگاه آریامهر



دکتر غلامعلی اعتماد گفت:
منابع نفتی ایران
بوسیله سفینه‌های فضایی
مشخص شده است

● سفینه‌های فضایی آمریکا
با تصاویر و فیلم‌هایی که
مطابق پروازهای مختلف خود
از زمین گرفته‌اند، بسیاری
از منابع زیرزمینی ایران را
کشف کرده‌اند.
آقای دکتر غلامعلی اعتماد
رئیس طرح‌های مخصوص پرواز

های فضایی موسسه راکول
آمریکا
در اولین جلسه سیمار
فضایی دانشگاه آریامهر
سخنرانی می‌کرد، پس از
اشاره به مطالب فوق گفت:
منابع زیرزمینی ایران که
توسط سفینه‌های «جمینی»
مشخص شده‌اند، غالباً در
کرانه‌های خلیج فارس و
بندر لنگه قرار دارند و
ساحتی بالغ بر ۲۲۵۰۰ کیلو
متر مربع را دربر گرفته‌اند.

دکتر اعتماد ضمن این سخنرانی،
عکس‌ها و اسلایدهایی را
که همراه داشت به نمایش
گذاشت و اضافه کرد که
سفینه‌های مختلف فضایی
آمریکا بوسیله عکسبرداری با
اشعه ماوراء بنفش، بسیاری
از منابع زیرزمینی ایران را
که احتمالاً نفتی است، مشخص
کرده‌اند. این عکس‌ها به
مقامات مربوطه در ایران،
تحويل میگردد تا در مطالعات
و اکتشافات آتی، متخصصان

ایرانی را یاری کند.
رئیس طرح‌های ویژه پرواز
آپولوهای ۱۱ و ۱۲ همچنین
اظهار داشت که مسیر حرکت
نوفان‌های شن که به سمت
کویر پیش می‌روند توسط
سفینه‌های فضایی آمریکا
نیز تعیین شده است.

برنامه‌ها آموزه‌ها

جگونگی برگزاری جشنهای
نشانگذاری ساختمانی ایران

● مجموعه نفیس و کاملی
از نقشه‌ها و همه جاذبه جامعه
ایران در طول یک تاریخ ۲۵۰۰
ساله فراهم و در «سپهر»
آریامهر، نگهداری خواهد
شد.

● این سالی غنیمت بهمن
منتهی در تهران احداث
میگردد و بنیادگاه جشنهای
دو هزار و سیصد و پنجاه
ساله ملی ایران به نام گنجینه
باقی میماند.

● هر حسن و عیوب تاریخی،
حرفه‌های علمی، فرهنگی،
هنری، اقتصادی و اجتماعی
هر استان و منطقه که در طول
این دوران جریان داشته در
همان منطقه به نمایش گذرانده
خواهند شد. اگر استان در اجرای
برنامه این جشن مشارکت از
آقایان قریب ارنیس کل
سرینت (ساعتی) و امیر
مسی (مدیرکل وزارت دربار
ساعتی) که مؤلفان امور
تاریخی و علمی را برعهده
دارند.

● بیست و سه استان اویسی
فرمانده زاهداری کل و
نیست سید سرخا فرمانده
ارتش سوم شاندی مسؤول
نظارت بر اجرای جشنها را
در سرای کور و سر نیست
سید آقاوالی نظارت بر
اجرای برنامه جشن دریافت
را عهددار خواهد بود.

انتقال کارخانه های تهران
به اراک و قزوین

● برای اعزام جمعیت
اضافی تهران و انتقال کارخانه
ها، شهرهای قزوین و اراک
در نظر گرفته شده است. نظر
کارشناس مربوطه اینست
که مراکز صنعتی و تجاری و حتی
ادارات از تهران به شهرستان
ها انتقال یابد، هم چنین در
نظر است که مراکز علمی

و دانشگاهی شهرستان ها
نیز توسعه یابد زیرا هجوم
گروه کثیری از جمعیت تهران
در سالهای اخیر مربوط به
جوانان محصل شهرستانی است
که برای تحصیل به تهران
آمده‌اند.

ایران ۲۵ درصد احتیاجات
نفتی آلمان را تامین میکند

● ایران و آلمان بروندی
مذاکراتی منتهی خود را از
سر میگیرند. اداره مملوینات
مسایع آلمان که این خبر را
انتشار داد اعلام نموده که هدف
آلمان غربی از مذاکراتی که
در این باره در جریان است
ایجاد یک همکاری مشترک
سامل اسخراج، حمل و نقل
و فروش از طریق جایگاههای
بترین در آلمان می‌باشد. در
سورتیکه این طرح عمل شود
۲۵ درصد ارمیزان احتیاجات
نفتی آلمان توسط ایران تامین
خواهد شد.

تربیت هر ساله ۷۵۰۰
تکسین برای کادر روساها

● در سال ۱۳۵۱ بعضی
از پایان برده چهارم عمرانی
کشور پس از سی هزار نفر
در حرفه های مورد نیاز
کشور مورد تعلیم قرار
خواهند گرفت.

در انجام این برنامه
هر سال ۷ هزار ۵۰۰ نفر
تکسین و افراد ماهر و نیمه
ماهر برای تمدی مشاغل نفتی
در سطح روستاها تربیت
میسوند. بدین منظور واحد
هنر آمی سی خاص به
فرستادهای روستائی تکسین
گردیده است که در آنها ۲۶
حرفه تازه تعلیم داده میشود
استیو تکنولوژی نفتی که در
سریز، اهواز و رسه دائر
سده به تربیت تکسین درجه
یک خواهند پرداخت و تکسین
های درجه دو در رسه های
مختلف نفتی روستائی که حد
فامیل بین تکسین و کارگر
است و به کارگران ماهر
رواحدهای آموزشی بسکفت
تحت تعلیم قرار خواهند
گرفت.

این طرح قرار است ابتدا در
واحدهای بزرگ روستائی که
دارای شرکت های سهامی زراعی
و تعاونی روستائی هستند به
مرحله اجرا درآید.

صنعت کاغذ سازی در ایران
● تا آخر سال ۱۹۷۰

طرح مذکور در سال
گذشته در ۳۵ هزار هکتار
بوقع اجرا گذاشته شد و
سرای این منظور از بسدر
اصلاح شده مکتربیکی استفاده
گردید.

این طرح اعمال در سطح یکصد
هزار هکتار مورد عمل قرار
خواهد گرفت و با توجه به نتیجه
بازده کشت این محصول
پیش بینی میشود که تولید
گندم مکتربیکی امسال به ۸۰
هزار تن برسد.

هفتاد و بیست خانه فرهنگ
روستائی

● مقدمات تشکیل هفتاد
و نهمین خانه فرهنگ روستائی
در روستای «سیده» واقع
در خوزستان فراهم
شده است. خانه
فرهنگ روستائی تازه بسا
کمک موسسات کشاورزی و
خود یاری مردم در ۱۵ هزار
متر مربع و با هزینه ای بالغ
بر یکصد و چهل و سه هزار
ریال ساجد میشود.

شرکت ایران در نمایشگاه
«اوزاکا»

● ایران، ترکیه و
پاکستان غرفه واحدی در
نمایشگاه بین المللی «اوزاکا»
در نیب خواهند داد.
این نمایشگاه برای نمایان
فرهنگ و هنر و بینر فتهای
اقتصادی و اجتماعی کشور
ها در اواخر اسفندماه امسال
در شهر اوزاکای ژاپن
گشای می‌یابد و در آن بیش
از هفتاد کشور جهان شرکت
خواهند داشت. «اتوبوس روان»
رئیس مدیرعامل شرکت سهامی
نمایشگاههای ایران بهمن
کبیر در این نمایشگاه تعبیه
شده است.

طرحهای ایستای
ناجسبات و سازمانیا

● برای ایجاد هماهنگی
دوفورم ساختمان و نیز ایجاد
تجهیزات ایستای در ناجسبات
و سازمانهای مختلف کشور
برنامه هایی در دست بررسی
است.

وزارت کشور که مسؤول
انجام این طرح شده است در
بایان کار کمیته ای که با
شرکت نمایندگان شرکت ملی
نفت ایران، شهرتاسی و
زانداری کل کشور، وزارت
کشور، وزارت آبادانی مسکن،
هواپیمائی ملی ایران،

انتصابات

فرمانداران جدید

● در وزارت کشور
انتصابات تازه ای صورت گرفت.
بر اساس این انتصابات معاون
تأزمای برای استانداری کرمان
و نیز فرمانداران جدید
کانتان، بهیر، امر، کرج،
ساوه، بوشهر، میانه، همدان،
خاخال، خارک، هنرود تعیین
شدند.

در وزارت آموزش و

پرورش
● این انتصابات در وزارت
آموزش و پرورش عمل آمد.
حاج «هما مجیدی آهی»
به سمت مدیرکل «دفتر کودکان»
استثنائی آقای «محمد حبیب»
نظام زاری» به سمت مدیرکل
تربیت دبیران «حاج رحیمی»
به سمت ریاست اداره آموزش
و پرورش در گنرو «سید
محمودسان» به سمت ریاست
آموزش و پرورش در گلستان

تغییرات تازه در بانک ملی

● آقای «محمود رئیس»
معاون بانک ملی ایران به سمت
قائم مقام این بانک منصوب
شد این انتصاب به پیشنهاد مدیر
کل بانک ملی و تصویب هیئت
ورسیران صورت گرفت.
آقایان «احسان علانی» و
«مهدی لشکری» نیز معاون
بانک ملی معرفی گردیدند.

استاندار کرمانشاهان

● آقای «حسن زاهدی»
روز سوم ابانماه در فرودگاه
مهرآباد به حضور شاهنشاه
آریامهر شرفیاب شد و آقای
«جواد شهرستانی» شهردار
سابق تهران را بعنوان استاندار
استان کرمانشاهان به حضور
معظم له معرفی نمود.

اصلاحات ارضی

کنتک علیاحضر شهبانو

● از طرف علیاحضر
شهبانو حکمی بمبلغ یک میلیون
و ۹۰۰ هزار ریال در اختیار
وزارت اصلاحات ارضی بر
تعاون روستائی گذارده شد.
وجوه این چک به مصرف
تعالیهی کشاورزی و امور
اجتماعی شرکت تعاونی
روستائی دهکده «اوستاد»
واقع در منطقه زلزله
خراسان خواهد رسید.
وزارت اصلاحات ارضی اعلام
داشت که از اعتبارات این
مبلغ برای تشکیل خانه فرهنگ
روستائی، خرید وسایل و
ماشین های کشاورزی و همچنین
آب مورد نیاز زارعیین سده
شرکت تعاونی روستای مذکور
استاده خواهد شد.



تابلو مینیاتوری از استاد بهزاد مرحوم

آثار قدیم و جدید در موزه جدید ایران باستان

سازهای ایرانی در نمایشگاه فرهنگ و هنر

توری از استاد بهزاد

